

# سیرہ ہی اجتماعی حضرت فاطمہ (س)

محمد حواد برہانی

الله الرحمن الرحيم





## فهرست مطالب

5.....	فهرست مطالب
17.....	مقدمه
25.....	فصل اول:
25.....	کلیات
27.....	مقدمه
27.....	رابطه بین فرهنگ و رفتار اجتماعی
28.....	عناصر ارتباط اجتماعی در فضای حقیقی و مجازی
29.....	فضایل اخلاقی به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی
30.....	اهمیت سیره‌ی اجتماعی حضرت زهرا (س)
31.....	سفارش حضرت فاطمه(س) در برقرار کردن روابط اجتماعی
32.....	گونه‌های ارتباط انسانی
35.....	تعریف مفاهیم
35.....	تعریف سیره
35.....	سیره‌ی اجتماعی
36.....	دسته‌بندی عوامل مؤثر در روابط اجتماعی
37.....	فصل دوم:
37.....	روابط اجتماعی در گفتار
37.....	و
37.....	رفتار حضرت زهرا(س)
39.....	مقدمه

- 39..... نقش سلام در ایجاد روابط اجتماعی
- 40..... آداب سلام
- 40..... سبقت‌گیری در سلام‌کردن
- 41..... سلام خدا و فرشتگان بر حضرت فاطمه (س)
- 41..... سلام خداوند (ج) توسط جبرئیل (ع) به فاطمه (س)
- 42..... سلام خداوند توسط پیامبرش به فاطمه هنگام تولد امام حسین
- 43..... سلام جبرئیل و عزرائیل (ع) به فاطمه (س)
- 43..... سلام دختر و پدر به همدیگر
- 43..... سلام حضرت فاطمه (س) بر پیامبر (ص)
- 44..... نمونه‌ی دیگر از سلام فاطمه (س) و جواب پیامبر (ص)
- 45..... سلام حضرت پیامبر (ص) بر حضرت زهرا (س)
- 47..... سلام زن و شوهر و سایر اعضای خانواده در حدیث کساء
- 48..... سلام فاطمه (س) به فرزندان
- 48..... سلام مرد بر زن جوان و نامحرم
- 49..... سلام پیرمرد و درخواست کمک از حضرت زهرا (س)
- 51..... چند یادآوری در مورد سلام
- 51..... نقش گشاده‌رویی در روابط اجتماعی
- 52..... شاخص‌های گشاده‌رویی
- 53..... چند یادآوری در مورد گشاده‌رویی
- 53..... نقش آراستگی در روابط اجتماعی
- 55..... شاخص‌های آراستگی
- 55..... زیبایی و حسن چهره
- 56..... لباس پاکیزه و مرتب پوشیدن
- 56..... لباس مخصوص برای نماز و برای کار
- 57..... استفاده‌ی حضرت فاطمه (س) از بوی خوش
- 57..... خریدن عطر برای عروسی حضرت فاطمه (س)
- 58..... تهیه عطر مخصوص برای شب عروسی
- 58..... تشویق به پاکیزگی
- 59..... سزای ناپاکان در قیامت
- 60..... نکات قابل یادآوری
- 60..... نقش شکرگزاری و قدردانی در روابط اجتماعی

- 61..... شاخص‌های شکرگزاری و قدردانی  
شکرگزاری از خداوند در سخنرانی حضرت زهرا در مسجد مدینه
- 62.....
- 62..... شکرگزاری زهرا(س) در هنگام مشکلات
- 63..... یاری خواستن بر شکرگزاری
- 64..... رعایت انصاف با دیگران
- 65..... شاخص‌های انصاف
- 66..... انصاف حضرت فاطمه(س) با خدمت‌گزار
- 67..... نقش ایثار و از خودگذشتگی در روابط اجتماعی
- 67..... شاخص‌ها و معنای ایثار
- 68..... از خود گذشتگی و ایثارگری در برآوردن نیاز دیگران
- 70..... ایثار حضرت زهرا(س) برای مهمان
- 71..... ایثار برای پدر
- 72..... ایثار در مقابل همسر
- 72..... ایثار فاطمه(س) برای عرب تازه مسلمان
- 74..... بیان ایثار حضرت فاطمه(س) در قالب شعر
- 75..... نمونه‌ی دیگر از فداکاری و ایثار حضرت فاطمه (س)
- 75..... کمک و بخشش
- 76..... شاخص‌های بخشش و کمک
- 76..... بخشش و کمکی که مورد تحسین پدر شد
- 77..... نقش اخلاص در روابط اجتماعی
- 78..... معنی و شاخص‌های اخلاص
- 79..... اخلاص حضرت زهرا (س)
- 80..... اخلاص، خواسته‌ی حضرت زهرا(س) از خداوند (ج)
- 81..... نقش صداقت در استحکام روابط اجتماعی
- 82..... معنی و شاخص‌های صداقت
- 82..... صداقت در آیات قرآن
- 83..... صداقت حضرت زهرا (س)
- 85..... صفت صدیقه در زیارت‌نامه‌های حضرت زهرا (س)
- 86..... نقش تعاون و دیگر یاری در روابط اجتماعی
- 87..... شاخص‌های تعاون



- 87..... تعاون و همکاری در خانه
- 87..... کمک به دیگران در قالب انفاق
- 88..... انفاق مورد پسند حضرت زهرا (س)
- 88..... همکاری علمی حضرت زهرا(س) و پاداش بهشتی
- 90..... مشارکت در غم و شادی مردم
- 91..... نقش مهربانی و شفقت در روابط اجتماعی
- 92..... نقش صبر در استحکام روابط اجتماعی
- 92..... شاخص‌ها و معنای صبر
- 92..... صبر در روابط اجتماعی
- 93..... ویژگی صابران در مناسبات اجتماعی بر اساس آیات قرآن
- 96..... صبر، سفارش پیامبر(ص) به فاطمه (س)
- 96..... صبر، پیام علی(ع) به فاطمه(س)
- 97..... توصیه‌ی خود به صبر جمیل
- 97..... صبر، سفارش فاطمه(س) به علی (ع)
- 98..... صبر بر مشکلات زندگی
- 99..... نقش حوصله‌مندی در استحکام روابط اجتماعی
- 101..... نقش عفو و گذشت در روابط اجتماعی
- 102..... درخواست عفو در تعقیب نماز عصر
- 103..... نقش قناعت در روابط اجتماعی
- 103..... اعتدال و میانه‌روی
- 105..... کار خیر و خیرخواهی
- 105..... انسان خیر و خیرخواه محبوب خداوند
- 106..... دریادلی و طلب آمرزش برای گناهکاران
- 107..... دل‌گرمی‌دادن
- 107..... تعریف و شاخص‌های دل‌گرمی‌دادن
- 108..... حضرت فاطمه(س) و دل‌گرمی‌دادن به اطرافیان
- 110..... فصل سوم:**
- 110..... سیره‌ی خانوادگی حضرت زهرا (س)**
- 111..... مقدمه
- 112..... تعریف خانواده



- 115..... نهاد خانواده  
نگاهی به خانواده‌ی پیامبر (ص)؛ محل تربیت حضرت فاطمه (س)
- 115.....
- 120..... اخلاق خانوادگی حضرت زهرا (س)
- 121..... جایگاه دختر در نهاد خانواده
- 122..... خیر مقدم گفتن پیامبر (ص) به دخترش فاطمه (س)
- 122..... به احترام فاطمه (س) به‌پا خاستن
- 122..... بوسیدن دست فاطمه (س) توسط پدر
- 123..... جای خالی کردن پیامبر (ص) به دخترش فاطمه (س)  
پیامبر (ص) آن‌قدر به دخترش احترام داشت که وی را در جای  
خودش می‌نشاند
- 123..... خواستگاری
- 125..... شیوه‌ی خواستگاری حضرت علی (ع) از فاطمه (س)
- 128..... مشورت پیامبر (ص) با فاطمه (س) در امر خواستگاری
- 130..... صحبت در مورد هزینه‌ی ازدواج
- 131..... خواندن عقد ازدواج علی (ع) و فاطمه 3 در آسمان
- 132..... عقد ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) در زمین
- 133..... پانصد درهم مهریه‌ی حضرت فاطمه
- 134..... اعلان مراسم ازدواج
- 135..... سخنرانی علی (ع) به مناسبت خواستگاری حضرت فاطمه
- 136..... تبریک گفتن مسلمانان به ازدواج علی (ع) و فاطمه (س)
- 137..... خوشنودی فاطمه (س) از ازدواج با علی (ع)
- 137..... دف زدن زنان در مراسم عروسی فاطمه (س)
- 137..... تهیه و خرید جهاز عروسی
- 138..... خرید خوشبوکننده و لوازم آرایشی
- 139..... مدت زمان نامزدی
- 140..... نقش عقیل در تدارک ازدواج
- 141..... جلسهی زنان پیامبر (ص) در مورد مراسم عروسی فاطمه (س)
- 143..... آرایش عروس
- 144..... لباس عروس
- 144..... پوشیده‌بودن صورت عروس



- 145..... تدارک ولیمهی عروسی
- 147..... غذای باقیمانده‌ی ولیمه
- 147..... عروس، سوار بر اسب شهباء
- 148..... **شادی و شعرخوانی در عروسی**
- 149..... دعای خیر پدر زن برای عروس و داماد
- 151..... زندگی در خانه‌ی اجاره‌ای
- 152..... شب عروسی حضرت فاطمه (س)
- 153..... شادمانی و شعرخوانی حضرت فاطمه(س) در شب عروسی
- 154..... حضور پیامبر(ص) در خانه‌ی علی(ع) بعد از چهار روز
- 155..... مراسم آب‌نوشی و آب‌پاشی و دعا
- 156..... دعای پیامبر(ص) برای فاطمه(س) و علی(ع) بعد از عروسی
- 156..... پرسیدن از دختر در مورد همسرش
- 158..... رابطه بین زن و شوهر
- 158..... ستودن همسر نزد پدر (بهترین شوهر)
- 159..... تفاهم در زندگی مشترک
- 159..... دفاع از شوهر
- 160..... تهدید به نفرین برای دفاع از شوهر
- 161..... نمونه‌ی از فرمانبرداری حضرت فاطمه(س) از شوهر
- 162..... امرت مطاع یابن عم
- 163..... فاطمه(س) همسر فرمانبردار
- 163..... فاطمه(س) شفیع زن فرمانبردار از شوهر
- 164..... ناراحت نکردن شوهر
- 164..... هماهنگی با شوهر
- 165..... ابراز عشق و علاقه به شوهر
- 165..... وفادار به شوهر
- 166..... اعلان وفاداری در وصیتنامه
- 166..... تقسیم کار در خانواده
- 167..... کار طاقتفرسای فاطمه(س) در خانه
- 169..... بافتن و وصله‌زدن لباس و کفش برای فرزندان
- 170..... آسیابکردن، خمیرکردن، نانپختن
- 170..... دیگرکردن

- 171..... ایثارگری در برابر شوهر
- 172..... چیزی از همسر نخواستن
- 173..... سازش زهرا(س) با مشکلات مالی علی (ع)
- 173..... فقر و گرسنگی
- 174..... سزای آزار دادن شوهر
- 175..... کمک به همسر
- 175..... پاداش کمک به همسر
- 179..... اعتراض و استغفار حضرت فاطمه (س)
- 180..... اعتراف همیشگی به فضائل همسرش علی
- 180..... نگران شوهر بودن حتی در دم مرگ
- 181..... تکهمسری
- 182..... توجه به همسر
- 183..... خرید هدیه برای همسر
- 184..... عشق علی(ع) به زهرا (س)
- 185..... شعر علی(ع) گواه روشن بر عشق به زهرا (س)
- 186..... رضایت کامل علی(ع) از زهرا (س)
- 186..... اوج رضایت علی(ع) از فاطمه (س)
- 187..... علی (ع) و فاطمه(س) بهترین زن و شوهر
- 187..... عذرخواهی فاطمه(س) از علی (ع)
- 189..... رفتار حضرت زهرا(س) با امیرالمؤمنین(ع)
- 189..... صداقت
- 191..... اجتناب از هر گونه خیانت
- 192..... زهرا(س) روایتگر صفات شایسته‌ی همسرش
- 193..... علی (ع) یاور و فرمان‌بردار پدرم
- 193..... علی(ع) شیر بیشه‌ها و فاتح نبردها
- 194..... علی(ع) پرتلاش و مقاوم
- 194..... علی(ع) نسخه‌ی دوم پدرم رسول‌الله
- 194..... علی(ع) سرور اولیاءالله
- 195..... علی(ع) دارای همت والا و خیرخواهی
- 195..... علی(ع) انسان پرتلاش



195	.....	ماجرای هدیه‌ی علی(ع) به همسر و واکنش پیامبر(ص) در برابر آن
198	.....	وصیت در مورد فرزندان
198	.....	سفرارش به ازدواج با امامه به خاطر مهریانش با فرزندان
200	.....	برنامه‌ی زندگی حضرت فاطمه(س)
200	.....	آموزش به زنان و پاسخ به سؤالات آن‌ها
203	.....	شادی و تفریح
205	.....	خندیدن حضرت فاطمه(س) و علی(ع)
206	.....	کنار چشمه رفتن
207	.....	تفریح در صحرا
207	.....	شریک شادیهای دیگران
208	.....	هر هفته به زیارت قبور شهدا رفتن
208	.....	رفتن برای مشاهده‌ی قربانی
209	.....	مشاهده‌ی کشتیگیری فرزندان
210	.....	بازی با کودکان
211	.....	اصول حاکم بر روابط بین فرزندان و والدین
212	.....	شاخص‌های نیکی به والدین
212	.....	احسان
213	.....	سخن نیکو و نرم گفتن
213	.....	تواضع
214	.....	دعا در حق پدر و مادر
214	.....	سپاس‌گزاری از والدین
215	.....	فلسفه‌ی نیکی به والدین
215	.....	شهادت به رسالت پدر
216	.....	درود و سلام فرستادن بر پدر
216	.....	تمجید از پدر
217	.....	افتخار به تبار رسالت (هویت شخصی)
217	.....	بیان فضائل پدر(مردمی، دلسوز، مهربان)
217	.....	احترام حضرت زهرا(س) به پدر
219	.....	احترام به قبر پدر
220	.....	حمایت از پدر

- 221..... تشویق دیگران به حمایت پدر
- 222..... حس بیپیری؛ حس تنهایی
- 223..... عظمت در کنار پدر
- 224..... گریهی زهرا(س) در فراق پدر
- 225..... سرودن و خواندن شعر در سوگ پدر
- 226..... مخته و عزاداری برای پدر
- 226..... دلداری به مادر
- 227..... بیان مقام مادر
- 228..... بینایی در سوگ مادر
- 228..... رفتار و رابطه‌ی والدین با فرزندان
- 229..... مهمترین اصول تربیتی
- 229..... اصول برقراری ارتباط سالم با فرزندان
- 230..... اصول تربیتی فرزندان
- 231..... خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد
- 232..... روغنمالی کردن سر نوزاد با روغن بنفشه
- 232..... شیرین کردن دهان نوزاد (تحنیک یا کام برداشتن)
- 232..... شیرین کردن دهن نوزاد با خرما
- 233..... نام نیکو گذاشتن
- 234..... نام‌گذاری امام حسن(ع)
- 235..... نام‌گذاری حضرت زینب(س)
- 235..... تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن
- 236..... ختنه کردن پسران
- 237..... مراقبت از کودکان
- 238..... مراقبت فاطمه(س) از حسنین(ع)
- 238..... تعلیم و تربیت نیکو
- 241..... بازی مادر با حسن و حسین(ع)
- 242..... احترام به کودکان و فرزندان
- 242..... شاخص‌های احترام به فرزند و کودکان
- 242..... تبعیض نگذاشتن بین کودکان
- 242..... نکوهش تبعیض قائل شدن بین فرزندان
- 243..... آفات و کارکردهای منفی تبعیض



- 243..... الف) ایجاد کینه
- 244..... ب) حسادت
- 244..... ج) ایجاد بدبینی به والدین
- 244..... برتری ندادن یکی از فرزندان بر دیگری
- 246..... درس‌هایی از این داستان
- 247..... نکته‌ی مهم
- 249..... فصل چهارم:**
- 249..... رفتار حضرت فاطمه(س) با خویشاوندان و همسایگان**
- 251..... مقدمه
- 251..... اصول حاکم بر روابط بین همسایگان
- 253..... اذیت نکردن همسایه؛ مکتوب در صحیفه‌ی زهرا (س)
- 254..... دعا برای همسایه
- 255..... همکاری با همسایه (تهیه‌ی آب برای همسایه‌ی ناتوان)
- 255..... تهیه‌ی آرد برای همسایگان فقیر
- 256..... اطعام همسایه
- 257..... فرستادن آبگوشت برای همسایه‌ها
- 258..... رابطه‌ی حسنه و نیکی با همسایه‌ی غیر مسلمان
- 259..... شرکت حضرت فاطمه(س) در مراسم عروسی همسایه‌ی یهودی
- 260..... شبکه‌ی خویشاوندی؛ صله‌ی رحم یا پیوند با خویشاوندان
- 260..... تعریف و مصادیق خویشاوندان
- 261..... سلسله مراتب پیوند خویشاوندان (ارحام)
- 261..... صله‌ی رحم حضرت زهرا(س)
- 263..... کارکردهای صله‌ی رحم
- 265..... فصل پنجم:**
- 265..... آسیب‌شناسی روابط اجتماعی**
- 267..... مقدمه
- بخش اول: گروه‌های که نباید با آنها رابطه برقرار کرد (گروه‌های
- 268..... منحرف و کجرو)
- 268..... الف) گروه منحرفان دینی (اهل باطل، مشرکین و کفار)

269.....	ب) ستمکاران
269.....	ج) مکاران، حيله‌گران و فريب‌کاران
270.....	د) فاسقان
271.....	بخش دوم: عوامل قطع روابط اجتماعى
272.....	الف) تهمت زدن (برچسب زدن)
274.....	ب) بداخلاقى
274.....	ج) تکبر و خودخواهى
275.....	عبادت و نماز راه بيرون رفت از تکبر
275.....	د) حسادت
276.....	حسودان به صورت سگ محشور مى‌شود
277.....	هـ) سخن‌چينى
277.....	سخن‌چين و دروغ‌گو با بدن مسخ شده در قيامت
278.....	و) بى‌حيابى و بخل
279.....	ز) بددهنى و بى‌حيابى
279.....	ح) گدايى
<b>283.....</b>	<b>فصل ششم:</b>
<b>283.....</b>	<b>حجاب و عفاف</b>
<b>283.....</b>	<b>در سيره‌ى حضرت زهرا(س)</b>
285.....	مقدمه
287.....	پاکدامنى يکى از ويژگى‌هاى مؤمن
287.....	عفت در گفتار
288.....	عفت در نگاه
289.....	نيکويى براى زنان از نظر حضرت زهرا (س)
290.....	عفت در پوشش
291.....	اهميت دادن حضرت فاطمه(س) به حجاب
292.....	حجاب حضرت زهرا(س) حتى براى نابينايان
293.....	نگران حجاب و عفاف بعد از مرگ
294.....	حجاب در بيرون از خانه
295.....	نزديک‌ترين لحظه‌ى زن به خدا وقتى است که زن در خانه باشد
295.....	حجاب حضرت فاطمه(س) در نماز



- 300..... حجاب و حیای حضرت فاطمه(س)
- 302..... حجاب ساده اما کامل
- 303..... اجتناب از جلب توجه
- 304..... آرایش برای نامحرمان
- 305..... بدحجاب‌ها
- 306..... یادآوری پایانی
- 307..... خطبه فدکیه نمونه‌ی از سخنرانی حضرت زهرا
- 308..... شان نزول خطبه
- 309..... آغاز خطبه با حمد الهی
- 310..... شهادت به وحدانیت خداوند
- 311..... شهادت به رسالت پیامبر
- 312..... اهمیت قرآن و فلسفه تشریح احکام
- 313..... معرفی نسب و جایگاه خود
- 314..... غصب خلافت
- 315..... غصب حق من
- 316..... درخواست کمک از انصار برای گرفتن فدک
- 317..... اتمام حجت با مسلمانان
- 318..... احتجاج روایی خلیفه
- 319..... پاسخ قرآنی حضرت زهرا
- 320..... اعتراف خلیفه به حقانیت سخن حضرت زهرا
- 321..... سخن پایانی حضرت زهرا با مردم
- 322..... فرجام سخن دل‌دردی با حضرت خاتم
- 323..... فهرست منابع



## مقدمه

1. از آن جا که انسان موجود اجتماعی است، در یک کنش اجتماعی مداوم قرار دارد. انسان در فرایند کنش اجتماعی، خود نیازهای خود را برآورده می‌سازد.
2. شخصیت انسان در جامعه و در محیط خانواده، گروه همسالان، مدرسه، مسجد، در تعامل با همسایگان و از طریق رسانه‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... شکل می‌گیرد. انسان از محیط اجتماعی خود هنجارهایی پذیرفته و قاعده‌های شایسته‌ی رفتار اجتماعی را یاد می‌گیرد، آن‌گاه با توجه به هنجارهای که یادگرفته است در موقعیت‌های مناسب، نقش‌ها و کنش‌های مناسب را انجام می‌دهد.
3. با توجه به بند یک و دو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که استعدادها و توانایی‌های انسان می‌تواند در جامعه شکوفا شود. شکوفایی استعدادها در جامعه مرهون روابط سالم و همکاری درست، میان اعضای جامعه است.
4. تردیدی نیست که روزانه با افراد گوناگونی در موقعیت‌ها و منزلت‌های متفاوت ارتباط داریم و از ما انتظار می‌رود در هر جا متناسب با موقعیت و منزلت خود و فرد مقابل، نقش مناسبی ایفا کنیم؛ در خانه در مقام یکی از اعضای خانواده، در اتوبوس به عنوان یک مسافر و در کلاس درس در جایگاه شاگرد یا استاد، و ... باید رفتار مناسب با شرایط و موقعیت داشته باشیم. روشن است که رفتار و گفتار انسان در مجلس



عزا کاملاً متفاوت از مجلس شادی و خوشی است و انسان‌ها این کنش‌های متفاوت را از جامعه یاد می‌گیرند، در همان‌جا تمرین می‌کنند و به نسل بعد خود منتقل می‌سازند.

5. از سوی دیگر، حقوق ما در برابر همه‌ی افراد جامعه مساوی نیست؛ زیرا ارتباط افراد جامعه با همدیگر و پیوند زندگی آنان در یک سطح نیست. کسانی هستند که زندگی‌شان در تمام شبانه روز با یک‌دیگر پیوند خورده است؛ مانند: زن و شوهر، و کسانی در جامعه هستند که ارتباط‌شان در این حد نیست؛ مانند دوستان و همسایگان که گاهی باهم ارتباط دارند. این تفاوت ارتباطات و دوری و نزدیکی افراد، زمینه‌ی دیگری برای شکل‌گیری حقوق و تکالیف اجتماعی است.

6. بنابراین، یکی از معیارهای اختلاف حقوق و تکالیف، همین اختلاف ارتباطات اجتماعی است که به صورت یک اصل در اخلاق اسلامی و روابط اجتماعی مطرح است؛ حتی خویشان و بستگان ما هم یکسان نیستند، بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر مقدمند و ارتباط انسان با برخی از خویشان و بستگان بسیار خودمانی‌تر و صمیمی‌تر از برخی دیگر آن‌ها است. به این واقعیت در قرآن کریم نیز اشاره شده است که می‌فرماید:

«مراتب خویشاوندان در کتاب خدا بعضی بر بعضی دیگر مقدم شده و اولویت بیشتر دارد».<sup>1</sup>

1. وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، سوره انفال، آیه 75.

اسلام حتی برای همسایگان نزدیک حقوق خاصی قرار داده است. پس «هرچه پیوند نزدیک‌تر باشد روابط متقابل، قوی‌تر و حقوق و تکالیف دو طرف نسبت به هم بیشتر است»<sup>۱</sup>. این‌جا است که نیاز داریم شیوه‌های ارتباطی متناسب را در جامعه فرا بگیریم.

1. این امر نیز واقعیت دارد که هر جامعه، متناسب با جهان‌بینی خود و هنجارها و ارزش‌های حاکم در آن جامعه و در کل، متناسب با فرهنگ حاکم، یک نوع رفتار خاصی را ممکن است ترویج کند و به نمایش بگذارد. در میان جوامع گوناگون، جوامع اسلامی و به‌خصوص پیروان مکتب اهل بیت(ع) با توجه به جهان‌بینی توحیدی و آموزه‌های دینی و مذهبی خود فرهنگ‌سازی می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد روابط اجتماعی خویش را طبق آموزه‌های دین تنظیم کنند.

دین اسلام یک دین اجتماعی است. ضمن این‌که دستورهای فردی زیادی دارد، دستورهای اجتماعی فراوانی نیز در آن وجود دارد؛ مانند: آداب معاشرت، اخلاق پسندیده، نماز جماعت، نماز جمعه، تعاون و دیگریاری، حج، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... که از جمله‌ی دستورهای اجتماعی اسلام شمرده می‌شوند.

خداوند(ع) پیامبر اسلام(ص) را الگوی بشر معرفی کرده است<sup>۲</sup> و شایسته است همه‌ی مردم، به ویژه مسلمانان در گفتار و رفتارشان از این الگوی نیکو پیروی

1. اخلاق در قرآن، ج 3، ص 48.

2. به آیه 21 سوره احزاب اشاره دارد: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ «البته شما را در اقتدای به رسول



کنند تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. از این‌رو، لازم است در گام نخست به الگوی رفتاری حضرت توجه شود، آن‌گاه آن‌را معیار قرار دهند و رفتار خود را با آن تنظیم کنند.

از آن‌جا که سیره‌ی معصومان و امامان معصوم برگرفته از سیره‌ی نبوی است، مطرح کردن سیره‌ی معصومان در طول سیره‌ی نبوی و در واقع الگوها و نمونه‌های عملی سیره‌ی نبوی است. کتاب پیش رو که در مورد سیره‌ی اجتماعی حضرت زهرا<sup>(س)</sup> نوشته شده است، از این جهت منحصر به فرد است که حضرت زهرا<sup>(س)</sup> تنها زن معصومی است که سیره و رفتارش در دسترس است.

نکته‌ی دیگری که قابل توجه است سطح روابط اجتماعی است که می‌توان آن را در سه سطح خرد، میانی و کلان مطرح کرد. همچنین در روابط اجتماعی می‌توان از روابط پایدار و عمیق و نیز از روابط اجتماعی گذرا و سطحی سخن گفت.

در همین‌جا لازم به نظر می‌رسد چند نکته‌ی دیگری نیز خدمت خوانندگان گرامی تقدیم شود:

1. انگیزه‌ی نوشتن این اثر توجه‌دادن به جنبه‌های زندگی اجتماعی حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> است. در مورد زندگی اجتماعی حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> اثری مستقل نوشته نشده است، لذا از این منظر حضرت زهرا<sup>(س)</sup> همانند قبرش، ناشناخته و غریب مانده است.



2. در مورد حضرت فاطمه(س) کارهای مثبت زیادی انجام شده است. در منابع روایی و حدیثی ما گزارش‌های زیادی از زندگی حضرت فاطمه(س)؛ پندها، سخنرانی‌ها و روایات آن حضرت آمده است که کار بسیار ماندگاری در این عرصه است. کتاب‌های روایی چون: «نهج‌الحیات»، «موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه» و «مسند فاطمه الزهرا»، مجموعه‌های ارزش‌مندی است که سخنان حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) را یک‌جا گردآوری کرده است.

3. نگارنده از نرم‌افزارها، به ویژه برنامه‌ی «جامع الاحادیث سه و نیم» فراوان استفاده کرده است و احادیث را از کتاب‌های دست اول، همراه اعراب‌گذاری آن در متن آورده است که برای مبلغان، سودمند است.

5. ممکن است خواننده‌ی گرامی روایتی را از حضرت فاطمه(س) بخواند که عین آن از معصوم دیگر و یا از پیامبر(ص) نقل شده باشد؛ در روایات این اتفاق پیش می‌آید، و بارها دیده شده است که عین روایت از چندین معصوم نقل شده است. احادیثی که در این کتاب منسوب به حضرت فاطمه(س) آمده شده است، به این خاطر است که در منابع، از حضرت فاطمه(س) نیز نقل شده است.

6. نگارنده توجه دارد که سیره به معنای منطق عملی و رفتار خارجی است؛ اما در این اثر صرفاً به منطق عملی توجه نشده است، بلکه سخنان حضرت فاطمه(س) نیز آورده شده است؛ زیرا سخنان آن بزرگوار مبنای عمل‌شان نیز بوده است. علاوه بر آن، گاهی خواننده ممکن است احادیثی را ببیند که از حضرت فاطمه(س) نیست که نگارنده به علت اهمیت مسئله نتوانسته از آوردن آن‌ها اجتناب کند؛ هرچند احادیثی که از پیامبر گرامی اسلام(ص) و سایر امامان معصوم(ع) آورده شده است بسیار اندک است.



۸. چارچوب کلی این کتاب، تا حدودی شبیه «سیره‌ی اجتماعی پیامبر اعظم (ص)»، «سیره‌ی اجتماعی امام حسن (ع)» و «سیره‌ی اجتماعی امام حسین (ع)»، سه اثر دیگری از نگارنده است که تا کنون بارها با تیراژ زیاد در ایران و افغانستان چاپ و منتشر شده است؛ اما در عین حال از جهات ساختار این کتاب با کتاب‌های مذکور متفاوت است.

هزینه‌ی تهیه‌ی این اثر توسط برادر عزیز و گرامی، دوست دوران نوجوانی ام، محب و شیفته اهل بیت ع محترم آقای عظیم ابراهیمی پرداخت شده است که سخاوت‌مندانه لطفش شامل حال همه‌ی ما گردید و از خداوند خواستاریم که همه‌ی ما را در نشر معارف اهل بیت (ع) کمک کند و الطاف و توجهات بی بی دو سرا فاطمه‌ی اطهر (س) را از ما دریغ نسازد. ارادت دوست گرامی ام به اهل بیت پیامبر (ص) ستودنی است وی در دیار فرنگ زندگی می‌کند اما در عین حال مشمول الطاف محبت و مودت اهل بیت ع می‌باشد و درج خطبه فدکیه حضرت زهرا در پایان این اثر به سفارش وی انجام شد که حقا اگر نیامده بود، این اثر ناقص بود. ثواب این اثر را به روح مطهر حضرت زهرای اطهر و ارواح اموات دوست گرامی ام آقای عظیم ابراهیمی مخصوصا مادر مکرماه اش هدیه می‌کنم. ان شاء الله که روح ملکوتی حضرت زهرا (س) از هردوی ما راضی گردد و این اثر را قابل دانسته از ما پذیرفته و ذخیره آخرت ما قرار دهد.

۹. از برادر ارجمندم آقای بسم الله برهانی ماستر رشته ادبیات فارسی که زحمت و برایش این اثر را متقبل گردید و نکات ارزشمندی را یادآوری نمود نیز کمال تشکر و دوام توفیق را برایشان دارم.

خوانندگان گرامی اگر پیشنهاد و انتقادی به ذهن‌شان می‌رسند از ما دریغ نوزند و با ما در میان بگذارند تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

در پایان قابل یادآوری اینکه بعد از تکمیل اثر در حین بازنگری، نگارنده لازم دید تا در مورد راویان و برخی از شخصیت‌های مهم که در اثر از آن نام برده شده است معلوماتی در پاورقی ذکر گردد، تمام آن معلومات از سایت‌های ویکی پدیا دانشنامه آزاد، ویکی فقه، ویکی اسلام و ویکی شیعه آورده شده است.

و من الله التوفیق

محمدجواد برهانی بابه

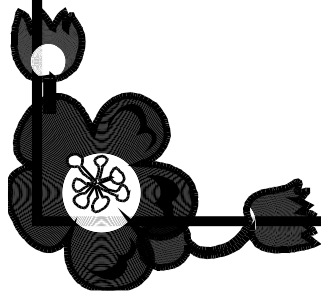
قم، بهار ۱۳۹۶





فصل اول:

کلمات





## مقدمه

بدون شک بین فرهنگ و رفتار اجتماعی رابطه وجود دارد. معصومین(ع) افراد مقدسی هستند که مطابق باور درست شیعه هیچ‌گاه این بزرگواران خطا نمی‌کنند. بنابراین، رفتار آن‌ها که برگرفته از باور راستین‌شان می‌باشند، نه تنها قابل‌الگوگیری است، بلکه نجات و سعادت دو سرا را نیز به همراه دارد. انسان اگر بخواهد سعادت دو سرا را کسب کند باید هم از لحاظ اعتقادی و هم از لحاظ رفتاری بهترین اعتقاد و رفتار را انتخاب کند که هر دو، بخشی از فرهنگ است. در اینجا به عنوان مقدمه این بحث پی گرفته می‌شود.

### رابطه بین فرهنگ و رفتار اجتماعی

برای این که رابطه بین فرهنگ و رفتار اجتماعی را مورد بررسی قرار بدهیم، لازم است جنبه‌های عینی فرهنگ را (از قبیل: ساختمان، خیابان، ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی و...) از جنبه‌های ذهنی آن (از قبیل: باورها، ارزش‌ها، هنجارها و...) جدا کنیم. بعد از جدا سازی تلاش کنیم تأثیر فرهنگ ذهنی را بر رفتار افراد مورد بررسی قرار بدهیم.

با تجزیه و تحلیل فرهنگ ذهنی در می‌یابیم که مردم چگونه موجودات محیط اطراف خود را درک، طبقه بندی، باور و ارزش گذاری می‌کنند. به‌طور کلی، از این طریق ما قادریم رفتارهای افراد را با توجه به فرهنگ آن جامعه پیش‌بینی کنیم.

به بیان دیگر می‌توان چنین گفت: فرهنگ در جامعه مانند ذهن انسان عمل می‌کند؛ همان‌گونه که ذهن قادر است رفتار انسان را کنترل و هدایت کند، فرهنگ قادر است نظام‌های اجتماعی از جمله نظام رفتاری را هدایت و کنترل کند. بنابراین، در جامعه‌ی دینی، فرهنگ دینی حاکم است و رفتارهای



افراد با توجه به ارزش‌ها و باورهای دینی صورت می‌گیرد؛ از باب نمونه: باور دینی، اختلاط زن و مرد و دست دادن زن و مرد نامحرم را جایز نمی‌داند، در حالی که در جامعه‌ی غیر دینی این یک امر معمول و عادی است و دست ندادن، توهین تلقی می‌شود؛ بی‌حجابی خود یک رفتار اجتماعی است که با توجه به تفاوت فرهنگ‌ها متفاوت می‌گردد؛ ارتباط با کفار، منافقان، مشرکان و... باز هم با توجه به انگیزه‌ها و باور دینی بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌شود؛ فرهنگ و فاصله‌ی اجتماعی بحث دیگری است که در آن باورها و ارزش‌های انسان تأثیرگذار است؛ به طور مثال: ارتباط میان سفیدپوست و سیاه پوست، ازدواج آن‌ها، نحوه‌ی تعامل بین نژادها و... مطابق فرهنگ اسلامی سیاه‌بودن و سفیدبودن در سطح رفتار افراد تأثیرگذار نیست؛ زیرا آن‌چه مهم است باور و ارزش‌ها است، هرچند برخی ممکن است بدان عمل نکنند.

نژاد بلال حبشی در جامعه‌ی دینی با سلمان فارسی و ابوذر غفاری معیار ارزش‌گذاری و روابط اجتماعی نیست، بلکه ایمان و باورش معیار ارزش‌گذاری می‌گردد.

البته این نکته نیز قابل یادآوری است که همان‌گونه که مطالعه‌ی فرهنگ به پژوهش‌گر این امکان را می‌دهد که وی از طریق فهم فرهنگ بتواند رفتار افراد جامعه را پیش‌بینی و درک کند، مطالعه‌ی رفتار و گفتار یک فرد می‌تواند به محقق کمک کند که وی فرهنگ آن جامعه را بهتر بشناسد. بنابراین، مطالعه‌ی فرد و فرهنگ تأثیر متقابل دارد.

### عناصر ارتباط اجتماعی در فضای حقیقی و مجازی

زندگی انسانی در پرتو ارتباطات، تعاملات اجتماعی و هم‌بستگی اجتماعی می‌چرخد. ارتباط اجتماعی گاه در فضای واقعی و گاه در فضای مجازی صورت می‌گیرد. امروزه ارتباطات، در شبکه‌های اجتماعی بیشتر از فضای واقعی و

فیزیکی در جهان مطرح شده است که هم آسان است و هم فاصله‌های مکانی را تقلیل داده است. ارکان روابط اجتماعی از گذشته‌ی بسیار دور، چند عنصر بسیار مهم داشته است که عبارتند از: فرستنده‌ی پیام؛ گیرنده‌ی پیام؛ خود پیام؛ محتوای پیام و ابزار انتقال پیام. در گذشته و اکنون در فضای واقعی دو عنصر از عناصر مهم ارتباطات که عبارتند از: فرستنده و گیرنده‌ی پیام، خیلی با اهمیت است. شخصیت، جنسیت، پوشش ظاهر، آراستگی، پایگاه اجتماعی، ثروت، تحصیلات و... حتی تَن صدای متکلم و مخاطب نقش بسیار برجسته در ایجاد و تداوم روابط اجتماعی به خصوص در ارتباطات مستقیم دارند؛ اما در فضای مجازی پیام و محتوای آن مهم است و دو عنصر دیگر می‌تواند غیر واقعی مطرح گردد.

### فضایل اخلاقی به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه‌ی دیگری به نام «سرمایه‌ی اجتماعی» نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی یا بعد معنوی یک اجتماع، میراث تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «هم‌کاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، تحمل دیگران، ایثار و فداکاری قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را امکان‌پذیر سازد. سرمایه‌ی اجتماعی از جمله نظریاتی است که در چند دهه‌ی اخیر توسط کسانی همچون: بوردیو، کلمن، و پاتنام مطرح شده است. با وجود این که این نظریه به لحاظ تدوین نظری، جدید است، عناصر و مفاهیم تشکیل دهنده‌ی آن همواره از زمان‌های دور مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران و به خصوص در رفتار و گفتار بزرگان و پیشوایان دینی و معصومان بوده است. آنچه را که در سرمایه‌ی اجتماعی مطرح شده است، می‌توان در اخلاق سنتی،



در سیره‌ی معصومین و روایات آن بزرگواران نیز دید. در روایات، سیره و اخلاق سنتی می‌توان مفاهیمی همچون: اعتماد، دوستی، صداقت، جوان‌مردی، آزادگی، اعتدال، ایثار، تربیت، و... را دید که همانند سرمایه‌ی اجتماعی، باعث افزایش «اعتماد»، «هم‌کاری» و «مشارکت» بین افراد و گروه‌ها می‌شوند. کارگزاران سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان نخبگان سیاسی، دینی، رسانه، نهاد آموزش و پرورش و امر به معروف و نهی از منکر دانست.

در این اثر - که در مورد سیره‌ی اجتماعی حضرت فاطمه (س) تحقیق گردیده است - به‌خصوص در فصل دوم آن مفاهیم فوق را می‌توان هم در گفتار و هم در رفتار حضرت فراوان مشاهده کرد. بنابراین، وقتی سخن از ارتباطات اجتماعی است به نحوی سخن از سرمایه‌ی اجتماعی نیز رفته است؛ زیرا مفاهیمی که در روابط اجتماعی مهم است در سرمایه‌ی اجتماعی نیز بسیار مهم و برجسته است.

### اهمیت سیره‌ی اجتماعی حضرت زهرا (س)

بحث سیره، یک بحث بسیار مهم و سودمند در زندگی است. خداوند بزرگ (ج) در قرآن کریم، پیامبر (ص) را به عنوان «اسوه حسنه» معرفی نموده است. یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت، پیروی از الگوها است. حضرت زهرا (س) از آن جهت که یک زن است، در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی می‌تواند به عنوان الگوی شایسته مطرح گردد. حضرت مهدی (عج) درباره‌ی حضرت فاطمه (س) فرمود: در زندگی دختر پیامبر خدا برای من الگوی زیبا است.

حضرت مهدی (عج) فرمود: *وَ فِي ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِي أَسْرَرْتُ مَسَاءً*

این فرمایش حضرت ولی عصر (عج) می‌تواند اهمیت سیره‌ی حضرت فاطمه (س) را برای ما نشان دهد. بنابراین، این قلم تلاش دارد در گام نخست منطق عملی حضرت فاطمه (س) را معرفی کند؛ روشن است که هدف صرفاً معرفی و بیان سیره‌ی حضرت فاطمه (س) نیست، بلکه فراتر از آن، آن‌چه که مد نظر است الگوگیری از این سیره است. بنابراین، وراء بحث سیره، بحث الگوگیری مطرح است که می‌تواند ما را در رسیدن به هدف والاتر - که عبارت از نیل به سعادت باشد - یاری رساند. به عبارت دیگر، هدف اصلی زندگی کسب سعادت و رضایت خدا است، این هدف باید در همه ابعاد زندگی انسان مورد توجه قرار گیرد و توسط کنشگر دینی در عرصه‌ی فردی و اجتماعی تعقیب گردد. از آن‌جا که افرادی در گذشته زیسته‌اند که عاری از هر نوع خطا و اشتباه بوده‌اند و این امر با دلایل بیرون‌دینی و درون‌دینی در جای خودش ثابت شده است، پس می‌توان از زندگی آن‌ها به عنوان الگو بهره گرفت. بهره‌گیری از این الگوها مستلزم این امر است که در گام نخست باید سیره‌ی زندگی آن‌ها را بشناسیم و در گام بعدی تلاش کنیم تا حد امکان مطابق آن الگوها عمل کنیم. در نتیجه با این روش توفیق رسیدن به سعادت و کسب رضایت الهی برای ما بسیار آسان می‌گردد.

### سفارش حضرت فاطمه (س) در برقرار کردن روابط اجتماعی

جامعه، در یک دسته‌بندی کلان از دو بخش زن و مرد تشکیل شده است، حضرت فاطمه (س) به هردو قشر (زنان و مردان) سفارش کرده‌اند که روابط شایسته و اخلاق نیک در چارچوب شریعت پیامبر (ص) داشته باشند.

حضرت فاطمه (س) روایتی را از پدر گرامی‌اش نقل کرده است که حضرت فرمود: بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌خوتر و مهربان‌تر است و ارزشمندترین مردم کسانی‌اند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند.



## فصل پنجم: ارتباطات اجتماعی

روشن است که انسان در جامعه رشد می‌کند و در جامعه ظرفیت‌ها و استعدادهای‌شان به فعلیت می‌رسد. انسان‌ها باید با همدیگر در ارتباط باشند تا از همدیگر بیاموزند و در کنار هم همانند سیم برق مثبت و منفی جامعه را روشن سازند.

تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی جدید نشان داده است نوزادانی که پس از تولد برای مدت طولانی از آغوش مادر محروم می‌گردند، رفته رفته دچار افت روحی غیر قابل جبرانی می‌شوند و چه بسا در نهایت با ناراحتی‌های روانی ناشی از آن از پای در آیند. بنابراین، می‌توان گفت که محرومیت عاطفی می‌تواند مهلک باشد.

محرومیت عاطفی تنها در دوران کودکی مهلک نیست؛ بلکه در بزرگسالی نیز این‌گونه محرومیت‌ها ممکن است باعث روان‌پریشی و آسیب‌های اجتماعی و روانی گردد. تحقیقات نشان داده است که محکومان به حبس‌های انفرادی طولیل‌مدت که محرومیت‌های اجتماعی و احساسی داشته است، اثرات بدی بر روان و رفتار آن‌ها گذاشته است.<sup>۲</sup>

### گونه‌های ارتباط انسانی

گونه‌های ارتباط انسانی را می‌توان در سه سطح فردی، میان‌فردی و همگانی تقسیم کرد.

۱. دلائل‌الامامه ص 76.

۲. برای کسب معلومات بیشتر مراجعه کنید به: اریک برن، بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی، ص ۶ و ۷.



ارتباط فردی ارتباطی است که فرد با خود برقرار می‌کند. این نوع از ارتباط هر چند در زندگی حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) وجود داشته است، اما در این اثر به این بخش پرداخته نمی‌شود؛ زیرا ارتباط فردی در برابر ارتباط اجتماعی قرار دارد و این قلم تلاش دارد تا به ارتباط‌های بپردازد که جنبه‌ی اجتماعی دارد.

نمونه‌های از ارتباط فردی حضرت زهرا(س)، وقتی حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) تصمیم گرفت به مسجد برود، به ذهنش مرور کرد که چه مطالبی را بیان کند، یا وقتی حضرت تصمیم گرفت وصیتش را آماده کند ... همه از نوع ارتباط فردی شمرده می‌شود که از موضوع بحث ما خارج است؛ هرچند این نوع ارتباط، پیامدها و نتایج اجتماعی نیز داشته است.

ارتباط میان فردی، ارتباط بین دو نفر را شامل می‌شود. این ارتباط می‌تواند رو در رو یا با واسطه باشد. گفت‌وگوهای دوستانه، چت اینترنتی و نامه‌نگاری از مصادیق این نوع ارتباطند.

این نوع ارتباط در سیره‌ی حضرت زهرا(س) زیاد وجود داشته است و در این اثر مورد توجه است؛ صحبت حضرت فاطمه(س) با حضرت علی(ع) در قالب مفاخره، سؤال و جواب حضرت فاطمه(س) با زنی که مسایل دینی مادرش را می‌پرسید، صحبت‌های حضرت فاطمه(س) با پدر، مادر، همسایگان، مستمندان، مراجعان، اصحاب پیامبر(ص) چون: سلمان، مقداد، ابوذر و...، صحبت‌های فاطمه(س) با حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و... از این نوع ارتباط شمرده می‌شود.

ارتباط همگانی، به ارتباطی گفته می‌شود که با بیش از دو نفر انجام می‌پذیرد. وقتی حضرت زهرا(س) با زنان مهاجر و انصار صحبت می‌کند و یا شب‌ها همراه شوهرش به خانه‌ی مهاجرین و انصار می‌روند و آن‌ها را به وظایف و مسئولیت‌های‌شان آگاه می‌سازند، یا آن‌جا که حضرت فاطمه(س) در



مسجد برای مردم سخنرانی می‌کند و یا در وصیت‌نامه‌ها و سخنرانی‌هایش جمع را مخاطب قرار می‌دهد، همه از نوع ارتباط همگانی است که این قلم به این بخش از ارتباط در سیره‌ی حضرت زهرا(س) نیز پرداخته است.

تا این‌جا روشن شد که در این اثر ارتباط میان‌فردی و همگانی (اجتماعی) مورد توجه است، حال ذکر این نکته نیز لازم است که ارتباط دو نوع اخیر مورد بحث در این اثر را می‌توان به کلامی و غیرکلامی تقسیم‌بندی کرد. ارتباط کلامی توسط کلام و رد و بدل کلامی، صحبت و نوشتار - که زبان نوشتار همان ثبت زبان گفتاری است - تحقق پیدا می‌کند؛ اما ارتباط غیرکلامی همان‌گونه که از نامش پیدا است، عمدتاً از طریق ابزار حسی و فراحسی محقق می‌گردد و معمولاً در قالب اشاره، حالت چهره و ظاهر و... صورت می‌گیرد. برای تحقق ارتباط کارآمد هر دو نوع ارتباط مهم و مؤثر است.

در سیره‌ی اجتماعی حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) هم ارتباط کلامی وجود داشته است و هم ارتباط غیرکلامی؛ در ارتباط غیرکلامی از دو نوع حسی و فراحسی که بیان شد نیز هر دو نوع آن در حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) وجود داشته است. ارتباط حسی که همان زبان بدنی است خیلی روشن است؛ حضرت وقتی برای سخنرانی در مسجد پیامبر(ص) بلند شد، ابتدا سکوت کرد، بعد آه کشید، اشک ریخت و دست بر سر نهاد، هر دو دستش را به سمت آسمان بلند کرد و... همه‌ی این‌ها از نوع ارتباط حسی و برای مؤثریت پیام است.

ارتباط فراحسی، نمای دیگری از ارتباطات غیرکلامی است. تجربه‌های عرفانی و ماورائی افراد و صاحبان نیروهای فراحسی، مدعی برقراری این نوع ارتباط هستند. حضرت فاطمه(س) از این نوع ارتباط نیز بهره‌مند بوده است و در کتب روایی و فضایل، مواردی از این نوع ارتباط بیان شده است؛ از قبیل: ارتباط حضرت با جبرئیل، عزرائیل و... اما به این نوع از ارتباط به جز در موارد

اندک، توجه نشده است؛ زیرا هدف نویسنده این است که بیشتر به زاویه‌های از زندگی حضرت فاطمه (س) که قابل الگوگیری است، توجه گردد.

### تعریف مفاهیم

در این بخش شایسته است در آغاز مفاهیم تحقیق به صورت روشن تعریف گردد.

### تعریف سیره

«سیره» یک کلمه‌ی عربی است که در فارسی به معنای روش، طریقه، هیأت، حالت و سبک آمده است. همچنین این کلمه به معنای رفتن، سیر کردن و حرکت کردن به کار رفته است.

از سیره، به منطبق عملی نیز تعبیر شده است. در این جا مقصود از سیره همان روش و طریقه‌ی زندگی است. به عبارت دیگر، سیره در اصطلاح سیره نویسان عبارت از روش و طریقه‌ی خاص زندگی یک شخصیت است. سیره نویسان سیره را بیشتر بر روش‌ها و کردارهای پیامبر (ص) به کار برده است. قابل یادآوری است که سیره در اصطلاح اصولی‌ها عبارت از مجموعه رفتار و گفتار پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت است و در این اثر همین معنا منظور است؛ زیرا در عمل، هم به گفتار و هم به رفتار حضرت فاطمه (س) اشاره شده است.

### سیره‌ی اجتماعی

سیره‌ی اجتماعی به معنای روش زندگی در بُعد و حوزه‌ی اجتماعی است. اجتماعی در برابر فردی است و برخی امور از قبیل: فکر کردن، عبادت، تصمیم گیری، خوردن، آشامیدن، خندیدن، راه رفتن و... جنبه‌ی شخصی و فردی دارد؛



اما برخی دیگر از قبیل: سلام کردن، کمک کردن، راست گفتن و... جنبه‌ی اجتماعی دارد و نیاز است شخص دیگری هم باشد تا تحقق پیدا کند.

### دسته‌بندی عوامل مؤثر در روابط اجتماعی

همبستگی اجتماعی در جامعه‌ی دینی از اهمیت زیادی برخوردار است و در گرو روابط اجتماعی مؤثر و فعال می‌باشد.

در روابط اجتماعی عوامل گوناگونی وجود دارد که می‌توان آن‌را از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. از یک نگاه می‌توان این عوامل را به دو دسته‌ی کلان تقسیم‌بندی کرد؛ زیرا برخی از این عوامل در همبستگی اجتماعی مؤثر است، به عبارت دیگر، عواملی هست که برای ایجاد و خلق روابط اجتماعی تأثیرگذار است؛ مانند: سلام کردن، مصافحه، معانقه، آراستگی، تَن صدا، جنسیت، شیوه‌ی سخن گفتن، تبسم، داشتن ادب و... .

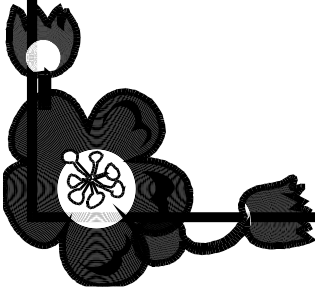
برخی دیگری از این عوامل علاوه بر ایجاد و خلق روابط اجتماعی بر استحکام و استمرار روابط اجتماعی نیز تأثیرگذار است؛ مانند: بردباری، قدردانی، سخاوت، برآوردن نیازِ نیازمندان، دریادلی، نیکی، مهمان‌نوازی، تواضع، گذشت، وفای به عهد و... که در گذشته به این مقوله‌ها فضائل اخلاقی گفته می‌شد.

فصل دوم:

روابط اجتماعی در کفتار

و

رفقا حضرت زهرا (س)







## مقدمه

در اسلام سیاست‌ها و تدابیری برای ارتباط‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است که رعایت آن‌ها می‌تواند هم برای ایجاد و هم برای استحکام روابط اجتماعی کمک کند. این فصل درباره‌ی استحکام روابط اجتماعی در گفتار و رفتار حضرت فاطمه(س) در متون تاریخی و روایی بحث می‌کند.

## نقش سلام در ایجاد روابط اجتماعی

سلام<sup>1</sup>، به معنای سلامتی، تندرستی، آرامش، تحیت و درود است. این کلمه یکی از شعارهای اسلامی است که در آموزه‌های دینی به آن سفارش زیادی شده است. برای این که سلام جزئی از عناصر فرهنگ جامعه‌ی اسلامی گردد، در احادیث اسلامی آمده است که سلام را بلند بگویید، سلام پاداشش بیش از

1. در قرآن کریم 42 مرتبه کلمه سلام آمده است که معانی گوناگون دارند. سلام یکی از نام‌های خدا: «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام...» (حشر: 22) در چندین آیه خداوند به پیامبران سلام نموده است: «سلام علی نوح فی العالمین» (صافات: 97). «سلام علی ابراهیم»، «سلام علی آل یاسین» (صافات: 31). دستور سلام کردن پیامبر(ص): «و اذا جئک الذین یؤمنون بایاتنا فقل سلام علیکم» (انعام: 54) سلام اهل بهشت به یکدیگر: «تحیتهم فیها سلام..» سلام به معنی وداع و خداحافظی؛ سلام در فرهنگ عرب دو موقع دارد 1 - هنگام ورود و ملاقات؛ 2 - هنگام خروج و خداحافظی مثل پایان نماز که می‌گوییم «السلام علیکم ورحمة الله و برکاته». «فاصفح عنهم وقل سلام فسوف یعلمون» پس از آنان روی بگردان و بگو بدرود، در آینده خواهید فهمید. «و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما...» و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب می‌سازند به آن‌ها سلام می‌گویند. (فرقان: 63) «... سلام علیکم لانتبغی الجاهلین...» سلام وداع ما بر شما باد، ما به سراغ جاهلان نمی‌رویم (قصص: 55).



جواب آن است، جواب سلام واجب است و شایسته است انسان به درخواست کسی که سلام نکرده، پاسخ ندهد.

سلام در سیره‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

در سیره‌ی حضرت فاطمه(س) گاه سخن از آداب سلام است؛ گاه سلام خدا (ج)، جبرئیل و عزرائیل(ع) به حضرت فاطمه(س) است که نمونه‌های آن را در ذیل می‌خوانید؛ گاهی هم سلام زن و شوهر به همدیگر، سلام مادر و فرزندان به یک‌دیگر، سلام پدر و دختر، سلام اصحاب پیامبر(ص) به حضرت فاطمه(س) و گاهی هم سلام افراد معمولی به حضرت زهرا(س) و یا سلام حضرت زهرا(س) به افراد معمولی است.

### آداب سلام

سلام که از جمله‌ی شعارها و درود آیین پیامبر(ص) است، در فرهنگ اسلامی دارای آداب و هنجارهای خاص خودش است که در آموزه‌های اسلامی با جزئیات بیان شده است؛ از باب نمونه: سبقت گرفتن در سلام کردن؛ وجوب جواب سلام؛ با صدای بلند سلام کردن؛ سلام کوچک‌تر بر بزرگ‌تر؛ سلام یک نفر به دو نفر؛ سلام عده‌ی کم‌تر به عده‌ی بیش‌تر؛ سلام سواره به پیاده؛ سلام فرد در حال راه رفتن بر شخص نشسته و ایستاده به نشسته؛ سلام بر کودکان و ...

### سبقت‌گیری در سلام کردن

حضرت فاطمه(س) مانند پدر گرمی‌اش در سلام کردن از دیگران سبقت می‌گرفت. در کتاب «فرهنگ فاطمیه» آمده است که راوی نقل می‌کند: من خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) مشرف شدم و او بر من به سلام کردن سبقت گرفت.





### حَدَّثَتْ عَلِيًّا فَاطِمَةُ (س) بِحَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ

در داستان دیگری آمده است که یزید بن عبدالملک نوفلی، از پدرش مروان بن حکم، از جدش «حکم بن ابی العاص»<sup>2</sup> روایت کرده است که گفت: من بر حضرت فاطمه (س) وارد شدم و او در سلام پیش‌دستی کرد و گفت: چه چیزی تو را به این جا آورده است؟ گفتم طلب برکت. آن حضرت فرمود: برکت این است که پدرم فرموده: هر کس بر رسول خدا یا بر من سه روز پی در پی درود و سلام فرستد بهشت بر او واجب می‌شود.

عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي عَجْرَةَ قَالَ حَدَّثَتْ عَلِيًّا فَاطِمَةُ (س) بِحَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَحَدَّثْتُكَ تَطَلُّبَ الْبَرَكَاتِ أَنْ تَقْرَأَ لِي بِرَسُولِ اللَّهِ مِنْ سَلَامٍ يَوْمَ يَأْتِيكَ الرَّجَبُ

### سلام خدا و فرشتگان بر حضرت فاطمه (س)

در منابع تاریخی و روایی آمده است که خداوند توسط فرشته‌ی وحی بر حضرت فاطمه سلام فرستاده است و همچنین حضرات جبرئیل و عزرائیل بر حضرت فاطمه سلام کرده است که در ذیل نمونه‌های آن بیان می‌شود:

### سلام خداوند (ج) توسط جبرئیل (ع) به فاطمه (س)

خدیجه (س)، همسر گرامی رسول خدا (ص)، وقتی از دنیا رفت، فاطمه (س) پنج سال بیش نداشت و به پیامبر (ص) پناه برد. اطراف پیامبر (ص) می‌چرخید و می‌پرسید: پدرجان! مادرم کجا است؟ حضرت جبرئیل (ع) سلام

1. فرهنگ فاطمیه، ص 39.

2. تهذیب الاحکام، ج 6 ص 9.



المسك على غير ليل، وثالثها النهي صريحاً عن ظهور الروضة في ثلث، بالابتداء من غير ثلثي؟ قال: ذلك مما ينبغي أن يجرى له في كل من ذلك مما لا

### سلام جبرئیل و عزرائیل (ع) به فاطمه (س)

حضرت علی (ع) نقل فرموده است که در لحظه‌های وفات، حضرت زهرا (س) نگاه به اطراف خود کرد و فرمود: سلام بر شما ای پسر عمو! جبرئیل به من سلام کرد و آن‌گاه شنیدیم که فرمود: و علیک السلام، ای گیرنده‌ی روح‌ها! عجله کن، و مرا عذاب نکن،... آن‌گاه فاطمه (س) چشمانش را بست و دست‌ها و پاهایش را دراز کرد انگار هرگز زنده نبوده است.

المسك عليك يا فاطمة، فدانا في غير ليل، فثالثها النهي صريحاً عن ظهور الروضة في ثلث، بالابتداء من غير ثلثي؟ قال: ذلك مما ينبغي أن يجرى له في كل من ذلك مما لا

### سلام دختر و پدر به همدیگر

در تاریخ نمونه‌های زیادی از سلام و جواب آن بین حضرت پیامبر (ص) و دخترش حضرت فاطمه (س) نقل شده است. در ذیل برخی از این موارد به عنوان نمونه آورده شده است:

### سلام حضرت فاطمه (س) بر پیامبر (ص)

علی (ع) وارد مسجد شد و بعد از نماز ظهر و عصر با پیامبر (ص) به سمت خانه‌ی فاطمه (س) آمد، در حالی که فاطمه (س) مشغول تعقیبات نمازش بود.

1. حلیه الابرار فی احوال ائمه الاطهار، ج 4 ص 110.

2. نهج الحیات ص 310.



فاطمه(س) وقتی صدای پدر را شنید به استقبالش رفت و بر وی سلام کرد. حضرت جواب سلامش را داد و دست نوازش بر سر دخترش کشید. فاطمه(س) از پدر و همسرش پذیرایی گرم نمود و غذای بسیار خوش‌رنگ، خوش‌بو و خوش‌طعم را جلو آن‌ها گذاشت که پیامبر(ص) فرمود: دخترم این غذای خوش‌رنگ، خوش‌بو و خوش‌طعم را از کجا کرده‌ای که من مثل آن را نخورده‌ام؟

أَنَّ عَلِيًّا حَدَّثَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَصَصَ بِمَرْسَلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ إِذْ أَخَذَ إِلَيْهِ بَيْتَ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حَتَّى أَكَلَتْ فَاطِمَةُ أَرْضِيًّا فِي صَلَاتِهَا فَخَفَا أَنْفَرْنَا بِهَا وَهَيَّأْنَا لَهَا مَرْسَلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَتَّى بَتْنَا مَسْتَقْتِهَا... فَخَذَ الْمَسْكُورَ حَتَّى يَدَّ إِلَيْهِ رَأْسَهَا... قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّكَ مَخَالُطَةُ الْحَيْضِ لَمْ تَدُلِّيْكَ مِثْلَ نَزْفَةِ لَمْ تَدِيْ لِيْ رَأْسُكِ مِثْلَ رَأْسِيْ فَطَرْنَا لَكَ الْإِلَّاحَ الطَّيِّبَ عِنْدًا

### نمونه‌ی دیگر از سلام فاطمه(س) و جواب پیامبر(ص)

ابوسعید خدری<sup>۲</sup> نقل می‌کند که حضرت فاطمه(س) فرمود: خدمت پیامبر(ص) رسیدم و سلام کردم. حضرت فرمود: علیک السلام دختر جانم. کمی از گرسنگی سخن گفتم؛ اما حضرت از گرسنگی خود و فضائل علی (ع) برایم

<sup>۱</sup> الخراج والجریح، ج ۲ ص ۵۳۳.

<sup>۲</sup> سعد بن مالک بن سنان (۱۰ پیش از هجرت - ۷۴ق/۶۱۲-۶۹۳م)، معروف به ابوسعید خدری، راوی و صحابی پیامبر اکرم(ص)، از یاران امام علی(ع) و از بزرگان انصار است. او از روایان حدیث غدیر است. پدر ابوسعید نیز از اصحاب پیامبر(ص) بود. وی در غزوات مختلف پیامبر(ص) شرکت کرد و در جنگ‌های صفین و نهروان نیز همراه امام علی(ع) بود. مؤرخان بر قهات ابوسعید تأکید کرده و رجال شناسان شیعه وی را ستوده‌اند. بیشتر منابع تاریخی وفات وی را در ۷۴ق ضبط کرده‌اند. محل دفن وی چنان‌که در برخی منابع تصریح گردیده در مدینه و قبرستان بقیع بوده است.

گفت، شاد شدم و به منزل برگشتم. علی(ع) فرمود: ای دختر محمد وقتی از نزد من رفتی این گونه شاد نبودی؟ فاطمه(س) عرض کرد: پیامبر(ص) برایم از فضائل تو گفت، تاب نیاوردم اینک نزد تو آمدم. علی(ع) فرمود: اگر همه‌ی فضایل را به تو می‌گفت چگونه تاب می‌آوردی و چه حالی پیدا می‌کردی؟!

لِيَسْعِدَ الْخَيْرُ مِنْ الْحَبِيبِ الْمَسْكِينِ فَاتَتْهَا الْمَسْكِينَةُ فَقَالَتْ: أَتَيْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: الْمَسْكِينُ قَالِبٌ بِالْأَيْدِ فَقَالَ: قَالِبٌ الْمَسْكِينُ بِأَيْدِيهِ فَقَالَتْ: وَهِيَ الْاِحْتِرَاقُ بِأَيْدِيهِ  
 لَمْ يَكُنْ فِي بَيْتِهَا فِي سَاعَةٍ مِنْ لَيْلٍ لَأَسْتَلِيبَ مِنْهَا طَلْقَ مَنْعَتِهَا... ثُمَّ قَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 اللَّهُ أَنْفَرْتِ مَنْزِلَ الْهَيْبَةِ؟ فَأَنْفَرْتُ لَرَبِّهَا فَطَهَّرَ لَهَا قَلْبَهَا فَحَسَبَتْهَا كَمَا عَنَى أَتَيْتُهَا فَاتَّخَذَ الْبَيْتَ نَدْوً  
 أَقْرَبَ لِرَبِّهِ مِنْهَا فَتَلَّى عَلَيْهَا (عَلَيْهَا الْمَسْكِينَةُ) بِالْأَيْدِ وَأَعَدَّ لَهَا سَرِيحَتَ بَيْنِ يَدَيْهِ وَرَجَدَتْ عَلَيْهِ  
 تَمَّ حَوْلَ الْعَالِ فَقَالَتْ: إِنَّ النَّبِيَّ حَفِيٌّ بِفَضْلِ مَا تَأْتِكُ عَنْ يَدِكَ فَقَالَ: لَمْ يَكُنْ لَرَبِّهِ حَوْلَ  
 يَدَيْهِ خَلِيٌّ؟

### سلام حضرت پیامبر(ص) بر حضرت زهرا (س)

جابر بن عبد الله انصاری<sup>۲</sup> گوید: روزی با رسول خدا(ص) به سوی خانه‌ی فاطمه(س) رفتیم، هنگامی که به در خانه رسیدیم، رسول خدا صلی الله علیه و

1. دلائل الامامه ص 70.

2. جابر بن عبدالله انصاری (درگذشته‌ی بین سال‌های ۶۸ق تا ۷۹ق)، صحابی پیامبر اسلام(ص) و راوی حدیث لوح که در بردارنده نام امامان شیعه از زبان پیامبر(ص) است. وی همچنین در سلسله راویان احادیث مشهور شیعی مانند حدیث غدیر، حدیث ثقلین و حدیث شهر علم نیز قرار دارد. جابر را از اصحاب پنج امام - که از دوران امام علی(ع) تا امام باقر(ع) را شامل می‌شود - دانسته‌اند. او پس از واقعه‌ی عاشورا، نخستین زائر امام حسین(ع) بود که در روز اربعین به کربلا رسید. همچنین بنا بر روایات، او سلام پیامبر(ص) را به امام باقر(ع) رساند. جابر در مدینه در گذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. نگاه کنید به دائرة المعارف بزرگ اسلامی.





### سلام زن و شوهر و سایر اعضای خانواده در حدیث کساء<sup>1</sup>

در حدیث کساء، جریان سلام و جواب آن از سوی حضرت فاطمه (س) با شوهر و سایر اعضای فامیل و پیامبر (ص) آمده است.

حضرت فاطمه (س) در حدیث شریف کساء روایت می‌کند که روزی پدرم، رسول خدا (ص)، بر من وارد شد و فرمود: السلام علیک یا فاطمه (س)، پاسخ دادم: علیک السلام. آن‌گاه فرزندم حسن (ع) و حسین (ع) وارد شدند و هر کدام بر من سلام کردند و گفتند: مادر جان سلام علیکم، جواب سلام آن‌ها را این‌گونه دادم: علیک السلام ای نور چشم و میوه‌ی قلبم، آن‌گاه همسرم ابوالحسن (ع) وارد شد و فرمود: ای دختر رسول خدا السلام علیک. پاسخ دادم: وعلیک السلام ای ابالحسن و ای امیر مؤمنان. همه تحت کساء جمع شده بودند و من به سمت کساء رفتم و عرض کردم: پدرجان! السلام علیک یا رسول الله! ... پدرم جواب داد: دختر عزیزم و پاره‌ی تنم! و علیک السلام.

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَلِّمْ عَلَى فَاطِمَةَ... وَحَدَّثَنَا أَبُو حَازِمٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَلِّمْ عَلَى فَاطِمَةَ... وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَلِّمْ عَلَى فَاطِمَةَ... وَحَدَّثَنَا أَبُو حَازِمٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَلِّمْ عَلَى فَاطِمَةَ...»

<sup>1</sup> حدیث کساء، حدیثی در فضیلت پیامبر (ص)، امام علی (ع)، فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. واقعه‌ی حدیث کساء در خانه‌ی ام سلمه روی داد. پیامبر اکرم (ص) هنگام نزول آیه‌ی تطهیر، خود و خاندان خویش را با پارچه‌ای بشمین (کساء) پوشانید. امامان شیعه برای اثبات فضیلت و برتری خود و به دست گرفتن خلافت مسلمانان، به این حدیث استناد کرده‌اند.

طبری در کتاب دلائل الامامة می‌گوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند که هم‌زمان با نزول آیه‌ی تطهیر، پیامبر (ص) حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) را فراخواند و با کساء آنان را پوشاند و چنین دعا کرد: «اللهم هؤلاء أهلی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» خدایا اینان اهل بیت من هستند از آن‌ها پلیدی را دور کن و آن‌ها را پاک گردان.

فَرِحْتُ بِمَا نَزَلَ مِنْكَ لِأَبِي لَمَسْتُ بِهِ بِنْتِ لَيْطِ بْنِ كَعْبٍ قَالَ: الْمَسَاءُ هَلْكَ بِأَيَّتِ رَسُولِ اللَّهِ  
 نَفَلَتْ، هَلْكَ الْمَسَاءُ بِالْإِلْمَسِ وَالْبُحْرِ الْهَرَمِيِّ... ثُمَّ لَفَيْتُ غُرَّ الْكَمَاءِ، فَفَلَّتِ الْمَسَاءُ هَلْكَ بِأَيَّتِ  
 لِأَيَّتِ رَسُولِ اللَّهِ... هَلْكَ الْمَسَاءُ بِأَيَّتِهِ بِأَيَّتِهِ

### سلام فاطمه (س) به فرزندان

نمونه‌ی از سلام فرزندان را در حدیث کساء خواندیم؛ نمونه‌ی دیگر، سفارش و وصیتی است که حضرت فاطمه (س) در وصیت نامه‌ی خود به شوهرش حضرت علی (ع) سفارش کرد: ای علی! من فاطمه (س) دختر محمدم ... شما را به خدا می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام می‌فرستم.

بِأَيَّتِ لَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ... أَسْتَرْجِعُكَ إِلَيْهِمْ وَأَسْتَرْجِعُكَ إِلَيْهِمْ وَالْفَتَا

### سلام مرد بر زن جوان و نامحرم

سلام کردن زن و مرد نامحرم به همدیگر اگر از روی شک و ریه نباشد اشکال ندارد و در موارد زیادی دیده شده است که اصحاب پیامبر (ص) بر فاطمه (س) سلام کرده‌اند و حضرت فاطمه (س) نیز بر آن‌ها سلام کرده است. یکی از اصحاب پیامبر (ص) به سوی خانه‌ی فاطمه (س) روان شد؛ چون بر در خانه‌ی آن حضرت رسید، مشاهده کرد که وی مشغول آسیاب کردن جو می‌باشد و آیه‌ی 60 سوره‌ی قصص را می‌خواند که آن چه که در نزد خدا است خیر و ماندگارتر است. آن صحابی به حضرت فاطمه سلام کرد.

1. مفاتیح الجنان ص 496.

2. بحار الانوار، ج 43 ص 214.





رَبِّكَ اللَّهُ (ص) (خَالِدٌ نَائِمٌ) (ع) عَزَّ وَجَلَّ نَاطِقٌ يَهْدِي إِلَى بَيْتِ بَيْتِهَا تَرَجَّبَتْ  
بَيْتَ بَيْتِهَا شَرِيحِي قَدْ سَمِعْتُ نَفْسِي رَأَيْتُهَا كَيْفَ وَرَأَيْتُهَا كَيْفَ

نمونه‌های دیگری از سلام، سلام‌های سلمان فارسی، جابر بن عبدالله انصاری، نیازمند و فقیر، بلال، پیرمرد نیازمند و... بر حضرت فاطمه (س) هستند و حضرت نیز جواب سلام آن‌ها را داده اند که برخی از آن‌ها در همین اثر بیان می‌شود. مواردی را نیز تا کنون بیان کردیم که حضرت فاطمه (س) بر اصحاب پیامبر (ص) سلام می‌کرد و بر آن‌ها در سلام کردن پیشی می‌گرفت.

### سلام پیرمرد و درخواست کمک از حضرت زهرا (س)

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیرمردی وارد مسجد شد و درخواست کمک کرد. پیامبر (ص) وی را همراه بلال به خانه‌ی فاطمه (س) فرستاد. پیرمرد به خانه‌ی فاطمه (س) رفت و سلام فرستاد. حضرت جواب سلام وی را داد، گردن‌بند خود را از گردن باز کرد به آن پیرمرد فقیر داد تا آن را بفروشد و با پول آن نیازمندی‌های خود را برآورده سازد. وقتی که پیرمرد در مسجد آمد، عمار یاسر<sup>۲</sup> گردن‌بند را به ازاء بیست دینار طلا، دو صد (دویست)

1. تفسیر البرهان، ج 3 ص 371 و بحارالانوار، ج 8 ص 303.

2. عمار یاسر از یاران نزدیک امام علی (ع) و از جمله‌ی نخستین شیعیان آن حضرت بود. بعد از وفات پیامبر (ص)، وی در حمایت از علی (ع) از بیعت با ابوبکر سر باز زد. عمار در زمان خلیفه‌ی سوم از جمله مخالفان خلیفه بود و در اعتراضات علیه او شرکت داشت. در زمان خلافت علی (ع) از همراهان آن حضرت بود و در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین (ع) جنگید و به دست لشکریان معاویه شهید شد. پیامبر (ص) در حدیثی شهادت وی به دست گروه باغی (شورشگر) را از پیش اطلاع داده بود. امام علی (ع) بر او نماز گزارد. سن عمار هنگام شهادت، بالای نود سال بود. قبر عمار در محل شهادتش در استان رقه‌ی کشور سوریه در کنار آرامگاه اویس قرنی قرار دارد که



درهم نقره، برد یمانی، ره‌توشه و خرجی سفر به‌همراه یک وعده غذا خرید. عمار، آن گردن‌بند را معطر کرد، در یک برد یمانی پیچید و به دست برده‌ی خود که نامش سهم بود، خدمت حضرت فاطمه (س) فرستاد. حضرت فاطمه (س) گردن‌بند را گرفت و غلام را آزاد کرد. غلام همین‌که خبر آزادی خود را شنید، خندید. حضرت فاطمه (س) علت خنده‌ی غلام را پرسید. وی جواب داد: این گردن‌بند خیلی با برکت بود که گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشاند، فقیری را ثروتمند ساخت و بنده‌ای را آزاد کرد و سرانجام به صاحب اصلی‌اش بازگشت.

فَن بَايَنَ فَن تَهْدِي لَهَا الْاَنْصَارِ فِي نَالِ صَلَّ بِنَارِ مِرْلِ اللَّهِ (ص) صَلَّ الْقَضِ اِذَا فَعَلَ الْبِنِ  
 دَهْرٍ مِنْ مَبَايِرِ الْقَرَبِ ... فَقَالَ الشَّيْخُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ اِنَّا كَانِمُ الْبِكْرُ فَاَطْلِقْنِي ... فَقَالَ (ص) مَا  
 لِي حَالٌ دَهْرًا لِكِنْ اِحْتَالَ عَلَيَّ لَمْ يَكُنْ كَهَذَا اِنْظَرْتُ اِلَى مَثَلِ ... فَاَطْلِقْنِي ... فَاَطْلِقْنِي لِكِنْ اِنْظَرْتُ اِلَى مَثَلِ  
 رَفْتِ عَلَيَّ يَا بِنْتِ فَاطِمَةَ اَنْتِ عَلَيَّ صَرَفْتِ الْمَسَاكِينِ بِالْمَثَلِ بِرَيْتِ الشَّرِّ وَرَفْتِ الْاَكْلَ مِنْ مَبَايِرِ  
 حَيْرِ اِلَى الرُّوحِ الْاَمِينِ وَاللَّهِ يَلِي مِنْ هَذِهِ النَّفَالِيْنَ فَتَمَلَّتْ فَاطِمَةُ فَطَلَبَتْ الْمَسَاكِينِ مِنْ اَتَمَّتْ بِاَمْرِهَا  
 فَقَالَ اِنَّا يَا نَبِيَّتِ عَمَدَةِ الْوَجْهِ الْجَسَدِ جَاوِمِ الْبِكْرِ تَرَا سَيْفِي بِرَيْتِ عَلَيَّ خَدَمْتِ لِمَا رَفَعَتْ  
 عَمَارِينَ فَرِيَالِ هَذَا لَنْ فِي مَقْبَرِ الْوَجْهِ مَا نَاظَرْتِ هَذَا مَرَّوْنِ عَمَدَةِ الْوَجْهِ مِنْ مَقْبَرِ  
 دَهْرًا اِلَى الْاَكْلِ فِي مَقْبَرِ عَمَدَةِ الْوَجْهِ

در تاریخ ۶ حمل (فروردین) ۱۳۹۳ ش. گروه تروریستی تکفیری داعش با کار گذاشتن مواد منفجره، دو مناره‌ی مقبره‌ی عمار یاسر و اویس قرنی را تخریب کردند.

<sup>1</sup> بشاره المرتضی لشیعہ المرتضی، ج 2 ص 138 و بحار ج 43 ص 57



### چند یادآوری در مورد سلام

- الف) سلام کردن ثوابش بیشتر از جواب آن است.
- ب) جواب سلام با سلام متفاوت است؛ همان‌گونه که در روایات آمده است، جواب سلام معمولاً این‌گونه می‌آید: «و علیک السلام». شما، خواننده‌ی گرامی، مشاهده کردید در همه‌ی جواب‌های که در سلام آمده است، کلمه‌ی «علیک» بر کلمه‌ی «سلام» مقدم ذکر شده است.
- ج) شایسته است جواب سلام بهتر از سلام باشد.
- د) زن و مرد نامحرم به‌صورت عادی مجازند بر همدیگر سلام کنند، البته اگر مفسده‌ای در پی نداشته باشد و به قصد شک و ریبه نباشد.
- ه) نکته‌ی پایانی این‌که: در هر شبانه روز همه‌ی مسلمانان چندین بار سلامتی همدیگر را می‌خواهند و در جملات پایانی نماز بر پیامبر (ص)، بر خود و بندگان صالح خدا سلام می‌فرستند.<sup>۱</sup> آن‌چنان که حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) نیز بندگان صالح خداوند را همیشه مشمول دعا و سلام خود قرار می‌داد.

### نقش گشاده‌رویی در روابط اجتماعی

یکی از اموری که در روابط اجتماعی نقش برجسته دارد، ارتباطات فرازبانی<sup>۲</sup> است. ارتباطات فرازبانی شامل استفاده از زبان نمی‌شود؛ اما در عوض تجلیات

۱. متأسفانه در عمل مسلمانان به این شعار عبادی‌اش عمل نکرده و مردم بی‌گناه را بی‌جهت به خاک و خون می‌کشند.

۲. باید توجه داشت که ارتباطات فرازبانی و زبان اشاره در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد؛ از باب مثال: بالاردن انگشت شست و جمع کردن بقیه انگشت‌ها که در فرهنگ آمریکایی به معنای تایید است، در فرهنگ هزاره به معنای فحش است و در میان برخی از اقوام برزیل برای دعوت به رابطه‌ی جنسی از آن



عاطفی، اداها، طرز لباس پوشیدن و وضعیت ظاهری، تماس چشمی، سطح بلندی و یا پایینی صدا و... را در بر می‌گیرد.

خوشرویی و گشاده‌رویی از جمله مقوله‌های ارتباطات فرازبانی است. در آموزه‌های دینی فراوان سفارش شده است که همدیگر را با انبساط وجه و با گشاده‌رویی ملاقات کنید. گشاده‌رویی هزینه‌ای ندارد؛ اما مخاطبانش را می‌تواند همیشه شاد نماید.

### شاخص‌های گشاده‌رویی

گشاده‌رویی یا خوش‌رویی در برابر ترش‌رویی قرار دارد و شاخص‌های آن عبارت‌اند از: چهره‌ی باز، لبان متبسم، خنده‌رویی، برخورد شاد همراه با کمی مزاح و شوخی و برخورد گرم و صمیمی.

نتیجه و دست‌آورد ملموس گشاده‌رویی، موفقیت در روابط اجتماعی است. تجربه نشان داده است که انسان‌های گشاده‌رو در روابط اجتماعی خود موفق‌تر عمل می‌کنند و افراد بیشتری را به خود جذب می‌کنند. علاوه بر آن، فرد با چهره‌ی بشاش و لبان متبسم به اطرافیان خود انرژی مثبت می‌دهند.

از حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) روایت شده است که حضرت فرمود: گشاده‌رویی در صورت مؤمن، صاحبش را به بهشت می‌برد و گشاده‌رویی در صورت معاند، صاحبش را از عذاب جهنم نگاه می‌دارد.





رَأَيْتَ فَاطِمَةَ بِشْرِ فَيَوْمِ خَيْرِ النَّاسِ بِرِيبَ إِصْحَابِ الْبَنَاتِ بِشْرِ فَيَوْمِ خَيْرِ النَّاسِ بِرِيبِ  
صَالِحِ عَالَمِ الْفَرِيقِ

حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) در مقابل پدر، همسر و فرزندان خود همیشه با گشاده‌رویی و لبان متبسم رفتار می‌کرده است به گونه‌ای که حزن و اندوه را از آن‌ها می‌ربوده است.

### چند یادآوری در مورد گشاده‌رویی

نکته‌ی اول: گشاده‌رویی در حد اعتدال بسیار پسندیده است و خوب است انسان مهارت رفتار صمیمی و گرم را یاد بگیرد. پیامبر گرامی اسلام همیشه با مردم با صورت گشاده و با لبان متبسم برخورد می‌کرد.

نکته‌ی دوم: گشاده‌رویی در مورد زن نامحرم با مردان نامحرم سفارش نشده است. بنابراین، اگر گشاده‌رویی باعث افتادن در حرام گردد، به هیچ‌وجه جایز نیست. برای تفصیل بیشتر به بحث حجاب و عفاف در فصل اخیر همین کتاب مراجعه کنید.

### نقش آراستگی<sup>۲</sup> در روابط اجتماعی

<sup>۱</sup>. مستدرک الوسائل ج 12 ص 262 و بحار الانوار، ج 72 ص 401

<sup>۲</sup>. آراستگی می‌تواند طهارت و پاکیزگی باشد و می‌تواند آرایش و تزئین باشد. خداوند در قرآن فرموده: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟ بگو: این نعمت‌ها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص این‌ها در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم. (اعراف، 32)؛



یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر در زندگی اجتماعی، دوست داشتن آراستگی، زیبایی و بوی خوش است. انسان‌ها به‌صورت فطری آراستگی را دوست دارند. آراستگی هم از جمله امور فرازبانی است که در روابط اجتماعی انسان مؤثر است.

از گذشته آراستگی در همه جوامع به نحوی وجود داشته است اما بصورت نظام مند و روشمند نبوده، اولین بار ژاپنی‌ها در سال 1985 نظام آراستگی را بصورت نظام مند معرفی کردند، فردی بنام سوزوکی در کتاب کایزن عملی فصلی را به اصول نظام آراستگی بعنوان مبنایی برای بهره‌وری و کایزن معرفی نمود. نظام آراستگی دارای پنج اصل است که با اس شروع می‌شود و به همین خاطر نام آن را S5 گذاشته است. نظام آراستگی یا S5 شامل 5 مرحله با نام‌های زیر می‌باشد:

ساماندهی: در این مرحله شخص باید امور و اشیاء ضروری را از غیر ضروری تفکیک کند.

نظم و ترتیب: مرتب کردن و مشخص کردن مکان هر وسیله‌ای، مرحله دوم نظام آراستگی است.

نظافت: تمیز کاری و نگهداری محیط به صورت همواره تمیز، مرحله سوم نظام است.

استانداردسازی: تدوین دستورالعمل‌ها و استانداردها برای حفظ و تداوم آراستگی مرحله چهارم است.

انضباط: فرهنگ سازی برای انجام عادت افراد به انجام صحیح کارها، مرحله پایانی نظام است.



## شاخص‌های آراستگی

شاخص‌های آراستگی عبارت‌اند از: لباس مرتب و تمیز بر تن کردن، بوی خوش و عطر استفاده کردن، چادر مناسب و تمیز پوشیدن، ریش و سبیل مرتب و مناسب داشتن، موی مرتب، تمیز و مناسب داشتن، انگشتر مناسب پوشیدن، کفش مناسب و تمیز داشتن، اتاق پاک و مرتب داشتن، شانه‌زدن به موی و ریش، زدودن بوی بد از بدن، مسواک کردن دندان‌ها و دهان، و... . امور فوق را که از مصادیق مهم آراسته‌بودن است، همه دوست دارند. از سوی دیگر، لباس ژولیده، موی، ریش و ظاهر ناآراسته و غیر مرتب و بوی بد دهان، بدن، پا، جوراب و لباس ناشسته و... افراد جامعه را آزار می‌دهند و در ارتباط اجتماعی خلل ایجاد می‌کنند. یکی از سفارش‌های همه‌ی بزرگان دین آراستگی و استفاده از بوی خوش است.

بوی خوش در مورد همه سفارش شده است؛ اما در مورد زنان به صورت کلی در خارج از خانه سفارش نشده است؛ زیرا دین اسلام عفت جامعه را بیش از هر چیز در نظر دارد. بدون شک در جامعه افرادی که دارای قلب بیمارند نیز وجود دارند. برای این که زنان در جامعه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، اسلام سفارش کرده است که در بیرون از خانه حجاب خود را رعایت کرده و از بوی خوش استفاده نکنند. زنان می‌توانند خود را در درون خانه برای محرم و شوهر خود آرایش کنند و از بوی خوش استفاده کنند؛ در اسلام نیز به این مورد سفارش فراوان شده است و از آن به عنوان عامل استحکام زندگی خانوادگی و شادابی زندگی زناشویی یاد شده است.

## زیبایی و حُسن چهره

حضرت زهرا(س) از جهت حسن ظاهری و زیبایی چهره ممتاز بود. حضرت امیر می‌فرمود: وقتی با پیامبر تنها می‌شدم به من می‌فرمود: یا ابالحسن ما



احسن زوجتک و اجملها، یعنی ای ابالحسن چه نیکو و زیباست همسرت فاطمه.<sup>۱</sup>

در روایتی در وصف حسن ظاهری حضرت فاطمه (س) آمده است: او زیبارویی بود ماه‌گونه صفت در شب چهارده، چهره‌اش خندان و باز بود و هنگامی که تبسم و خنده بر لبانش می‌نشست دندان‌هایش همچون لؤلؤی به رشته در آمده نمایان می‌گشت.<sup>۲</sup>

### لباس پاکیزه و مرتب پوشیدن

حضرت زهرا (س) در هنگام نماز و در مراسم‌های زنانه لباس آراسته می‌پوشید. حضرت جبرئیل لباس گران‌قیمتی را برای حضرت فاطمه (س) آورده بود. وقتی حضرت فاطمه (س) آن لباس را پوشید، زنان قریش متحیر شدند و از حضرت فاطمه (س) پرسیدند: این لباس را از کجا تهیه کرده‌ای؟ حضرت فاطمه (س) در پاسخ آن‌ها فرمود: این لباس از جانب پروردگام به من هدیه شده است.

وَرَبَّكَ أَنْ تَرَىٰ لَكَ حُلَّةً مِنْ رَبِّكَ فَاتَّقِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ  
عَلَّاتٌ حَارٌّ مِنْ نَارٍ

### لباس مخصوص برای نماز و برای کار

حضرت زهرا (س) چنان آراسته و مرتب بود که برای کار در خانه از قبیل: دیک کردن، آسیاب کردن و... لباس مخصوص و برای نمازش لباس

۱. بهجه قلب المصطفی (ص) ۴۷۸ و فرهنگ فاطمیه ص ۳۴۶.

۲. فرهنگ فاطمیه ص ۳۴۷.

۳. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳ ص ۳۵۴.





عَمْرُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِذَا نَامَ عَمْرُ بْنُ يَاسِرٍ لَيْسَ فِي بَيْتِهِ عَطْرٌ فَطَمَمْتُ لَهُ عَطْرًا.

### تهیه عطر مخصوص برای شب عروسی

عمار بن یاسر<sup>۲</sup> گزارش می‌دهد که روز ازدواج حضرت فاطمه (س) پیامبر (ص) به من دستور داد تا عطر خوش‌بو برای حضرت زهرا (س) تهیه کنم. وقتی صبح شد، من عطری را که تهیه کرده بودم به منزل حضرت فاطمه (س) بردم. حضرت فاطمه (س) از من پرسید: ای عمار! این عطر چیست؟ گفتم: پدرت رسول خدا مرا امر کرد تا این عطر را برای شما تهیه کنم.

عَمْرُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: وَنَقَلْتُ فِي نَهْرٍ مِنْ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَطْرًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي نَهْرٍ مِنْ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: نَقَلْتُ لَكَ مِنْ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَطْرًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: نَقَلْتُ لَكَ مِنْ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَطْرًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: نَقَلْتُ لَكَ مِنْ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَطْرًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

### تشویق به پاکیزگی

در روایت آمده است که حضرت فاطمه (س) از پدرش رسول خدا (ص) روایت کرده است که حضرت فرمود: کسی که شب می‌خوابد و در دستش چربی باشد، ملامت نکند مگر خودش را.

۱. الامالی شیخ طوسی ص 40.

۲. به صورت مختصر بیوگرافی عمار قبلا در پاورقی بیان شد.

۳. دلائل الامامه ص 104.



الْمَسَاءَ رَيْتَ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِهِ فِي مَحَارِبٍ مَحْجَبَةٍ فَأَذْكَرْتُ مَا كُنْتُ مَهْبُوتًا لَأُرِيَّتَ مِنْ مَحْجَبٍ  
 مَحَارِبِينَ... فَتَأْتِي نَائِلَةٌ (س) سِيَّهًا رَافِعَةً لِي فِي مَا لَمْ يَكُنْ يَلْمَنُ وَمِنْ لَدُنَّ عِنْدَ رَضَمٍ لَأَتَّ  
 هَامِينَ مَحَارِبَ الْمَحَارِبِ فَكُلُّهَا بَيْتِي... مَا أَلْقَى مَحْجَبًا إِلَى رَجُلَيْهَا وَمَا هَلَبَا الْعَهْدَ رَ  
 الْفَقْرَ مَاذَا لَأَكْتُ حُرَّ الرُّضَى حُرَّ الشَّيْبِ لَأَكْتُ لَأَكْتُ مِنَ الْبَيَارِ الْبَيْدِ رَأَيْتُ لَأَكْتُ  
 لَأَكْتُ لَأَكْتُ بِالصَّلَاةِ

### نکات قابل یادآوری

نکته‌ی اول: حضرت فاطمه (س) بسیار آراسته، تمیز و زیبا بود. حضرت در محدودهی شرع و برای همسرش خود را می‌آراست.

نکته‌ی دوم: حضرت فاطمه (س) مبلغ قابل توجهی را صرف عطر می‌کرد.

نکته‌ی سوم: حضرت فاطمه (س) وقتی از منزل خارج می‌شد خود را نمی‌آراست.

### نقش شکرگزاری و قدردانی در روابط اجتماعی

یکی از صفات برجسته‌ی اخلاقی، شکرگزاری و قدردانی است. شکرگزاری و قدردانی از کار نیک دیگران، باعث ازدیاد محبت و ترویج فرهنگ کار نیک و استحکام روابط اجتماعی می‌گردد. شکرگزاری گاه از خداوند است و گاه از بندگان؛ همچنین شکرگزاری گاه زبانی است و گاه عملی. انسان هم از منعم واقعی که خداوند بزرگ است باید شکرگزاری نماید و هم از باب این‌که «من

1. عیون اخبار الرضا ج 2 ص 11.



لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»<sup>1</sup> شایسته است از همدیگر قدردانی و سپاس‌گزاری گردد.

### شاخص‌های شکرگزاری و قدردانی

شاخص‌های شکرگزاری و قدردانی عبارتند از این‌که: انسان در همه حال با زبان از صاحب نعمت قدردانی، سپاس‌گزاری و تشکری نماید، زحمات و ارزش کار شخص منعم را ارج نهاده و درک کند و در عمل هم نعمت داده‌شده را در جای و مورد مناسب و مجازش استفاده کند و عملاً شاکر نعمت باشد؛ گاه لازم است زحمات دیگران را ارج نهاده با دادن حق‌الزحمه از شخص قدردانی گردد، گاه لازم است در قالب دعا، تعریف و تمجید از شخصی که خدمت نموده است، قدردانی شود و گاه هم با راهنمایی و هدایت از کسی تقدیر گردد که چه بسا یک راهنمایی صادقانه و درست مسیر زندگی انسانی را دگرگون سازد. بصورت کلی می‌توان مراحل سپاسگزاری از دیگران را اینگونه بیان کرد: جبران کردن زحمات و خدمات دیگران همراه با پاداش، تشکر کردن زبانی، به یاد آوردن نیکی‌ها و خدمات دیگران، به یاد آوردن و تکریم فرد نیکوکار، شناخت ارزش آن نیکی و دوست داشتن فرد نیکوکار، دعا کردن فرد خدمت‌گزار، تجلیل از افراد خدمت‌گزار.

<sup>1</sup> در جستجوی منابع کتابی و نرم‌افزاری، این عبارت به عنوان حدیث یافت نشده است، اما احادیثی با این مضمون وجود دارد؛ مانند حدیثی از امام رضا(ع) که فرموده است: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. امام رضا(ع) می‌فرمود: هر که سپاس مردمی نعمت‌دهنده را نگوید، سپاس خدای بزرگ را نگفته است.



## شکرگزاری از خداوند در سخنرانی حضرت زهرا در مسجد مدینه

حضرت زهرا(س) چادر بر سر کرده با جمعی از بانوان وارد مسجد شد، در حالی که جمعی از مهاجرین و انصار و خلیفه‌ی وقت حضور داشتند. به احترام حضرت پرده‌ی سفیدی آویختند که سخنرانی را در پشت پرده انجام دهد. قبل از شروع سخنرانی، حضرت ناله‌ی جان‌سوزی کشید که بسیاری از حاضران گریستند. پس از آن که مردم آرام گرفتند، فرمود: سخنرانی‌ام را با حمد خداوند شروع می‌کنم که وی سزاور به حمد و عظمت است. آن‌گاه فرمود: حمد و سپاس خدای را بر نعمت‌هایی که ارزانی داشت. سپاس او را بر اندیشه‌ی نیکو که در دل نگاشت. سپاس بر نعمت‌های فراگیر خداوند که از چشمه‌ی لطفش سرازیر گردید و عطا‌های زیادی را برای ما بخشید و در حق ما پیوسته نیکو نمود. خداوند نعمت‌هایی را برای ما عطا کرد که قابل شمارش نیست و ما نمی‌توانیم قدر آن را بدانیم. انسان نمی‌تواند نهایت نعمت الهی را درک کند و سپاس‌گزاری باعث افزایش نعمت می‌شود.

قَالَتْ: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَ لَهُ لَوْلَا الَّذِي رَفَعَنَا مِنْكُمْ لَكُنَّا مِنَ الْمَلَكُوتِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَ لَهُ لَوْلَا الَّذِي رَفَعَنَا مِنْكُمْ لَكُنَّا مِنَ الْمَلَكُوتِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَ لَهُ لَوْلَا الَّذِي رَفَعَنَا مِنْكُمْ لَكُنَّا مِنَ الْمَلَكُوتِ

## شکرگزاری زهرا(س) در هنگام مشکلات

حضرت زهرا(س) سخت کار می‌کرد و مشکلات مالی زیادی داشت، اما لب به شکایت نگشود و همیشه راضی و شکرگزار خداوند بود. از جابر بن عبدالله

1. بلاغات النساء، ص، 27 و دلائل الامامه ص 111.

انصاری<sup>1</sup> نقل شده است که فرمود: پیامبر(ص) فاطمه(س) را با لباس نامناسب دید در حالی که هم با دستانش آسیاب می‌کرد و هم به بچه‌اش شیر می‌داد، چشمان رسول خدا پر از اشک شد. پیامبر(ص) فرمود: دخترم! این گونه تلخی‌ها را در دنیا برای رسیدن به پاداش و شیرینی‌های اخروی پذیرا باش و صبر و بردباری را از دست نده. آن بانوی گرامی اسلام گفتند: ای رسول خدا! سپاس خدایی را که نعمت‌هایش را ارزانی داشته و برای ما داده است. در این حال آیه نازل شد که ای پیامبر! به تو آن قدر پاداش خواهیم داد تا راضی و خوشنود گردی.

عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: فَاطِمَةُ كَلْبٌ يَأْكُمُ الْبَيْتَ وَالْإِذْنَ وَمَعَى نَفْسٍ يَحْتَضِرُ  
 لَمْ يَضَعْ رَأْسَهَا وَحَسَنَاتُهَا مِثْرًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَا فاطمة! مَنْ جَلِيَ رَأْسَهُ وَالْحَبْأُ يَحْتَضِرُ الْإِسْرَافَ  
 نَفَاثَتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى نَفْسِهِ الشَّرُّ عَلَيْهِ الْإِذْنَ فَأَقْرَبُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِطَبْلِ رَيْبِ  
 مَرَضِي (ص: 5)

### یاری خواستن بر شکرگزاری

در دعاهای ایام هفته که منسوب به حضرت فاطمه(س) است، دعای روز پنجشنبه‌ی آن با یاری خواستن بر شکرگزاری به پایان می‌رسد که حضرت فاطمه(س) فرمود: خداوندا بر محمد و آل محمد درود بفرست و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن! برحمتک یا ارحم الراحمین.

1. زندگی‌نامه‌اش در باورقی گذشت.

2. مناقب ج 3 ص 342.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْهُمْ وَارْحَمْ رَحْمَةً تَرِيحُ بِهَا  
رَبَّ الرَّاحِمِينَ

و در دعای روز شنبه منسوب به حضرت فاطمه(س) آمده است که بارخدا یا  
شکرگزاری ما را نسبت به خودت افزون فرما. رَزَّخَالِكُ شُكْرًا

قابل یادآوری این که حضرت زهرا(س) در همه حال شکرگزار نعمت‌های  
الهی بود. حضرت فاطمه(س) همچنین قدردان والدین، همسر و سایر مردم خیر  
بود و در حق آن‌ها دعا می‌کرد.

### رعایت انصاف با دیگران

انصاف یک صفت بسیار برجسته‌ی اخلاقی است و با عدالت نزدیک است.  
در ادبیات الهی، مؤمن مساوی با انصاف است. همگی انسان منصف را دوست  
دارد. بنابراین، صفت انصاف می‌تواند انسان را در برقراری و استحکام روابط  
اجتماعی کمک کند.

رعایت انصاف در اخلاق اجتماعی امری لازم و ضروری است و از لوازم  
مهم زندگی اجتماعی به شمار می‌آید که نمی‌توان آن را جز در سایه‌ی عدالت و  
شرح صدر دریافت. حضرت فاطمه(س) در خانواده‌ی رسول خدا(ص) تربیت  
شده است که حضرت نمونه‌ی اعلا‌ی رعایت انصاف بودند؛ تاحدی که در نگاه  
کردن به یارانش دست از انصاف و رعایت مساوات برنمی‌داشتند، امام

1. بحارالانوار، ج 87 ص 339.

2. همان: ص 338.





صادق(ع) در این باره فرمود: «رسول خدا نگاه‌های خود را در میان اصحابش تقسیم می‌کرد و به این و آن، به‌طور یکسان می‌نگریست».

### شاخص‌های انصاف

انصاف کلمه‌ی عربی است از «نصف» که به معنای راستی، عدالت و برابر کردن آمده است. یکی از مصادیق انصاف این است که وقتی مالی بنا است بین دو نفر مساویانه تقسیم شود، تقسیم به گونه‌ای صورت گیرد که به هیچ طرف زیادی داده نشود. انصاف احتمالاً در اصل به معنای دو نیم کردن و دو قسمت کردن مساوی است. انسان منصف به کسی گفته می‌شود که در همه امور با دیگران رفتار مساویانه، عادلانه و منصفانه دارد. شایسته است انسان با دشمن، مخالف، رقیب و ... نیز منصفانه رفتار کند. انسان منصف، به خاطر خانواده، فرزندان، منزلت اجتماعی، جنسیت، نژاد و قومیت به دیگران ستم نمی‌کند. به عبارت دیگر، رفتار منصفانه به رفتاری گفته می‌شود که محبت و دشمنی باعث نشود ما از جاده‌ی انصاف و عدالت خارج گردیم.

انصاف دارای انواع و اقسام متعددی است از جمله: انصاف در سخن، انصاف در عمل، انصاف در قضاوت، انصاف در معامله و ...

حضرت زهرا(س) صفت انصاف را به‌صورت کامل دارا بود. برای فهم این صفت اخلاقی در وجود حضرت زهرا(س) لازم است به چند نکته توجه گردد:

نکته‌ی اول: زنان در جامعه‌ی صدر اسلام که از جامعه‌ی جاهلی چندین فاصله نداشت، فاقد منزلت اجتماعی بود؛ حضرت زهرا(س) یک زن بود که در صدر اسلام زندگی می‌کرد.

نکته‌ی دوم: بردگان و خدمت‌گزاران در جامعه هیچ جایگاهی نداشت؛ رفتار مردم با بردگان و خدمت‌گزاران در بهترین حالت‌ها مانند رفتار با حیوانات بود. بردگان هیچ‌چیزی را نمی‌توانست مالک گردند.



نکته‌ی سوم: خادمان حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) مانند فضه و اسماء همگی زن بودند.

حال با توجه به نکات فوق می‌توان انصاف حضرت زهرا(س) را با خدمت‌گزاران شان خوب درک کرد.

### انصاف حضرت فاطمه(س) با خدمت‌گزار

سلمان فارسی<sup>۱</sup> نقل می‌کند که روزی در منزل حضرت زهرا(س) رفتم، دیدم حضرت فاطمه(س) نشسته است و با آسیاب دستی، جو آسیاب می‌کند در حالی که دسته‌ی آسیاب خونی است و حسین(ع) در گوشه‌ی خانه گریه می‌کند. عرض کردم: ای دختر رسول خدا! شما به این حال قرار دارید و فضه نشسته است، چرا به وی نمی‌گویید که با شما همکاری کند؟ حضرت زهرا(س) فرمود: پدرم رسول خدا(ص) به من سفارش کرد که یک روز فضه و یک روز من کارهای خانه را انجام دهم؛ دیروز نوبت فضه بود و امروز نوبت من است. سلمان عرض کرد: من بنده‌ی آزاد هستم و می‌توانم جو آرد کنم و یا حسین(ع) را آرام کنم. حضرت زهرا(س) فرمود: شما جو را آرد کنید و من به آرام کردن حسین(ع) سزاوارترم. جو را آرد کردم تا وقت نماز فرا رسید، با رسول خدا نماز

1. سلمان فارسی، صحابی مشهور پیامبر(ص) و از یاران امام علی(ع) بود. وی از یاران بزرگ و مورد علاقه‌ی پیامبر(ص) بوده؛ تا آن‌جا که حضرت محمد(ص)، در وصف او گفته است: سلمان از ماست. او در غزوه‌های پیامبر، حضور داشت و ماجرای پیشنهاد وی برای کندن خندق در نبرد احزاب که به شکست مشرکان انجامید، مشهور است. سلمان پس از رحلت پیامبر(ص)، در شمار یاران علی بن ابی‌طالب(ع) قرار گرفت. با ماجرای سقیفه مخالف بود، اما با اجازه‌ی امیرالمؤمنین، با صاحبان سقیفه همکاری کرد. در زمان حکومت خلیفه‌ی دوم، حاکم مدائن شد. با این حال زنبیل می‌بافت و با دسترنج خودش روزی می‌گذراند. سلمان فارسی، در سال ۳۶ هجری قمری در شهر مدائن درگذشت. مدفن وی در مدائن به بقعه سلمان پاک مشهور است.

خواندم و بعد از نماز همراه علی(ع) آن چه را که دیده بودم نقل کردم و حضرت گریست... .

أَنَّ مَسْلَمَةَ قَالَتْ لَكَتِ فَاطِمَةُ (ع) بِأَيْمَانِ فَخَدِمَتْنِي فِي نَهْجِ الشَّيْرِ وَهِيَ تَحْرُجُ الرِّجْلَ حَتَّى  
 سَأَلَنِي الرَّسُولَ فِي نَهْجِ الشَّيْرِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَبِيبَتِ كَالرَّجُلِ وَحَبِيبَةٌ قَالَتْ  
 أُرْصَاهُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَنْ تَكُونَ الْخِزْيَاءُ الْمُرْتَابِ بِرَأْسِهَا كَأَنَّهَا تَبْرَأُ خَدْمَتَهَا قَالَتْ مَسْلَمَةُ  
 لِي فِي مَرَّةٍ فَقَالَتْ مَا لَنْ أَطْمَئِنَّ الشَّيْرِ رَأْسُكَ لِكَلِّ اللَّيْمِينَ فَقَالَتْ أَلَا يَسْتَعِينُكَ رَأْسُكَ  
 فَطَمَنَ الشَّيْرِ فَطَمَنَتْ ذِيهَا مِنَ الشَّيْرِ فَيَا أَلَا يَا قَاتِلَةَ قَضَيْتِ رِصَالَتِي مَعَ  
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَلَمَّا قَرَّحَتْ قَالَتْ لِقَائِي مَا لَيْتَ عَيْشِي رَجَحَ قَرَحَ حَدِيثِي عَسَاءَ لِي ذَلِكَ  
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ حَسَلَتْ هَلِي فَاهْتَارَ عِي سَائِلِي الْفَتَاهَا الرَّسُولَ فَهَلِي صَخْرَةً  
 فَخَدِمَتْنِي فِي نَهْجِ الشَّيْرِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ يَا قَاتِلَةَ الْفَتَاهَا لِي مَا لَيْتَ عَيْشِي  
 مَسْأَلِي فِي الْأَرْضِ يَخْتَصِمُونَ فَمَحَارِبُ الْعَدَالِ أَنْ تُفْرَ السَّكَا

### نقش ایثار و از خودگذشتگی در روابط اجتماعی

ایثار از صفات پسندیده است که دارنده‌ی آن دیگران را بر خود مقدم می‌دارد و اگر در مورد مال باشد، در عین نیاز شدید به آن، حاضر می‌شود نیازمندان جامعه را بر خود مقدم بدارد.

### شاخص‌ها و معنای ایثار

«ایثار» کلمه‌ی عربی است که معادل آن در زبان فارسی از خودگذشتگی و فداکاری است. از خودگذشتگی در جایی معنی پیدا می‌کند که انسان در جلب منفعتی یا در دفع ضرری، دیگران را بر خود مقدم بدارد؛ کسی که به آب نیاز

<sup>1</sup> الخرائج و الجرائح، ج 2، ص: 531



دارد و آن را خود نمی‌خورد و به شخص تشنه‌ی دیگر می‌دهد، کار ایثارگرایانه انجام داده است؛ مادری که فرزندش را از رفتن زیر ماشین نجات می‌دهد و خود زیر ماشین می‌رود و جان می‌دهد، ایثار انجام داده است؛ حضرت علی(ع) که در جای پیامبر(ص) می‌خوابد و جانش را در معرض خطر حتمی قرار می‌دهد تا پیامبر(ص) نجات یابد، کار ایثارگرایانه انجام داده است؛ مجروحین صدر اسلام که خون زیادی از آن‌ها رفته بودند و شدیداً تشنه بودند، اما خود آب نخوردند و جان دادند و آب را به مجروحان دیگر دادند، کار ایثارگرایانه انجام داده اند.

فردی که صفت ایثارگری در او وجود دارد، در جامعه از محبوبیت زیادی برخوردار است و قطعاً در روابط اجتماعی خود موفق است.

### از خود گذشتگی و ایثارگری در برآوردن نیاز دیگران

یکی از صفتهای حضرت زهرا (س)، ایثار و فداکاری بود. حضرت در خانواده‌ای تربیت یافته بود که همه‌ی زندگی آن‌ها با ایثار عجین شده بودند؛ مادرش حضرت خدیجه(س) تمام سرمایه‌اش را در اختیار همسرش حضرت پیامبر(ص) قرار داد - که خود نوعی از ایثار بود- و پیامبر(ص) هم همه‌ی سرمایه‌اش را به نیازمندان داد و برای گسترش اسلام از مالش مایه گذاشت؛ در ماجرای کربلا نیز درس‌های از ایثار را فراوان مشاهده می‌کنیم.

حضرت زهرا(س) همسر شخصیتی مثل علی(ع) است که در جنگ احد 80 جراحات بر بدنش وارد می‌شود؛ ولی نمی‌گذارد کوچک‌ترین خراشی بر بدن مبارک رسول خدا(ص) وارد شود.

در تاریخ نمونه‌های زیادی از ایثارگری حضرت زهرا(س) نقل شده است. حضرت زهرا(س) لباس عروسی‌اش را به فقیر داد و خدا نیز بلافاصله به لحاظ عظمت کار ایشان فرمود: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ». چه کسی

حاضر است که لباس عروسی‌اش را به فقیر بدهد و با لباس کهنه‌اش به خانه‌ی شوهر برود؟

در سوره‌ی دهر، داستان ایثار حضرت زهرا(س) را خداوند بیان کرده است. ابن عباس می‌گوید: حسن و حسین(ع) بیمار شدند، پیامبر(ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی(ع) گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود برای شفای فرزندان خود نذری می‌کردی. علی(ع) و فاطمه(س) و فضه که خادمه‌ی آن‌ها بود، نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند سه روز، روزه بگیرند. حسن و حسین(ع) نیز گفتند: ما هم نذر می‌کنیم روزه بگیریم.

چیزی نگذشت که هردو شفا یافتند؛ در حالی که هیچ‌گونه مواد غذایی در خانه نداشتند. علی(ع) سه من جو قرض کرد و فاطمه(س) یک سوم آن را آرد کرد و با آن نان پخت. هنگام افطار، نیازمندی در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستیم، غذایی به من بدهید؛ خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند. آن‌ها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند، و سهم خود را به وی دادند و آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذا را آماده کرده بودند (همان نان جوین) یتیمی در خانه آمد. آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند. ایشان بار دیگر با آب افطار کردند و در سومین روز، اسیری هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد، باز سهم غذای خود را به او دادند. هنگامی که صبح شد، علی(ع) دست حسن و حسین(ع) را گرفته بود و خدمت پیامبر(ص) آمدند. هنگامی که پیامبر(ص) آن‌ها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود: این حالی را که در شما می‌بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آن‌ها حرکت کرد. هنگامی که وارد خانه‌ی فاطمه(س) شد، دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی، شکم او به پشت چسبیده و چشم‌هایش به گودی نشسته است. پیامبر(ص) ناراحت شد. در



خیال کند آن حضرات نیز غذا می‌خورند. وقتی مهمان سیر کرد حضرت زهرا(س) چراغ را روشن کرد و ظرف را پر از غذا یافت. فردای آن روز پیامبر(ص) علی(ع) را دید و به شدت گریه کرد و فرمود: یا امیرالمؤمنین خدا از کار شما تعجب کردند؛ مژده باد بر شما که آیه‌ی نهم سوره‌ی حشر در حق تان نازل گشت که در آن این مطلب آمده است " و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارند."

عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنَّ الْبُرْعَ مَقْتَسَمٌ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَفَاتَنَّا  
 اللَّهُ (ص) فَقَالَ (ص) مَنْ مَدَّ الرَّجُلَ الْبَاءُ فَقَالَ رُبُّهُ الرَّبُّ (ص) وَأَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَأَخَارَ رَسُولَ اللَّهِ  
 (ص) بِأَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَفَاتَنَّا الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ  
 تُرْعِي الصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ  
 فَرَحِبَتِ الْبُرْعَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ  
 صَا فَانظُرْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي بَيْتِهِ فَدَعَا رَجُلًا بِالرَّبِّ فَجَاءَهُ حَيْبُ الرَّبِّ مِنْ فَيْلِهِ  
 الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ الْبُرْعَ  
 بِفَيْهِ فَلْيَأْرَظْ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ وَالصَّبْرَ

### ایثار برای پدر

حضرت فاطمه(س) در یکی از روزها، قرص نانی پخت و دلش نیامد بدون پدر از آن استفاده کند، لذا آن را خدمت پدر برد. پیامبر(ص) فرمود: دخترم این اولین طعمی است که بعد از سه روز در دهان می‌گذارم.







لَمَنْ رَلَسَنَ نَالَتْ بِأَمْسَانِ عَزَابِيَّ أَنْصَابِيَّ قَرَّ جِلَّ لَسَانَا فَخَيْرُ دِينِنَا  
فَأَخَذَ لَمْسَانُ فَاهَهُ بِاللَّيْهِ (ص)

### بیان ایثار حضرت فاطمه (س) در قالب شعر

روزی فقیری به خانه‌ی فاطمه (س) آمد، حضرت علی (ع) در قالب شعر از همسرش خواست به فقیر کمک کند. حضرت فاطمه (س) هم اشعار علی (ع) را با اشعار جواب می‌داد. این اشعار خیلی طولانی است و در کتاب‌های چون: امالی شیخ صدوق به صورت کامل آورده شده است. حضرت فاطمه (س) در پایان مشاعره ایثارش را این گونه در قالب شعر بیان داشته است.

لَمْ يَبْقَ مِمَّا كَانَ غَيْرُ صَاعٍ / قَدْ دَبِرَتْ كَفَى مَعَ الذَّرَاعِ  
شِبْلَايَ وَ اللَّهُ هُمَا جِيَاعُ / يَا رَبِّ لَا تَتْرُكْهُمَا ضِيَاعُ  
أَبُوهُمَا لِلْخَيْرِ دُوْ اصْطِنَاعِ / عَبْلُ الذَّرَاعَيْنِ طَوِيلُ الْبَاعِ  
وَ مَا عَلَى رَأْسِي مِنْ فِنَاعٍ / إِلَّا عَبَا نَسَجْتُهَا بِصَاعٍ<sup>۲</sup>

که در این شعر حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: از آن چه در خانه ذخیره کرده بودم جز به مقدار یک پیمانانه باقی نمانده است، در حالی که دست من با آرد کردن گندم و گرداندن آسیاب مجروح گردیده است، به خدا سوگند فرزندانم هم اکنون گرسنه‌اند؛ خدایا آن‌ها را به حال خود نگذار که از دست بروند. پدرشان علی (ع) در سخاوت و خوبی‌ها بی نظیر است و آن چه دارد و به دست می‌آورد با دستان بخشنده‌اش به دیگران می‌بخشد.

1. بحار الانوار، ج 43 ص 73.

2. امالی صدوق، ص 259.

همه غذای موجود خانه را در حالی به گرسنه می‌دهم که مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم؛ مگر چادر کهنه‌ای که از فراوانی وصله از بین رفته است.

### نمونه‌ی دیگر از فداکاری و ایثار حضرت فاطمه (س)

روزی گرسنه‌ای درب منزل امام علی(ع) را کوبید و تقاضای کمک کرد. امام در قالب شعری زیبا نیازمندی آن گرسنه‌ی بینوا را به حضرت زهرا(س) بازگو فرمود و تذکر داد اگر امکان دارد کمک مناسب شود. حضرت زهرا(س) با شعر جواب داد و فرمود: فرمان تو را ای پسر عمو بی‌درنگ اطاعت خواهم کرد. حضرت بار دیگر تأکید در اطعام گرسنه فرمود و فاطمه(س) باز هم با شعر پاسخ داد: به‌زودی به این گرسنه طعام خواهم داد و از گرسنگی خودم باکی ندارم؛ برای خدا او را بر فرزندان گرسنه‌ام مقدم می‌دارم.

فَسَوْفَ أُعْطِيهِ وَ لَا أَبَالِي      وَ أُؤْتِرُ اللَّهَ عَلَيَّ عِيَالِي<sup>1</sup>

### کمک و بخشش

کمک به دیگران و داشتن صفت سخاوت و بخشش، صفت برجسته‌ی دیگری است که از جمله‌ی فضایل اخلاقی شمرده شده است. سخاوت و روحیه‌ی همکاری با دیگران باعث محبوبیت انسان در جامعه می‌گردد و برای تقویت روابط اجتماعی بسیار سودمند است.

<sup>1</sup> . شعر حضرت زهرا، امالی صدوق، ص 259.



## شاخص‌های بخشش و کمک

بخشش و کمک به دیگران مصادیق گوناگونی می‌تواند داشته باشد؛ از قبیل بخشش مال (معروف‌ترین مصداق سخاوت، بخشندگی در امور مادی است و در آیات و روایات فراوانی مورد توجه قرار گرفته است)، سخاوت در علم و هنر، سخاوت در قدرت و نفوذ و سخاوت در خیرخواهی و اخلاق.

### بخشش و کمکی که مورد تحسین پدر شد

محمد بن قیس<sup>۱</sup> گزارش می‌دهد که عادت پیامبر(ص) به گونه‌ای بود که هرگاه از مسافرت برمی‌گشت، ابتدا به دیدن دخترش، فاطمه (س)، می‌رفت و معمولاً دیدارش با فاطمه(س) طولانی بود. یک بار وارد خانه‌ی دخترش شد در حالی که حضرت فاطمه(س) برای پدر و همسرش دو دستبند نقره‌ای و یک جفت گوشواره و یک پرده برای در منزل تهیه کرده بود. رسول گرامی این بار توقف طولانی نفرمود و کمی ناراحت از خانه‌ی فاطمه(س) بیرون شد و به سمت منبر و مسجد رفت. فاطمه(س) متوجه شد که این ناراحتی برای چه بود؛ لذا فوری دستبند، گوشواره و پرده را درآورد و خدمت رسول خدا فرستاد و پیام داد: یا رسول‌الله دخترت بر تو سلام می‌فرستد و می‌گوید: این زیورآلات را نیز در راه خدا انفاق کن. وقتی پدر این بخشش دخترش را دید سه بار فرمود: پدرش فدای او باد.

لَمَّا مَرَّ بِبَنِي فَهْمٍ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) إِذَا رَجَعَ مِنْ مَسَافِرٍ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ (ع) نَحَنًا لَهَا نَاطِلًا  
 وَنَحْنًا لَهَا نَحْرًا بِمَوْلَانِي فِي مَسَافِرِ نَاطِلًا (ع) مَسْكِينٍ مِنْ بَنِي فَهْمٍ فَكَرَّرَ قُرْبَانَ

<sup>1</sup> احتمالاً مقصود از قیس، همان قیس بن عباده باشد که در سخاوت و شجاعت معروف بوده و از یاران پیامبر و امام علی(ع) بوده است؛ اما در مورد فرزند وی محمد اطلاعاتی زیادی در دست نیست.



مَنْ لَبَّيْتُ الْبَيْتَ لَفَحِي لِي بِمَا رَزَقْتَنِي مِنْهُ (نمازخانه رسول الله (ص) حنل قلبها قرئت  
 لَصْحَابًا عَلَى الْبَابِ الْأَخْرَجُونَ أَبْغَضُوا أَنْ يَنْصُرُوا لَطْرُلَ عَدُوِّهَا فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ  
 رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَخَذَهُمْ الْقَضْبُ فِي رِجْلِهِ حَتَّى جَلَسَ هَذَا الْبَيْتَ فَطَلَبَ ذَلِكَ (ص) وَأَمَّا  
 فَقَالَ خَالِدُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا لَيْتَ مِنَ الْمَسْكِينِ وَالْفَاكِرِ وَالْفَرِيطِ وَالْمَسْتَرِ هِيَ هَذِهِ الْأَخْبَارُ  
 عَلَى بَيْتِهَا مَسْكِينًا قَرَّ هِيَ الْمَسْتَرِ بِكَتَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَأَمَّا لَيْتَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ  
 قَالِبُ أَيْتِكَ الْمَسْكِينُ فَقَالَ لَيْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نَقَالَ الْبُؤْسُ وَالْأَسْرَ (ص) فَكَتَبَتْ بِهَا  
 لِرَبِّهَا ثَلَاثَ مَرَاتٍ

بخشش و سخاوت، آثار و برکات اجتماعی زیادی دارد که علاوه بر موفقیت در روابط اجتماعی برکاتی؛ چون: ایجاد وحدت و صمیمیت در جامعه، برکت در مال، آموزش گناهان و نجات از جهنم، خلق شدن روحیه‌ی ایثارگری و کم شدن فاصله‌ی طبقاتی از جمله‌ی آن‌ها به حساب می‌آید.

نکته قابل یادآوری اینکه افراد عادی وظیفه ندارند تا این حد بر خود سخت گیری کند و در ایثار و بخشش بیش از حد معمول زیاده روی کند. حساب امامان و معصومین ع در این مورد با افراد عادی متفاوت است.

### نقش اخلاص در روابط اجتماعی

یکی از ویژگی‌های ممتاز اخلاقی و عبادی، اخلاص است. اخلاص نقش مهمی هم در رابطه‌ی انسان با خدا و هم در رابطه‌ی انسان با سایر انسان‌ها دارد که از آن در این‌جا به روابط اجتماعی تعبیر شده است.

1. امالی شیخ صدوق، ص 234.



## معنی و شاخص‌های اخلاص

اخلاص بیشتر در برابر ریا مطرح است. ریا به کاری گفته می‌شود که به انگیزه‌ی نمایش، تمجید و ستایش دیگران انجام می‌شود، به همین خاطر کار ریایی بیشتر به ظاهر اهمیت می‌دهد؛ اما اخلاص به کاری گفته می‌شود که در آن بیشتر به محتوا و باطن توجه می‌شود. در اخلاص، هدف این است که یک کار درست انجام شود و از استحکام بیشتر برخوردار باشد؛ هرچند لازم است ظاهرش نیز آراسته باشد. اگر بخواهیم مثال مادی برای آن بزنیم می‌توان بنایی را در نظر گرفت که گاه فقط برای تمجید و جلب رضایت دیگران کار می‌کند و در این کار فقط به ظاهر توجه می‌کند؛ اما گاهی بنا کار را خالصانه انجام می‌دهد و صرفاً دنبال ستایش و تعریف دیگران نیست، بلکه به استحکام بنا و ساختمان نیز توجه دارد؛ هرچند به ظاهر نیز می‌پردازد.

در آیات مختلف قرآنی سخن از اخلاص به میان آمده است که از جمله‌ی آن‌ها به عنوان نمونه، به چند آیه‌ی ذیل اشاره می‌شود:

۱. «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ؛ بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم»<sup>۱</sup>.
۲. «وَأَدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ بخوانید خدا را از سر اخلاص و در هر عبادت رو به سوی او آرید»<sup>۲</sup>.
۳. «قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي؛ بگو من خدای را می‌پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می‌گردانم»<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> زمر: ۱۱

<sup>۲</sup> اعراف: ۲۹

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در همه‌ی این آیات سخن از خلوص در نیّت و عبادت زده شده است.

حضرت زهرا(س) در امر اخلاص سرآمد بود و بارها از خدا خواست تا به وی توفیق اخلاص عنایت کند.

### اخلاص حضرت زهرا(س)

حسین بن روح<sup>۲</sup>، از نایبان امام عصر (عج)، در پاسخ به پرسش بزل هروی -که پرسید، رسول خدا(ص) چند دختر داشت؟- فرمود: چهار دختر، و چون پرسید: کدام یک از همه بافضیلت‌ترند؟ جواب داد: فاطمه (س). وی با تعجب بسیاری می‌گوید: حضرت زهرا(س) از همه‌ی فرزندان پیامبر(ص) کوچک‌تر بوده، از سوی دیگر کمتر مصاحبت رسول‌الله(ص) را درک کرده است، چگونه او بافضیلت‌تر است؟! →

<sup>1</sup> زم: 14

<sup>2</sup> حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ق)، سومین نایب از نواب اربعه امام مهدی(عج) است که به مدت ۲۱ سال (۳۰۵ - ۳۲۶ق) نیابت خاصه را بر عهده داشت. او از اصحاب امام عسکری(ع) و از یاران نزدیک نایب دوم در بغداد بود. محمد بن عثمان در واپسین روزهای حیات خود، حسین بن روح را به دستور امام زمان، جانشین خود کرد. پس از مدتی در ۵ شوال ۳۰۵ق، اولین توقیع از سوی حضرت مهدی در تأیید حسین بن روح صادر شد. حسین بن روح در ابتدای نیابت خود در دستگاه حاکم عباسی دارای موقعیت و احترام ویژه بود، اما بعدها دچار مشکل شد و مدتی زندگی مخفیانه داشت و سپس پنج سال زندانی شد. موقعیت علمی حسین بن روح نوبختی، به دلیل تألیف کتب فقهی و اشراف کافی در مناظرات علمی، ممتاز دانسته شده است. در منابع روایی، کراماتی از او نقل شده است. حسین بن روح نوبختی در ۱۸ شعبان سال ۳۲۶ق از دنیا رفت. قبر او در محله‌ی نوبختیه در بازار عطاران یا شورجه‌ی بغداد قرار دارد که هم‌اکنون به مقام حسین بن روح مشهور شده و زیارتگاه شیعیان است.

حسین بن روح فرمود: فاطمه (ع) دارای دو ویژگی برجسته بود: نخست آن که وارث رسول خدا (ص) بود و دیگر این که نسل پیامبر خاتم (ص) از ذریه‌ی او است؛ خداوند متعال این صفات را به او ارزانی نداشت مگر به خاطر «اخلاص در نیت زهرا (س)».

سَأَلَ بَنُو الْأُمِّيَّةِ النَّسَبَ بِنِ رُوحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ لَا يَكْفِيكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ  
 أَبُو رُمَيْحٍ فَقَالَ بَلْ يَكْفِيكَ أَنْفُكَ فَقَالَ فَاطِمَةُ فَقَالَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَنْفُكَ أَفْضَلُ مِنْ مِثَارِ فَلَيْتَ صَخِيحًا  
 لِرَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ الْخَلَّائِقُ خَصَّ اللَّهُ بِهَا الْكَمَالَ وَأَرْزَقَهَا رُسُلَ اللَّهِ فَسَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ  
 لَيْسَ خَصَّهَا بِحَالٍ إِلَّا بِفَضْلِ الْإِخْلَاصِ تَقَرَّرَ مِنْ ذَلِكَ

اخلاص، خواسته‌ی حضرت زهرا (س) از خداوند (ج)

روزی رسول خدا (ص) رو به زهرا (س) کرد و فرمود: «دخترم! اکنون جبرئیل نزد من است و از سوی پروردگام پیام آورده که هر چه خواهی تحقق می‌یابد؛ چه می‌خواهی؟» فاطمه (س) پاسخ داد: «شَغَلَنِي عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَدَىٰ خِدْمَتِهِ، لَا حَاجَةَ لِي غَيْرَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجَهِّهِ الْكَرِيمُ»<sup>۱</sup>

لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم مرا از هر خواهشی بازداشته است؛ حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.

چنین بینش روشن و شفافی موجب گردید در سخنی کوتاه، بلندای معرفت خویش را در باره‌ی اخلاص بیان کند که: «بِنِ الْإِخْلَاصِ بَادَأْتُ أَبْطَانِي»

۱. مناقب آل ابی‌طالب، ج 3، ص 324.

۲. ترجمه بحار الانوار، ج 43، ص 917.



عَزَّوَجَلَّ (فَضْلٌ صَالِحٌ) کسی که عبادت خالصانه خود را به سوی خداوند فرستد،

پروردگار بزرگ برترین مصلحت او را به سوی او خواهد فرستاد.

### نقش صداقت<sup>1</sup> در استحکام روابط اجتماعی

یکی از عواملی که در رفتار و روابط اجتماعی نقش برجسته دارد، صداقت است. صداقت باعث می‌شود رفتار آدم‌ها قابل پیش‌بینی گردد. صداقت موجب

---

1. خوب است خواننده‌ی محترم از باب نمونه به نقش صداقت در زندگی خانوادگی توجه نماید که خود انواعی دارد: (1) صداقت عاطفی: صداقت عاطفی به معنای بیان واکنش‌های عاطفی مثبت یا منفی نسبت به وقایع زندگی به خصوص بیان واکنش‌های عاطفی در مورد رفتارهای همسر است. بعضی از زن و شوهرها در ابراز واکنش‌های مثبت چندان مشکلی ندارند، ولی ابراز واکنش‌های منفی برای‌شان سخت است. در این مورد، همسران ابتدا باید مهارت‌های مناسب ارتباطی و نحوه‌ی بیان خواسته‌ها را یاد بگیرند و در مرحله‌ی بعد، باید بتوانند احساسات خود را به راحتی بیان کنند. (2) صداقت در مورد گذشته: صداقت در مورد گذشته یا صداقت تاریخی، ارائه‌ی اطلاعاتی درباره‌ی سوابق شخصی و به خصوص نقاط قوت و ضعف شخصی است. صداقت با همسر درباره‌ی گذشته، بیشتر ناظر بر احساسات صادقانه با اوست، نه بیان حقایق با وی. (3) صداقت در مورد زمان حال: صداقت درباره‌ی زمان حال به در میان گذاشتن وقایع زندگی روزمره با همسر مربوط می‌شود. در این زمینه، زن یا شوهر باید در مورد فعالیت‌ها و اقدامات روزانه‌ای که انجام می‌دهد به همسرش اخباری بدهد. این مسئله به خصوص در فعالیت‌هایی که به همسر اثر می‌گذارند حیاتی‌تر و لازم‌تر است. در زندگی خوب و موفق، زن و شوهر به هم نوعی وابستگی متقابل پیدا می‌کنند و این ارتباط برای برنامه‌ریزی روزانه و هماهنگ ساختن فعالیت‌ها ضروری است. (4) صداقت درباره‌ی آینده: این نوع صداقت مربوط است به توضیح طرح‌ها و برنامه‌هایی که زن و شوهر برای زندگی آینده‌ی‌شان طراحی کرده‌اند، یعنی پرداختن به اهداف و فعالیت‌های بعدی در زندگی مشترک‌شان. در این باره گفت‌وگو و توضیح درباره‌ی جزئیات طرح‌ها و تقاضای مساعدت، هم‌فکری، هم‌کاری و همراهی از همسر، یک راهکار مهم محسوب می‌شود. سعی کنید در انتهای هر هفته زمانی را به طرح برنامه‌ها و اهداف و فعالیت‌های مربوط به روزها و ماه‌های آینده اختصاص دهید و به طور مشترک با همسر خود در این باره هم‌فکری و برنامه‌ریزی کنید.



افزایش اعتماد در جامعه می‌گردد، در حالی که اگر صداقت در جامعه وجود نداشته باشد، اعتماد نیز وجود نخواهد داشت. اصولاً اگر اخلاق بر چند پایه استوار باشد، یکی از مهم‌ترین آن پایه‌ها صداقت است.

### معنی و شاخص‌های صداقت

واژه‌ی «صداقت» از «صدق» گرفته شده است و در اصل به این معنی است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود، مطابق خارج و واقع باشد، و کسی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، «صادق» و «راست‌گو» می‌گویند. صداقت بیشتر در سخن و گفتار معنی پیدا می‌کند؛ هرچند در رفتار و عمل نیز صداقت وجود دارد؛ مانند: کار صادقانه. وقتی صداقت در عمل به کار رود، مقصود این است که کار بدون عیب، در حد توان و خوب انجام شود.

صداقت و راست‌گویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه‌ای دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است.

### صداقت در آیات قرآن

در آیه‌ی 119 سوره‌ی توبه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با صادقان باشید. در تفاسیر روایی مقصود از صادقان در آیه، پیامبر(ص) و ائمه‌ی دوازده‌گانه دانسته شده است.

در آیه‌ی 177 سوره‌ی بقره آمده است: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا

وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ وَالضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

در این آیه ابتدا این گمان را که نیکی، روی نمودن به طرف مشرق یا مغرب به عنوان قبله باشد، نفی می‌کند و سپس می‌فرماید: بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال خود را با آن که دوستش می‌دارد به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، راه ماندگان، دربوزگان و بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و آنان کسانی‌اند که به عهد خود وقتی عهده می‌بندند وفا می‌کنند و از فقر و بیماری و جنگ، خویشتن‌دارند. اینان هستند که راست گفتند و همین‌ها هستند که تقوی دارند.

و در آیه‌ی 15 سوره‌ی حجرات می‌خوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که ایمان به خدا و پیامبرش آورده، سپس شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند [و علاوه بر این] با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، این‌ها صادقان هستند.

### صداقت حضرت زهرا (س)

این شهر آشوب به نقل از حلیه‌ی الاولیاء، تألیف ابو نعیم اصفهانی<sup>1</sup> و مسند ابو یعلی موصلی<sup>1</sup>، از عایشه<sup>2</sup> روایت کرده که او می‌گفت: به جز پیامبر(ص) هیچ‌کس را راست‌گوتر از فاطمه(س) ندیدم.

1. ابونعیم، متولد 336 قمری از کسانی است که در ایجاد تمایلات شیعی و علوی در میان اصحاب حدیث نقش بسزایی داشته است. به رغم تصریح برخی مؤلفان امامیه؛ چون ابن شهر آشوب و علی ابن طاووس و برادرش احمد



## فَاتِةٌ لَيْسَ لَهَا رَيْبٌ لِحَدِيثِهَا صَحَّتْ مِنْهَا لَهَا رَيْبٌ

همچنین ابو نعیم اصفهانی و مسند ابو یعلی موصلی در کتاب‌های خود آورده اند که بین فاطمه(س) و عایشه مسئله‌ی پیش آمده بود و رسول خدا از عایشه در آن مورد سؤال کرد، عایشه در جواب گفت: ای رسول خدا از فاطمه(س)



بن طاووس بر سنی بودن ابو نعیم تأکید دارد، برخی منابع متأخر امامی او را شیعه می‌دانند که تقیه می‌کرده است. کتاب «حلیة الاولیاء» ابو نعیم، همواره به عنوان منبعی جهت نقل فضائل حضرت علی(ع) و اهل بیت در میان شیعیان مطرح بوده است.

<sup>1</sup> احمد بن علی بن مثنی تمیمی (۲۱۰ - ۳۰۷ هجری) معروف به ابو یعلی موصلی از محدثان حنفی موصل بود. مهم‌ترین اثر او مسند است که در بردارنده‌ی ۷۵۵۵ حدیث است. اثر دیگر او «المعجم» است که نام ۲۸۵ از بزرگان دین را به ترتیب الفبا ذکر می‌کند.

<sup>2</sup> عایشه دختر ابوبکر (درگذشته‌ی ۵۸ ه.ق)، سومین همسر پیامبر اسلام(ص) است که پس از وفات خدیجه‌ی کبری و سوده به همسری پیامبر اکرم درآمد. عایشه، در میان همسران پیامبر، به دلیل فعالیت‌ها، جهت‌گیری‌های سیاسی و نقشی که پس از رحلت پیامبر(ص) ایفا کرد، شهرت فراوانی دارد. او در زمینه‌سازی برای خلافت خلیفه‌ی اول و دوم تلاش نمود و با نقل روایاتی در ذکر فضایل آن دو، به تثبیت جایگاه آنان کمک کرد. عایشه در دوران خلافت عثمان نیز ابتدا با وی همراه بود، اما بعدها به دلایلی از او روی گرداند و شورش بر ضد عثمان را به راه انداخت و سرانجام عثمان به قتل رسید. وی پس از کشته‌شدن خلیفه سوم، با اعلام خون‌خواهی عثمان، به مخالفت با امام علی(ع) برخاست و با همراهی برخی صحابه، جنگ جمل را به راه انداخت.

<sup>3</sup> مناقب آل ابی‌طالب، ج 3 ص 341.



بپرس؛ زیرا او هرگز دروغ نمی‌گوید... رزیربنا لکن یبلیها شیء. فقالت عایشة یا رسول الله صل علیها

فانها لا تکذب

### صفت صدیقه در زیارت‌نامه‌های حضرت زهرا (س)

روشن است که صفت وقتی بر شخصی نهاده می‌شود و آن شخص به آن صفت مشهور می‌گردد که دارنده، به آن صفت متصف باشد. یکی از صفات و القاب حضرت زهرا(س) صدیقه است که در زیارت‌نامه‌های آن حضرت و در روایات، این صفت فراوان آمده است. در کتب روایی این صفت بیش از ششصد بار به صورت ترکیبی و غیر ترکیبی ذکر شده است؛ مانند: «الصدیقه»، «الصدیقه الزکیه»، «الصدیقه الطاهره» و «الصدیقه الشهیده».

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که حضرت فاطمه(س) دارای نه تا اسم در نزد خدا (ج) است که «صدیقه» یکی از آنها است.

قال أبو عبد الله (ع) فاطمة (ع) تسعة أسماء عند الله عز وجل لها الصديقان البارک الطاهران الزکیران الرضیخان السخیران الزهیران

در زیارت‌نامه‌ی حضرت زهرا(س) در کتاب کامل‌الزیارات آمده است که پروردگارا بر فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) و همسر ولی‌ات و مادر حسنین، پاک و پاکیزه، راست‌گوی پاک و سرور زنان جهان صلوات بفرست.

1. مناقب آل ابی طالب، همان.

2. علل الشرایع، ج 1، ص 178.

اللَّهُ صَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ رَبِّ جِبْرَائِيلَ الْمُسَبِّحِينَ الْمَسْتَرِينَ اللَّسْتِ الطَّاهِرِينَ  
الْمَطْرُورِ الصَّخْبَةِ الزَّكَاةِ سَبْحَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

در زیارت‌نامه‌ی دیگری آمده است: سلام بر تو ای راست‌گوی شهید.

اللَّهُ صَلِّ عَلَى أَهْلِ الصَّخْبَةِ الشَّهِيدَةِ

در زیارت‌نامه‌ی مختصری که برای حضرت آمده است و نشان می‌دهد که قبرش کنار قبر پدرش قرار دارد، آمده است: «الصديقه الطاهرة».

اللَّهُ صَلِّ عَلَى أُمَّكَ الصَّخْبَةِ الطَّاهِرَةِ

### نقش تعاون و دیگریاری در روابط اجتماعی

یکی از عوامل بسیار مهم در روابط اجتماعی همکاری و تعاون با دیگران است. آموزه‌های اسلام بر کمک به هم‌نوعان، همکاری در کارهای نیک و یاری رساندن به نیازمندان تأکید دارد. مسائلی چون: وقف، صدقه، قرض الحسنه، زکات، خمس، انفاق، مشوره دادن، راهنمایی نیک کردن و... از این تأکید فراوان نشان دارد. قرآن کریم بیان داشته است: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ «در نیکوکاری و پرهیزکاری، یک‌دیگر را یاری کنید و در گناه و تجاوز، به یک‌دیگر یاری نرسانید.» بر این اساس، مسلمانان مؤظفند در کارهای نیک همکاری کنند؛ ولی همکاری کردن در کارهای گناه و دشمنی ممنوع است. تعاون و همکاری انواع مختلف دارد که در یک دسته بندی کلی به دو بخش مادی و فرهنگی تقسیم می‌شود.

<sup>1</sup> . کامل‌الزیارات، ص 231.

<sup>2</sup> . من لایحضره الفقیه ج 2 ص 573.

<sup>3</sup> . کتاب‌المزار للمفید، ص 179.



### شاخص‌های تعاون

تعاون و یاری کردن یک مفهوم واضح و روشن است. مصادیق و شاخص‌های همکاری گستره‌ی کلانی را شامل می‌شود؛ از قبیل: راهنمایی کردن (راهنمایی استاد خوب، کار خوب، کتاب خوب، داکتر خوب، علم خوب و...)، تشویق به کار نیک (تشویق به تحصیل و مطالعه، نیکی به والدین، داشتن اخلاق نیک، شاغل شدن، اسراف نکردن، عبادت کردن و...)، بازداشتن کسی از کار بد (مانع غیبت، تهمت، دزدی، کم‌کاری، رشوه‌ستانی، دشنام و... شدن)، کمک مالی، انفاق، صدقه دادن، مرکز فرهنگی دایر کردن و...

### تعاون و همکاری در خانه

اولین قدم همکاری، در محیط خانواده برداشته می‌شود. به همین دلیل معصومین(ع) با اعضای خانواده‌ی خود کمال همکاری را داشتند. روزی رسول اکرم(ص) وارد منزل امیرمؤمنان(ع) شد و دید او و حضرت زهرا(س) مشغول آسیاب کردن غله هستند، پرسید: کدام یک از شما خسته است؟ حضرت علی(ع) پاسخ داد: ای پیامبر(ص)! فاطمه(س) خسته است. حضرت به او فرمود: دخترم! برخیز. او برخاست و پیامبر(ص) به جای او به آسیاب کردن پرداخت.

### کمک به دیگران در قالب انفاق

یکی از مصادیق تعاون، انفاق است. هر چند در فرهنگ دینی انفاق اعم از انفاق مال است که انفاق علم را نیز شامل می‌شود؛ اما انفاق بیشتر در مورد مال استعمال شده است.



### انفاق مورد پسند حضرت زهرا (س)

حضرت زهرا(س) در روایتی که از ایشان نقل شده است، فرموده است: برای من سه چیز از دنیای شما دوست‌داشتنی است: تلاوت قرآن کریم، نگاه به چهره‌ی رسول خدا و انفاق در راه خدا.

عَبَّ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَاذَا يُحِبُّ فِي الدُّنْيَا قَالَ ثَلَاثٌ تَلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَرَأْيُ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْبَيْتِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

### همکاری علمی حضرت زهرا(س) و پاداش بهشتی

امام حسن عسکری روایت کرده است که حضرت فاطمه(س) فرمود: دو زن باهم در محضر حضرت زهرا(س) درباره‌ی یک موضوع دینی بحث می‌کردند، یکی از آن‌ها مؤمن و دیگری معاند بود. حضرت زهرا(س) به کمک زن مؤمن شتافت و او با کمک استدلال‌های که حضرت زهرا(س) به وی یاد داد، پیروز گردید و از پیروزی خود بسیار شادمان شد. فاطمه(س) فرمود: خوش‌حالی فرشتگان از این پیروزی بیشتر از خوش‌حالی شما است و ناراحتی شیطان از شکست معاند بیشتر از ناراحتی این معاند است. آن‌گاه خدای سبحان به ملائکه فرمود: به خاطر گره‌گشایی و کمک فاطمه(س) از این بینوای درمانده، هزار هزار برابر آن‌چه در بهشت برایش فراهم کرده بودم، بیفزائید و این را سنتی پایدار کنید برای هر کسی که از بینوای درمانده‌ای گره‌گشایی کند و او را بر دشمنش پیروز سازد؛ پس هزار هزار برابر آن‌چه در بهشت برایش فراهم شده بیفزایید.

<sup>1</sup>. نهج الحیاه ص 271 ح 164.





قال ابن عماد (م) قالت فاطمة (م) رجعت خضت إليها امرأتان فثار عليا في شئ من أمر الخبيث  
 أخذها ما أخذ نور الأخرى من مائة ففقدت في الترمذ بها ما لم تظنرت في القاذور  
 فقوت قرأتها حدها فقالت فاطمة إن قرأتها لا يكملها لعلها لا تخذين قرأتها  
 عزت الشيطان من خلق جزئها لك أذخين عزها إن لا تفروا بل قال لي الأجر  
 فاطمة ما أخذت في محرابها إلا من يؤمن بالجنة ألف ضربة مما ألت له خذت ما  
 أخذت له خذت في ذلك من ينسج على أمير المؤمنين فقلب ما أخذت ألف ما كان أممدا  
 عن الجنة

در داستانی دیگری نیز آمده است که حضرت زهرا(س) به آن زن فرمود:  
 هر مقدار سؤال داری از من بپرس و خجالت نکش. حضرت از پدرش این  
 روایت را نقل کرد: عالمان شیعیان ما در قیامت محشور می‌شوند و به اندازه‌ی  
 فراوانی علوم و تلاش ایشان در ارشاد و هدایت بندگان خدا، بر آنان خلعت  
 کرامت می‌پوشند، تا آن‌جا که به برخی هزار هزار خلعت نور پوشانده می‌شود.

قالت فاطمة ما أخذت في محرابها إلا من يؤمن بالجنة ألف ضربة مما ألت له خذت ما  
 أخذت له خذت في ذلك من ينسج على أمير المؤمنين فقلب ما أخذت ألف ما كان أممدا  
 عن الجنة

حضرت زهرا(س) با فقراء کمک کرد و دست مستمندان زیادی را گرفت.  
 حضرت برای کسانی که آسیاب نداشتند، با آسیاب خود آورد می‌کرد؛ برای  
 خانواده‌های بی‌سرپرست آب و غذا می‌برد که شما در همین اثر نمونه‌های آن  
 را می‌خوانید.

1. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص 346 و الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1 ص 18.  
 2. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص 340.



## مشارکت در غم و شادی مردم

حضرت زهرا(س) در غم و شادی مردم شریک بود. از عبدالله بن عمرو<sup>۱</sup> نقل شده است: من همراه با پیامبر(ص) راه می‌رفتم و حضرت زنی را دیدم، آن زن گمان نمی‌کرد که پیامبر(ص) وی را شناخته باشد؛ چون در وسط راه رسید حضرت پیامبر(ص) ایستاد تا آن زن نزدیک پیامبر(ص) رسید. دیدیم فاطمه(س) دختر رسول خدا است. پیامبر(ص) فرمود: فاطمه جان! برای چه کاری بیرون آمدی؟ فاطمه(س) عرض کرد: به خانه‌ی بازماندگان این میت رفته بودم و برای میت ایشان طلب رحمت کردم و به آن‌ها تسلیت گفتم. پیامبر(ص) پرسید آیا با آن‌ها در قبرستان هم رفتی؟ حضرت زهرا(س) فرمود: پناه به خدا که آن‌جا بروم، یادم هست آن سخنی را که از شما شنیدم.

عن عبد الله بن عمرو قال: بيننا نحن مع رسول الله صلى الله عليه وآله إذ بصير بلال رسول الله صلى الله عليه وآله فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله

<sup>1</sup> عبدالله بن عمرو بن عاص از تیره‌ی قریش و مادرش، ریطه دختر منبه بن حجاج بود. در سال هفتم قبل از هجرت متولد شد. او پیش از پدرش در سال ششم هجری، اسلام آورد. عبدالله بن عمرو عاص روایت می‌کند که: به اطلاع پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسیده بود که من (عبدالله بن عمرو) گفته‌ام تا هنگامی که زنده باشم، همه روز روزه می‌گیرم و همه شب نماز می‌گزارم. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از من پرسید: تو چنین گفته‌ای؟ گفتم: آری و توانایی آن را دارم. فرمود: اگر چنین ادامه دهی چشم‌هایت گود و نفست خسته و فرسوده می‌گردد. از هر ماه سه روز روزه بگیر که روزه‌ی دهر یا همانند آن است. عرض کردم در خود قوت بیشتری می‌بینم. فرمود: در این صورت روزه‌ی داود (علیه‌السلام) را بگیر که او یک روز روزه می‌گرفت و دیگر روز مفطر بود و هیچ گاه از مقابل هم‌اورد و نبرد نمی‌گریخت. عبدالله بعدها می‌گفت: ای کاش همان شیوه را پیشه ساخته بودم. پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دیگر بار او را نصیحت فرمود: جسد تو را بر تو حقی است، زن تو را بر تو حقی است، و دو چشم تو را بر تو حقی است. عبدالله بن عمرو عاص می‌گوید: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به من فرمودند: مبادا همچون فلانی شوی که شب‌زنده‌داری می‌کرد و نماز شب می‌گزارد و بعد آن را رها کرد.



لَا تُعْلَمُ إِلَّا بِرَأْسِهَا مَا مَالَ الْعَرَبُ مِنْ بَيْتِكَ بِأَنْظُمٍ نَالَتْ لَيْثَ رَهْلٍ مَخَالِئَهُتْ مِنْ حِمْتِ  
عَلِيٍّ سِرْفَرِيَّةٍ بِبَيْتِهِ عَلَى لَهْلِكِ بِلَيْفَتِ مَهْمَةٍ الْأَكْبَرِ نَالَتْ: عَمَّا خَالِئُهَا لِرُكْنِ بِلَيْفَتِهِارُحِدِ  
مَهْمَتِكَ تُحَدِّثُكَ فِي حَالِكَ مَا تُحَدِّثُكَ

حضرت زهرا(س) در عروسی همسایگان نیز شرکت می‌کرد و حتی در عروسی همسایگان یهودش شرکت کرد که نمونه‌ی آن را شما در همین اثر می‌خوانید.

### نقش مهربانی و شفقت در روابط اجتماعی

یکی از صفات نیک اخلاقی، مهربانی و شفقت است. حضرت فاطمه(س) انسان بسیار مهربان بود، به همین خاطر یکی از نام‌های حضرت فاطمه(س) "حانیه" است.<sup>۲</sup> حانیه در لغت به معنای زن مهربان، شفیق و پر مهر است. مهربانی‌ها و شفقت حضرت زهرا(س) بسیار گوناگون و متنوع است:

مهربانی در برابر پدر و مادر: حضرت فاطمه(س) وقتی دید سران قریش شکمبه‌ی شتر را روی سر حضرت انداخته است، با مهربانی آن را پاک کرد، وقتی دید در جنگ احد پیشانی حضرت شکسته، خونس را پاک کرد و... وقتی هم اندوه مادر را احساس نمود، به مادر گفت: مادر جان! اندوهگین مباش زیرا پروردگار جهانیان یار و یاور پدرم رسول‌الله(ص) می‌باشد. حضرت فاطمه(س) همیشه با شوهر و فرزندان‌شان مهربان بود. حضرت فاطمه(س) با مردم نیز

<sup>۱</sup> . عوالم العلوم ج 11 ص 916.

<sup>۲</sup> . برای حضرت فاطمه در احادیث 18 نام ذکر شده است که یکش حانیه است: 1- فاطمه 2- زهرا 3- بتول 4- صدیقه کبری 5- مبارکه 6- طاهره 7- زکّیه 8- راضیه 9- مرضیه 10- محدّثه 11- حصان 12- حرّه 13- سیده 14- عذرا 15- حوراء 16- حانیه 17- منصوره 18- نوریّه سماویّه (زندگانی حضرت زهرا ص 130)



مهربان بود، برای آن‌ها دعا می‌کرد، برای همسایگان غذا می‌فرستاد، با مهربانی به سؤالات مردم پاسخ می‌داد، برای یتیمان آب و غذا می‌برد و...<sup>۱</sup>.

### نقش صبر در استحکام روابط اجتماعی

یکی از صفات برجسته‌ی اخلاقی صبر است. صبر و شکیبایی مورد تمجید همه‌ی افراد جامعه است. انسان شکیبا خطایش کمتر است؛ چون بسیاری از لغزش‌های انسان در زمان بی‌حوصلگی، خشم و بی‌صبری اتفاق می‌افتد. حضرت زهرا(س) مشکلات زیادی را مشاهده کرد، بلکه با تمام وجود درک و لمس کرد و در برابر آن‌ها پایداری و شکیبایی به خرج داد.

### شاخص‌ها و معنای صبر

صبر، گاه در مصیبت است که مفاد آن بی‌تابی نکردن در مصیبت‌ها است، گاه در عبادت است که مفاد آن پایداری در عبادت است و گاه در معصیت است که مفاد آن ترک گناه و معصیت می‌باشد. در ذیل همراه با نمونه‌های قرآنی شاخص‌های بیشتری برای صبر بیان شده است.

### صبر در روابط اجتماعی

یکی از اقسام صبر، بردباری در روابط اجتماعی است. انسان‌ها در زندگی خود با افکار و عقاید گوناگونی، موافق یا مخالف برخورد می‌کنند که به‌لحاظ اهمیت، انسان را به موضع‌گیری‌های متفاوتی وادار می‌کند؛ لذا قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که برای مقابله با عقاید باطل و رفتار خشونت‌آمیز دشمنان اسلام، صبر پیشه کنند و به بهترین وجه به مقابله با آن‌ها برخیزند:

۱. فرهنگ فاطمیه صص ۲۴۵ تا ۲۴۷.

«ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُؤُ حَظًّا عَظِيمٌ» یعنی «بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوست گرم و صمیمی است! اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند، به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره‌ی عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند، به آن نایل نمی‌گردند!». از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که می‌فرماید: نصف ایمان صبر و نصف دیگر آن شکر است. به این معنا که انسان در زندگی، یا در آسایش است، که باید در آن حال شکرگزار باشد یا در حال سختی و گرفتاری است که باید صبور باشد. از سوی دیگر، «صبر بر طاعت»، «صبر در معصیت» و «صبر در مصیبت» تقریباً تمامی رفتارهای دینی را پوشش می‌دهد. کسی که می‌خواهد دین‌دار خوبی باشد باید از صفت صبر برخوردار باشد.

### ویژگی صابران در مناسبات اجتماعی بر اساس آیات قرآن

صبر یک ویژگی روانی و ثبات درونی است که نتیجه‌ی آن مدیریت احساسات و هیجانات، توان تحمل سختی‌ها و سخت کوشی در کارهاست. صبر در زندگی انسان کارکردهای گوناگونی دارد؛ از جمله: انسان را در مقابله با تنیدگی‌ها یاری می‌دهد، موفقیت در تحصیل، شغل و روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، در برخورد با هیجانات و احساسات درونی توانمندتر می‌سازد و در زمینه‌ی دین‌داری انسان را یاری می‌دهد.



فرد صبور از اشتباهات و ظلم دیگران می‌گذرد و اهل گذشت است. قرآن کریم می‌فرماید: **وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ**؛ کسی که صبر کند و ببخشد کار بزرگی انجام داده است.

فرد صبور هنگام مصیبت‌ها و مشکلات، خداوند را به یاد می‌آورد: ... و بشر الصابرين الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.<sup>۲</sup>

فرد صبور در موقعیت‌های جهل و خشونت، با حلم و مدارا برخورد می‌کند: **وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقُهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقُهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ**.<sup>۳</sup>

افراد صبور در کارها مقاومت بیشتری دارد و هر فرد صبور کار چندین نفر غیر صبور را انجام می‌دهد: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ**.<sup>۴</sup>

فرد صبور اگر به درستی کاری اطمینان داشته باشد، به گفته‌های بی اساس دیگران توجه نمی‌کند: **إِنْ تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ**.<sup>۵</sup>

صابران در برابر زخم زبان، تهمت و ناسزای افراد جاهل با بردباری برخورد می‌کنند: **وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا**.<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> شوری: 43

<sup>2</sup> بقره، ۱۵۵

<sup>3</sup> فصلت، ۳۵

<sup>4</sup> انفال، ۶۵

<sup>5</sup> آل عمران، ۱۲۰

فرد صبور، موقع دزدیده شدن، مفقود شدن یا از بین رفتن اموالش برخوردار منطقی دارد و همچنین در موقع از دست دادن عزیزان و شغل خود، از خود خویشتن‌داری نشان می‌دهد و توکل به خدا می‌کند: *وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ*<sup>۲</sup>.

شخص صبور هنگام بیماری خویشتن‌داری خود را از دست نمی‌دهد همچنین هنگام فقر و تنگ‌دستی متانت و خویشتن‌داری خود را حفظ می‌کند و جزع و بی‌تابی نمی‌کند: *وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ*<sup>۳</sup>.

انسان صابر در برابر نیازهای فیزیولوژیک خود کنترلی بیشتری از خود نشان می‌دهد: *لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا*<sup>۴</sup>.

کسی که اهل صبر است، در موقعیت‌های ترس و خوف خویشتن‌داری از خود نشان می‌دهد: ( *وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ*<sup>۵</sup> و در موقعیت‌های تنش‌زا می‌تواند خشم

→  
1 مزمل، ۱۰

2 بقره، ۱۵۵

3 بقره، ۱۷۷

4 بقره، ۶۱

5 بقره، ۱۵۵

خود را کنترل کند: (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْعَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).

### صبر، سفارشی پیامبر(ص) به فاطمه(س)

از حضرت فاطمه(س) روایت شده است که حضرت فرمود: در آخرین روزهای زندگی پدرم، روزی حضرت به من سفارش کرد و فرمود: دخترم! هیچ یک از زنان مسلمان مانند تو مصیبت بزرگ نمی‌بینند و شما سرور زنان جهانی، پس در صبر و بردباری همانند کمترین زنان نباش.

وَاللَّيْلُ بِأَيْدِي الْأَنْبِيَاءِ لِحَدِيثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كُنِّي فِي مَنْ أَحْبَبْتِ الْأَنْبِيَاءَ

### صبر، پیام علی(ع) به فاطمه(س)

وقتی حضرت علی(ع) را دست بسته برای بیعت به مسجد بردند حضرت فاطمه(س) تلاش کرد شوهرش را نجات دهد؛ اما نتوانست مانع این کار شود، لذا تصمیم گرفت کنار قبر پدر رفته موهای خود را پریشان و ستم‌گران را نفرین کند و ناله سردهد. امام علی(ع) وقتی متوجه تصمیم فاطمه(س) شد توسط سلمان به فاطمه(س) پیام داد که برگردد. فاطمه(س) وقتی پیام شوهرش را شنید فرمود: حال که شوهرم و امام من فرمان داده که به خانه بازگردم، می‌روم و صبر می‌کنم و سخن آن بزرگوار را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم.

قَالَ سَلْمَانَ فِي رَأْيِكَ أَنْ يَنْفَتَ بِالْحَبِيبِ عَلِيٍّ بِتَهْوِيلِ الْبَلَاءِ لَنْ تَرِي فِي ذَلِكَ بَلَاءً  
لَنْصَرِّفِي تَقَاتِ إِخَالَجِيهِمْ وَأَصْبِرِي لِمَا نَزَلَ بِهِمْ

<sup>1</sup> آل عمران: ۲۰۰

<sup>2</sup> . عوالم العلوم ج 11 ص 136.





### توصیه‌ی خود به صبر جمیل

وقتی حق حضرت زهرا (فدک) از سوی حاکمان وقت غضب شدند، در مسجد مدینه سخنرانی کرد و بارها حق خود را مطالبه نمود؛ با حاکمان وقت استدلال و احتجاج کرد، اما سرانجام آیه‌ی 18 سوره‌ی یوسف را خواند و فرمود: بلکه نفس‌های اماره‌ی تان کاری را برای شما زیبا جلوه داده است، پس صبری نیکو باید و از خداوند یاری می‌جویم بر آن‌چه شما توصیف می‌کنید.

بَلْ مَسْرُوتٌ لِّاِنَّفْسِكُمْ اَنْ تَنْصُرُوهُنَّ لِيُضِلَّنَّاهُنَّ لِيُكْفِرْنَ

صبر، سفارش فاطمه (س) به علی (ع)

حضرت فاطمه (س) در واپسین روزهای زندگی خود شوهرش را دل‌داری داد و وی را به صبر فراخوانده چنین فرمود: ای ابالحسن! همانا رسول خدا با من پیمان بسته و خبر داده است که من اول کسی خواهم بود که به آن حضرت می‌پیوندم و گریزی از آن نیست، علی جان! شما در برابر اوامر، فرمان و خواست خداوند بزرگ صبور و بردبار و به حکم و قضای الهی راضی باش.

قَالَتْ يَا اَبَا الْحَسَنِ اِنَّ رَسُوْلَ اللهِ (ص) عَلَّمَنِي رَحْمَةً لِّفِيْ اَوَّلِ الْعِلْمِ قَائِلًا وَاَوَّلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَعَالِي  
بِحَدِيْثِ اَنْصُرُوْا رَسُوْلَ اللهِ فَتَكُوْنَ رِضًا بِضَرِيْطِهِ

→

1. تفسیر العیاشی ج 2 ص 67.

2. یوسف آیه 18.

3. بحار الانوار، ج 43 ص 201.



## صبر بر مشکلات زندگی

حضرت فاطمه (س) مشکلات زیادی دید و تحمل کرد. روزی پیامبر گرامی اسلام وارد منزل فاطمه (س) شد و فرمود: دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می‌کنی؟ پاسخ شنید: درد و گرسنگی بی‌تابم کرده و هر لحظه رو به‌فزونگی است و غذایی ندارم تا رفع گرسنگی کنم. حضرت پیامبر (ص) مقام اخروی فاطمه (س) را یادآور شد و حضرت فاطمه (س) همه‌ی مشکلات را تحمل می‌کرد و از همسرش چیزی نمی‌خواست. پیامبر (ص) به حضرت فاطمه (س) یادآور شده بود که از پسر عمویت چیزی نخواه، همچنین وقتی حضرت فاطمه (س) فرمود: ای رسول خدا! من و پسر عمویم چیزی از وسایل رفاهی زندگی نداریم؛ مگر پوست گوسفندی که شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم، پیامبر (ص) فرمود: دخترم صبر و تحمل داشته باش؛ زیرا موسی بن عمران<sup>۱</sup> ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک قطعه عبایی قطوانی<sup>۱</sup> نداشتند.

1. حضرت موسی، از پیامبران اولوالعزم، دارای شریعت و کتاب مستقل به نام تورات و دعوت جهانی بود. او از نسل حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) است و با شش واسطه به آن حضرت می‌رسد. عمران در مصر زندگی می‌کرد. ایشان خدایپرست بود و شغل چوپانی داشت. او یک دختر و یک پسر داشت که نام پسرش هارون بود. در آن شبی که طفل سومش به دنیا می‌آمد، از قتل نوزادان پسر توسط فرعون مطلع شدند و طفل را مخفی کردند؛ چون نگهداری او خیلی دشوار بود و هر لحظه ممکن بود به قتل برسد. در این‌باره خیلی فکر کردند و عاقبت خداوند به مادر موسی الهام کرد که «او را در صندوقچه‌ای بگذار و سپس در رودش افکن تا آب او را به کرانه اندازد و دشمن من و دشمن موسی او را برگیرد و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی.» «و تو را برای خودم پروردم.» مادر موسی بعد از این جریان نزد نجاری رفت و دستور ساخت یک گهواره به شکل تابوت را داد. مرد نجار از موضوع نوزاد آگاه گشت و نزد جاسوس فرعون رفت؛ اما به امر الهی بر زبان او مَهْر زده شد و نتوانست



نقل: بابنا صریحاً عن مردی بن هریرت قال سمع ابا عبد الله بن ابي طالب قال قال رسول الله ﷺ: «الکلمة فی ذلک»<sup>۲</sup>

### نقش حوصله‌مندی در استحکام روابط اجتماعی

از لحاظ حوصله، افراد جامعه به دو گروه باحوصله و بی‌حوصله تقسیم می‌شود. برخی از افراد جامعه بسیار عجول و بی‌حوصله‌اند که همه‌ی کارهای‌شان را شتاب‌زده انجام می‌دهند. در مقابل، برخی از افراد با حوصله‌اند که به شما اهمیت می‌دهند، به سؤالات شما با حوصله‌مندی گوش می‌دهند و پاسخ سؤالات شما را با حوصله‌مندی ارائه می‌کنند. تجربه نشان داده است که افراد با حوصله، در روابط اجتماعی خود بیشتر موفق بوده‌اند.

حضرت زهرا(س) همیشه با حوصله‌مندی با مردم و با اعضای خانواده برخورد می‌کرد. حضرت زهرا(س) همیشه کارهایش را با حوصله‌مندی انجام می‌داد، حضرت در امر تربیت فرزندان، بچه‌داری، کارهای خانه، تعلیم زنان، پاسخ به سؤالات و... با درستی و حوصله‌مندی کارهایش را انجام می‌داد. حضرت آماده بود به پرسش‌های زنان با حوصله‌مندی پاسخ گویند. روزی زنی خدمت حضرت صدیقه‌ی کبرا مشرف شد و عرض کرد: مادر پیری دارم که در مورد نمازش شبهه‌هایی دارد و مرا خدمت شما فرستاده است تا سؤال‌هایش را از محضر شما بپرسم. حضرت زهرا(س) با کمال میل اجابت کرد. آن زن سؤال اول را پرسید و حضرت زهرا(س) پاسخ داد، آن‌گاه سؤال دوم و سوم تا سؤال

→

سخن بگوید و هرچه تلاش کرد حرفی نزد، جاسوسان فرعون نیز او را به باد کنک گرفتند و از قصر بیرون انداختند.

1. قطوان، اسم مکانی است در کوفه.

2. عوالم العلوم ج 11 ص 468 و نهج الحیات صص ۲۹۲ الی ۲۹۸.

دهم. زن به خاطر کثرت سؤالاتش خجالت کشید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا، دیگر شما را به زحمت نمی‌اندازم. حضرت زهرا(س) فرمود: هر مقدار سؤال داری از من بپرس و خجالت نکش. آیا دیده‌ای کسی را که برای یک روز اجیر شده باشد تا در برابر هزار دینار بار سنگین را به بالا ببرد، آیا چنین شخصی احساس خستگی می‌کند؟ آن زن عرض کرد: خیر. حضرت زهرا(س) فرمود: من در برابر پاسخ به هر سؤال شما بیش از آن پاداش می‌گیرم؛ پاداشم مرواریدی است که بیش از اندازه‌ی میان آسمان و زمین را دربر می‌گیرد. پس به طریق اولی بر من سنگین نخواهد بود. از پدرم رسول خدا شنیدم که فرمود: عالمان شیعیان ما در قیامت محشور می‌شوند و به اندازه‌ی فراوانی علوم و تلاش ایشان در ارشاد هدایت بندگان خدا بر آنان خلعت کرامت می‌پوشند، تا آن جا که به برخی هزار هزار خلعت نور پوشانده می‌شود.

قال (ع) حضرت امیر المؤمنین (ع) قال (ع) قالت ان لي راحة خيفة - راحة  
 ليس لها في راحة من راحة بكفني اليك امالك - فابدا فاهم (ع) من حاله في راحة  
 فابيت في راحة ان هسرت فابيت في راحة من الراحة فقلت لا راحة  
 عليك فابيت رسول الله فقلت فاهم علي راحة فابدا ان راحة من الراحة فابيت  
 مسطر جعل قيل بر كر و ما انك فاهم راحة فقلت لا فقلت ان راحة قال امالك - فاهم  
 من راحة فابيت ان راحة من الراحة فاهم راحة فقلت لا راحة فاهم راحة  
 [رسول الله] (ع) فقلت ان راحة من راحة فاهم راحة فقلت لا راحة فاهم راحة -

عَفْوٌ نَحْمُكَ يَا رَبِّهِمْ سَخِيحٌ فِي رِجَالِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ  
 الْاَلْفِ الْاَلْفِ الْاَلْفِ

### نقش عفو و گذشت در روابط اجتماعی

یکی از صفات شایسته، گذشت است. گذشت از صفات خداوند بزرگ است که با بزرگواری و دریادلی بسیار نزدیک است و در مقابل آن انتقام‌جویی قرار دارد. واژه‌ی عفو، به معنای گذشت از اشتباه خاطی و چشم‌پوشی از گرفتن انتقام با وجود داشتن قدرت انتقام‌گرفتن می باشد. انسانی که اهل گذشت باشد، در جامعه محبوبیت دارد و در نزد خداوند هم محبوب است. در قرآن کریم عفو و گذشت مورد تشویق قرار گرفته است.

کسانی که عفو و گذشت دارند، مطمئناً اثرات آرامش‌بخش رفتارشان در زندگی خودشان بیشتر است. آدم‌هایی که نمی‌توانند از دیگران بگذرند خودشان را بیشتر از دیگران اذیت می‌کنند.

عفو و گذشت بیشتر از این که خدمت به دیگران باشد، خدمت به خود انسان است. علاوه بر نگاه‌های تخصصی‌روایی که می‌گوید: عفو باعث بالا رفتن تقوای انسان می‌شود، قلب انسان به خدا نزدیک می‌شود، احساس محبت پیدا می‌کند، عفو و گذشت خدمت به خودمان است نه خدمت به دیگران؛ چون یک بار سنگینی را از روی شانه‌های ما بر می‌دارد.

<sup>1</sup> . التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ص 340.



## درخواست عفو در تعقیب نماز عصر

حضرت فاطمه (س) در تعقیبات نماز عصرش دعای طولانی می‌خواند و از جمله اموری که از خداوند می‌خواست، عفو و گذشت بود. حضرت می‌فرمود: خداوندا، به راستی که تو بسیار اهل گذشت هستی و عفو و گذشت را دوست می‌داری، پس از من در گذر. خدایا، تا زمانی که زندگانی را برای من خیر می‌دانی زنده‌ام بدار و هنگامی که مردن به خیر من است، جان مرا بستان. [خدایا،] خشیتت را در نهان و آشکار و همین‌طور عدل و دادت را در حال خشم و خرسندی، خواستارم و میانه‌روی در حال فقر و غنی را از تو مسألت دارم. [خدایا،] نعمت معنوی‌ای را که هرگز از بین نمی‌رود، و نور چشمی را که هرگز تمام نمی‌شود، از تو درخواست می‌نمایم.

اللَّهُ إِلَهٌ فَقْرٌ عَذَابُ الْفَقْرِ فَاهْتَفَى اللَّهُ إِلَيْهِ مَا هَلَّتْ لَهَا خَيْرٌ إِلَيْهِ وَتَرَفَّعَ إِحْسَانُ الْوَدْعِ عَنِ الْوَالِدِ رَأْسًا لَكَ فِي الْقَبْرِ وَالشَّيْخِ وَالْقَحْلِ فِي الْقَضْبِ وَالرِّضَا رَأْسًا لَكَ فِي الْفَقْرِ وَالْفَقْرُ إِلَيْهِ رَأْسًا لَكَ فِي الْبَيْتِ وَرَأْسًا لَكَ فِي الْكَنْفِطِمْ

حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) همواره در زندگی خود اهل عفو و گذشت بود. فرزندان، حسنین (ع)، در کودکی از خانه بیرون رفتند، راه را گم کردند و در باغی خواب‌شان بردند. حضرت فاطمه (س) خیلی نگران شده بود، وقتی آن‌ها را یافتند با مهربانی آن‌ها را در آغوش گرفت.

1. فلاح السائل و نجاح المسائل ص 204.



### نقش قناعت در روابط اجتماعی

یکی از صفات شایسته‌ی اخلاقی، قناعت است که در مقابل طمع قرار دارد. قناعت، سرمایه‌ی بزرگی است که همه آن را دوست دارد؛ بر خلاف طمع که مردم از آن متنفر است و باعث می‌شود آبروی انسان از میان برود. انسان هرچند سرمایه‌دار باشد، با طمع، فقیر به نظر می‌آید. در دعای که از حضرت فاطمه (س) برای برآورده شدن حاجات نقل شده است، آمده است که حضرت فرمود: خداوند! مرا به آن چه که روزیم نموده‌ای قانع ساز و تا هنگامی که مرا باقی نگاه می‌داری عیب مرا ببوشان و مرا سالم نگهدار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَأْسِي وَعَلَى رَأْسِ مَنْ رَعَى رَأْسِي وَعَلَى رَأْسِ مَنْ رَعَى رَأْسِي وَعَلَى رَأْسِ مَنْ رَعَى رَأْسِي

حضرت فاطمه (س) در زندگی خود قانع بود، در زندگی مشترک با شوهرش، هیچ‌وقت چیزی از وی نخواست؛ با قناعت زندگی کرد و از زندگی مشترک خود شکایت نکرد.

### اعتدال و میانه‌روی

یکی از صفات بسیار ارزشمند اخلاقی، اعتدال و میانه‌روی است. در منابع دینی سخن از میانه‌روی در عبادت، انفاق و... آمده است. از حضرت فاطمه (س) دعایی برای کسب اخلاق نیکو و شایسته و دعایی هم در تعقیب نماز عصر نقل شده است که در آن درباره‌ی میانه‌روی و اعتدال سخن رفته است. حضرت فرمود: خداوند! از تو کلمه‌ی اخلاص و ترس از خودت چه در حال

<sup>1</sup>. مهج الدعوات و منهج العبادات ص 141.



خوشنودی و چه در حال غضب و خشم را خواستارم و همچنین میانه‌روی و اعتدال را در تهیدستی و بی‌نیازیم از تو خواهانم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِسْكَارَ وَنَسَبَكَ فِي الرِّضَا وَالْقَبْضَ وَالْفَصْحَ فِي الْفَقْرِ وَالْفَقْرَ فِي

حضرت فاطمه(س) در شب عروسی، لباس عروسی‌اش را به فقیر داد، وقتی پیامبر(ص)، فاطمه(س) را دید که لباس کهنه به تن دارد فرمود: چرا لباس نَوْت را نپوشیدی؟ فاطمه(س) در پاسخ پدر فرمود: آن را به فقیر دادم. پیامبر(ص) فرمود: بسیار کار خوبی کردی؛ اگر به خاطر شوهرت لباس نو را خودت می‌پوشیدی و لباس کهنه را صدقه می‌دادی، در هر دو حالت توفیق شامل حالت می‌شد. عرض کردم: ای رسول خدا به تو هدایت یافته و به تو اقتدا کردم، هنگامی که با مادرم خدیجه(س) ازدواج کردی، هر آن‌چه را که به تو داده بود در راه خدا انفاق کردی تا حدی که سائلی به تو رسید و تو پیراهن خود را به او دادی و حصیر بر خود پوشیدی. جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسُطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسرا: ۲۹)»<sup>۲</sup>

زندگی حضرت فاطمه(س) با اعتدال سپری شد؛ حضرت هم به تربیت فرزندان و برآوردن نیاز آن‌ها تلاش کرد، هم به عبادت خود پرداخت، هم به نیازهای شوهرش پاسخ مثبت داد، هم کارهای خانه را به خوبی پیش برد و هم از بازی با فرزندان و به تفریح بردن آن‌ها غفلت نکرد.

1. بحارالانوار، ج 91 ص 225.

2. رحمانی همدانی، فاطمه زهرا سرور دل پیامبر، ص ۴۰۶.





## کار خیر و خیرخواهی

یکی از صفات برجسته، خیرخواهی است. نعمت‌های خداوند بی‌شمار است و این نعمت‌ها را برای همه خواستن، هیچ ضرری به انسان نمی‌رساند. همه افراد جامعه خیرخواهی را دوست دارد و افراد خیرخواه در روابط اجتماعی خود بسیار موفق است. حضرت فاطمه(س) در دعای که به‌نام مکارم الاخلاق معروف است و منسوب به حضرت است، از خداوند این‌گونه خواسته است: خداوندا! مرا متوجه انجام کارهای خیر و نیکو کن و انجام آن‌ها را برای من آسان گردان و در انجام آن‌ها مرا یاری کن و مرا نیز از اهل خیر قرار داده و حسن ادب را نصیب من قرار ده؛ آن‌چنان که به واسطه‌ی آن‌ها به تو توجه داشته باشم.

اللَّهُمَّ سَيِّدَ الْبَرِّ وَبَشِيرَ الْوَالِدِ الْيَتِيمِ وَالْمَرْبُوعِ مِنَ الْوَالِدِ الْوَالِدِ مِنَ الْأَحِبِّ هَمَّا  
تَرَبَّهتَ إِلَيْكَ يَا

## انسان خیر و خیرخواه محبوب خداوند

روزی شخصی خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) مشرف شد و از حضرت خواست اگر چیزی از پیامبر(ص) نزدت وجود دارد ما را به آن بهره‌مند ساز. حضرت فاطمه(س) به خدمت‌گزار خود دستور داد آن نوشته‌ای را که یادگار پدر او است و برایش مانند فرزندانش حسن و حسین(ع) با ارزش است، بیارود. کنیز نوشته را آورد؛ در آن نوشته شده بود: ... خداوند انسان خیر، حلیم و با عفت را دوست دارد... .



... فَذَلَّتْ رَجُلًا طَائِبًا ثَمَّهَا فَذَلَّتْ حَسْرَةً حَسْرَةً فَأَخَذَهَا قَالَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا  
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنَّ لَهَا سَيْبَ الْمَرْءِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا

### دریادلی و طلب آمرزش برای گنهکاران

یکی از نیروهایی که باعث می‌شود انسان بتواند در راه مبارزه با نفس اماره پیروز شود، دریادلی و سعه صدر است. سعه صدر یا دریا دل بودن، یعنی اینکه انسان بتواند مشکلات و ناملایمات را در خود هضم کند. انسان صاحب سعه صدر استوار است و خوشی‌ها و ناخوشی‌های گذرای روح او را متلاطم و شخصیت او را متزلزل نمی‌کنند. انسان دریادل تنگ نظر نیست و خوبی و خیر را برای دیگران می‌خواهد و از اینکه دیگران به نعمت برسد خوشحال می‌شود. حضرت فاطمه زهرا (س) دریادل بود و در قیامت منادی‌ای ندا می‌کند این فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) است و هر کس همراه وی باشد به بهشت می‌رود و آن‌گاه خداوند فرشته‌ای را می‌فرستد و می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بخواه، حضرت فاطمه (س) می‌گوید: ای پروردگار، حاجتم این است که مرا و کسانی که فرزندانم را یاری کرده‌اند، ببخشی.

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنَّ لَهَا سَيْبَ الْمَرْءِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا  
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنَّ لَهَا سَيْبَ الْمَرْءِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا  
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنَّ لَهَا سَيْبَ الْمَرْءِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا

در روایت دیگری با اندکی تفاوت چنین آمده است: در قیامت جبرئیل می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بخواه، حضرت فاطمه (س) می‌گوید: پروردگارا

1. دلائل الامامة، ص 66.

2. تفسیر فرات الکوفی، ص 409.



شیعیان من و شیعیان فرزندان من و شیعیان شیعیان من را ببخش، آن گاه خداوند می‌فرماید همه را بخشیدم و همه وارد بهشت می‌شوند.

مَنْ يَقْرَأْ بِرَبِّهِ بِأَقْرَبِ مَا فَاتَهُ مِنْ آيَاتِ الْقُرْآنِ يَرْجُوهُ رَبُّهُ بِمَا هُوَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ  
مَنْ يَقْرَأْ بِرَبِّهِ بِأَقْرَبِ مَا فَاتَهُ مِنْ آيَاتِ الْقُرْآنِ يَرْجُوهُ رَبُّهُ بِمَا هُوَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ  
لَا تَلْفَيْ مِنْ آيَاتِهِ مَنْ يَرْجُوهُ فِي الْحَيَاةِ

### دل گرمی دادن

یکی از صفات پسندیده در روابط اجتماعی دل گرمی دادن به دیگران است. شخصی که این صفت را داشته باشد، در برقراری روابط اجتماعی خود بسیار موفق خواهد بود. یکی از صفات برجسته‌ی حضرت زهرا(س) در ارتباط با اطرافیان به‌خصوص تربیت فرزندان، دل گرمی دادن بود.

### تعریف و شاخص‌های دل گرمی دادن

دل گرمی دادن عبارت از جرأت دادن به دیگران می‌باشد که امروزه بیشتر در روان‌شناسی اجتماعی از آن استفاده می‌شود. وقتی به اطرافیان و عزیزان خود دل گرمی می‌دهیم، در واقع به آن‌ها جرأت می‌دهیم و به آن‌ها کمک می‌کنیم به توانایی‌های شان پی ببرند و مستقل عمل کنند. دل گرمی دادن به اعتقاد روان‌شناسان اجتماعی، نوعی عزت‌نفس‌سازی برای خود و اعضای خانواده نیز هست؛ زیرا جرأت، یکی از بخش‌های اصلی عزت‌نفس است. عزت‌نفس مثبت به این معنا است که برای خود و دیگران ارزش قایل گردیم.



شاخص‌های دل‌گرمی دادن به این صورت است که شخص به دیگران، اعم از اعضای خانواده یا یکی از اعضای گروه اجتماعی و شبکه‌ی خویشاوندی خود بگوید: من به تو ایمان دارم، به تو احترام می‌گذارم، تلاش تو را می‌بینم، از پیشرفت تو خوش حال می‌شوم و با تو هستم.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید این نوع دل‌گرمی دادن، به اطرافیان انرژی مثبت می‌دهد و آن‌ها احساس شخصیت کرده و بیشتر تلاش می‌کنند.

### حضرت فاطمه(س) و دل‌گرمی دادن به اطرافیان

سیره‌ی اجتماعی حضرت فاطمه(س) به ما می‌آموزد که تلاش کنیم و یاد بگیریم که: عزت‌نفس ما، ترکیبی از حفظ حرمت عزت‌نفس دیگران و حفظ حرمت عزت‌نفس خودمان است. به عبارت دیگر، عزت‌نفس سالم، شامل عزت مردم با عزت خانواده است.

در مقابل عزت‌نفس سالم، عزت‌نفس خودخواهانه وجود دارد که عبارت از این است که: شخص، عزت‌نفس خود را با خراب کردن عزت‌نفس دیگران بسازد؛ چیزی که در سیره‌ی حضرت فاطمه(س) نمی‌بینیم.

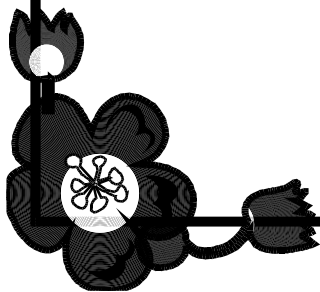
نمونه‌های از دل‌گرمی دادن حضرت فاطمه(س) را شما در بخش خانواده می‌خوانید که چگونه حضرت فاطمه(س) به تلاش و زحمات پدر و همسرش ارج می‌نهاد. حضرت فاطمه(س) فرزندان را تشویق می‌کرد در حضور پدر و پدربزرگ و سایر اعضای خانواده سخنرانی کنند تا جرأت و عزت‌نفس‌شان بالا بروند. حضرت فاطمه(س) از فرزندان درخواست می‌کرد که باهم مسابقه خوش‌نویسی و کشتی بگذارند و به این ترتیب آن‌ها را تشویق به پیشرفت می‌کرد. حضرت فاطمه(س) با فرزندان در قالب بازی، شعرهای را زمزمه می‌کرد و با تشبیه کردن آن‌ها به حضرت پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) دل‌گرمی می‌داد.





فصل سوم:

سیره‌ی خانوادگی حضرت زهرا (س)



خانواده از جمله نهادهای بسیار قدیمی، جهان شمول و تأثیرگذار در جامعه است که در پاسخ به نیازهای اساسی و طبیعی بشر به وجود آمده است. «همپتون» در یک محاسبه به این نتیجه رسیده است که شخص فقط تا سن بیست سالگی، بیش از صد و هفتاد هزار ساعت از عمر خود را در کنار والدین و دیگر اعضای خانواده، سپری می‌کند. این مدت زمانی، طولانی‌ترین دوره‌ی آموزشی و تربیتی است که انسان در مدت حیات خود با آن مواجه می‌گردد. اگر در هر ساعت تنها دو مطلب از سوی خانواده به فرد آموخته شود، در بیست سالگی حدود سیصد و چهل هزار موضوع به وی آموخته شده است. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد، انسان همان چیزی می‌شود که والدین و خانواده در یک فرصت هزاران ساعته به فرد تحمیل و تزریق می‌سازد.<sup>1</sup> البته قابل یادآوری است که زندگی در عصر جدید، آسیب‌های جدی را به خانواده و کارکردهای آن وارد کرده است و شکل‌های جدیدی از خانواده در حال شکل‌گیری است. رسانه‌ها؛ از جمله: تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه، مهد کودک، مدارس، بازی‌های کامپیوتری و... تغییرات زیادی در روابط بین اعضای خانواده به وجود آورده است و اوقات زیادی را از آن خود ساخته است که در کنار اعضای خانواده تأثیرات مهم در تکوین شخصیت کودک دارد. از تحمیل و تزریقی که آقای همپتون با خوش‌بینی از آن سخن رانده و نقش والدین را در تکوین شخصیت کودک منحصر به فرد جلوه داده است در عصر کنونی زیاد خبری نیست. «دورکیم» معتقد است که فاصله میان نسل‌ها از زمانی آغاز شد که



کودک و نوجوان در محیط بیرون از خانه با آموزه‌ها و محیط مدرسه آشنا شد و جهان اجتماعی دیگری را کشف کرد که برای عضویت در محیط و جهان جدید، کودک مجبور می‌شود تسلیم آن جامعه گردد.<sup>۱</sup> اما در عین حال خانواده هنوز در اجتماعی کردن کودکان نقش بسیار برجسته دارد.

### تعریف خانواده

برای خانواده مانند سایر مفاهیم اجتماعی تعاریف متعدد صورت گرفته است که برخی جامع افراد و برخی مانع اغیار نیست. یکی از تعاریفی که در میان جامعه‌شناسان از مقبولیت بیشتری برخوردار است و در کتاب بیشتر جامعه‌شناسان دیده می‌شود، تعریف زیر است:

خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده و برای مدت طولانی و نامشخص باهم زندگی می‌کنند.<sup>۲</sup> این تعریف خانواده از منظر جامعه‌شناسی است؛ اما از منظر دینی، خانواده عبارت است از زندگی کردن دو فرد ناهمجنس بالغ، زیر یک سقف که قرار داد مشروع، آن دو را به هم پیوند داده و برقراری ارتباط جنسی را مجاز گردانیده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دورکیم، 1381: 32

<sup>۲</sup> کوئن، 1378: 173

<sup>۳</sup> بستان، 1392: 8





خانواده از لحاظ ساخت، انواع مختلف دارد که مهم‌ترین آن عبارت است از: خانوادگی تک همسر، چند همسر، خانوادگی گسترده، هسته‌ای، پدرمکانی، مادرمکانی، مادر تبار یا دو تبار و یا پدر تبار و...<sup>1</sup>

خانوادگی حضرت فاطمه(س) از لحاظ ساخت خانواده، در قالب خانوادگی تک‌همسر، هسته‌ای، دو تبار و پدر مکانی قرار می‌گیرد. حضرت فاطمه(س) با حضرت علی(ع) در زیر یک سقف زندگی می‌کردند که به آن خانوادگی هسته‌ای گفته می‌شود؛ در مقابل خانوادگی گسترده که در آن پدر کلان، مادر کلان، عمو، عمه، خاله و... ممکن است باهم زندگی کنند. از سوی دیگر، تا زمانی که حضرت فاطمه(س) در قید حیات بود، حضرت علی(ع) هیچ همسر دیگری انتخاب نکرد؛ از این منظر خانوادگی حضرت فاطمه، تک‌همسری بود. فرزندان حضرت فاطمه(س) از جانب مادر منسوب به حضرت پیامبر(ص) بود و در روایات زیادی دیده شده است که حسنین(ع) فرزندان پیامبر(ص) خوانده شده است و به همین ترتیب فرزندان این خانواده منسوب به حضرت علی(ع) نیز هست، در نتیجه خانوادگی حضرت فاطمه(س) خانوادگی دو تبار نامیده می‌شود. الگوی غالب خانواده‌های اسلامی پدر تباری است. در خانوادگی پدر تباری نام کودک و توارث از طریق تبار پدری می‌رسد. بنابراین، پسران به نام پدران‌شان شناخته می‌شوند. در خانواده‌های پدر تباری معمولاً، پدرسالاری نیز حاکم است که در خانوادگی حضرت فاطمه(س) از این منظر نیز دو تبار دیده می‌شود و مادر هم جایگاه بسیار برجسته دارد. در خانوادگی حضرت فاطمه(س) مادر جایگاه رفیع دارد؛ مشورت با مادر در نظر گرفتن رضایت مادر،

<sup>1</sup> کوئن، همان: 186



توجه به خواسته‌های وی خیلی مهم شمرده شده است؛ اما در عین حال تصمیم نهایی به دست مرد است؛ به همین سبب وقتی خلیفه‌ی اول و دوم برای ملاقات حضرت فاطمه (س) در خانه‌ی حضرت علی (ع) آمدند، حضرت علی (ع) از همسرش اجازه خواست و حضرت فاطمه (س) هم فرمود: علی جان! خانه خانه‌ی توست و من هم همسر تو.

حضرت علی (ع) از لحاظ فامیلی با پیامبر (ص) خیلی نزدیک است و هر دو باهم پسرعمو می‌شوند، لذا نوع ازدواج حضرت علی (ع) با دختر پیامبر (ص) از نوع ازدواج درون‌گروهی و درون‌قومی است.

ادیان آسمانی، به‌خصوص دین اسلام به نهاد خانواده توجه جدی نموده، زنان و مردان را به تشکیل خانواده تشویق کرده و گسستن پیوند زناشویی را ناپسند دانسته است. در آیات و روایات برای تشکیل خانواده تعبیرهای مختلف تشویقی بیان شده است؛ از قبیل این‌که: ازدواج باعث ازدیاد رزق و روزی می‌گردد، خانه‌ای محبوب‌تر از خانواده‌ی متاهل نیست<sup>۱</sup>، ازدواج سنت رسول خدا است<sup>۲</sup>، با ازدواج می‌توان نصف دین را حفظ کرد<sup>۳</sup> و... .

از آن‌سوی، تجرد و تشکیل ندادن خانواده در اسلام مذمت شده است؛ تا جایی‌که در روایات آمده است، اکثر جهنمی‌ها مجردند<sup>۴</sup>، کسی‌که خانواده تشکیل ندهد، از امت پیامبر نیست<sup>۵</sup> و... .

<sup>۱</sup> الحر العاملی، 1414؛ وسائل، ج 20، 14

<sup>۲</sup> همان، 15

<sup>۳</sup> همان، 17

<sup>۴</sup> وسائل، همان: 20

<sup>۵</sup> همان: 21



هر فردی در درون خانواده پایگاه اجتماعی خاصی را اشغال کرده است که سایر اعضای خانواده از شخص به خاطر پایگاه اجتماعی‌شان انتظاراتی دارند و آن شخص هم با توجه به منزلت خانوادگی خود نقش‌های را ایفاء می‌کند. شبکه‌ی خویشاوندی: در جامعه‌ی سنتی، شبکه‌ی خویشاوندی بخش مهمی از هویت افراد را تشکیل می‌دهد. شخص بعد از خانواده همیشه با شبکه‌ی خویشاوندی خود در ارتباط است. خویشاوندان گروه خونی است که همیشه در غم و شادی در کنار انسان است و از جمله تأثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی در زندگی به شمار می‌رود. در درون شبکه‌ی خویشاوند نیز جنسیت، سن، میزان تحصیلات، درآمد، دارایی و... باعث می‌شود تا پایگاه اجتماعی فرد مشخص گردد. آن‌گاه با توجه به منزلت اجتماعی، انتظارات، نقش اجتماعی و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد.

### نهاد خانواده

گروه یا نهاد خانواده از جمله گروه‌های نخستین اجتماعی محسوب می‌شود. روابط اعضای خانواده باهم بسیار صمیمانه، خودمانی و غیر رسمی است.

### نگاهی به خانواده‌ی پیامبر (ص)؛ محل تربیت حضرت فاطمه (س)

حضرت فاطمه (س) در خانواده‌ای دیده به جهان گشود که در آن شخصیتی چون پیامبر (پدر) و خدیجه (مادر) را در خود جای داده بود. وقتی حضرت فاطمه (س) به دنیا آمد، پیامبر (ص) در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه خواند و نام «فاطمه» را بر وی نهاد.<sup>1</sup> فاطمه، اسمی بود که پیش از آن

1. مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 255.



نیز در جامعه رواج داشت، چنان‌چه که نام مادر حضرت امیر و همچنین نام مادر حضرت خدیجه(س) نیز فاطمه بود.

شخصیت حضرت فاطمه(س) با راهنمایی پیامبر(ص) و خدیجه(س) شکل گرفت. پیامبر(ص) در دوران کودکی به حضرت فاطمه(س) قرآن یاد داد و آن‌چه که مربوط به قرآن می‌گردید؛ از قبیل: علوم قرآنی، آیات الاحکام و شأن نزول آیات. به همین ترتیب پیامبر گرامی اسلام به دخترش فاطمه(س) احکام شرعی، عبادی و تجاری را یاد داد و همچنین آداب اجتماعی و اخلاق دینی و عبادی را به دخترش فاطمه(س) آموزش داد.<sup>1</sup>

حضرت خدیجه(س) شخصیت بسیار برجسته‌ای داشت. قبل از بعثت پیامبر(ص)، حضرت خدیجه(س) از پسر عموی خود، ورقه<sup>2</sup>، که شخص فاضل و دانشمند بود تورات و انجیل را آموخت. حضرت خدیجه(س) وقتی آوازه‌ی پیامبر اسلام را شنید و علایم وی را با آن‌چه که در گذشته از دانشمندان یهود و مسیحیت شنیده بود تطبیق کرد، مطمئن شد که پیامبر موعود در تورات و انجیل همین شخص است، لذا وی اولین کسی بود که به دین اسلام گروید.

حضرت خدیجه(س)، هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ اقتصادی به حضرت پیامبر(ص) کمک‌های زیادی نمود. به خاطر خدماتی که حضرت

1. موسوعه، سیره‌ی اهل البیت (فاطمه الزهراء) ج 9 ص 52.

2. ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه(س)، مسیحی بود و بر کتاب‌های مقدس تورات و انجیل احاطه داشت. روایت شده‌است که ایشان انجیل را به عربی برگردانده‌است؛ هرچند منابع دیگری ترجمه انجیل و تورات را مربوط به زمان هارون‌الرشید می‌دانند. ورقه، زمان رسالت پیامبر اسلام را درک نکرد؛ ولی قبل از وفاتش، بر اساس مطالعاتی که داشت از رسالت حضرت خبر داد و اظهار نمود که او همان پیامبر بشارت داده‌شده است.



خدیجه(س) به پیامبر(ص) نمود، خداوند درود و تحیتش را توسط پیامبر(ص) به خدیجه(س) رساند و به وی بشارت بهشت داد.

پیامبر گرامی اسلام حضرت خدیجه(س) را خیلی دوست می‌داشت و تا وی زنده بود با کسی دیگر ازدواج نکرد و به جز خدیجه(س) هیچ یک از زنان پیامبر، برای حضرت خدیجه(س) فرزند نیاورد.

حضرت خدیجه(س) زن مؤمن و با هوش بود. ایشان با وجودی که خواستگاران زیادی از سران عرب داشت و افراد زیادی به خاطر کمالات و ثروت حضرت خدیجه(س) علاقه‌مند ازدواج با وی بود، با حضرت پیامبر(ص) به خاطر کمالات و صفات برجسته‌ی انسانی و اخلاقی شان ازدواج کرد. هر روز که از این ازدواج مبارک می‌گذشت، محبت آنان به یک‌دیگر بیشتر می‌شد. حاصل این ازدواج پربرکت، قاسم<sup>۱</sup>، زینب<sup>۲</sup>، ام کلثوم<sup>۳</sup>، فاطمه و عبدالله<sup>۴</sup> بود که

1. قاسم، اولین پسر پیامبر(ص) و خدیجه(س) است که پیش از بعثت، در مکه به دنیا آمد. کنیه‌ی پیامبر (ابوالقاسم) برگرفته از نام قاسم بود. قاسم در همان کودکی -که در برخی گزارش‌ها سن او هنگام وفات، دو سال گفته شده است- از دنیا رفت و در مکه، قبرستان «حجون» یا همان قبرستان ابوطالب به خاک سپرده شد. بعدها مادرش خدیجه(س) را نیز در کنار فرزندش دفن کردند که اکنون دارای بارگاه است.

2. زینب، بزرگ‌ترین دختر پیامبر(ص) بود که در ۳۰ عام‌القیل، -هنگامی که پیامبر سی ساله بود- متولد شد و در سال ۸ هجری درگذشت و در بقیع دفن شد.

3. ام‌کلثوم بنت رسول‌الله، سومین دختر پیامبر(ص) و خدیجه(س) بود. او پیش از بعثت با عتیبه، فرزند ابولهب، ازدواج کرد و هنگامی که سوره مسد در مذمت ابولهب و همسرش نازل شد، عتیبه به دستور پدر، ام‌کلثوم را طلاق داد. ام‌کلثوم پس از جنگ بدر به ازدواج عثمان در آمد و سرانجام در سال ۹ قمری درگذشت و در بقیع مدفون شد.

4. عبدالله پسر حضرت محمد(ص) و خدیجه(س) است. اکثر منابع تولد او را پس از بعثت دانسته‌اند و گفته شده است او را طیب و طاهر لقب دادند؛ زیرا پس از نزول وحی و در زمان اسلام متولد شد (برخی به‌اشتباه، طیب و



با آمدن‌شان خانواده‌ی حضرت پیامبر(ص) را شاد گردانید. پیامبر(ص) فرزند دیگری به نام ابراهیم<sup>۱</sup> داشت که از مادری به نام ماریه متولد شد.<sup>۲</sup> همه‌ی پسران پیامبر(ص) در سنین کودکی از دنیا رفتند؛ اما دختران حضرت پیامبر(ص) همه‌ی‌شان اسلام را درک کردند و اسلام آوردند و همه به جز حضرت فاطمه(س) در زمان حیات پیامبر(ص) از دنیا رفتند. خانواده‌ی حضرت پیامبر(ص) و خدیجه(س)، یک خانواده‌ی بسیار موفق بودند؛ زندگی بسیار زیبا، آرام و خوش‌بخت داشتند.<sup>۳</sup>

پیامبر(ص) بعد از رحلت خدیجه(س)، وی را هرگز فراموش نکرد؛ هرگاه گوسفندی ذبح می‌کرد مقدار آن را برای دوستان حضرت خدیجه(س) می



طاهر را نام دو تن از پسران پیامبر دانسته‌اند). عبدالله در کودکی در مکه از دنیا رفت. نقل شده است وقتی او درگذشت، عاص بن وائل گفت: محمد ابتر (بی‌ولاد، بی‌عقبه) است و هیچ فرزند پسری از او زنده نمانده است. در این زمان، سوره‌ی کوثر و آیه‌ی «إِن شَأْنُكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ یَقِیناً دشمن تو خود بی‌نسل و تبار است»، نازل شد.<sup>۱</sup> ابراهیم (۸-۱۰ق) پسر رسول خدا(ص) و ماریه‌ی قبطیه بود که پیش از دو سالگی از دنیا رفت و در روز وفات او، کسوف رخ داد. پیامبر(ص) برای جلوگیری از ارتباط دادن کسوف با مرگ او فرمود: «خورشید و ماه بخاطر مرگ کسی نمی‌گیرند». ابراهیم در بقیع در کنار قبر عثمان بن مظعون دفن شد. پیامبر(ص) از مرگ ابراهیم سخت اندوهگین شد و گریست و در پاسخ به اعتراض برخی فرمود: من نیز انسانم؛ چشم می‌گیرد و قلب اندوهگین می‌شود؛ ولی سخنی که خداوند را به خشم آورد، نمی‌گوییم. ای ابراهیم! به خدا سوگند ما بخاطر (مرگ) تو ناراحتیم.

<sup>۲</sup> عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ: وَوُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ خَدِيجَةَ ابْنَةَ خُوَيْلِدٍ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) الْقَاسِمُ، وَبِهِ يَكْتَنِي، وَعَبْدُ اللَّهِ، وَ الطَّاهِرُ، وَ زَيْنَبُ، وَ رَقِيَّةُ، وَ أُمُّ كَلْبُومٍ، وَ كَانَتْ اسْمُهَا أَمِينَةَ، وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، وَ إِبْرَاهِيمُ مِنْ مَارِيَةَ الْقَيْطِيَّةِ، وَ كَانَتْ أُمَةً أَهْدَاهَا الْمُقَوِّسُ مَلِكُ الْأَسْكَندَرِيَّةِ. (الهداية الكبرى، ص 39)

<sup>۳</sup> . محمود المصرى، صحابيات حول الرسول ص 29.



فرستاد و برای حضرت خدیجه(س) دعا می‌خواند و از خدا برایش استغفار می‌کرد. به خاطر این کار پیامبر (ص)، عایشه بارها به پیامبر(ص) اعتراض کرد که چرا اینقدر از خدیجه‌ی پیر زن یاد می‌کنی، در حالی که خدا بهتر از او را برای شما داده است. عایشه می‌گوید: از این سختم پیامبر شدیدا ناراحت شد و فرمود: کسی برای من مانند خدیجه نمی‌شود، به خدا قسم خدیجه(س) در زمانی به من ایمان آورد که همه کافر بودند؛ زمانی به من پناه داد که همه مرا ترک کرده بودند؛ زمانی مرا تصدیق کرد که همه‌ی مردم مرا تکذیب کردند و برای من فرزند آورد که شما نتوانستید.

رَبِّهِمْ فَكَيْفَ يُقَالُ لِلرَّسُولِ الْفُحْشُ (۱) اَدَاذَكَ خَدِيجَةُ اَلْمَسِيحُ مِنْ تِلْكَ هَلْبَاءُ رَسُوْلِنَا  
فَكَذَرَ مَا كَانَتْ بَيْنَهُمَا فَكَلَّمَ الْفَرَسَ فَقَالَ لَوْ كُنْتُ اَلْحَيُّ لَكُنْتُ اَلْمَسِيحُ فَكَلَّمَ قَرَابَتِ  
رَسُوْلِ الْفُحْشِ (۲) تَعَذَّبَ فَضَاءَلًا حَبِيبًا فَسَطَّطَ فِي حَبِيبٍ فَقَالَتْ اَللّٰهُمَّ اِنِّكَ اِنْ اَخْبَيْتَ  
بِقَضَبِ رَسُوْلِكَ (۳) اَلْمَسِيحُ اِنْ كُنْتَ اَلْحَيُّ لَكُنْتَ اَلْمَسِيحُ فَكَلَّمَ قَرَابَتِ رَسُوْلِ الْفُحْشِ (۴) اَلْمَسِيحُ  
فَلِكَيْفَ يُقَالُ لِلرَّسُوْلِ الْفُحْشُ اَدَاذَكَ رَسُوْلِنَا اِنْ كُنْتَ اَلْحَيُّ لَكُنْتَ اَلْمَسِيحُ  
وَرَبِّتِ فِي الرَّبِّ اَتَيْتَ عَرَبِيًّا فَكَلَّمَ رَسُوْلِنَا اَلْمَسِيحُ اِنْ كُنْتَ اَلْحَيُّ لَكُنْتَ اَلْمَسِيحُ

حضرت فاطمه(س) در خانواده‌ی بزرگواری رشد کرد و تربیت شد که در آن خانواده هر صبح و شام فرشته‌ی وحی نازل می‌شد و شخصیت‌های چون: پیامبر (ص)، خدیجه(س) و علی(ع) در آن حضور داشت. حضرت فاطمه(س)، زندگی همراه با محبت و ایمان را تجربه کرد و خود بزرگ شد و پایه‌گذار یک خانواده و زندگی نمونه و موفق در جهان گردید و فرزندان بسیار موفق و معصومی را تربیت کرد که در جهان بی‌مانند بودند. بعد از این که حضرت

<sup>1</sup> . کشف الغمه ج 1 ص 512.



خدیجه(س) از دنیا رفت، فاطمه(س) تلاش کرد کارهای خانه را به عهده بگیرد؛ با پیامبر(ص) به گونه‌ی رفتار می‌کرد که اصحاب به وی «ام‌النبی» و «ام‌ابیها» می‌گفتند.<sup>1</sup>

### اخلاق خانوادگی حضرت زهرا(س)

طبق آموزه‌های دینی، یکی از نشانه‌ها و آیات الهی این است که خداوند برای انسان از جنس خودش همسری آفریده است. هدف از تشکیل خانواده این است که زن و شوهر در کنار همدیگر آرامش پیدا کنند. خداوند میان آن‌ها دوستی (مودت) و رحمت برقرار ساخت.<sup>2</sup> روشن است که زن و شوهر وقتی به آرامش می‌رسند که بین آن‌ها، صمیمیت وجود داشته باشد؛ اما اگر هر روز آن‌ها باهم دعوا داشته باشند، دیگر آن غرضی که در آیه آمده است (آرامش = لتسکنوا الیها)، محقق نمی‌شود. پس باید بکوشیم کانون خانواده را با اخلاق و رفتار خود گرم نگهداریم. شکی نیست که ازدواج به قول بسیاری از

1. محمود المصری، صحابیات حول النبی، ص 256.

2. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. روم/21.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ سوره روم، آیه 21 خوب است به این نکته نیز توجه گردد که بین «مودت» و «رحمت» تفاوت وجود دارد که در این آیه هر دو مربوط به همسران است و تفاوت آن در جوانی و پیری است؛ روابط عاطفی میان همسران در آغاز زندگی بر اساس مودت است و در ادامه‌ی زندگی که انسان‌ها پیر و ضعیف می‌شوند و نیازمند مراقبت هستند، روابط بر اساس رحمت شکل می‌گیرد؛ مودت، انگیزه‌ی ارتباط در آغاز کار است، اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد، رحمت جای آن را می‌گیرد.





اندیشمندان: «پیچیده‌ترین نوع رابطه‌های انسانی، بدون ارتباطات کارآمد به کامیابی نخواهد انجامید.»<sup>1</sup>

### جایگاه دختر در نهاد خانواده

روشن است که در جامعه‌ی صدر اسلام - که هنوز از جامعه‌ی جاهلی زیاد فاصله نگرفته بود- دختر جایگاهی در درون خانواده نداشته است؛ قرآن کریم از زنده به گور کردن دختران در جامعه‌ی جاهلی عرب گزارش داده است.

رَأَى الْفَرَجَ وَمَسَّاتِ يَدَيْ خَنِيْبٍ فَلَتَ<sup>2</sup>

و همچنین در قرآن کریم آمده است که: هر گاه به کسی گفته می‌شد که در خانه‌اش دختر به دنیا آمده است، از شدت ناراحتی چهره‌اش سیاه می‌گردید و به خاطر این خبر بد از قوم و قبیله‌اش در جایی پنهان می‌شد و ناراحت بود که آیا با خواری آن دختر را نگه دارد یا زنده به گورش کند. قرآن کریم در پایان می‌فرماید این‌ها نسبت به دختران چه بد داوری می‌کنند.

رَأَى الْبَشْرَ لِحَمَةِ الْبِلَاقِ طَلَّ رَجْدًا مَسْرُوحًا مَرْدِيًّا - بَلَّوْا عَنِ الْقَرْعِ مِنْ مَسْرَمَا  
بَشْرًا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ فِي الْتَرَابِ الْأَسْمَاءِ يَحْمَرُونَ<sup>3</sup>

در چنین جامعه‌ای، دختر پیامبر(ص) از جایگاه بسیار ممتازی برخوردار بود که برای جامعه‌ی بشری آموزنده است.

1. مهارت‌هایی ارتباطی، ص 6.

2. تکویر، آیه 8 و 9.

3. نحل 58 و 59.



خیر مقدم گفتن پیامبر(ص) به دخترش فاطمه (س)

هرگاه فاطمه(س) بر حضرت پیامبر(ص) وارد می‌شد، حضرت به وی خوش آمدید می‌گفت. عایشه گزارش می‌کند که کسی را شبیه‌تر به رسول خدا(ص) در سخن گفتن، از فاطمه(س) ندیدم و هر زمانی فاطمه(س) بر پدرش وارد می‌شد به وی خوش آمدید می‌گفت.

هَذَا هَيْبَةُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، مَا رَأَيْتُ أَحَدًا لَمْ يَخْلُقْ اللَّهُ فِيهِ رَسُولًا إِلَّا فَجَاءَ بِهَا  
إِذَا خَلَّتْ هَيْبَةُ رَجُلٍ يَأْتِي

به احترام فاطمه(س) به پا خاستن

حضرت پیامبر(ص) به احترام دخترش از جای خود بلند می‌شد و به استقبال وی می‌ایستاد؛ این رفتار حضرت پیامبر(ص) در جامعه‌ی آن روز بسیار غریب و جالب بود.

هَذَا هَيْبَةُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، مَا رَأَيْتُ أَحَدًا خَلَّتْ هَيْبَةُ رَجُلٍ يَأْتِي

بوسیدن دست فاطمه(س) توسط پدر

معمولا دختر دست پدر را می‌بوسد؛ اما پیامبر(ص) دست دخترش فاطمه(س) را می‌بوسید. این امر نشان‌دهنده‌ی اوج محبت و احترام پیامبر(ص) به دخترش فاطمه(س) را می‌رساند. عایشه و کسانی دیگر بارها شاهد این ماجرا بوده است. در ذیل این روایت از عایشه نقل شده است که: هرگاه فاطمه(س) بر پیامبر(ص) وارد می‌شد، پیامبر(ص) به دخترش خوش آمدید

1. بشاره المصطفى لشيعه المرتضى، ج 2 ص 253.

2. همان، 253.



می گفت و به احترامش می ایستاد؛ دستش را می بوسید و وی را در جای خود می نشاند.

عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَا كُنْتُ أَحَدًا كُنْتُ أَهْلِيَّ رَجَبِ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي عَمَلٍ

جای خالی کردن پیامبر(ص) به دخترش فاطمه (س)

پیامبر(ص) آن قدر به دخترش احترام داشت که وی را در جای خودش می نشاند.

عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كُنْتُ أَهْلِيَّ رَجَبِ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي عَمَلٍ

همان گونه که مشاهده می کنید، احترام پیامبر(ص) به حضرت فاطمه(س) در جامعه‌ی آن روز عرب (و حتی در جامعه‌ی امروز) بی-سابقه و غیر عادی است. پیامبر(ص) با این نوع رفتار خود مردم نا آگاه آن زمان را که به زنان ارزش قائل نبودند، آگاهی بخشید.

## خواستگاری

فاطمه(س) دوران بسیار سختی را سپری کرد. چند سال از دوران کودکی خود را در «شعب ابی طالب»<sup>۳</sup> در محاصره‌ی اقتصادی به سختی گذراند. تمام

1. همان، 253.

2. همان، 253.

3. شعب ابی طالب، دره‌ای میان دو کوه «ابوقبیس» و «خندمه» در مکه است. در سال هفتم بعثت، رسول خدا(ص)، بنی‌هاشم و مسلمانان به سبب آزارهای مشرکان مکه به شعب پناه جستند و سه سال در محاصره‌ی اقتصادی و اجتماعی در این مکان به سر بردند. امام علی(ع) در نامه‌ای به معاویه به دشمنی قریش و محاصره‌ی سه ساله‌ی



دل خوشی‌اش این بود که در کنار پدر و مادر زندگی می‌کند. حضرت فاطمه (س) در سن پنج‌سالگی مادر را از دست داد. از دست دادن مادر برای کودک پنج‌ساله خیلی گران تمام شد؛ چون حضور مادر و دل‌داری و مهربانی وی تکیه‌گاه مهمی برای حضرت فاطمه (س) بود.

حضرت فاطمه (س) وقتی کمی بزرگ شد، درحالی‌که به مقام بالای از کمال و پختگی رسیده بود، برایش خواستگاران زیادی آمدند. خواستگاران، همه از بزرگان و افراد سرشناس و ثروت‌مند عرب بودند. یکی از خواستگاران حضرت فاطمه (س)، حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) بود که درس‌های آموزنده‌ای را برای جامعه‌ی اسلامی به همراه دارد.

بدون تردید یکی از امور مهم در هر جامعه‌ای، مناسک ازدواج و خواستگاری است. خواستگاری، در هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه دارای تشریفات و آداب مخصوص خود می‌باشد. مراسم خواستگاری حضرت فاطمه (س) بسیار ساده انجام شد.



شعب ابی‌طالب اشاره کرده است. این منطقه ملک عبدالمطلب بوده است. خانه‌ی متعلق به خدیجه (س) که پیامبر اکرم (ص) با او در آن زندگی می‌کرده و همه فرزندان‌شان در آن‌جا به دنیا آمد، در این محله واقع بوده است. این شعب که در قسمت شرق کعبه، و پس از مسعی قرار گرفته، به دلیل نزدیکی به کعبه بهترین نقطه‌ی مکه بوده است. به علت تولد پیامبر (ص) در این منطقه آن را "شعب مولد" نیز نامیده‌اند. فاطمه زهرا (س) نیز در این شعب به دنیا آمده است. امروزه تنها بخشی از محله شعب ابی‌طالب به نام سوق اللیل باقی مانده و سایر قسمت‌های آن در توسعه‌های مختلف در داخل مسجد الحرام قرار گرفته است. از باب مزید اطلاع به شکاف در میان کوه، دره، راهی در کوه و به محدوده‌ی قرار گرفته میان دو کوه نزدیک به هم در زبان عربی شِعْب گویند. این شعب در اختیار خاندان بنی‌هاشم بوده و در دوره‌های مختلف به نام‌های متفاوتی چون شعب بنی‌هاشم، شعب ابی‌طالب، شعب علی بن ابی‌طالب (ع) و شعب ابی‌یوسف نامیده می‌شده است.



### شیوهی خواستگاری حضرت علی(ع) از فاطمه (س)

همان گونه که بیان شد خواستگاری، دارای شیوه و آدابی می‌باشد. در برخی از جوامع، بزرگ‌ترها به خواستگاری می‌روند و در برخی دیگر، خود داماد به عنوان خواستگار می‌رود. جوامعی هستند که در آن، داماد به صورت مستقیم از عروس خواستگاری می‌کند، همان طوری که در جوامع دیگر، از پدر عروس خواستگاری می‌شود. جالب است بدانید در برخی از جوامع جهان؛ مثل برخی از مناطق هند، عروس و یا یکی از بستگان وی به خواستگاری داماد می‌رود.

ام سلمه جریان خواستگاری حضرت فاطمه(س) توسط حضرت امیرالمؤمنین(ع) را این گونه گزارش کرده است:

حضرت امیر(ع) با تشویق دوستان و بزرگان عرب به خواستگاری حضرت فاطمه(س) رفت. حضرت امیر(ع)، فاطمه(س) را از پدرش رسول خدا(ص) خواستگاری کرد. حضرت روزی به خانه‌ی پیامبر(خانه‌ی ام سلمه) رفت. ام سلمه در را باز کرد و حضرت امیر(ع) خدمت رسول خدا(ص) مشرف شد و بر وی سلام کرد. حضرت پیامبر(ص) جواب سلامش را داد و فرمود: یا ابالحسن! بفرما بنشین. امام علی(ع) پیش روی پیامبر(ص) نشست و به زمین نگاه می‌کرد؛ انگار خواسته‌ای داشت که حیا مانع شده بود آن را به زبان بیاورد. پیامبر(ص) فهمیده بود که علی(ع) خواسته‌ی دارد؛ لذا فرمود: ای ابالحسن! فکر کنم کاری داری، خواسته‌ات را مطرح کن که هر حاجت و خواسته‌ای داشته باشی برآورده می‌شود. حضرت علی(ع) عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت ای رسول خدا! تو می‌دانی که مرا از عمویم ابوطالب و از فاطمه بنت اسد گرفتی، در حالی که من کودک‌کی بیش نبودم، تو مرا مطابق خواسته‌ات



تربیت کردی و پرورشم دادی و نسبت به من بهتر از ابوطالب<sup>۱</sup> و فاطمه بنت اسد<sup>۲</sup> نیکی و شفقت نمودی. خداوند مرا توسط شما هدایت کرد و از آنچه که نیاکان و عموهایم بر آن بود، نجات داد. بدون شک شما ای رسول خدا! سرمایه‌ی من در دنیا و آخرت می‌باشی. ای رسول خدا حالا من بزرگ شده‌ام و دوست دارم که تشکیل زندگی بدهم و همسری داشته باشم که در کنار وی آرامش بیابم و به این خاطر برای خواستگاری دخترت فاطمه(س) خدمت شما رسیده‌ام. ام‌سلمه می‌گوید: من خوش حالی را به صورت پیامبر(ص) دیدم که از

1. عبد مناف بن عبدالمطلب بن هاشم معروف به ابوطالب، پدر امام علی(ع)، عموی پیامبر اسلام و از بزرگان مکه و طایفه‌ی بنی‌هاشم است. او در دوره‌ی کوتاهی منصب سقایة الحاج را بر عهده داشت و پس از وفات پدرش عبدالمطلب، سرپرست برادرزاده‌اش محمد(ص) بود و در ماجرای رسالت پیامبر(ص) به شدت از او حمایت کرد. ایمان ابوطالب به اسلام، از موارد مورد بحث بین شیعه و برخی از اهل سنت بوده است. استدلال‌های تاریخی و روایی بسیاری مبنی بر مسلمان بودن و ایمان او به پیامبر اسلام وجود دارد. اشعار و قصایدی به ابوطالب نسبت داده شده که در دیوان او جمع‌آوری شده است. او در ۲۶ رجب سال دهم بعثت درگذشت و در قبرستان حجون به خاک سپرده شد.

2. فاطمه بنت اسد (۵۵ سال قبل از هجرت)، مادر امام علی(ع)، همسر ابوطالب و از زنانی است که جزء اصحاب پیامبر(ص) به شمار می‌روند. او یازدهمین فردی (و در میان زنان، دومین زن) است که مسلمان شد و اولین زنی که با پیامبر اکرم(ص) بیعت کرد. از پیامبر(ص) سخنانی درباره‌ی فاطمه بنت اسد نقل شده که نشان از جایگاه ویژه‌ی او نزد پیامبر اسلام دارد. مقبره‌ی فاطمه بنت اسد در قبرستان بقیع مدینه است. از آن‌جا که پیامبر اسلام در کودکی، پدر، مادر و جدش را از دست داد، از ۸ سالگی تحت سرپرستی عمویش ابوطالب درآمد. فاطمه بنت اسد به عنوان همسر ابوطالب در سرپرستی رسول خدا(ص) شریک بود. مهربانی فاطمه بنت اسد نسبت به پیامبر(ص) چنان بود که پس از درگذشت وی، پیامبر(ص) فرمود: «امروز مادرم وفات کرد.» و او را در پیراهن خویش کفن کرد و در قبرش فرود آمد و در لحد او خوابید، و چون به او گفتند: «ای رسول خدا! برای فاطمه سخت بی‌تاب گشته‌ای!» گفت: «او به راستی مادرم بود، چه کودکان خود را گرسنه نگه‌می‌داشت و مرا سیر می‌کرد، و آنان را گردآلود می‌گذاشت، و مرا شسته و آراسته می‌داشت، راستی که مادرم بود.»



مشاهده‌ی آن خوش حالی حضرت علی (ع) هم خوش حال گردید و هر دو از نتیجه‌ی کار رضایت قلبی داشتند. (پیامبر(ص) از علی(ع) مهلت خواست تا این امر را با دخترش در میان بگذارد و با وی مشورت کند).

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَهَتَّ بِهَا رَوْحًا... فَفَضَحَتِ اللَّيْلُ نَادًا (أَنَا بَيْتِي بِنِ لَيْبِ طَالِبِ (م) ... ثُمَّ رَأَتْ خَلْفَهُ  
 رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ الْمَسْكُورُ قَالَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَرَّ مَا أَلَا سَرَّ لَكَ فَقَالَ أَلَا نَبِيَّهُ (ص) وَقَالَتْ  
 الْمَسْكُورَةُ يَا أبا الْعَمَسَنِ اجْلِسْ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَجَلَسَ فَلَمَّا بَنَى لَيْبِ طَالِبِ (م) بَيْنَ بَحْثِي  
 رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَرَجُلٍ يَهْتَرُ إِلَى الْأَرْضِ لَأَمْ فَضَحَتِ اللَّيْلُ نَادًا مَرَّ بِسَنَخِيهِ أَنْ يَدَّ بِهَا فَمَرَّ  
 مَطَرًا إِلَى الْأَرْضِ سَاءَةً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ مَا لَكَ أَلَا نَبِيَّهُ (ص) فَأَلَا مَا فِي نَفْسِ  
 عَلِيِّ (م) فَقَالَ يَا أبا الْعَمَسَنِ لِي فِي رَأْيِ أُمَّكَ فَقَالَ لِي رَأْيُ مَا فِي نَفْسِكَ مَا لَكَ  
 سَاءَ الْكَيْفِ فِي نَفْسِكَ فَأَلَا عَلِيَّ (م) فَقَالَتْ خَدَّالُ لِي رَأْيِي لَكَ لَأَنْفَكَ لِي أَنْ خَدَّيْهِ مِنْ  
 هَلْ لِي طَالِبِ رَيْنِ فَأَلَا بِنْتُ أُمِّ حَبْرَةَ وَأَصَابِيهِ لَأَقْفَالِي نَفْسِي فِي بَيْتِكَ وَأَحْبَبِي وَأَحْبَبْتَ  
 إِلَيْهِ أَنْ خَلَّ مِنْ لَيْبِ طَالِبِ رَيْنِ فَأَلَا بِنْتُ أُمِّ حَبْرَةَ فِي النَّوْرِ الشَّفَارِ أَنْ لَأَسْفَالِي مَخَلَّ فِي يَدِ رَحْمَةِ  
 بِحَبْرَةَ وَبِنْتُ فِي مَالِكِ هَلْ لِي رَأْيِي رَأْيِي مِنْ الْعَمْرِ وَالشُّكْرِ وَالْكَرَامَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 خَدَّيْهِ وَخَدَّيْهِ فِي الْخَدَّيْهِ لَأَحْرَبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَفَضَحَتِ اللَّيْلُ نَادًا مَا لَكَ أَلَا نَبِيَّهُ  
 فَضَحَتِ يَدُ أَنْ يَكُونَ لِي بَيْتُ رَيْنِ بَيْنَ لَيْبِ رَيْنِ أَلَا نَبِيَّهُ الْبَهَارُ فَخَدَّالُ يَا أَلَا نَبِيَّهُ الْبَهَارُ  
 الْبَيْتُ لِي فَأَلَا نَبِيَّهُ رَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَرَأَيْتَ رَجُلًا رَسُولَ اللَّهِ (ص) <sup>1</sup>  
 بِبَيْتِكَ فَرَأَى رَسُولَ اللَّهِ فَبَيْتِي فِي رَيْنِ عَلِيٍّ (م)

1. کشف الغمہ ج 1 ص 355.



## مشورت پیامبر(ص) با فاطمه(س) در امر خواستگاری

در آن زمان در جامعه‌ی عرب، رسم نبود کسی با زنان و یا با دخترانش در امری و از جمله در مورد ازدواج مشورت کند؛ زیرا جامعه‌ای آن روز برای زنان موقعیت اجتماعی قابل نبود و فرهنگ مردسالاری باعث شده بود تا مردان، خود تصمیم بگیرد و بدون مشورت با زنان در همه‌ی مسایل اجتماعی، سیاسی و خانوادگی عمل کنند. برخلاف فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی آن روز، پیامبر(ص) این گونه نبود، بلکه هرگاه کسی به خواستگاری حضرت فاطمه(س) می‌آمد حضرت پیامبر(ص) با حضرت فاطمه(س) مشورت می‌کرد.

راوی می‌گوید: شنیدم علی بن ابی‌طالب می‌گفت: نزد پیامبر(ص) رفتم و مراتب خویشاوندی، یاری کردنم به او و جهادها و تلاش‌هایی را که برای پیشرفت اسلام کرده بودم، برای آن حضرت گفتم. رسول خدا فرمود: ای علی! هرچه گفתי راست است و من آن‌ها را تصدیق می‌کنم و شهادت می‌دهم که مقام تو برتر از آن است که گفتم. یا رسول‌الله! حال که چنین است اجازه دهید تا فاطمه(س) را به همسری خود برگزینم. پیامبر(ص) فرمود: ای علی، قبل از تو مردان دیگری نیز چنین خواسته‌ای داشتند؛ ولی هرگاه تقاضای آن‌ها را با فاطمه(س) در میان می‌گذاشتیم، در چهره‌ی او علامت عدم رضایت را مشاهده می‌کردم، حال تو نیز باید چند لحظه‌ای صبر کنی تا نزد او بروم و خواسته‌ی تو را با او در میان گذارم و برگردم. ... پیامبر(ص) رفت و کنار دخترش نشست و به فاطمه(س) گفت: دخترم! علی بن ابی‌طالب (ع)، همان کسی که تو قرابت او را با ما، و فضل و برتری او را بر دیگران می‌دانی و چگونگی اسلام و ایمان او را دیده‌ای و نیز می‌دانی که من از خدای خود خواسته‌ام که تو را برای بهترین و محبوب‌ترین بندگانم تزویج کند، همانا وی در باره‌ی ازدواج با تو گفت‌وگویی با من داشته، نظر خودت در این مورد





چیست؟ فاطمه(س) هنگامی که این سخن را شنید چیزی نگفت و سکوت کرد، از خجالت چهره‌اش را برگردانید و پیامبر(ص) نشانی از ناراضی در حضرت فاطمه(س) مشاهده نکرد. رسول خدا(ص) برخاست، در حالی که با خود می‌گفت: الله اکبر، همانا سکوت فاطمه(س) نشان رضایت اوست.

وَقَدِّمْتُ لَهَا بِنْتِي طَالِبَةَ الْمَسْكِينِ فَقَالَ: نَحَرْتُ لِقَوْمٍ نَحِيْبٍ فِي الْمَسْكِينِ نَحَرْتُ لِقَوْمٍ نَحِيْبٍ فَقَالَ: طَالِبَةُ صَدَقَتْ نَأْتِي أَفْضَلَ مَا تَحْكِي فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَى رَجُلًا فَقَالَ: يَا هَلِيْ إِذَا فَدَّكَرِيْ مَا قَالَ قَالَ: نَحَرْتُ كَلِمَةَ قَرَيْبَتِ الْكَلِمَاتِ فِي رَجُلٍ وَكَانَ هُوَ رَسُولَ اللَّهِ أَخْرَجَ إِلَيْكَ نَحَلَهَا فَلَمَّا تَلَيْتِ الْبَيْتَ فَجَاءَ بِوَقْرٍ هَتَّاهُ بِنْتِ ابْنِ الرُّضْرَةِ فَوَضَعَهَا بِيَدِيْ فَهَسَّتْ رَجُلِيْ فَمَنْعَتْ فَقَالَ مَا يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ: لَيْسَ سَابِكًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ هَلِيْ بِنْتُ طَالِبٍ مِنْ فَدَّكَرِيْ قَرَيْبَتِ الْكَلِمَاتِ الْمَسْكِينِ فِي نَحَلَاتِي أَنْ تَزُوْجَكَ عَسَى تَنْظُرِيْ إِلَيْهِمْ فَدَّكَرِيْ مِنْ أَجْلِ شَيْئَانِ مَا تَرَيْنَ عَمَلَاتِيْ وَلَمْ تَقُولِيْ بِنْتِيْ وَأَسْرَعِيْ رَسُولَ اللَّهِ فَصَلَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَلَمْ تَرَ مَا فَعَلَ وَهِيَ تَقُولِي: اللَّهُ أَكْبَرُ بِسْمِ اللَّهِ أَقْرَبُهَا

در منبع دیگری جریان خواستگاری این‌گونه بیان شده است: وقتی حضرت علی(ع) برای خواستگاری حضرت فاطمه(س) خدمت حضرت پیامبر(ص) آمد، پیامبر(ص) همراه دخترش مشورت کرد و فرمود: دخترم! پسر عمویت علی(ع) از شما خواستگاری کرده است؛ نظرت چیست؟ آن‌گاه پیامبر(ص) فرمود: قسم به خدا که مرا به‌حق به پیامبری مبعوث کرد که در این مورد تا خداوند در آسمان اجازه نداده بود، سخن نگفتم. آن‌گاه حضرت فاطمه(س) فرمود: به

1. الامالی للشيخ الطوسي ص 40.



آن چه که خداوند راضی است من خوشنودم. بدین صورت بود که خواستگاری حضرت فاطمه (س) انجام شد.

لما خطب علي فاطمة بن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال ما لي ببنت ابن نبي الله فخطبها فأنقرين؟ - إلى أن قال - فقال: والخطبة بفتح الخاء ما ذكرت في محاربي (عن النبي من النساء) فقالت فاطمة عليها السلام: رضيت به، رضي الله علي<sup>1</sup>

### صحبت در مورد هزینه‌ی ازدواج

وقتی حضرت فاطمه (س) موافقت خود را برای ازدواج اعلام کرد، آن گاه حضرت پیامبر (ص) با حضرت علی (ع) در مورد هزینه‌ی ازدواج، ولیمه، تهیه‌ی جهاز عروس، مراسم عقد، وقت عروسی و... با همدیگر صحبت کردند. از آن جا که هزینه‌های عروسی به عهده‌ی داماد می‌باشد،<sup>2</sup> لذا پیامبر (ص) رو کرد به علی (ع) و فرمود: ای ابالحسن! آیا چیزی داری که با آن هزینه و مصارف ازدواج را تأمین کنی؟ علی (ع) فرمود: پدر و مادرم به قربانت از تو چه پنهان که تو در جریان زندگی من هستی، من به جز شمشیر، زره و شتر آبکش مالک چیز دیگری نیستم. حضرت پیامبر (ص) سبک و سنگین کرد و چنین تشخیص داد که زره را می‌توان فروخت و با آن هزینه‌ی ازدواج را برآورده کرد، لذا حضرت فرمود: من فاطمه (س) را در مقابل زره به ازدواج تو در آوردم. آن گاه پیامبر (ص) این ازدواج را به علی (ع) تبریک گفت و علی (ع) هم پذیرفت و اظهار شادمانی و خوش حالی نمود. پیامبر (ص) بشارت این ازدواج و مراسم

1. عوالم العلوم ج 11 ص 408

2. در میان مسلمانان افغانستان تمام هزینه‌های ازدواج به عهده‌ی خانواده‌ی داماد می‌باشد.

شادی آن را در آسمان با حضور فرشتگان به علی (ع) داد که علی(ع) خیلی خوش حال گردید.

فَقَالَ يَا أُمَّ الْبَنَاتِ نَمَلٌ مَلَكَ مِنِّْي وَأَزْرَجُكَ بِفَقَالَ عَلِيٌّ (ع) : فَجَاءَكَ لِي بِرَأْسِي وَالْمَاءَ يَنْفَعُ  
 قَلْبِيكَ مِنْ أُنْزِيهِ مِنِّْي وَأَمَّا مَنْ فِي رَحْمَتِي وَمَا أَمَّا مَنْ فِي رَحْمَتِي وَمَا أَمَّا مَنْ فِي رَحْمَتِي  
 رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا عَلِيُّ يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي  
 فَضَحَّكَ فَضَحَّ عَلِيٌّ بِفَضْحَتِهِ وَفَضْحَتِهِ وَفَضْحَتِهِ وَفَضْحَتِهِ وَفَضْحَتِهِ وَفَضْحَتِهِ  
 بِالْحَرَمِ وَرَحْمَتِي يَا عَلِيُّ يَا أُمَّ الْبَنَاتِ يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي

خواندن عقد ازدواج علی(ع) و فاطمه 3 در آسمان

عقد حضرت علی(ع) و فاطمه(س) هم در آسمان و هم در زمین خوانده شد. در آسمان خداوند، خود، این عقد عروسی را با فرشته‌ی وحی اش، جبرئیل، خواندند که در روایات آمده است: خداوند بر خود درود فرستاد و «ایجاب» را چنین خواند: سرور زنان عالم فاطمه(س) را به ازدواج علی بن ابی طالب (ع) در آوردم. آن گاه جبرئیل را با وکالت از سوی علی(ع) دستور داد که «قبول» را بخواند. و جبرئیل چنین گفت: من این پیوند زناشویی را از جانب علی(ع) پذیرفتم.

ثُمَّ فَاحَصَ الْجِبَلُ بِنِجَالِهِمْ فَفَعَلَ بِهِنَّ نَفْسُ رَجُلٍ زَوْجَتِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ مِنْ بَنِي  
 بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَ لِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي  
 فَضَحَّكَ وَفَضْحَتِهِ يَا عَلِيُّ يَا أُمَّ الْبَنَاتِ يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي يَا مَهْدِي

1. کشف الغمه ج 1 ص 355.

2. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد، ج 11-قسم 1-فاطمه(س)، ص: 450)





مهری قالت، یا ایة ان بنات مساک الناس یزوجهن علی الحر و همس الحفافین. فما الفرق بینک و بین  
 مساک الناس فانما من لیس فی ان یتقبل مهری و ثمنه و صلا انک. منزل من اهل علی المساک  
 من مساکین و یحیی حریر و یزوجهن کرب: جعل لیس فی ان مهر فاطمة الزهراء (ع) و ثمنه و صلا  
 صلی لیس علی ان لیس و ثمنه و صلا انک. رجعت فاطمة علیها السلام و فتعز بها من  
 الحدیث ان یتقبل ذلك الحریر فی کلمه. قالت علیها السلام: اذ اشترت بقر الفها ان رخم و هذا  
 لیس یحیی و ثمنه فی صلا انک.

### پانصد درهم مهریه‌ی حضرت فاطمه<sup>۲</sup>

فاطمه (س) مهریه‌ی ازدواجش را پانصد درهم<sup>۳</sup> معین کرد. امام علی (ع) در  
 ضمن خطبه‌ی عقدش فرمود: این رسول خدا (ص) است که دخترش

1. همان.

2. اقوال دیگری نیز در منابع مختلف در مورد مهریه‌ی حضرت فاطمه آمده است که عبارتند از: ۵۰۰ درهم، زره،  
 زره حطمیه‌ی ۳۰ دره‌می، شتر، ۴۰۰ درهم، لباس و درع حطمیه، ۴۸۰ درهم که از فروش زره آهنی به دست آمد؛  
 این نظریه طرفداران بیشتر دارد.

3. مهرالسنه مهریه‌ی همسران و فرزندان پیامبر اسلام (ص) است که عبارت از پانصد درهم (برابر پنجاه دینار)  
 می‌باشد. هر چند در اسلام مهریه از دید قلت و کثرت اندازه‌ای نداشته و به میل و اراده‌ی دو طرف بستگی دارد؛ اما  
 میزان این مهریه، متفاوت ذکر شده است. کمترین مقدار روایت‌شده، چهارصد درهم نقره‌ی مسکوک و بیشترین  
 مقدار ذکر شده، پانصد درهم نقره‌ی مسکوک است. پانصد درهم نقره‌ی مسکوک معادل پنجاه دینار طلای مسکوک  
 در نظر گرفته می‌شده است. با این حساب، چون هر دینار معادل ۴,۶۰۸ گرم (یک مثقال صیرفی) طلای سکه‌شده  
 با خلوص ۷۵۰ است و دارای ۳,۴۵۶ گرم (یک مثقال شرعی) طلای خالص و حداقل ۰,۶۰۴۸ گرم (ربع درهم)  
 نقره و مقداری مس می‌باشد، بنابراین پنجاه دینار معادل ۱۷۲,۸ گرم طلای خالص، حداقل ۳۰,۲۴ گرم نقره و  
 مقداری مس می‌شود. در زمان پیامبر اسلام ارزش هر ۶,۸۲۵ گرم نقره با یک گرم طلا برابری می‌کرده است. در  
 نتیجه، پنجاه دینار معادل ۱۷۷,۲۳ گرم طلای خالص است. باید توجه داشت که به علت ارزش بالای نقره در صدر



فاطمه(س) را به مهر پانصد درهم به ازدواج من در می‌آورد و من نیز راضی هستم و می‌پذیرم و از شما می‌خواهم که بر این امر شاهد و گواه باشید.

وَحَارِ بِرَأْسِي فِي يَوْمِ الْاِحْتِصَانِ بِرَأْسِي فِي يَوْمِ الْاِحْتِصَانِ بِرَأْسِي فِي يَوْمِ الْاِحْتِصَانِ بِرَأْسِي فِي يَوْمِ الْاِحْتِصَانِ

## اعلان مراسم ازدواج

داستان اجرای عقد در زمین و اعلان مراسم ازدواج با اندکی تفاوت، به گونه‌ی دیگر نیز آمده است: پیامبر(ص) به علی(ع) دستور داد که ای ابالحسن! این مراسم خوشی در زمین هم باید برگزار گردد؛ قبل از من به مسجد برو و مراسم عروسی‌ات را برای مردم اعلان کن، من هم به تعقیب شما در مسجد می‌آیم و این شادی و سرور و فضیلت تو را برای مردم خواهم گفت که چشم تو و چشم دوستانت در دنیا و آخرت روشن گردد. علی(ع) شادمان و شتابان به سمت مسجد رفت، در مسیر راه هرکسی را دید این خبر را با وی در میان گذاشت. وقتی به مسجد رسید، پیامبر(ص) هم خوش حال به تعقیب علی(ع) به مسجد رسید و به بلال دستور داد که مردم مهاجر و انصار را در مسجد جمع کند. بلال همه را جمع کردند و پیامبر(ص) روی منبر رفت و این خبر خوش را به همه‌ی مردم داد و فرمود: علی(ع) و فاطمه(س) عقدش در آسمان بسته شد و اکنون می‌خواهیم مراسم عقد و خوشی را در زمین هم بگیریم. حال ای مردم



اسلام (نسبت به طلا) و ارزش پایین آن در زمان ما (نسبت به طلا)، تمامی محاسبات با انجام تبدیلات به طلا انجام شده است.

<sup>1</sup>. الهدایه الکبری ص 115.

شما را شاهد می گیرم که من دخترم، فاطمه (س)، را به عقد و ازدواج علی (ع) در آوردم.

بعد از اعلان این خبر، پیامبر (ص) نشست و آن گاه به علی (ع) فرمود: علی جان! حالا شما برای مردم در این مورد سخنرانی کنید.

انصِبْ بِأَيِّ النَّسَبِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَرَبٌ إِلَى النَّسَبِ حُرٌّ وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ النَّاسِ وَخَلْقَ بَيْنَ  
 فَضْلِكَ مَا نَقَرُ بِدِينِكَ رَأَيْتَ غَيْبِكَ فِي الْخَبَرِ لَا حَرْفَ نَالَ عَلِيٌّ نَسَبَتْ مِنْ فَحْدِ  
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَسْرُورًا نَالَ الْفُلَّ قَرَّ حَارٌّ مَسْرُورًا نَامَسْتَقِيمًا لَبَّزْتُكَ وَهَرَفْنَا لِمَا رَدَّكَ فَفَلَّتْ  
 زَوْجَهُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَبَّنَا فَطَاهِرٌ عَرَفْنَا لَنَا سَفَرٌ بَلَّ زَوْجٌ بَيْنَ الْمَسَاءِ وَهَذَا  
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَرَفْنَا فِي أَرْبَعٍ لِيَطْرُقَ ذَلِكَ بَعْضُ النَّاسِ فَكَرَّ حَيْثُ كَانَ قَرَّ أَسَدٌ بِحَرْفِ  
 رَبِّهَا مَعِيَ إِلَى النَّسَبِ مَا تَرَى مَطَانًا وَحَتَّى لَعَنَ نَبِيَّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) رَأَيْتَ رَجُلًا لِيَلْبَسَ  
 مَسْرُورًا قَرَّ مَا فَلَكَ بِأَيْدِيكَ نَالَ بِمَا قَالَتْ لِيَبَّكَ بِأَرْسُولِ اللَّهِ فَجَمَعَ إِلَيْهِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ  
 فَجَعَلَهُمْ عَرَفْنَا فِي حَرْبٍ بَيْنَ الْبَنِي النَّضِيرِ وَالْمُهَاجِرِينَ فَجَعَلُوا مَقَامَهُمْ الْمَسْجِدَ لَنْ يَكُونَ  
 لَنَا فِي لَفْنَا فَعَرَفْنَا فِي عَنَّا قَرَّ بَلَّ نَذَرْنَا جَمَعَ الْأَلْبَانِ الْبَيْتَ الْهَمِيرَ نَذَرْنَا مَسْجِدًا  
 لَنَا زَوْجَ لَمَّا فَطَاهِرًا بَلَّ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ فَحْدِ عَلِيٍّ بَيْنَ لِي طَالِبٌ رَأَيْتَ أَنْ زَوْجًا فِي الْأَرْضِ  
 لَنْ يَكُونَ لَكَ فِي ذَلِكَ مَسْرُورًا نَالَ لَقَائِي (ع) فَهَذَا بِأَيِّ النَّسَبِ مَا نَقَرْتُ أَنْ يَسْمَلَ

سخنرانی علی (ع) به مناسبت خواستگاری حضرت فاطمه

حضرت علی (ع) به دستور حضرت پیامبر (ص) برخاست و سخنرانی خود را این گونه انجام داد: ابتدا خدای را سپاس گفت و بر پیامبرش درود فرستاد، سپس ادامه داد: حمد مخصوص خداوند (ج) است و لازم است از نعمت های



الهی شکرگزاری نمود. حضرت علی(ع) جریان عروسی خود با فاطمه(س) را در قبال مهریه‌ای که یک زره است اعلان کرد و از آن‌ها خواست شاهد باشند.

قَالَ فَقَالَ نِكَاحُ رَضِيَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ (ع) وَقَالَ الْمَدَامُ حَتَّى لَا تَقُولُوا بِالْحَبِيرِ إِلَّا بِاللَّهِ  
 اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ فَرَضِيَ عَلَيْهِ اللَّهُ عَلَيْهِ عَقْدُ صَدَاكَةِ لِيَوْمِ خَيْبَرَ أَلَا تَرَوْنَ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلُ  
 جَلِيلًا وَرَضِيَ عَلَيْهِ مَا كُنَّا نَحْذَرُ أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ع) وَبَلَدًا نَاطِقًا  
 جَلِيلًا صَدَّاقًا خَيْرِيٌّ مَخَارِقُ رَضِيَتْ بِحَدِّكَ فَاسْأَلُوا بَرَاءَةَ حَتَّى لَا

این که چرا در این جا زره به عنوان مهریه، بیان شده است و در برخی منابع دیگر چهارصد یا پانصد درهم ذکر شده است، دلیلش این است که حضرت علی(ع) زره خود را به آن مبلغ فروخته بود؛ در نتیجه، همه‌ی اقوال به یک امر برمی‌گردد.

### تبریک گفتن مسلمانان به ازدواج علی(ع) و فاطمه(س)

مسلمانان وقتی از جریان عروسی و مراسم عقد حضرت علی(ع) و فاطمه(س) با خبر شدند، این پیوند را برای آن‌ها تبریک گفتند و عرض کردند: خداوند این پیوند را برای آن‌ها مبارک گرداند و همیشه هردو را در کنار هم نگهدارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِرَسُولِ اللَّهِ (ع) وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ اللَّهُ فَقَالَ اللَّهُ فَقَالَ اللَّهُ فَقَالَ اللَّهُ فَقَالَ اللَّهُ  
 جَمَعَ شَهَابًا

1. همان، ص 355.

2. همان، ص 355.





### خوشنودی فاطمه (س) از ازدواج با علی (ع)

حضرت فاطمه (س) بعد از ازدواج، به پدرش فرمود: خوش حالم که خدا (ج) پروردگار من است و تو، ای پدر، پیامبر من و پسر عمویم علی (ع) شوهر و امام من است.

قَالَتْ فَاطِمَةُ (ع) رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِعَلِيٍّ (ع) زَوْجًا

### دف زدن زنان در مراسم عروسی فاطمه (س)

طبق برخی از گزارش‌ها، وقتی پیامبر (ص) از مسجد به سمت خانه‌ی خود و به سمت همسران خود برگشتند، به آن‌ها دستور دادند تا در مراسم فاطمه (س) دف بزنند و شادی کنند؛ آن‌ها نیز دف زدند و شادی کردند.

وَأَصْرَفَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) زَوْجًا عَمْرًا مِّنْ أُمَّةٍ مِّنْ قَوْمٍ لِّفَاطِمَةَ خَاصِرِينَ بِالْحَنَفِ ۱

قابل یادآوری این‌که در برخی منابع دف زدن مورد تشکیک قرار گرفته است و اکثر مراجع دف را از آلات موسیقی دانسته و استعمال و نواختن آن را حرام می‌دانند.

### تهیه و خرید جهاز عروسی

حضرت پیامبر (ص) تصمیم گرفت با پولی که از حضرت علی (ع) گرفته بود، جهاز حضرت فاطمه (س) را تهیه کند. حضرت علی (ع) چنین گزارش می‌کند: پیامبر (ص) به من دستور داد و فرمود: ای ابالحسن! حالا برو و زرهت را بفروش و قیمت آن را برای من بیاور تا برای شما و فاطمه (س) آن‌چه که

1. بحار الانوار، ج 43 ص 151.

2. کشف الغمه ج 1 ص 355.



نیازتان است آماده کنیم. علی(ع) گفت: من رفتم در بازار و زهرم را به قیمت چهارصد درهم فروختم و مبلغ را خدمت پیامبر تقدیم کردم.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ يَا أبا الْعَسَنِ انْطَلِقْ لِأَنَّ فِيهِمْ جِرْمًا رَأَيْتُ بَنِيَّ عَتَةَ  
أَتَتْهُ أُمَّكَ وَأَبْنَتُهَا فَأَتَتْهُمَا بِضَلَّةٍ فَأَتَتْهُمَا فَتَلَفَتْ عَتَةُ بِرَأْسِهَا حُرْمَةً فَأَتَتْ إِلَى  
رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَظَلَّتْ فِي الْحَرَمِ وَبَيْتِ بَعْثِهَا

نکته قابل توجه در تهیه‌ی جهیزیه‌ی حضرت زهرا(س) این است که این جهیزیه با مهریه‌ی خود حضرت زهرا(س) تهیه شد؛ به عبارت دیگر، جهاز به عهده‌ی داماد است که حضرت علی(ع) زهرش را فروخت و پول آن به عنوان مهریه قرار داده شد که تعلق به حضرت زهرا(س) گرفت و با آن پول جهاز خریداری شد.

### خرید خوشبوکننده و لوازم آرایشی

سپس بلال<sup>۲</sup> را صدا کرد و مشتی از آن پول‌ها را به وی داد و گفت: این پول‌ها را بگیر و با آن‌ها برای فاطمه -علیها السلام- عطر خریداری کن! (احتمالا لوازم آرایشی؛ چون: شانه، آینه و... نیز خریداری شده است؛ زیرا یک مشت درهم، پول زیادی است. به این دلیل که: برای خریدن جهاز، دو مشت

1. کشف الغمه ج 1 ص 355.

2. بلال بن رباح، معروف به بلال حبشی (درگذشته‌ی ۱۷ تا ۲۱ق) صحابی و مؤذن پیامبر اکرم(ص)، از نخستین کسانی بود که اسلام آورد، خزانه‌دار بیت المال در زمان پیامبر(ص) بود و در تمامی جنگ‌ها شرکت کرد. بلال چند سال پس از رحلت پیامبر(ص) نیز زنده بود؛ اما در این مدت، جز در چند مورد اذان نگفت؛ یکی از این موارد، زمانی بود که حضرت فاطمه(س) از وی خواست برایش اذان بگوید؛ ولی چون آن حضرت به یاد رنج‌های پس از فوت پدر افتاد و از شدت ناراحتی تاب نیاورد، بلال به‌ناچار اذان را ناتمام رها کرد. بر اساس قول مشهور، قبر او در قبرستان «باب الصغیر» دمشق است.



درهم داد و یک مشت فقط برای خوشبو کننده و لوازم آرایشی به بلال داده شد.)

ثُمَّ قَضَى فَيْضًا رَحِيمًا يَا لَيْلَى مَا لَكَ مِنَ الْهَيْبَةِ فَارْتَدِي عَنِّي مَا لَكَ مِنَ الْهَيْبَةِ فَارْتَدِي عَنِّي

### مدت زمان نامزدی

عقد ازدواج به صورت رسمی صورت گرفته بود و حضرت فاطمه(س) به صورت قانونی و شرعی زن حضرت علی(ع) گردیده بود؛ اما هنوز مراسم عروسی صورت نگرفته بود و فاطمه(س) و علی(ع) تشکیل خانواده نداده بودند و جدا از هم زندگی می کردند. این دوره همان دوره‌ی نامزدی و دوره‌ی عقد بود.

علی(ع) می گوید: من پس از خواستگاری و خرید جهاز، به مدت یک ماه با رسول خدا(ص) نماز می خواندم و خجالت می کشیدم در باره‌ی عروسی ام با فاطمه -علیها السلام- چیزی به آن حضرت بگویم؛ اما هر زمان پیامبر(ص) مرا تنها می دید، می فرمود: ای ابالحسن بشارت باد بر تو که چقدر زنت زیبا و نیکو است و شما با سرور زنان جهان ازدواج کرده‌ای. بعد از این که یک ماه گذشت، روزی برادرم عقیل کنارم آمد و گفت: ای برادر! از این که با فاطمه، دختر پیامبر (ص)، ازدواج کرده‌ای خیلی خوش‌حالم؛ اما چرا در مورد عروسی ات با پیامبر صحبت نمی کنی تا چشمان ما با سر و سامان یافتن زندگی شما شاد گردد. علی(ع) فرمود: والله ای برادر! من هم دوست دارم که زندگی ام سر و سامان پیدا کند؛ ولی از پیامبر(ص) خجالت می کشم که امر عروسی ام را با وی در میان بگذارم.

1. الامالی للطوسی ص 43.



وَمَكَتَ بِهَذَا كَلِمَ ذَنْبٍ لِّلْاَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللّهِ (ص)؛ فِي امْنٍ نَّهَى اَيْتِي (امْنٌ نَّهَى مِنْ  
 رَسُولِ اللّهِ (ص)؛ قِيلَ لِي لَكَ اَحَدٌ خَلَّتْ بِرَسُولِ اللّهِ فَقَوْلِي بِالْاَلِ لَمْ تَنَ مَا لَمْ تَنَ  
 زَوْجِي لَكِ رَجَعْنَا لِرَسُولِ بِالْاَلِ لَمْ تَنَ فَفَعَزَ زَوْجِيكَ سَبْحًا وَنَسَاءً اَلْقَالِيَتِ قُلْ هِيَ نَهَى لَكَ بِهَذَا  
 ذَنْبٌ حَتَّى تَلِيَّ اَخِي فَهَلْ بَنَ لِي مَالٌ فَقَالَ اَخِي مَا نَسَخَتْ يَدِي اَكْرَهِي بَلَّوْزِيكَ  
 فَاهْلًا بَيْتِ عَمَّةٍ (ص)؛ بِالْاَخِي مَا بِالْاَلِ لَمْ تَنَ رَسُولِ اللّهِ (ص)؛ بِحَدِّهَا فَهَلْ تَقْرَبُنَا  
 بِالْبِقَاعِ تَهْلِكُ اَلْقَالِيَتِ رَلَّ بِالْاَخِي لِي لِي لِكَبِّ كَلِمَ رَمَا يَنْفَعُنِي مِنْ مَسْأَلَةِ اَلْاَهْلِ وَنَا

### نقش عقیل در تدارک ازدواج

عقیل<sup>۲</sup> با علی (ع) تصمیم گرفتند خدمت پیامبر (ص) بروند و مسئله‌ی عروسی را مطرح کنند. در مسیر راه، ام ایمن<sup>۳</sup> را دیدند و تصمیم خود را با وی در میان گذاشتند. ام ایمن، گفت: شما این کار را به ما زنان بسپارید، ما این مسئله را با پیامبر (ص) مطرح می‌کنیم؛ این کار زنانه است و زنان بهتر می‌دانند چگونه مطرح کنند.

1. کشف الغمه ج 1 ص 355.

2. عقیل پسر ابوطالب بن عبدالمطلب، کنیه‌اش ابویزید بود. بنا بر گزارش‌ها، وی از حضرت علی (ع) بیست سال بزرگ‌تر بوده است. وی از نسب‌شناسان قریش و شخصی حاضر جواب بود که بدون اعتنا به این‌که شخص مقابلش چه جایگاهی دارد، بدو پاسخ می‌داد.

3. اُمّ ایمن، از صحابه‌ی پیامبر و مادر اسامه بن زید است که حضرت محمد (ص)، او را از زنان بهشتی معرفی کرده است. وی به همراه امام علی (ع) پس از درگذشت پیامبر (ص)، برای بازپس گرفتن فدک از ابوبکر، شهادت داد که پیامبر (ص)، فدک را به فاطمه‌ی زهرا (س) بخشیده است. او از نخستین کسانی بود که مسلمان شد. همچنین در جنگ احد و خیبر حضور داشت و در جنگ احد به مجروحان آب می‌رساند و آن‌ها را مداوا می‌کرد. روایاتی نیز به نقل از ام ایمن در منابع روایی وجود دارد.



قَالَ لَمَسَتْ فَلَيْلَ الْأَمْتِ مَعِيَ فَهَذَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَلَيْلًا فِي ظَرْفِ الْإِيْتِ مَرَّةً  
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَكَرَّكَ حَالِكًا مَا فَطَّرْتَ لَا فَطَّرْتَ رَحْمَةً خَتَّ كَلَّمَ تَابَ لَعْنَةُ الْإِنْسَانِ فِي عَذَابِ  
 لَمَسَتْ رُوَيْحَ فَطَّرَ الرَّجُلُ

### جلسه‌ی زنان پیامبر (ص) در مورد مراسم عروسی فاطمه (س)

جلسه‌ی زنان همراه با علی (ع) و پیامبر گرامی اسلام تشکیل شد و ام ایمن گفت: ای رسول خدا! اگر خدیجه -علیها السلام- زنده بود، چشمانش در اشتیاق دیدار ازدواج حضرت فاطمه (س) روشن می‌شد، همانا علی (ع) دوست دارد که فاطمه (س) را به خانه‌اش ببرد، پس چشم آن‌ها را به دیدار یک‌دیگر روشن نما تا چشم‌های ما نیز روشن شود. رسول خدا (ص) فرمود: چرا علی همسر خود را از من مطالبه نمی‌کند و شما را واسطه کرده است، درحالی که ما از خود او انتظار این کار را داشتیم. علی (ع) گفت: ای رسول خدا! من از شما خجالت کشیدم و حیا مانع این امر شد.

پیامبر (ص) خطاب به همسران خود فرمود: کدام یک از شما حاضر هستید؟ ام سلمه<sup>۲</sup> گفت: من (ام سلمه)، زینب، فلان کس و فلان کس. سپس رسول خدا (ص) فرمود: یکی از حجره‌های خانه را برای دخترم فاطمه (س) و پسر

1. کشف الغمه ج 1 ص 355.

2. هند، دختر ابوامیه بن مغیره مشهور به ام سلمه از همسران پیامبر اکرم (ص) که ام المؤمنین خوانده شده‌اند. وی با پذیرش اسلام در سال‌های نخستین بعثت پیامبر، در زمره‌ی اولین مسلمانان در آمد و به دستور پیامبر (ص)، همراه با عده‌ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب به حبشه مهاجرت کرد. او که قبل از پیامبر ازدواج کرده بود، در سال چهارم هجری پس از وفات شوهرش به عقد پیامبر در آمد. اکثر مؤرخان، تاریخ رحلت ام سلمه را بعد از واقعه‌ی عاشورا دانسته‌اند.

عمویم علی (ع) آماده کنید. ام سلمه گفت: ای رسول خدا! کدام حجره را؟ پیامبر فرمود: حجره‌ی خودت را.

فَمَنْ لَيْتَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَالْأَطْلَبَ لَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَتَّى نَأْتِيَكَ فَقُلْتَ  
 لَقَدْ نَعَيْتُكَ هَلِيبًا فَقُلْتَ أَوْ لَيْتَ بَارِئًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَوْنٌ حَسْبِي بِأَقْبَابِ الْقُرْبَى هَذَا مِنْ نَفْسِ نَهَارِ لَوْنٍ  
 هَلِيبًا بِرِجَالِهَا فَتَرَى نَفْسَ نَهَارِ بِنَفْسِهَا رَجَمَ نَفْسَ نَهَارِ فَتَرَى نَفْسَ نَهَارِ نَفْسَ نَهَارِ هَلِيبًا هَلِيبًا  
 زَوْجًا فَتَقُولُ مَا تَرَى نَفْسَ نَهَارِ فَتَقُولُ هَلِيبًا فَقُلْتَ لَعَلَّهَا يَهْتَفِعُ بِرَسُولِ اللَّهِ فَتَقُولُ لِي الْبِسَاءُ فَقُلْتَ  
 مَنْ مَعَنَا فَقُلْتَ أَوْ مَسَاءً فَتَقُولُ مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً  
 لَيْتَ زَوْجَ نَهَارِ نَهَارِ فِي مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً  
 فِي مَسَاءً مَسَاءً

علی(ع) می‌فرماید: من در حالی که به زمین نگاه می‌کردم و از پیامبر حیا داشتم، جلوی پیامبر(ص) نشسته بودم. پیامبر(ص) از من پرسید آیا دوست داری همسرت به خانه‌ات بیاید؟ من عرض کردم پدر و مادرم به قربانت، بله. آن وقت پیامبر(ص) فرمود: امشب یا فردا شب ان شاءالله مراسم عروسی برگزار خواهد شد و همسرت را وارد خانه‌ی شما خواهم کرد، آن‌گاه من خوش‌حال شدم.

رَجَمَتْ يَدَيْهَا بِحَبْلٍ فَخَرَّ لِرُضِّهَا فَقُلْتُ لَعَلَّهَا يَهْتَفِعُ بِرَسُولِ اللَّهِ فَتَقُولُ لِي الْبِسَاءُ فَقُلْتَ  
 مَنْ مَعَنَا فَقُلْتَ أَوْ مَسَاءً فَتَقُولُ مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً مَسَاءً  
 فِي مَسَاءً مَسَاءً

1. الامالی للطوسی ص 43.

2. كشف الغمه ج 1 ص 355.



## آرایش عروس

پیامبر(ص) به زنان خویش دستور داد تا فاطمه -علیها السلام- را زینت و آرایش کنند و لوازم عروسی او را فراهم نمایند.

ام سلمه گوید: به فاطمه(س) گفتم: آیا عطری برای خودت ذخیره نموده‌ای؟ گفت: آری. یک شیشه عطر آورد و مقداری از آن را در میان دستانم ریخت؛ چنان بویی از آن برخاست که تا آن زمان استشمام نکرده بودم، به فاطمه(س) گفتم: این عطر را از کجا آورده‌ای؟

گفت: هر گاه «دحیه‌ی کلبی»<sup>1</sup> به حضور رسول خدا(ص) می‌آمد، پیامبر به من می‌فرمود: برای عمویت پستی بگذار! من برای او پستی می‌گذاشتم و در این حال متوجه می‌شدم که چیزی از میان لباس‌های او فرو می‌ریزد. ایشان به من می‌فرمود که آن‌ها را جمع کنم؛ این عطرها همان‌هاست که جمع می‌کردم. حضرت علی(ع) از رسول خدا(ص) در این باره سؤال کرد و آن حضرت فرمود: آن عبارت از عنبری است که از بال‌های جبرئیل فرو می‌ریزد.

وَأَمْرٌ مِنْ رَبِّكَ يُرِيهِمْ مِنْ ذُنُوبِهِمْ مَثَلَهُمْ فَتَرَؤُا أَنْفُسَهُمْ يَوْمَ هُمْ فِي طُغْيَانٍ كَبِيرٍ  
 وَأَمْرٌ مِنْ رَبِّكَ يُرِيهِمْ مِنْ ذُنُوبِهِمْ مَثَلَهُمْ فَتَرَؤُا أَنْفُسَهُمْ يَوْمَ هُمْ فِي طُغْيَانٍ كَبِيرٍ  
 وَأَمْرٌ مِنْ رَبِّكَ يُرِيهِمْ مِنْ ذُنُوبِهِمْ مَثَلَهُمْ فَتَرَؤُا أَنْفُسَهُمْ يَوْمَ هُمْ فِي طُغْيَانٍ كَبِيرٍ

1. دحیه بن خلیفه‌ی کلبی، معروف به دحیه‌ی کلبی، صحابی پیامبر اکرم(ص)، پیش از جنگ بدر اسلام آورد و در جنگ احد و نبردهای پس از آن حضور داشت. دحیه در سال ششم هجری، مأمور رساندن نامه‌ی پیامبر(ص) و ابلاغ رسالت ایشان به فرمانروای روم شرقی شد. همچنین وی مأمور رساندن نامه‌ای دیگر از پیامبر اکرم به اسقفی مسیحی شد. دحیه صورت زیبایی داشت و در برخی نقل‌ها آمده است که جبرئیل گاهی به صورت او بر پیامبر(ص) ظاهر می‌شد که تمثال جبرئیل به صورت دحیه پرسش‌هایی میان متکلمان مسلمان برانگیخته است. او پس از رحلت پیامبر به شام مهاجرت کرد و در روستای «مزّه» سکونت گزید. قبر منسوب به وی در شام است.







باشد. ای علی! فاطمه (س) بهترین همسر است و ای فاطمه! علی (ع) بهترین شوهر است.

... فَتَمَّارَفَّتْ بَيْتَ بَحْبَحٍ كَسَفَ الرَّجَاءَ مِنْ رَبِّهَا عِنْدَ رَأْسِهَا عَلِيٌّ (عليه السلام) ثُمَّ لَمَسَتْ بَحْبَحًا  
فَرَضَتْهَا فِي بَحْبَحٍ (عليه السلام) . قَالَ بَابُ الرَّسُولِ فِي إِذْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
فَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّهُ الرَّسُولُ عَلِيٌّ

### تدارک ولیمه‌ی عروسی

تمام قرار و مدار عروسی گذاشته شد و مقدمات عروسی فراهم گردید. در کتاب امالی آمده است که علی (ع) فرمود: رسول خدا (ص) به من فرمود: ای علی! غذای فراوانی برای عروسی و خانواده‌ات تدارک کن. سپس فرمود: گوشت و نان را من می‌دهم، خرما و روغن به عهده‌ی تو.

در کتاب کشف الغمه چنین آمده است که علی (ع) فرمود: پیامبر (ص) ده درهمی را که به ام سلمه داده بود، به من داد و با آن خرما و روغن فراهم کردم و نزد پیامبر بردم،<sup>۲</sup> آن حضرت آستین‌هایش را بالا زد و خرما را تمیز کرده در روغن ریخت و غذایی درست کرد که آن را «حیس» می‌گفتند. گوسفند فریبی ذبح کرد<sup>۳</sup> و نان فراوانی تدارک نمود. سپس به من گفت: هر کسی را که

1. الامالی للطوسی ص 42.

2. کشف الغمه ج 1 ص 355 " وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي سَلَّمَهَا إِلَيَّ أُمَّ سَلَمَةَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ فَدَفَعَهَا إِلَيَّ وَقَالَ اشْتَرِ سَمْنًا وَتَمْرًا وَأَفْطَأْ فَاشْتَرَيْتُ وَأَقْبَلْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) "

3. در برخی منابع آمده است که سعد یک گوسفند را به عنوان کمک و سهم گیری در عروسی به ولیمه‌ی حضرت فاطمه (س) کمک کرد و گروهی دیگر از اصحاب نیز در حدود توانایی خودشان کمک کردند. (امینی، 62). فرهنگ کمک در عروسی در میان شیعیان افغانستان وجود دارد.

دوست داری دعوت کن. وارد مسجد شدم و دیدم که مسجد پر از صحابه‌ی پیامبر است، حیا کردم که در میان آن جمع، عده‌ای را دعوت کنم و عده‌ای را دعوت نکنم. بر یک بلندی قرار گرفتم و خطاب به همه گفتم: همهی شما را به صرف ولیمه‌ی عروسی فاطمه (س) دعوت می‌کنم. آنان پذیرفتند و گروه گروه به طرف خانه‌ی پیامبر (ص) حرکت کردند. من از کثرت جمعیت و قلت غذا خجالت می‌کشیدم، وقتی رسول خدا (ص) از آن چه که در ذهن من می‌گذشت مطلع گردید، گفت: ای علی! من دعا می‌کنم که خدا به غذای شما برکت بدهد. علی (ع) می‌فرماید: آن جمعیت که تعداد آن‌ها بیش از چهار هزار نفر بودند همگی از غذا و آبی که فراهم کرده بودیم خوردند و نوشیدند و سیر شدند؛ ولی از غذا چیزی کم نشد.

قال علي (عليه السلام) : قال لي رسول الله (ص) : يا علي ! اصنع لي طعاما  
 فاذا فعلت قال : ما هذا إلا للفقراء والمفقرين فما بالك بالقرى المسنة فادعيتهم فماذا فعلت  
 رسول الله (ص) : يا علي ! ان هذا خير مما قد جعلت في المسنة على اقتدار  
 عيصار وقت النبي اذ كانت بيوتهم من اجرة اهل المدينة  
 انهم من اعيان القبائل التي خرجت من بني نضلة فادعيتهم  
 انهم من اعيان القبائل التي خرجت من بني نضلة فادعيتهم  
 الناس اربابا فادعيتهم من كل الناس فينا الطيبات فقال رسول الله (ص) : ما  
 هذا علي ! قال : يا علي ! ما هذا الا ما اذبحتم من اهل المدينة من اجرة  
 طيبين ومن اجرة اهل القرى من اجرة اهل المدينة من اجرة اهل المدينة من اجرة  
 من الطيبات شيئا

1. الامالی للطوسی ص 43.



در کتاب کشف الغمه آمده است که سفره‌ای کشیده شد و ده نفر ده نفر غذا می‌خوردند و خارج می‌شدند. فَجَلَّلَ السُّفْرَةَ بِمِنْدِيلٍ وَقَالَ ادْخُلْ عَلَيَّ عَشْرَةَ بَعْدَ عَشْرَةٍ فَفَعَلْتُ وَجَعَلُوا يَأْكُلُونَ وَيَخْرُجُونَ<sup>1</sup>

### غذای باقیمانده‌ی ولیمه

برای این که اسراف نشود، پیامبر(ص) دستور داد تا کاسه‌هایی را پر از غذا کردند و آن‌ها را برای زنان خویش فرستاد؛ کاسه‌ای نیز پر از غذا کرد و فرمود: این کاسه نیز برای علی و فاطمه(س) بماند.

فَمَرَّ بِمَرْسَلِ الْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ وَالْمَرْسَلِ  
لَا تَخْصَمُوا فِيهَا طَعَامًا قَالُوا مَا لَنَا مِنْ عَدَاةٍ لَهُمْ قَالُوا

یادآوری: در عروسی مستحب است یک وعده غذا و آن هم در ظهر داده شود و عروسی در شب صورت گیرد؛ در عروسی حضرت زهرا(س) نیز این‌گونه بود که مردم ظهر ولیمه‌ی عروسی صرف کردند و شب هم عروسی صورت گرفت.

فَمَنْ لِي بِهَذَا عِيسٍ قَالُوا نَزَلَتْ فِيهَا طَعَامًا لَمْ يَطْعَمُوا مِنْهَا

### عروس، سوار بر اسب شهباء

وقتی شب عروسی فرا رسید و عروس آماده شد، پیامبر(ص) برای عروس و داماد دعا کرد و عروسی آن‌ها را تبریک گفت، آن‌گاه حضرت اسب شهبایی

<sup>1</sup> . کشف الغمه ج 1 ص 355.

<sup>2</sup> . الامالی للطوسی ص 43.

<sup>3</sup> . من لایحضره الفقیه ج 3 ص 402.



خود را آورد و به فاطمه (س) فرمود سوار اسب گردد و به سلمان دستور داد تا افسار اسب را دست گیرد. در این حال، افراد زیادی عروس و داماد را همراه با فرشتگان بدرقه کردند و همگی تکبیر می‌گفتند. از آن تاریخ به بعد گفتن تکبیر در عروسی‌ها رایج گردید؛ اما اکنون متأسفانه این سنت نبوی در همه‌ی کشورهای اسلامی ترک شده است.

فَمَا لَكُمُ يَا آلَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا فِي عَزَائِكُمْ يَا فاطمةُ (ص) رَبِّكَ رَسولُكَ  
 رَبُّكَ رَبُّنَا رَبُّ عَالَمِينَ (ص) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ (ص)  
 رَجُوعَ أَخِيهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ إِلَى الْأَرْضِ فَقَالَ يَا فاطمةُ (ص) مَا لِي بِكَ  
 وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَقُولِينَ يَا فاطمةُ (ص) رَبُّكَ رَبُّنَا رَبُّ عَالَمِينَ (ص) رَبُّكَ رَبُّنَا رَبُّ عَالَمِينَ (ص) رَبُّكَ رَبُّنَا رَبُّ عَالَمِينَ (ص) رَبُّكَ رَبُّنَا رَبُّ عَالَمِينَ (ص)

### شادی و شعر خوانی در عروسی

پیامبر (ص) به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار دستور داد تا همراه فاطمه (س) باشند؛ شادی کنند و رجز بخوانند، تکبیر و تحمید خداوند را بگویند و چیزی که رضای خدا در آن نباشد بر زبان نیاورند. در مراسم عروسی حضرت فاطمه (س) - که سوار بر اسب بود- پیامبر (ص)، حمزه، عقیل، جعفر و سایر اهل بیت پیامبر (ص) پشت سر عروس و داماد حرکت می‌کردند و زنان پیامبر (ص) پیش روی عروس رجز می‌خواندند. افراد زیادی شعر سرودند و خواندند؛ از جمله ام سلمه، معاذ و... . همچنین در روایت آمده است که وقتی شعر خوانده می‌شد زنان بیت اول را تکرار می‌کردند.

1. من لایحضره الفقیه ج 3 ص 401.



لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفْرًا وَلا ضَلَالَةً وَلا مَكْرًا وَلا كِبْرًا وَلا جَبْنَ  
وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفْرًا وَلا ضَلَالَةً وَلا مَكْرًا وَلا كِبْرًا وَلا جَبْنَ  
وَلَمْ يَكُنْ لَهَا كُفْرًا وَلا ضَلَالَةً وَلا مَكْرًا وَلا كِبْرًا وَلا جَبْنَ

سِرْنَ بِعَوْنِ اللَّهِ جَارَاتِي  
وَ اَشْكُرْنَهُ فِي كُلِّ خَالَاتٍ  
وَ اذْكُرْنَ مَا اَنْعَمَ رَبُّ الْعَلِيِّ  
مِنْ كَشْفِ مَكْرُوهِهِ وَ اَفَاتٍ  
فَقَدْ هَدَانَا بَعْدَ كُفْرٍ وَ قَدْ  
اَنْعَشَنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ  
وَ سِرْنَ مَعَ خَيْرِ نِسَاءِ الْوَرَى  
تَفْدِي بِعَمَّاتٍ وَ خَالَاتٍ  
يَا بِنْتَ مَنْ فَضَّلَهُ ذُو الْعَلِيِّ  
بِالْوَحْيِ مِنْهُ وَ الرِّسَالَاتِ<sup>۱</sup>

### دعای خیر پدر زن برای عروس و داماد

هنگامی که غروب آفتاب نزدیک شد، رسول خدا(ص) به ام سلمه فرمود: فاطمه(س) را بیاور! ام سلمه به دنبال حضرت فاطمه(س) رفت و او را درحالی که پایین لباسش بر زمین کشیده می شد و از رسول خدا(ص) چنان حیا می کرد که یک بار بر زمین افتاد، نزد رسول خدا(ص) آورد. رسول خدا(ص) به او فرمود: خداوند تو را در دنیا و آخرت از افتادن نگهدارد. هنگامی که فاطمه(س) در مقابل رسول خدا(ص) رسید، آن حضرت حجاب از چهره ی فاطمه(س) برداشت تا علی(ع) او را ببیند، سپس دست فاطمه(س) را گرفت و در دست علی(ع) قرار داد و فرمود: ای علی! خدا قدم دختر رسول خدا را برای تو مبارک کند، ای علی! همانا فاطمه(س) خوب همسری است، و ای فاطمه!

<sup>1</sup> . مناقب آل ابی طالب، ج 3 ص 355.



همانا علی خوب شوهری است. به سوی خانه‌ی خود بروید و صبر کنید تا بیایم.

علی(ع) می‌فرماید: دست فاطمه(س) را گرفتم و باهم به خانه رفتیم. فاطمه(س) در گوشه‌ای نشست، من نیز در کنار او نشستم و هر دو از حیا و خجالت به زمین نگاه می‌کردیم تا پیامبر(ص) آمد و فرمود: چه کسانی در این جا هستند؟ گفتیم: ای رسول خدا! بفرمایید، شما چه زائر خوب و نیکیوی هستید! رسول خدا(ص) وارد شد و نشست. فاطمه(س) نیز در کنار او نشست، پیامبر به او فرمود: برخیز و مقداری آب برای من بیاور! فاطمه(س) برخاست و ظرفی را پر از آب کرده به حضور پیامبر آورد، سپس پیامبر جرعه‌ای از آن آب را برگرفت آن را مضمضه کرد و داخل ظرف ریخت. فاطمه(س) را به نزد خود خواند و کفی از آن آب را به سینه‌ی فاطمه(س) پاشید و به او گفت: برگرد! و چون فاطمه(س) برگشت، کف دیگر از آب را در میان دو کتف وی پاشید و گفت: «خدایا! این دختر من است که محبوب‌ترین مردم در نزد من می‌باشد، خدایا! این برادر من است که محبوب‌ترین مردم در نزد من می‌باشد. پروردگارا! علی را ولیّ و مطیع خود قرار بده و اهل و عیالش را برایش مبارک گردان». و سپس گفت: ای علی! حال نزد همسرت برو، از خداوند می‌خواهم که برکت و رحمتش را نصیب شما نماید، همانا او حمید و مجید است.

عَلِيٍّ إِذْ انصَرَفَتِ الْمَرْيَمُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِالْمَسْأَلَةِ فِي نَهْجِهَا فَطَلَّقَتْ نَائِتًا بِهَا  
 رَوَى النَّسَائِيُّ فِي أَحْكَامِهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَتَرَتْ فَقَالَ  
 رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْحَبَابِ لَا حَرَّ وَلَا قُرْءَ نَيْتٍ يَبْغِيهَا كَفَّ الرَّجَاءُ عَنْ  
 وَجْهِهَا عَنِ الرَّهْمَانِ (ع) ثُمَّ أَخَذَ بِمَا تَرَضَتْ فِي بَدَنِهَا (ع) قَالَ بَارِكْ لَكَ فِي  
 إِتْرَسُولِ اللَّهِ بِهَا فِي نَهْجِهَا يَا فَاطِمَةُ إِنَّهُ الْبَدَنُ عَلِيٍّ (ع) فَطَلَّقَ الْبَدَنُ مِنْ لَهَا (ع) فَخَدَّهَا  
 عَنِ إِتْرَسُولِ اللَّهِ فِي نَائِتٍ يَبْغِيهَا فَطَلَّقَتْ بِهَا عَنِ بَدَنِهَا فِي بَابِ الصَّغِيرِ بَدَنَتْ



فِي خَانِهِ ارْتَحَى مَطْرًا فِي الْأَرْضِ سَاءَ مَطْرًا وَنَظَرَ إِلَى الْأَرْضِ سَاءَ مَطْرًا سَاءَ مَطْرًا  
رسول الله (ص) قال: مَنْ عَلِمَنَا قَدْ عَلِمَنَا أَحَدَنَا بِأَرْسُلِ اللَّهِ سَبَّكَ أَيْكَ زَيْرٌ لَوْ كَانَ خَلَا خَلَّ  
فَأَجَلَسَ نَاهِيَةً مِنْ حَاظِرَةٍ قَالَ يَا خَالَةَ ابْنِي يَا خَالَةَ نَفْسِي يَا خَالَةَ نَفْسِي يَا خَالَةَ  
سَبَّكَ مَطْرًا خَضَّ يَدَايَ فِي الْقَهَبِ حَبَّ يَدَايَ حَبَّ رَسْمَاءَ قَالَ رُبِّي مَا أَفْطَيْتَ نَضْرَ يَدَا  
يَدَيَّ كَيْدِيهَا قَالَ أَعْرَبِي فَأُخْبِرَتِ نَضْرَ بِدَيْبَيْتِ كَيْدِيهَا قَالَ اللَّهُمَّ وَجَدْتَنِي رَأَيْتَ  
لِلنَّفْسِ إِلَى اللَّهِ سَبَّكَ خَالَتِي رَأَيْتَ لِنَفْسِي إِلَى اللَّهِ سَبَّكَ لِي يَا رُبِّي سَبَّكَ لِي  
فِي سَبَّكَ قَالَ يَا خَالَةَ ابْنِ الْأَخِي ابْنِ الْأَخِي رَأَيْتَ لِنَفْسِي إِلَى اللَّهِ سَبَّكَ لِي يَا رُبِّي سَبَّكَ

### زندگی در خانه‌ی اجاره‌ای

حضرت امیر در آغاز زندگی منزل شخصی نداشت، لذا برای مدتی با حضرت فاطمه (س) در خانه‌ی اجاره‌ای (در خانه‌ی حارثه بن نعمان)<sup>۲</sup> زندگی کردند.

پیامبر (ص) به خاطر این که دخترش فاطمه (س) را خیلی دوست می‌داشت و از سوی دیگر، سن حضرت فاطمه (س) کم بود، دوست داشت که فاطمه (س) از خانه‌ی خودش زیاد دور نباشد. از این رو، به علی (ع) فرمود: خانه‌ی تهیه کنی تا فاطمه (س) در آن جا منتقل گردد. حضرت علی (ع) فرمود: ای رسول خدا! در

1. الامالی للطوسی ص 44.

2. حارثه بن نعمان از صحابی پیامبر اسلام و از انصار و قبیله‌ی خزرج بود. در همه‌ی غزوات پیامبر همراه او بود و در زمان خلافت معاویه درگذشت. خانه‌های او در مدینه در نزدیکی خانه‌های پیامبر بود. هنگامی که فاطمه زهرا (س) از علی (ع) و پیامبر (ص) درخواست خانه‌ای نزدیک به پیامبر کرد، پیامبر گفت: از حارثه حیا می‌کنی، او به خاطر ما خانه‌هایش را در اختیار ما گذاشت؛ اما هنگامی که حارثه فهمید که آن‌ها دنبال خانه‌اند، یکی از خانه‌هایش را به زوج جوان بخشید.

این نزدیکی‌ها به جز خانه‌ی حارثه بن نعمان دیگر خانه‌ای وجود ندارد. حضرت پیامبر(ص) فرمود: به خدا دیگر از حارثه خجالت می‌کشیم؛ همه‌ی خانه‌های وی را گرفتیم. این حرف به گوش حارثه رسید و خدمت پیامبر(ص) مشرف شد؛ عرض کرد: یا رسول‌الله! من و مالم از خدا و پیامبرش است. به خدا قسم چیزی محبوب‌تر از این برایم نیست که از من بگیری؛ آن‌چه را که از من می‌گیری بیشتر دوست دارم تا آن‌چه را که نمی‌گیری. پیامبر(ص) فرمود: صدقت، بارک الله علیک. به این ترتیب حضرت فاطمه(س) و علی(ع) به خانه‌ی حارثه منتقل شد.

نَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَرَّةً كَثْرَةً فَقَالَ يَا زَيْنَبُ مَا لِي بِمَنْزِلِ الْأَنْزَلِ عِنْدَ  
النَّهْدَانِ لَكِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ أَبِي الْعَاصِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ  
لَمَّا نَزَّ عَلَيْنَا فِي الْمَدِينَةِ كَانَتْ حَارِثَةُ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَنَقَالَ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا لِي بِمَنْزِلِ الْأَنْزَلِ عِنْدَ النَّهْدَانِ لَكِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ  
أَبِي الْعَاصِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ لَمَّا نَزَّ عَلَيْنَا فِي الْمَدِينَةِ

### شب عروسی حضرت فاطمه (س)

خانواده‌ی حضرت علی(ع)، عروسی را با شادمانی و شعرخوانی؛ با احترام و تکریم، سوار بر اسب شهباء در منزل ساده و اجاره‌ای‌اش آوردند. همه شادمان بودند که زندگی دو زوج «هم‌کفو» و معصوم سر و سامان گرفتند.

1. اعلام‌الوری باعلام‌الهدی ص 71.





### شادمانی و شعرخوانی حضرت فاطمه(س) در شب عروسی

حضرت فاطمه(س) در شب عروسی اش بسیار شادمان بود. حضرت در لحظه‌های آغازین زندگی زناشویی لب به ستایش شوهر نموده‌اش، علی(ع)، گشود و این شعر را که در گذشته با اندکی تفاوت در عروسی پدر و مادرش خوانده شده بود، برای علی(ع) سرود و فرمود:

أضحى الفخار لنا و عز شامخ / و لقد سمونا فى بنى عدنان  
 نلت العلى فينا و علوت فى كل الورى / و تقاصرت عن مجدك الثقلان  
 أعنى عليا خير من وطا الثرى / ذالمجد والافضال و الاعحسان  
 فله المكارم و المعالى والحبا / ماناحت الاطيار فى الاغصان<sup>1</sup>  
 «افتخار و عزت والا از آن ما شد و ما در میان فرزندان عدنان<sup>2</sup> سربلند  
 شدیم.»

تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه‌ی آفریده‌ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب ماند.  
 علی(ع) معصوم است و بهترین کسی است که گام بر خاک نهاده بزرگوار و دارای احسان و نیکی است.

1. بکری، احمد بن عبد الله، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فى مولد النبى المختار، 1 جلد، دار الشریف الرضى - قم، چاپ: اول، 1411 ق.

2. عدنان، جد اعلاى پیامبر بوده است. بیغمبر وقتی نسب خود را می شمرد، چون به عدنان می رسید، سخن را قطع می کرد و می فرمود: وقتی به عدنان رسیدید بالاتر نروید، حال چرا؟ و آیا این نقل درست است یا نه؟ روشن نیست. به گفته‌ی یعقوبی؛ عدنان نخستین کسی است که برای کعبه پوششی قرار داد. فرزندان عدنان از حجاز به سایر نقاط رفتند و سکونت ورزیدند، از جمله گروهی از آن‌ها به یمن رفتند؛ اما «معد» پسر عدنان که شریف‌ترین فرد اولاد اسماعیل بود، از منطقه‌ی حرم بیرون نرفت.



والایی‌های اخلاقی و بزرگی‌ها از آن اوست، تا آن‌گاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغولند».

شب عروسی هردو زوج جوان بی‌اندازه شادمان بودند. حضرت فاطمه(س) و حضرت امیر (ع) در آن شب خدا را خالصانه عبادت کردند و به نماز و دعا پرداختند. از آن‌جا که حضرت خدیجه(س) در دم جان‌دادن همراه با «اسماء بنت زید بن سکن» اظهار نگرانی کرده بود و گفته بود که من در شب عروسی حضرت فاطمه(س) نیستم، در حالی که هر دختری در شب زفاف خود نیاز به بانویی دارد تا به او کمک کند؛ محرم اسرار او باشد و نیازهای او را بر طرف سازد، اسماء به او قول داده بود که اگر زنده بماند، در آن شب برای حضرت فاطمه(س) مادری کند. به همین دلیل بود، زمانی که پیامبر(ص) به همه‌ی زنان دستور داد برگردند، فقط اسماء آن‌جا در تاریکی مانده بود. وقتی علت را پرسید، وی پاسخ داد: من این‌جا مانده‌ام تا قولی را که به حضرت خدیجه(س) داده بودم، عملی کنم. حضرت پیامبر(ص) در حق اسماء دعا کرد و از شنیدن نام حضرت خدیجه(س) بی‌اختیار به گریه افتاد.<sup>۱</sup>

### حضور پیامبر(ص) در خانه‌ی علی(ع) بعد از چهار روز

در این‌که حضرت پیامبر(ص) بعد از عروسی چه‌زمانی در خانه‌ی حضرت علی(ع) حضور یافت، چند قول وجود دارد: یکی از اقوال این است که حضرت همان شب عروسی در خانه‌ی علی(ع) رفت و در آب دعا خواند و بر عروس و داماد پاشید. قول دیگری که آن را حضرت علی(ع) روایت می‌کند، روز سوم و یا چهارم، پیامبر(ص) در خانه‌ی علی(ع) رفته است؛ علی(ع) می‌فرماید: پس

۱. کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۴.



از عروسی، تا سه روز پیامبر(ص) در منزل ما نیامد و در روز چهارم پیامبر(ص) وارد منزل ما شد، در حق ما دعا کرد و مراسم آب نوشی و آب پاشی را انجام داد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مراسم آب نوشی و آب پاشی و دعا

علی(ع) می‌فرماید: حضرت پیامبر(ص) از من خواست تا کوزه‌ای از آب بیاورم. من هم کوزه‌ی آب را به پیامبر(ص) دادم. پیامبر(ص) آیاتی از قرآن کریم را بر آن خواند، آن‌گاه فرمود: ای علی، این آب را بیاشام و اندکی هم باقی بگذار. من، آن‌گونه که پیامبر(ص) فرمود، انجام دادم. آن‌گاه پیامبر(ص) باقی مانده‌ی آب را بر سر و سینه‌ام پاشید و فرمود: ای ابالحسن! خداوند پلیدی و ناپاکی را از تو زدود و تو را پاک گردانید. حضرت فرمود: آب جدید بیاورید. آب دیگری آوردم و حضرت دوباره دعا خواند و همان کارهای قبل را تکرار کرد: آب را به دخترش داد و فرمود: دخترم! از این آب بیاشام و مقداری از آن را باقی بگذار، فاطمه(س) نیز چنان کرد. حضرت پیامبر(ص) آب باقی مانده را بر سر و سینه‌ی فاطمه(س) پاشید و فرمود: خداوند ناپاکی را از شما برده است و شما را پاک گردانیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَا لَمْ يَرَوْا فِيهَا مِنْ نَفْسٍ فَكَانَتْ قَدْ تَبَيَّنَ لَهَا أَنَّهَا صَخْرَةٌ فَالْتَمَسَتْ (ص) أَخْبَابَ الْوَيْلِ  
الرَّبِّ بْنِ طَلْحَةَ فَطَلَحُوا

### دعای پیامبر(ص) برای فاطمه(س) و علی(ع) بعد از عروسی

پیامبر(ص) در حق دو زوج جوانی که تازه تشکیل زندگی مشترک داده بودند، چنین دعا کرد: خدایا این دو جوان را همیشه باهم بدار؛ در دل‌های آن‌ها محبت و الفت قرار بده؛ در نسل آن‌ها برکت عنایت کن؛ نسل آن‌ها را رهبران دین و امام قرار بده که مردم را به اطاعت از او امرت - که تو به آن راضی و خوشنود گردی - رهنمون گردند.

قَالَ اللَّهُ لِحَمِّهِمْ مَا لَهُمْ أَلْفٌ يَتَّبِعُهُمْ وَالْجَبَلُ مَا حَرَّتْهُمُ مِنْ رِقَابِهِمْ وَالنَّهْرُ مَا رَزَقَهُمْ  
حَرْطًا طَعِيرًا وَمَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ إِلَّا جَبَلٌ فِي حَرْطِهِمْ أَلْفًا يَتَّبِعُهُمْ وَالْوَيْلُ يَأْمُرُ بِالْحَمْلِ  
بِأَمْرٍ يَأْمُرُ بِهِ

### پرسیدن از دختر در مورد همسرش

حضرت علی(ع) فرمود: وقتی پیامبر(ص) در منزل ما بعد از سه روز تشریف آورد و آبِ دعا کرده به من و همسر فاطمه(س) داد؛ از آن بر سر و سینه‌ی ما پاشید و در حق ما دعا کرد، آن‌گاه به من دستور داد تا از خانه خارج گردم. پیامبر(ص) تنها با دخترش در منزل ماند و از وی پرسید: دخترم چگونه‌ای و شوهرت چطور است؟ حضرت فاطمه(س) به پدرش عرض کرد: پدر جان! علی(ع) بهترین شوهر است؛ الا این که زنان قریش در منزل ما می‌آیند و

1. کشف الغمه ج 1 ص 355.

2. مناقب ج 3 ص 355.

می‌گویند پدرت رسول خدا(ص) شما را به عقد شخص فقیری درآورده است که هیچ چیزی در بساط ندارد. پیامبر(ص) به دخترش فرمود: دختر عزیزم! پدر و شوهرت فقیر نیستند؛ ذخیره‌های زمین از طلا و نقره بر ما عرضه شد و ما آن چه را که در نزد خدا بود، انتخاب کردیم. دختر عزیزم! اگر می‌دانستی آن چه را که پدرت می‌داند، آن وقت دنیا در چشم تو حقیر جلوه می‌کرد. دختر عزیزم! قسم به خدا همسر تو زودتر از همه اسلام آورد، بیشتر از همه علم دارد و حلیم‌ترین شخص است. دخترم! تو بهترین همسر را داری، از وی نافرمانی نکن. آن وقت پیامبر(ص) مرا صدا کرد و فرمود: علی جان وارد خانهات شو، با همسرت مهربان باش و با ملایمت با وی رفتار کن که فاطمه(س) پاره‌ی تن من است؛ هرکسی وی را اذیت و ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است و کسی که وی را خوش حال کند، مرا خوش حال کرده است. خدا حافظ هر دو ی شما و خداوند برای شما فرزندان خوب عنایت کند.

وَأَمَّا فِي الْبَيْتِ مِنَ الْبَيْتِ رَحِمًا يَا بَيْتَ اللَّهِ فَلْيَكُنْ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ زَوْجِكَ فَالْتِ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ خَلَّ عَلَيَّ نِسَاءً مِنْ قَرِينِ وَفَلَّيْ زَوْجِكَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مِنْ نَشْرِ لَمَّا  
 نَقَلَ مَا بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 فَالْتِ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 زَوْجِكَ لَكُنْ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 لَكُنْ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ  
 لَكُنْ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ بَابِئِنَّكَ لَيْتَ



## رابطه بین زن و شوهر

زن و شوهر گرمابخش رابطه‌ی خانوادگی است که عمیق‌ترین و پایدارترین روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد. یکی از نیازهای اساسی و مهم روابط خانوادگی، آرامش است که در پرتو محبت امکان‌پذیر می‌شود. تعالیم دینی نیز می‌تواند به خانواده کمک کند تا زندگی آرامی داشته باشد.

امروزه در بسیاری از کشورها آمار طلاق بسیار نگران‌کننده است و به صورت یک معضل اجتماعی درآمده است. چه باید کرد تا کانون گرم خانواده فرو نیفتد؟ در پاسخ باید گفت که زن و شوهر باید تلاش کنند محبت را از خانه بیرون نرانند و به نیازهای عاطفی و جنسی<sup>۱</sup> همدیگر پاسخ مثبت دهند تا ارتباطشان بهم نخورد.

### ستودن همسر نزد پدر (بهترین شوهر)

بعد از عروسی، حضرت پیامبر(ص) در منزل فاطمه(س) تشریف برد و از فاطمه(س) در باره‌ی همسرش پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ حضرت زهرا(س) پاسخ داد: پدرجان بهترین شوهر است.

قال رسول الله ﷺ: هل رأيت زوجاً؟ قالت: يا رسول الله! رأيت زوجاً.

<sup>1</sup>. نیاز جنسی یکی از نیازهای اساسی زن و شوهر است که باید به‌صورت درست برآورده شود. بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی به خاطر برآورده نشدن منطقی این نیاز طبیعی انسان ایجاد می‌شود. در شب معراج پیامبر عده‌ای از زنان را مشاهده کرد که با دو پستانش آویزان بود. پیامبر فرمود: کسی که با دو پستانش آویزان بود، از هم‌بستر شدن با شوهرش امتناع می‌کرد؛ وَ أُمَّ الْمُعَلَّقَةِ بِنَدْيِيهَا فَإِنَّهَا كَأَنَّ تَمْتَنِعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجِهَا.<sup>۱</sup>

<sup>2</sup>. عوالم العلوم ج 11 ص 424.



### تفاهم در زندگی مشترک

از امام علی(ع) روایت شده است که حضرت فرمود: وقتی زندگی خود را شروع کردیم حضرت پیامبر(ص) مرا صدا زد و فرمود: ای علی! عرض کردم: لبیک یا رسول الله. حضرت فرمود: وارد خانه‌ات شو و با همسرت مهربان و ملایم باش؛ زیرا فاطمه(س) پاره‌ی تن من است و هرکسی او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؛ آن که وی را خوش حال کند مرا خوش حال می‌کند. شما زن و شوهر را به خدا می‌سپارم. ... امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند در سراسر زندگی مشترک با فاطمه(س) تا آن گاه که خدای بزرگ او را قبض روح فرمود، هرگز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را مجبور نکردم؛ او نیز مرا هرگز خشمگین نساخت و نافرمانی مرا نکرد؛ هر وقت به او نگاه می‌کردم، رنج‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد».

مَرَّ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ الْكَلْبُ يَرِيحُ  
 رَأْسَهُ فَنَادَى يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ  
 يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ  
 يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ يَا أَبَا بَكْرٍ

### دفاع از شوهر

در زندگی، ممکن است زن و شوهر مشکلات و گرفتاری‌های زیادی ببینند. یکی از نشانه‌های خانواده‌ی موفق این است که در زمان مشکلات از همدیگر دفاع کنند. وقتی حق حضرت علی(ع) غصب شد، حضرت فاطمه(س) با تمام توان و با شیوه‌های گوناگون از همسرش دفاع کرد.

<sup>1</sup> . کشف الغمه ج 1 ص 363.



حضرت فاطمه(س) در جاهای مختلف از موضع بر حق شوهرش حمایت کرد. آن‌گاه که حضرت نگران سلامتی شوهرش شده بود، در مسجد ماند تا شوهرش را سالم ببیند؛ حضرت فاطمه(س) فرمود: وای بر آنان ای سلمان! آن‌ها می‌خواهند دو فرزند من، حسن و حسین، را یتیم و بی‌سرپرست نمایند، ای سلمان! سوگند به خدا از دروازه‌ی مسجد مدینه پا بیرون نمی‌گذارم تا آن که پسر عموی خود را با چشمان خودم رها شده و سالم مشاهده نمایم.

قالت: والله يا سلمان لا يخرجون ابني وحماتي الا اخطاهن اياي  
 المسجد حتى اراهما على ما ابلهين<sup>1</sup>

### تهدید به نفرین برای دفاع از شوهر

وقتی مخالفان حضرت علی(ع) وارد خانه شدند و حضرت را دست‌بسته به سمت مسجد برای گرفتن بیعت بردند، حضرت فاطمه(س) خیلی ناراحت شد و خطاب به ابوبکر فرمود:

آیا می‌خواهی شوهرم را از من بگیری؟ قسم به خدا اگر دست از سر شوهرم برنداری، موهایم را پریشان و گریبانم را چاک خواهم کرد و کنار قبر پدرم ناله سر خواهم داد! آن‌گاه دست حسنین(ع) را گرفت و به سمت قبر پیامبر(ص) حرکت کرد. حضرت علی(ع) به سلمان دستور داد تا دختر پیامبر(ص) را دریابد و وی را از این کار منصرف کند که اگر این کار را کند باعث تباهی شهر می‌شود. سلمان به فاطمه(س) عرض کرد: ای دختر رسول خدا، خداوند پدرت را رحمت قرار داده است، برگردید.

1. نهج الحیات ص 147.





ثُمَّ حَسَرَ لَهَا نَحْرًا مَرَّهَا بِأُذُنِهَا (ع) مَلِيًّا نَحَرَ بَيْتِهَا (ع) نَقَلَتْ بِأَلْيَا لَهَا فَرِيحًا نَزَلَتْ مِنْ  
 زَوْجِي رَأَيْتُ لَيْلًا لَمْ تَكُنْ تَنَامُ فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ رَأَيْتُ فَرِيحًا رَأَيْتُ بَيْتَ آلِ  
 رَبِّي فَتَحَكَّتْ بِدَلِيسَتِنِ رَأَيْتُ لَيْلًا (ع) رَأَيْتُ بَيْتَ رَبِّي فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ (ع) نَقَلَتْ لَهَا (ع)  
 لَيْسَتَانِ أُخْرَى لَهَا عَمَدٌ فَأَتَى رَجُلٌ بَنِيهَا فَجَاءَهَا رَأَيْتُ لَيْلًا فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ  
 كَيْفَهُ رَأَيْتُ فَرِيحًا رَأَيْتُ بَيْتَ آلِ رَبِّي فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ رَأَيْتُ لَيْلًا فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ  
 كَيْفَهُ رَأَيْتُ فَرِيحًا رَأَيْتُ بَيْتَ آلِ رَبِّي فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ رَأَيْتُ لَيْلًا فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ

سلمان نقل کرده است که حضرت فاطمه (س) فرمود: ای سلمان! آن‌ها می‌خواهند شوهرم علی (ع) را بکشند و من نمی‌توانم در شهادت علی (ع) صبر کنم، پس مرا به حال خودم بگذار تا کنار قبر پدرم بروم؛ موهایم را پریشان و گریبانم را چاک کنم و به درگاه خدا ناله سر دهم.

نَقَلَتْ بِأَلْيَا لَهَا فَرِيحًا نَزَلَتْ مِنْ زَوْجِي رَأَيْتُ لَيْلًا لَمْ تَكُنْ تَنَامُ فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ رَأَيْتُ فَرِيحًا رَأَيْتُ بَيْتَ آلِ رَبِّي فَتَسْرَتُ بِشَيْءٍ لَمْ أَشْفَعْ كَيْفَهُ

نمونه‌ی از فرمان برداری حضرت فاطمه (س) از شوهر

وقتی در خانه‌ی حضرت فاطمه (س) آتش زده شد، با وجودی که فاطمه (س) اذیت شد و جراحت برداشت، دست از علی (ع) بر نداشت. حضرت فاطمه (س) در دفاع از شوهر چند کار را انجام داد:  
 الف) محکوم و توبیخ کردن مهاجمان؛  
 ب) یادآوری فضائل اهل بیت (ع)؛  
 ج) تهدید به نفرین کردن.

1. تفسیر العیاشی ج 2 ص 67.

2. همان



در این هنگام، چون پیام امام علی(ع) را توسط سلمان شنید که به فاطمه(س) بگوید برگردد، حضرت فاطمه(س) فرمود: حال که شوهرم و امام من فرمان داده که به خانه بازگردم، می‌روم و صبر می‌کنم و سخن آن بزرگوار را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم.

فَقَالَ سَلْمَانَ يَا زَيْنَبُ إِنَّ يَخْتَفِئُ بِالْحَيْضَةِ عَلَيَّ بِسَمْعِ اللَّهِ بِأَنَّ لَكَ فِي ذَلِكَ يَوْمًا  
لَقَدْ صَبَرْتِ فِي ذَلِكَ يَوْمًا رَاضِيَةً بِمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِنَّ

حضرت زهرا(س) به اعتراف خود امیرالمؤمنین(ع) هیچ‌گاه از همسرش نافرمانی نکرد. هر خواسته‌ای که حضرت امیرالمؤمنین(ع) از فاطمه(س) می‌کرد، حضرت با کمال میل آن را انجام می‌داد. حضرت علی(ع) فرمود: حضرت زهرا(س) تا دم شهادت هیچ‌وقت از من نافرمانی نکرد.

سَوْرَةَ الْكَهْفِ لِيَوْمِ الْاَضْرَاجِ

### امرت مطاع یابن عم

روزی فقیری در خانه‌ی حضرت امیر را کوبید و درخواست کمک کرد. حضرت امیر(ع) از همسرش فاطمه(س) خواست تا به فقیر کمک کند. حضرت زهرا(س) در قالب شعری فرمان‌برداری خود را اعلام کرده و چنین جواب داد: ای پسر عمو! امرت در نزد من مورد اطاعت است و هیچ‌گونه سرزنش و سرپیچی وجود ندارد.

أَمْرُكَ عِنْدِي يَا ابْنَ عَمِّ طَاعَةٌ      مَا بِي لَوْمٌ لَّا وَلَا ضَرَاةٌ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> . تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۶۷

<sup>۲</sup> . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۶۳.

<sup>۳</sup> . شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۹۶ و تفسیر فرات کوفی ص ۵۲۲.



### فاطمه (س) همسر فرمان بردار

حضرت زهرا (س) در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی (ع) فرمود: ای پسر عموا! از زمانی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم، هرگز به مخالفت تو بر نخاستم.

قَالَ يَا أبا عبد الله! مَا كُنْتُ مَخْلُوقًا مَخْلُوقِي

### فاطمه (س) شفیع زن فرمان بردار از شوهر

این عباس نقل می کند که روزی حضرت پیامبر (ص) نشسته بود و در کنارش حضرت علی (ع)، فاطمه (س) و حسنین (ع) نشسته بودند. حضرت فرمود: خدایا تو می دانی که این ها اهل بیت من هستند. ... هر زنی که نمازهای پنج گانه ی شبانه روزی اش را بخواند، روزه ی ماه رمضان را بگیرد، حج خانه ی خدا را [در صورت استطاعت] به جا بیاورد، زکات مالش را بپردازد و از همسرش اطاعت کند و بعد از من پیرو علی (ع) باشد و او را دوست بدارد، به شفاعت دخترم فاطمه (س) وارد بهشت می شود.

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: إِذَا خَرَجَ بَنُو رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (ع) فَقَالَ  
اللَّهُمَّ! إِنَّ هَذِهِ نِسَاءُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَلِّمْنِي فِي تَعْرِفِ اللَّيَالِي مِنْ صَلَاتِ رِجَالِكُمْ  
فِي شَهْرِ رَجَبٍ بِبَيْتِ اللَّهِ (ص) لَعَلَّكُمْ تَزِيدُونَ مَالَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ زَكَاةً وَأَهْلِيكُمْ بِحَسَبِ  
دَعَايَةِ الْجَبْرِيتِ فَإِنَّهُنَّ فَاطِمَةُ

<sup>1</sup>. روضه الواعظین ج 1 ص 151.

<sup>2</sup>. الامالی للشیخ صدوق ص 486.



## ناراحت نکردن شوهر

حضرت فاطمه (س) هیچ‌گاه همسرش را ناراحت نکرد و از وی چیزی را که احتمال می‌داد در توانش نباشد، نخواست. حضرت علی (ع) خود فرمود: همسرم زهرا (س) هیچ‌گاه مرا ناراحت نکرد.

سِرِّ الْفَاطِمَةِ<sup>۱</sup>

## هماهنگی با شوهر

حضرت زهرا (س) در همه‌ی کارها با شوهرش خود را هماهنگ می‌کرد؛ حضرت خود را مطیع شوهر و شوهر را امام خود می‌دانست. پس از ماجرای تلخ سقیفه، سران قریش می‌خواستند از حضرت زهرا (س) دل‌جویی کنند. آن‌ها اجازه‌ی ملاقات می‌خواستند، اما حضرت فاطمه (س) موضع اعتراض و سکوت و بی‌زاری را ادامه می‌داد. روزی آن دو، دم در نشستند و خواستار ملاقات با حضرت زهرا (س) شدند. امام علی (ع) وارد منزل شد و فرمود: فاطمه جان! خلیفه و عمر در پشت در خانه، منتظر اجازه‌ی ورود می‌باشند، نظر شما چیست؟ حضرت زهرا (س) فرمود: علی جان! خانه‌ی توست و من همسر تو می‌باشم، هر آن‌چه می‌خواهی انجام ده.

نَجَلْتُ الْبَيْتَ رَحْمَةً لِي (ع) (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ مَا بَيْنَ الْبَيْتِ وَالْبَيْتِ بِرِجَالِنَا  
بِمَسَائِلِكُمْ مَا قَرَّبَنِي إِلَيْكَ (ع) (الْبَيْتُ بَيْتُ الرَّسُولِ زَوْجُكَ فَاذْهَبِي مَا أَقْبَسَا<sup>۲</sup>

یکی از مصادیق هماهنگی با شوهر این است که: وقتی زن می‌خواهد خارج از خانه برود باید با اجازه و هماهنگی شوهرش باشد.

<sup>۱</sup> . کشف الغمه ج 1 ص 363.

<sup>۲</sup> . سلیم بن قیس هلالی ج 2، ص 869.



حضرت فاطمه(س) می‌فرماید: از پدرم سؤال کردم که آن کسی که شما در معراج دیدی با پاهایش آویزان بود، چه کسی بود؟ پدرم فرمود: کسی که با پاهایش آویزان بود بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه بیرون می‌آمد.

رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَيْهَا فَإِنَّهَا لَكِنَّ عَسَىٰ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ إِخْتِ زَوْجِيهَا

### ابراز عشق و علاقه به شوهر

عشق و علاقه‌ی قلبی تنها کافی نیست بلکه باید آن را به زبان آورد و در عمل هم نشان داد تا باعث استحکام روابط خانوادگی گردد. فاطمه(س)، در مقام اظهار محبت و علاقه به امام علی(ع) فرمود: «روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء یا ابالحسن ان کُنتَ فی خَیْرٍ کُنتَ مَعَكَ و ان کُنتَ فی شَرٍّ کُنتَ مَعَكَ»<sup>1</sup> علی جان، روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو، همواره با تو خواهم بود اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.

### وفادار به شوهر

یکی از ویژگی‌های حضرت فاطمه(س) وفاداری آن حضرت به شوهرش بود. وی چون شوهرش را از صمیم قلب دوست می‌داشت و به درستی کار، اندیشه و رفتارش باور عمیق داشت، لذا اعلام وفاداری نموده و در هر شرایط خود را شریک در زندگی شوهرش می‌دانست. حضرت فاطمه(س) در این باره خطاب به حضرت علی(ع) فرمود: ای ابالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو

<sup>1</sup> نهج الحیاه ص 147.



در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهیم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهیم بود.

قَالَ: يَا أُمَّ السَّمَنِ إِنَّ لَكَ فِي عَمَلِكَ مِثْلَ رَأْسِ لَيْلَى فِي شَرِّ لَيْلَى<sup>۱</sup>

### اعلان وفاداری در وصیت‌نامه

حضرت فاطمه(س) وفاداری‌اش را در وصیت‌نامه‌اش اعلان کرد و خطاب به همسرش فرمود: ای علی! من فاطمه(س) دختر محمد(ص) هستم؛ خداوند (ج) مرا به ازدواج تو در آورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری ...

يَا عَلِيُّ إِنَّا نَأْتِيكَ فَمَنْ دَرَجَتِي لَأَسْأَلُكَ فِي الْخَيْرِ لَأَنْتَ لَرَبِّهِ مِنِّي  
أَهْلِي<sup>۲</sup>

### تقسیم کار در خانواده

تقسیم کار یکی از تجربیات موفق بشر است که دست‌آورد بسیار زیادی داشته است. تخصص، تعهد کاری، تلاش و تقسیم کار از جمله عوامل مهم پیشرفت در جهان محسوب می‌شود. تقسیم کار، هم باعث سرعت در انجام کارها می‌شود و هم این که کارها بدون مداخله و نگرانی انجام می‌شود. وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) تشکیل خانواده داد، اولین کاری را که انجام داد، تقسیم وظایف بین زن و شوهر بود.

حمیری<sup>۱</sup> در قرب الاسناد از امام محمد باقر(ع) روایت می‌کند: علی و فاطمه -علیهما السلام- از رسول خدا(ص) تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه

<sup>۱</sup> . نهج الحیاء ص 147.

<sup>۲</sup> . بحار الانوار، ج 43 ص 214.



و بیرون خانه را بین آن‌ها تقسیم نماید. پیامبر انجام کارهای داخل خانه را به عهده‌ی فاطمه(س) نهاد و امور خارج از منزل را به عهده‌ی علی(ع) گذاشت. امام باقر(ع) می‌فرماید: فاطمه -علیها السلام- می‌فرمود:

هیچ کس جز خداوند (ج) نمی‌داند که من چقدر خوش حال شدم از این‌که رسول خدا(ص) کارهای بیرون از خانه را به عهده‌ی من قرار نداد و مرا از مراده با مردان نجات داد.

هَذَا الَّذِي كُنْتُ عَلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الْخَيْبَةِ فَفَضَى  
 عَلَيَّ نَهْجًا بِحَيْثُ مَا حَرَبَ الْبَلْبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا خَلْفَ بْنَ فَاطِمَةَ مَا كُنْتُ مَعَادِلَ خَلْفِي مِنَ  
 الْمُرُورِ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَعَلَّى رَبَّ الرَّجُلِ

### کار طاقت‌فرسای فاطمه(س) در خانه

علی(ع) می‌فرماید: حضرت فاطمه(س) در خانه کار و تلاش سختی می‌کرد. یک روز به فاطمه(س) گفتم: کاش نزد پیامبر می‌رفتی و از آن حضرت تقاضا می‌کردی که خادمی برایت در نظر بگیرد تا در کارهای خانه به تو کمک نماید. هنگامی که فاطمه(س) برای بیان این تقاضا به حضور پیامبر رفت، دید که عده‌ای در اطراف پیامبر نشسته و با او مشغول گفت‌وگو هستند، خجالت

→

1. عبدالله بن جعفر حمیری، عالم و محدث شیعی سده‌ی سوم و چهارم هجری است. ایشان در دوران امامت امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) و همچنین در دوره‌ی غیبت صغری زندگی می‌کرد. کتاب معروف حمیری قرب الاسناد است، قرب الاسناد به آناری اطلاق می‌شود که در آن، محدث، احادیث را با کوتاه‌ترین طریق تا معصوم روایت کند. حمیری در تألیف این کتاب از متون کهن‌تر نیز بهره برده که از مهم‌ترین آن‌ها، کتاب المسائل علی‌بن جعفر غریزی است که حمیری بخش اعظم آن را در کتاب خود آورده است.

2. قرب الاسناد(ص) 52.



کشید برگشت. پیامبر(ص) از این عمل فاطمه(س) متوجه شد که برای حاجتی نزد او آمده است. رسول خدا(ص) فردای آن روز صبح زود، درحالی که ما هنوز در بستر بودیم به خانه‌ی ما آمد و از پشت در گفت: السلام علیکم. ما سکوت کردیم؛ زیرا به دلیل وضع‌مان، حیا داشتیم که با پیامبر روبه‌رو شویم، رسول خدا(ص) برای دومین بار گفت: السلام علیکم. ما باز هم سکوت کردیم. وقتی مرتبه‌ی سوم گفت: السلام علیکم، ترسیدیم که اگر جواب نگوییم، برگردد. پاسخ ایشان را دادم و گفتم: و علیک السلام یا رسول‌الله! وارد شوید. وقتی پیامبر وارد شد، خطاب به فاطمه(س) گفت: چه حاجتی داشتی که دیروز به نزد من آمدی؟ من پیش‌دستی کردم؛ زیرا فاطمه(س) از شرم سر خود را زیر لحاف کرده بود و گفتم:

فاطمه(س) به قدری آب آورده که اثر مشک آب بر سینه‌اش مانده است، به قدری آسیاب کرده که دستهایش آبله زده و پینه بسته، به قدری جارو کرده که گرد و خاک لباس‌هایش را غبار آلود نموده، به قدری در زیر دیگ آتش افروخته که لباس‌هایش سیاه و چرکین شده است؛ به دلیل این مشقتی که او متحمل می‌شود، من به او گفتم که نزد شما بیاید و خادمی مطالبه نماید تا در این‌گونه کارها یاور او باشد. پیامبر(ص) فرمود: آیا بهتر نیست چیزی به شما تعلیم نمایم که از خادم برای شما بهتر باشد؛ هرگاه خواستید بخوابید، سی و سه مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگویید.

فَقُلْ (وَمَا أَكْفُرُ بِاللَّهِ مِنْكُمْ وَلَا أَنَا فِي أَصْحَابِ الْمَكَاةِ) فَذَكَرَ لَهَا  
 مِنْ أَصْحَابِ الْبَيْتِ مَا أَسْفَفَتْ بِالْفِرْيَا عَنِ الثَّرَى فِي صَخْرٍ مَا رَمَتْ بِالرَّيِّ عَنِ عَيْتِ  
 بِحَاوِيٍّ كَسَيْتِ الْبَيْتَ عَنِ الْقَوَاتِ فَيُطَابِرُ رَحِمَتِ اللَّهِ حَتَّى الْفَجْرِ عَنِ حَاوِيٍّ فَطَابَتْهَا  
 مِنْ خَالِ صَخْرٍ دَحِيحًا فَطَابَتْ مَا لَمْ تَطِبْ لَيْلًا عَسَّالَهَا حَاوِيٍّ فَطَابَتْهَا مِنْ خَالِ





الْقَلِّ فَأَلَيْتَ النَّبِيَّ (ص) قَرَّبَتِ يَدَيَّ وَحَدَّثَتْنِي بِمَا نَدِمْتُتُ فَأَنْصَرَفْتُ قَالَ نَهَيْتُ النَّبِيَّ (ص) أَنْ يَأْتِيَكَ لَيْلًا قَالَ فَقَدْ أَهْبَأْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَرَدْتُ فِي لَيْلَتِنَا قَالَ الْمَسْكُ عَلَيْهِ غَسَّاهَا وَرَأَيْتُهَا لَيْلًا قَالَ الْمَسْكُ عَلَيْهِ غَسَّاهَا قَالَ الْمَسْكُ عَلَيْهِ غَسَّاهَا قَالَ لَمْ تَرَ حَمِيْرَانَ بِأَنْصَرَفْتُ رَفَعْتُ ذَلِكَ بِمَا سَأَلْتُهَا فَإِنَّ لِحْنُ لَبَّ الرَّائِضِيِّ فَفَلَّتْ رَهَابُكَ الْمَسْكُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اخْتَفَى فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِي فَخَرَّ عَوْسِيًّا قَالَ يَا أَبَتِ مَا لَكَ كَيْفَ أَنْتَ مِنْ هَذَا عَمْدًا قَالَ مَنْ تَسَبَّحْتُ لَنْ لَمْ يَخْرُجْ بَعْدِي قَالَ فَأَنْصَرَفْتُ رَأْسِي فَفَلَّتْ لِحْنُ لَبَّ الرَّائِضِيِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَسْتَ بِالسَّمْعِ وَالْفَرْيَا عَيْتُ أَثَرَتْ فِيهِ صَخْرَةٌ جَرَّتْ بِالرَّحْمَةِ عَيْتُ عَمِلَتْ بِحُلُمَا وَكَسَبَتْ الرِّبْتَ عَيْتُ لَهْرَتْ فِيهَا بَارُوقَتْ عَيْتُ الْفَحْشِ عَيْتُ حِدَاكَتْ فِيهَا فَفَلَّتْ مَا لَنْ أُنَيْتُ لِيَالِ عَسَّالِيْبِ أَجْمَلِ خَرَّ أَذِيْتُ عَيْنِ هَذَا الْقَلِّ قَالَ (لَا تُكَلِّمُهُمْ عَمْرٍ لَكُلِّمِ الرَّاحِ) إِذَا لَحْنْتُمْ مَا لَكُمْ عَسَّالِيْبِ أَجْمَلِ كَلَّيْتُ رَأْسِي حَذَرَ كَلَّيْتُ رَأْسِي كَلَّيْتُ قَالَ فَأَنْصَرَفْتُ (ع) رَأْسِي فَأَلَيْتُ رَضِيَتْ هُنَّ لِي رَسُولًا كَلَّيْتُ فَفَلَّتْ

### بافتن و وصله زدن لباس و کفش برای فرزندان

نوهی حضرت زهرا (س)، زید<sup>۲</sup> فرزند امام حسن (ع)، از عمویش امام حسین (ع) نقل می‌کند که حضرت فاطمه (س) عادتش بر این بود که علاوه

1. من لایحضره الفقیه ج 1 ص 320.

2. زید بن حسن بن علی، بزرگ‌ترین فرزند امام حسن مجتبی (ع) و متولی صدقات حضرت علی (ع) بود. وی در منازعات سیاسی، جانب احتیاط و تقیه را نگه می‌داشت. برخی گزارش‌ها از حضور او در واقعه‌ی کربلا و اسیر شدن او حکایت دارد. زید هیچ‌گاه ادعای امامت نداشت و کسی از شیعیان به امامت وی معتقد نیست. علمای رجالی اهل سنت زید را توثیق کرده و علمای رجالی شیعه وی را از اصحاب امام سجاد (ع) دانسته‌اند. شیخ مفید در مورد ویژگی‌های زید بن حسن می‌گوید: «او مردی والا قدر و بزرگوار و خوش نفس و پرخیر بود و شاعران او را ستایش بسیار کرده و مردمان از جاهای دور و نزدیک به خاطر بهره‌گیری از او به سویش رهسپار بودند»



بر آسیاب کردن حبوبات، خمیر کردن و پختن، کفش‌ها و لباس‌های اهالی خانواده‌اش را وصله می‌زد.

فَكَانَ مِنْهَا عَيْشٌ لَمْ يَكُنْ يَحْسَبُ أَنَّهَا بِهَا وَفِيهَا نَدْوَى الْمُؤْمِنِينَ وَنَدْوَى الْمُؤْمِنَاتِ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

### آسیاب کردن، خمیر کردن، نان پختن

وقتی که کار بین حضرت زهرا(س) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) تقسیم شد، تهیه‌ی هیزم، آب و جاروب کردن به عهده‌ی حضرت امیرالمؤمنین(ع) بود و آسیاب کردن، خمیر کردن و نان پختن به عهده‌ی حضرت زهرا(س) بود. البته در روایات دیگر جارو کردن خانه از وظایف حضرت فاطمه(س) شمرده شده است که کار داخل منزل و معمولا کار زنانه است.

فَكَانَ مِنْهَا عَيْشٌ لَمْ يَكُنْ يَحْسَبُ أَنَّهَا بِهَا وَفِيهَا نَدْوَى الْمُؤْمِنِينَ وَنَدْوَى الْمُؤْمِنَاتِ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَنَدْوَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

### دیگ کردن

پیامبر(ص) نزد دخترش فاطمه(س) آمد، درحالی که آن حضرت در زیر دیگی آتش روشن کرده بود و برای خانواده‌اش غذا می‌پخت. علی(ع) هم در گوشه‌ای از خانه خوابیده بود و حسنین -علیهما السلام- کنار او خواب بودند.

<sup>1</sup> . الکافی ج 8 ص 165.

<sup>2</sup> . همان، ج 5 ص 86.



پیامبر(ص) کنار دخترش نشست و با او مشغول صحبت شد، در همان حال حضرت زهرا(س) آتش را زیر دیگ آماده می‌کرد و خدمت‌کاری نداشت. در این هنگام، امام حسن(ع) از خواب بیدار شد و رو به پیامبر(ص) نمود و عرض کرد: «پدر جان، به من آب بده». حضرت او را در بر گرفت و سراغ شتر شیردهی که داشتند، رفت و با دست مبارک آن را دوشید. سپس ظرف را - درحالی که روی شیر، چربی گرفته بود- آورد تا به امام حسن(ع) بدهد. این بار، حسین(ع) بیدار شد و عرض کرد: «پدر جان، به من آب بده». حضرت فرمود: پسر، برادرت از تو بزرگ‌تر است و قبل از تو از من آب خواسته است. حسین(ع) عرض کرد: قبل از او به من آب بده! پیامبر(ص) همچنان او را آرام می‌کرد، با او به نرمی رفتار می‌کرد و از او می‌خواست که اجازه دهد برادرش پیش از او بنوشد؛ ولی امام حسین(ع) اجازه نمی‌داد. فاطمه(س) عرض کرد: پدر جان، گویا حسن(ع) نزد تو محبوب‌تر از حسین(ع) است؟! حضرت فرمود: او نزد من محبوب‌تر نیست، بلکه هردوی آنها نزد من یکسانند؛ ولی ابتدا حسن(ع) از من آب خواسته است. من و تو و این دو و این کسی که خوابیده است، در بهشت در یک منزل و در یک درجه خواهیم بود... .

### ایثارگری در برابر شوهر

بارها اتفاق می‌افتاد که حضرت زهرا(س) به غذا نیاز پیدا می‌کرد؛ اما خجالت می‌کشید از شوهرش چیزی بخواند. بارها حضرت فاطمه(س) غذایش را به شوهرش می‌داد و خود گرسنه سر می‌کرد، بدون این که حضرت امیر متوجه گردد.

روزی حضرت امیر(ع) از همسرش زهرا(س) غذا خواست. حضرت فاطمه(س) عرض کرد: قسم به کسی که حق تو را بزرگ کرد، در نزد ما سه روز است چیزی نیست و در این مدت شما را بر خود مقدم داشتیم. حضرت



فرمود: چرا در طی این چند روز مرا خبر نکردی تا برای تان چیزی می‌آوردم. حضرت زهرا(س) عرض کرد: رسول خدا مرا نهی کرده است که از شما چیزی طلب کنم؛ حضرت فرمود: از پسر عمویت چیزی طلب نکن، اگر چیزی خودش آورد خوب و الا از او چیزی نخواه.

فَقَالَ لِي جَهْرًا (ع) قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) ضَعِيفَتُ لِقَابِي (ع) هَذَا الْبَيْتَ الرَّقِيبَ لِلنَّبِيِّ  
 الْبَيْتَ رَضِعَنَ مَالِكِي (ع) مَا لَكَ عَذَابُ الْبَيْتِ فَقَالَ لَطِيبٌ رَأَى جِيءَ بِالطَّعْمِ فَقَالَ مَا تَرَى يَا فَاطِمَةُ  
 عَلَافَةَ ذَلِكَ دَمِي (ع) فَالْتَمَسْتُ الرَّحِيْمَ فَطَمَمْتُ مَالِكًا عَذَابًا مَدَّكَ الْاَسْمَاءُ (ع) اَلْاَسْمَاءُ بِرَأْفَتِهَا  
 اَتَتْ رِيْحًا فَالْتَمَسْتُ رَسُوْلَ اللهِ (ص) فَهَبَا لِي اَنْ اَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا اَسْأَلُكَ اَنْ تَهْتَبِ اَنْ  
 اَسْأَلَكَ شَيْئًا فَفَرَرْتُ اِلَّا اَسْأَلُكَ

### چیزی از همسر نخواستن

حضرت فاطمه(س) حتی چیزی را که احتمال می‌داد حضرت امیرالمؤمنین(ع) نتواند انجام دهد، از حضرت نمی‌خواست. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود: چند روزی بود که حضرت فاطمه(س) غذا نخورده بود و من آن را نمی‌دانستم، وقتی با خبر شدم خیلی ناراحت شدم و گفتم: فاطمه جان! چرا در طی این چند روز که گرسنه ماندی، مرا خبر نکردی تا برایتان چیزی می‌آوردم؟ حضرت زهرا(س) عرض کرد: رسول خدا(ص) مرا نهی کرده است که از شما چیزی طلب کنم؛ حضرت رسول(ص) فرمود: از پسر عمویت چیزی طلب نکن، اگر چیزی خودش آورد خوب و الا از او چیزی نخواه.

<sup>1</sup> . تفسیر عیاشی ج 1 ص 171 و بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 14، ص: 198.



...فَالْتَمَسَ الْمَرْءُ الْمَرْءَ فِي نَيْفِ أَنْ لَمَّا كُنَّا نَقُولُ لَأَسْأَلِي ابْنَ هَذَا ذَهَبًا لَنْ جَاءَ  
بِشَيْءٍ يَفْقُرُ إِلَّا لَأَسْأَلِي

### سازش زهرا(س) با مشکلات مالی علی (ع)

روشن است که زندگی فراز و نشیب دارد و گاه ممکن است در زندگی مشترک مشکلات اقتصادی و یا سایر مشکلات به وجود بیاید، در چنین شرایطی لازم است زن و شوهر با درایت و اندیشه زندگی خود را مدیریت کرده از مشکلات عبور کنند؛ در زمانی که مشکلات وجود دارد باید با مشکلات زندگی بسازند و تنها دوست و شریک ایام خوش زندگی نباشند. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: من با حضرت زهرا(س) ازدواج کردم درحالی که زیرانداز و فرش در خانه نداشتیم، در حالی که احسان و بخشش به نیازمندان به قدری زیاد بود که اگر به بنی هاشم تقسیم می شد همه ی آنان را غنی و بی-نیاز می کرد.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كُنْتُ نَزَّيْتُ فِي بَيْتِهَا لَمَّا كُنَّا نَقُولُ لَأَسْأَلِي ابْنَ هَذَا ذَهَبًا لَنْ جَاءَ بِشَيْءٍ يَفْقُرُ إِلَّا لَأَسْأَلِي

### فقر و گرسنگی

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که روزی پیامبر(ص) وارد خانه ی دخترش شد، مشاهده کرد که رخسار حضرت زهرا(س) زرد شده است، پرسید: دخترم چرا رنگ صورتت این قدر زرد است؟ فاطمه(س) پاسخ داد: ای پیامبر

<sup>1</sup> . تفسیر عیاشی ج 1 ص 171 و بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 14، ص: 198.

<sup>2</sup> . کشف المحجۀ لثمرۀ المهجۀ، ص: 183.



خدا، از گرسنگی به این حالت افتاده ام. آن وقت پیامبر(ص) دست به دعا برداشت و خون در چهره‌ی زهرا(س) پدیدار گشت.

قال جابر: حدثني رسول الله - صلى الله عليه وآله - وحذيت: ناخرت وجهي فاطمة - عليها السلام - لصفراء الكبد بين جبلين. فقال رسول الله - صلى الله عليه وآله -: مالي لرجل رجلك لصفراء؟ قالت: يا رسول الله - صلى الله عليه وآله -: اللثة. فاشبهتم للبريق حاتم الضيفاء. فاطمة بنت عمحة. قال جابر: نزلت في الخمر بنحو من نطصها على ما حرر جدها من ما جئت به خالك النبي.

### سزای آزار دادن شوهر

در زندگی مشترک تلاش شود زن و شوهر به همدیگر احترام بگذارند و همدیگر را اذیت نکنند و زندگی شیرین خانوادگی را غیر قابل تحمل نسازند. امیر المؤمنین (ع) روایت می‌کند که روزی من همراه همسر، حضرت فاطمه (س)، خدمت پیامبر(ص) رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر(ص) به شدت گریه می‌کند. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! چه باعث شده است که اینقدر گریه می‌کنی؟ حضرت پیامبر(ص) فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان امتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند، به این جهت گریه می‌کنم. آن‌گاه حضرت پیامبر(ص) توصیف کرد زنانی را که با موهایش آویزان بود و... حضرت فاطمه(س) از پدر بزرگوارش پرسید پدر جان گناه این زنان چه بوده است که این‌گونه مورد عذاب بوده است؟ پیامبر(ص) در

<sup>1</sup> . تفسیر کنز الدقائق ج 9 ص 275.



جواب دخترش فرمود: دخترم! اما آن کسی که با زبانش آویزان بود کسی بود که همسر خود را آزار می‌رساند.

لَمَّا رَأَى الْعَبْدُ الْمَوْلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ خَلَّتْ أُنْزَالُ الْمَلَائِكَةِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَرَجَّحْتُ فِي  
 يَدَيْهِ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فَخَالَ لِي بِرَأْيِي بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) الْخَيْرُ أَيْ كَمَا قَالَ الْإِسْلَامِيُّ فِي  
 الْمَسْأَلَةِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي مَحَارِبِ مُحَمَّدٍ فَذَكَرْتُ مَا ذَكَرْتُ فِيهَا رَأَيْتُ مِنْ مَحَارِبِ  
 مَحَارِبِينَ فَقَالَتْ نَاطِلَةُ (ع) عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ أَنْ يَكُنَّ فِي مَالِكِ هَلْ تَرَى رَيْدِينَ عَلَى رُضَمِ لَيْلٍ  
 هَلْ يَنْبَغِي مَعَهُ الْقَذَابُ فَقَالَ يَا بَيْتِي... وَالْمَلَأْتُ بِمِثْقَالِ مَا أَتَى لَكَ تَرْجِيهِ رَبِّكَ

### کمک به همسر

حضرت علی (ع) هر چند کارش با فاطمه (س) تقسیم بود؛ اما همیشه با وی کمک می‌کرد. علی (ع) خودش روایت می‌کند که روزی حضرت پیامبر (ص) بر ما وارد شد، در حالی که فاطمه (س) کنار دیگ نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم. حضرت این کارم را ستود.

لَمَّا رَأَى الْعَبْدُ الْمَوْلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ خَلَّتْ أُنْزَالُ الْمَلَائِكَةِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَرَجَّحْتُ فِي  
 يَدَيْهِ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فَخَالَ لِي بِرَأْيِي بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) الْخَيْرُ أَيْ كَمَا قَالَ الْإِسْلَامِيُّ فِي  
 الْمَسْأَلَةِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي مَحَارِبِ مُحَمَّدٍ فَذَكَرْتُ مَا ذَكَرْتُ فِيهَا رَأَيْتُ مِنْ مَحَارِبِ  
 مَحَارِبِينَ فَقَالَتْ نَاطِلَةُ (ع) عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ أَنْ يَكُنَّ فِي مَالِكِ هَلْ تَرَى رَيْدِينَ عَلَى رُضَمِ لَيْلٍ  
 هَلْ يَنْبَغِي مَعَهُ الْقَذَابُ فَقَالَ يَا بَيْتِي... وَالْمَلَأْتُ بِمِثْقَالِ مَا أَتَى لَكَ تَرْجِيهِ رَبِّكَ

### پاداش کمک به همسر

علی (ع) فرمود: فاطمه (س) کنار دیگ نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم حضرت پیامبر (ص) این کارم را ستود و فرمود: مردی که در خانه با همسرش کمک کند خداوند به آن مرد به اندازه‌ی هر مویی که بر بدنش است،

1. عیون اخبار الرضا ج 2 ص 11.

2. جامع الاخبار ص 103.

ثواب عبادتی یک‌ساله را می‌دهد که روزهایش را روزه و شب‌هایش را به نماز احیاء کرده باشد.

عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : مَا أَطَابَ الْمَسْجِدَ الْفَخْرُ وَلَا النَّفْسَ الْكَافِرَةَ إِلَّا بِالْإِسْمِ الَّذِي نَزَّلَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيْهِمْ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ وَمَا أَشْرَفَ الْكَلِمَ إِلَّا مَنْ رَبَّهِ مَعْنَى رَجُلٍ بِبَيْتٍ لَمْ يَلِدْ فِي بَيْتِهِ إِلَّا كَلِمَةً شَرًّا عَلَيْهِ بَعْدَهَا حَسْرَةً فَاصْبِرْ عَلَى ذَلِكَ مَا وَجَّهْتَ لَهَا

حضرت پیامبر (ص) به علی (ع) که با همسرش فاطمه (س) کمک می‌کرد، فرمود: مردی که در خانه با همسرش کمک کند خداوند به آن مرد پاداش صابران و داود پیامبر و یعقوب و عیسی -علیهم السلام- را می‌دهد.

مَنْ رَجُلٍ بِبَيْتٍ لَمْ يَلِدْ فِي بَيْتِهِ إِلَّا كَلِمَةً شَرًّا عَلَيْهِ بَعْدَهَا حَسْرَةً فَاصْبِرْ عَلَى ذَلِكَ مَا وَجَّهْتَ لَهَا

علی (ع) با همسرش کمک می‌کرد، پیامبر آن را مشاهده کرده فرمود: ... ای علی، کسی که در منزل در خدمت همسر و عیال خود باشد، خداوند (ج) اسم وی را در دیوان شهدا می‌نویسد و برای او در برابر هر روز کمکش ثواب هزار شهید را می‌نویسد.

مَا أَطَابَ الْمَسْجِدَ الْفَخْرُ وَلَا النَّفْسَ الْكَافِرَةَ إِلَّا بِالْإِسْمِ الَّذِي نَزَّلَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيْهِمْ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ وَمَا أَشْرَفَ الْكَلِمَ إِلَّا مَنْ رَبَّهِ مَعْنَى رَجُلٍ بِبَيْتٍ لَمْ يَلِدْ فِي بَيْتِهِ إِلَّا كَلِمَةً شَرًّا عَلَيْهِ بَعْدَهَا حَسْرَةً فَاصْبِرْ عَلَى ذَلِكَ مَا وَجَّهْتَ لَهَا

1. جامع الاخبار ص 103.

2. همان.

3. جامع الاخبار ص 103.



ای علی (ع) کسی که در خدمت عیالش در منزل باشد خداوند برای او در برابر هر قدمی که برای کمک به همسرش بر می دارد، پاداش حج و عمره می نویسد.

بِأَعْلَىٰ مَنْ لَكَ فِي خَدَمَةِ الْهَيْلِ فِي الْبَيْتِ... لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ

پیامبر (ص) وقتی دید علی (ع) با همسرش کمک می کند فرمود: ای علی (ع)، کسی که با همسرش در خانه کمک کند خداوند در عوض هر قطره عرقی که از بدنش می ریزد، شهری را در بهشت برایش تضمین می کند.

بِأَعْلَىٰ مَنْ لَكَ فِي خَدَمَةِ الْهَيْلِ فِي الْبَيْتِ... لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ

ای علی (ع)، یک ساعت کمک و خدمت با همسر بهتر از هزار سال عبادت، هزار حج، هزار عمره، بهتر از آزادی هزار بنده، هزار غزوه و جهاد همراه با پیامبر (ص)، هزار عیادت بیمار، هزار جمعه (عبادت در روز جمعه) هزار شرکت در تشییع جنازه، هزار گرسنه را سیر کردن، هزار برهنه را پوشاندن و هزار اسب را تاختن در راه، و بهتر از هزار دینار صدقه دادن به فقرا است.

بِأَعْلَىٰ مَنْ لَكَ فِي خَدَمَةِ الْهَيْلِ... لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ  
لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ... لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ  
لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ... لَكَ أَجْرٌ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ فِي سَاعَةِ الْبَيْتِ

1. همان.

2. همان.

3. جامع الاخبار ص 103.



ای علی (ع)، یک ساعت کمک و خدمت با همسر بهتر از تلاوت کردن تورات، انجیل، زبور و قرآن است.

بِأَعْلَىٰ مَسْأَلَةٍ فِي خِدْمَةِ الْهَيْلِ... عَمَّ لَيْسَ أَنْ يَهْرَ الْأَثَرُ لَوَّاحٍ إِلَّا خَيْلٌ وَالزُّبُرُ وَالْقُرْآنُ<sup>۱</sup>

خدمت به همسر بهتر از آزادی هزار اسیر و دادن هزار قربانی به فقراست و چنین شخصی از دنیا خارج نمی‌شود مگر این که جای خود را در بهشت می‌بیند.

بِأَعْلَىٰ مَسْأَلَةٍ فِي خِدْمَةِ الْهَيْلِ... عَمَّ لَيْسَ أَنْ يَهْرَ الْأَثَرُ لَوَّاحٍ إِلَّا خَيْلٌ وَالزُّبُرُ وَالْقُرْآنُ بِخَيْرٍ مِنَ الْفِ بَخْدًا بِهَلْطِي  
الْمَسْأَلَةِ وَالْخَيْرُ مِنَ الْخَيْرَاتِ بِرَحْمَةِ الْمَلِكِ<sup>۲</sup>

ای علی (ع)، کسی که از خدمت به همسر سر باز نزند بدون حساب وارد بهشت می‌شود.

بِأَعْلَىٰ مَسْأَلَةٍ مِنَ خِدْمَةِ الْهَيْلِ حَتَّىٰ يَلْبَسَ سَبَابُ<sup>۳</sup>

ای علی (ع) خدمت به خانواده و همسر باعث کفاره از گناهان بزرگ و فرونشاندن خشم پروردگار و مهریه‌های حورالعین و افزایش حسنات و درجات می‌گردد.

بِأَعْلَىٰ مَسْأَلَةٍ فِي خِدْمَةِ الْهَيْلِ... عَمَّ لَيْسَ أَنْ يَهْرَ الْأَثَرُ لَوَّاحٍ إِلَّا خَيْلٌ وَالزُّبُرُ وَالْقُرْآنُ بِخَيْرٍ مِنَ الْفِ بَخْدًا بِهَلْطِي  
الْحَرْبَاتِ<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

ای علی(ع) به خانواده و عیال، کسانی کمک و همکاری می‌کنند که یا صدیقند، یا شهید و یا مردانی که خداوند برای آن‌ها بهترین‌ها را در دنیا و آخرت در نظر گرفته اند.

بِأَهْلِ الْبَيْتِ الْإِحْسَانِ وَالصَّبْرِ وَالْمَعْرِفَةِ وَالْحَقِّ وَالْحَقِّ وَالْحَقِّ وَالْحَقِّ

### اعتراض و استغفار حضرت فاطمه (س)

حضرت فاطمه(س) و علی(ع) در طول سال‌های زندگی مشترک‌شان، عاشقانه و هم‌دلانه کنار هم زندگی کردند؛ البته از دو معصوم انتظاری جز این نمی‌رود. آن دو بزرگوار هیچ‌گاه همدیگر را ناراحت نکردند و عاشقانه زندگی مشترک خود را با تحمل همه سختی‌های روزگار به پیش بردند.

در این مدت، حضرت فاطمه(س) فقط یک‌بار در مقابل شوهر لب به اعتراض گشود که بعد از توجه بلافاصله استغفار کرد؛ داستان از این قرار بوده است که حضرت علی(ع) باغی داشت و آن را به مبلغ دوازده هزار درهم فروخت و تمام آن مبلغ را در راه خدا انفاق کرد. وقتی به خانه برگشت حضرت زهرا(س) پرسید: ای ابالحسن! پول باغ را کجا کردی؟ من و فرزندانم گرسنه-ایم و شما هم به احتمال زیاد مثل ما گرسنه‌ای. حضرت امیر فرمود: قیمت باغ را در راه خدا انفاق کردم و به کسانی دادم که خجالت کشیدم روزی درمانده شود و از دیگران کمک بخواهد. ... سرانجام حضرت زهرا(س) از این‌که در مقابل حضرت امیر اعتراض کرده بود، ناراحت شد و فرمود: من از خدا آمرزش می‌طلبم و دیگر مرتکب این رفتار نخواهم شد!

<sup>1</sup> . همان.

فَلَمَّا بَلَغَ عَشْرَ الْفَجْرِ مَنَعَتْ لِي (ع) وَالْحَرَامَةَ حَبْرًا يَتِيحُ حَيْثُ لَمْ يَمُرْ إِلَيْهَا  
 لِحَدِيثِ مَنْعِهَا فَطَارَ بِهَا بِطَلْعِ الْبُرْجَانِ لَمْ يَتَّخِذْ مَدْرَسَةً مَرَّحًا تَمَّالَةً  
 الرَّبِّ فَالْتَمَسْتُهَا (ع) بِالْوَيْتِ الْمَطْلُوعِ فِي الْمَدِينَةِ فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ  
 لَمْ يَكُنْ فِيهَا فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ  
 فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ  
 فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا فَالْتَمَسْتُهَا فِي الْمَدِينَةِ

### اعتراف همیشگی به فضائل همسرش علی

حضرت زهرا(س) و علی(ع) افتخارات همدیگر را بر می‌شمردند که پیامبر(ص) بر آن‌ها وارد شدند. فاطمه(س) فرمود: پدر جان سوگند به خدایی که تو را به رسالت برگزید و برای هدایت انسان‌ها انتخاب کرد تا زنده‌ام همواره به ارزش‌های امام علی(ع) اعتراف خواهم داشت.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ الرَّضِيَ اللَّهُ عَنْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مَا لَمْ يَكُنْ فِي الْمَدِينَةِ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ فِي الْمَدِينَةِ

### نگران شوهر بودن حتی در دم مرگ

از امام جعفر صادق(ع) روایت شده است در آن زمانی که حضرت فاطمه(س) داشت نفس‌های آخر خود را می‌کشید، گریه می‌کرد. حضرت امیر(ع) پرسید: سرورم چه باعث شده است که گریه می‌کنی؟ حضرت فاطمه(س) پاسخ داد به خاطر آن چه که بعد از من با آن مواجه خواهی شد، گریه می‌کنم.

1. الامالی للصدوق ص 470.

2. مناقب، ج 3 ص 331.



حضرت امیر (ع) تلاش کرد نگرانی همسرش را برطرف کند و فرمود: تو گریه نکن قسم به خدا آن مشکلات کوچک است.

فَنَبِّئْنِي بِمَنْ مَعَكَ مِنْ آلِهِمْ (ع) قَالَ يَا حَسْرَتُ مَا أَزِلُّ أَلْقِيكَ قَالَ مَا لِي وَالرَّيْثَانِ يَا سَهْبَةَ  
مَا لِي يَا سَهْبَةَ قَالَ مَا لِي وَالرَّيْثَانِ قَالَ لَأَصْبِرَنَّ فِي خَلَّتْ لَهَا

### تک همسری

زن، به خصوص در جامعه و محیط امروزی به گونه‌ای تربیت شده است که زن دوم را به هیچ وجه تحمل نمی‌تواند؛ انتخاب همسر دوم به این معنا است که همسر اول نقصی داشته است و معنای التزامی‌اش این می‌شود که شوهر از همسر اول خود راضی نبوده که اقدام به ازدواج مجدد نموده است. زن اول نیز چنین احساسی برایش پیش می‌آید که وی کاستی‌های داشته و مورد علاقه‌ی شوهر نبوده که شوهرش زن دوم انتخاب کرده است. در نتیجه، زندگی مشترک دچار مشکل می‌گردد و تنش‌ها در درون خانواده فزونی می‌یابد.

تجربه نشان داده است که انتخاب همسر دوم، زندگی آرام خانوادگی را به مشکل مواجه می‌کند. بنابراین، زن باید تلاش کند قلب همسر خود را همیشه در اختیار داشته باشد و با محبت و علاقه، نیازهای وی به خصوص نیازهای جنسی‌اش را برآورده کند و با این کارها زمینه‌ی ازدواج مجدد را از بین ببرد.

تازمانی که حضرت فاطمه (س) در قید حیات بود، حضرت علی (ع) همسر دیگری انتخاب نکرد<sup>1</sup>؛ همان گونه که حضرت پیامبر (ص) تا زمانی که حضرت

1. بحارالانوار، ج 43 ص 218.

2. اینکه در برخی منابع آمده است که در زمان حیات حضرت فاطمه (س)، علی (ع) از دختر ابوجهل خواستگاری کرد، دروغ محض است و شاید منافقی این دروغ را ساخته باشد؛ در برخی منابع آمده است شخصی برای این‌که



خدیجه(س) در قید حیات بود، زن دیگری انتخاب نکرد. این یک واقعیت است که زن دوم گرفتن باعث اختلاف و سلب آرامش در درون خانواده می‌گردد. بنابراین، شوهری که زن خود را «هم‌کفو» خودش احساس کند و عاشقش باشد، هیچ‌وقت زن دوم انتخاب نمی‌کند. سخن از زن دوم اغلب وقتی به میان می‌آید که تفاهم و محبت در زندگی وجود نداشته باشد و یا کدام مشکل دیگری در زندگی مشترک موجود باشد. از امام صادق(ع) روایت شده است که حضرت فرمود: تا زمانی که حضرت فاطمه(س) زنده بود، خداوند متعال زنان دیگر را برای علی(ع) حرام کرده بود. معنای این حدیث این است که: از بس تفاهم و محبت در میان زوجین وجود داشت، هیچ‌وقت نیاز به همسر دیگر نبود و حرف آن هم در میان نیامد. وقتی دلیل این سخن پرسیده شد، حضرت امام صادق(ع) فرمود: چون حضرت فاطمه(س) همیشه پاک بود.

فَإِنَّ لِي فِيهَا نِكَاحًا (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (ع) مَا دَرَيْتُ مَا أَتَى بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ع) كَيْفَ؟ قَالَ لَمَّا لَوَّحْتَ بِالْمَرْءِ وَالْمَرْءِ

### توجه به همسر

رابطه بین زن و شوهر از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه‌ها است. تداوم این رابطه نیازمند عوامل گوناگونی است که به کمک آن‌ها، زندگی انسان حالت آرامش‌دهنده به خود می‌گیرد و کانون خانواده همیشه گرم می‌شود. یکی

→

فاطمه(س) را ناراحت کند، این خبر را جعل کرد. (تفصیل بیشتر مراجعه کنید به زندگی زهرا، ص 654)

1. بشاره المصطفی لشبیه المرتضی، ج 2 ص 248.



از اموری که در زندگی مشترک خیلی مهم است و زندگی را لذت بخش می کند، توجه متقابل زن و شوهر به همدیگر است.

### خرید هدیه برای همسر

شایسته است انسان در مناسبت های چون عید، سالگرد ازدواج، روز مادر و... با خریدن هدیه - هرچند تقدیم یک شاخه گل - به همسر ابراز محبت نماید. از اسماء بنت عمیس روایت شده است که فرمود: من نزد حضرت فاطمه (س) بودم، رسول خدا (ص) وارد خانه ی آن بانو گردید و در گردن او گردن بندی از طلا دید که حضرت علی - علیه السلام - از سهم خمس خویش برای فاطمه (س) خریده بود، پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه (س) دختر محمد (ص) است؛ ولی لباس ستم گران و زیور زور گویان را مورد استفاده قرار می دهد؟ فاطمه (س) آن گردن بند را باز کرد و فروخت، با پول آن برده ای را خرید و آزاد نمود؛ رسول خدا (ص) از این کردار فاطمه (س) خوش حال گردید.

عن الرضا عن ابي الحسن عليه بن الحسين (ع) قال سئل عن امرأة بنت هبش قالت لاكت هبة فاطمة (ع) اخذت من هبتها رسول الله (ص) وفي هبتها لا يخرجون خبز كل شهر لها مالي بن علي طالب (ع) ومن هبة قال ما رسول الله (ص) يا فاطمة لا يفرق الناس ان فاطمة بنت محمد (ص) ياتن اليك ففطمتها وانك تاتيها وتشتري بها ففطمتها ففطمت رسول الله (ص)!



## عشق علی(ع) به زهرا(س)

زندگی مشترک علی(ع) و فاطمه(س) سرشار از عشق به همدیگر است که با مطالعه‌ای در زندگی آن‌ها می‌توان آن را دید. وقتی حضرت فاطمه(س) از دنیا رفت، علی(ع) در فراق همسرش خیلی گریست؛ این گریه، گریه‌ی اندوه و عشق به همسر بود که از محبت عمیق علی(ع) به فاطمه(س) حکایت داشت. علی(ع) بعد از شهادت همسرش زمانی که خواست وی را در میان قبر بگذارد، در تاریکی شب متوجه قبر رسول خدا(ص) شد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا از من و از جانب دختر عزیزت که هم اکنون به خدمت می‌رسد و اینک در جوارت مدفون شد و زودتر از همه به تو پیوست. یا رسول‌الله، صبر من تمام شد؛ اما چاره‌ای ندارم، باید چنان‌که در مصیبت تو صبر کردم، در فراق زهرا(س) نیز شکیبایی نمایم. یا رسول‌الله، تو در دامن من قبض روح شدی و من دیدگانت را بستم؛ من بودم که بدن شریف‌ت را در قبر نهادم. آری صبر می‌کنم و کلمه‌ی «استرجاع» را می‌خوانم. یا رسول‌الله، آن ودیعه‌ی را که به من سپرده بودی، هم‌اکنون به سویت بازگشت. زهرا(س) از دست من ربوده شد، زمین و آسمان از نور و زیبایی افتاد. یا رسول‌الله، اندوه مرا پایانی نیست و خواب به دیدگانت راه ندارد، غم و غصه‌های من تمام نمی‌شود مگر این‌که بمیرم و به نزد تو بیایم؛ همانا غم و اندوهی است که از جراحت‌های قلب جاری می‌شود؛ غصه‌ای است که تهییج و تحریک شده است. انجمن با صفای ما چه زود از هم پاشید. من درد دلم را با خدا می‌گویم. یا رسول‌الله دخترت اخبار غصب حق من و فدک را خواهد گفت.

پارسی رسول الله صبر المساکین، انك زكريا الباقية في الشرح بينك والحق له ما  
 سرية اللغاتك فل پارسل ان من صفتك صبر و صفاتك مسخرة في القلوب  
 تجاخي الان لي في الناس يستل في ذلك مريض نفس نعت رمتك في مخرج





فَمَنْ رَضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ فَرْجَيْهِ صَحَّحْتَهُ فِي كَلْبِ اللَّهِ فِي أَهْلِ الشَّرِّ - إِنَّ اللَّهَ رَأَى  
 الْبَيْتَ لِحَقِّهِ فَدَامَتْ حَبِيبَاتُ الرَّجَاءِ رَحِمَتِ الرَّحِيمِ أَلْخَمَتِ الزُّهْرَةَ مَا أَقْبَحَ الْخَضِرُ  
 وَالْقَهْرُ بِأَرْسُلِ رَسُولِ اللَّهِ سَخِرَ فِي نَفْسِهِ حَذْرًا لِلْبَيْتِ فَهَمَّ حَذْرٌ وَمَلَ كَيْدٌ مِنْ فُلَيْحٍ أَوْ يَحْتَلُّ  
 اللَّهُ فِي حَارِ الْبَيْتِ نَفْسٌ عِيَانِيَةً كَمَا مَشَى مِنْهُ مَسِيرٌ مَسْرُوكٌ مَا قَرَّتْ بِبَيْتِ اللَّهِ الْخَيْرُ  
 وَمَسْتَبِيكُ أَيْتَابِهَا لَمْ يَلْهُهُ وَضِعَانُهَا فَفِي الْمَسْرُوكِ رَمَتْ خِرَافَتُهَا لَمْ تَكُنْ قَلِيلَ مَقَالِ  
 يَصْحَرُ مَا لَمْ تَحْدِثْ فِيهِ مَسِيرًا وَمَسْفُورٌ رِيحُهُ لَمْ يَسْرِ عَرَّ الْهَيْكَلِ مَسَاءً مَرَّحِمٌ لَقَالُوكَ  
 مَسِيرًا فَظَنَّ الْخَضِرُ نِيَّةً لَمْ يَأْرَأَنَّ أَنْ يَكُونَ مَسِيرًا بِهَارِجٍ لَمْ يَصْطَلِحْ مِنْ رَجْوِهَا وَالْخَضِرُ لَيْتَ  
 وَأَجْمَلُ لَوْ كَانُوا الْمَسْرُوكِ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ لَيْتَ  
 الرَّيْطِ عَيْنِ الْمَسْرُوكِ كَمَا مَسْرُوكٌ فَهَاتِ تَعْمُرُ لَمْ يَهْدِ الْهَدَى لَمْ يَهْدِ  
 عَلَيْكَ الْخَضِرُ وَاللَّهُ بِأَرْسُلِ رَسُولِ اللَّهِ شَاكِرٌ وَعَلَيْكَ بِأَرْسُلِ رَسُولِ اللَّهِ حَسْبُ الْقَوْلِ حَسْبُ الْقَوْلِ  
 عَلَيْكَ عَلَيْهِ الْمَسْرُوكُ وَالرَّضْرُوكُ<sup>1</sup>

### شعر علی (ع) گواه روشن بر عشق به زهرا (س)

اشعار حضرت امیر بعد از شهادت همسرش دلالت بر عشق و محبت زیاد  
 علی (ع) به فاطمه (س) دارد. حضرت در سوگ همسرش چنین سرود: جان من  
 با ناله‌های خود حبس شده، ای کاش جان من با ناله‌هایم خارج می‌شد. بعد از  
 تو خیری در زندگانی نخواهد بود، جز این نیست که از خوف طولانی شدن  
 زندگی می‌گیریم.

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ / يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفْرَاتِ  
 لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا / أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي<sup>2</sup>

1. اصول کافی ج 1 ص 459

2. دیوان امیرالمؤمنین، ص 123



### رضایت کامل علی(ع) از زهرا(س)

در آموزه‌های دینی فراوان سفارش شده است که زن تلاش کند رضایت همسرش را به دست آورد. وقتی حضرت زهرا(س) از دنیا رفت، حضرت امیرالمؤمنین در برابر پیکر فاطمه(س) ایستاد و فرمود: بار خدایا، من از دختر پیامبرت راضی هستم. بار الها! فاطمه(س) نگران و مضطرب بود؛ تو او را آرامش بخش. خداوندا! زهرا(س) از دوستان و فرزندان مفارقت کرد؛ تو او را وصل کن. پروردگارا! به فاطمه(س) ظلم کردند؛ تو خود حاکم باش که بهترین داوری.

وَأَمَّا مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ نِعْمَةٍ فَارْضَ بِهَا إِنَّ اللَّهَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ  
 رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَارْحَمْ أُمَّتِي وَصَلِّ عَلَى الْبَشَرِ الْأَكْمَلِ إِنَّكَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

### اوج رضایت علی(ع) از فاطمه(س)

علی(ع) به فاطمه(س) فرمود: پناه به خدا، تو نسبت به امور و احکام الهی داناتری؛ نیکوکاری، تقوا، بزرگواری و خشیت از خدا بیشتر است. این را بدان که جدایی و مفارقت تو فوق العاده برای من سنگین است؛ ولی این کار چاره ناپذیر است. قسم به خدا مصیبت پیامبر خدا(ص) بر من تازه شد. از دست دادن تو برایم خیلی سنگین است. ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم... آن وقت هردو باهم گریستند. حضرت علی(ع) سر فاطمه(س) را در بغل گرفت و به سینه‌ی خود چسپاند و فرمود: هرچه دوست داری وصیت کن، حتما به

<sup>1</sup> . الخصال ج 2 ص 588.





در سطح بسیار اندک پیش آید؛ از جمله یک روز که حضرت علی(ع) با فاطمه(س) فضیلت‌های خود را بر می‌شمردند، این امر باعث شد بحث هردوی‌شان داغ و طولانی گردد. جبرئیل(ع) بر پیامبر(ص) نازل شد و گفت: بگومگوی آنان در محبت تو به درازا کشید، خود میان ایشان داوری کن. پیامبر(ص) چنین داوری کرد: فاطمه جان، تو نزد من شیرینی و محبت فرزندبودن را داری و علی(ع) عزت مردان را دارد و نزد من از تو محبوب‌تر است. فاطمه(س) عرض کرد: سوگند به خدا تا زنده هستم بر این امتیاز علی(ع) همیشه اعتراف دارم.

فَإِنَّ بَيْنَ نَبِيِّ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ فَاطِمَةَ بِغَضَائِيهَا فَانْفَرَّ بِهَا جِبْرِئِيلُ لِلَّهِ أَنْهَا تَدْرَأُ الْإِلَهَ الْخَصَمَ  
فِي عِبَادَاتِكُمْ فَجَاءَهَا فَحَسَلَتْ فَصَلَّاهَا فَقَالَتْ هَذَا قَوْلُ اللَّهِ فَاطِمَةُ قَالَتْ كَرِهْتُ الْوَالِدَ وَالْ  
فِرَّاقَ الْبَالِغِ وَهَرَّابَتِي إِلَيْكَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ الْخَبِيرُ لَصَفَاكَ رَبِّ الْجِبَالِ وَحَالَكَ رَحْمَتِكَ  
لَا كَرِهْتُ فِرَّاقَكَ أَبَتِ

بعد از مفاخره، حضرت پیامبر(ص) فرمود: فاطمه جان! برخیز و سر پسر عمویت را بیوس ... فاطمه‌ی زهرا(س) برخاست و جلوی پیامبر(ص) سر امام علی بن ابی‌طالب(ع) را بوسید و گفت: ای ابالحسن، تو را به حق پیامبر(ص) سوگند می‌دهم این عذر مرا به درگاه خدا و پیامبر(ص) و خودت بپذیر. امام او را بخشید و او (فاطمه) دست پیامبر(ص) را بوسید.

1. مناقب آل ابی‌طالب، ج 3 ص 331.



قال النبي (ص) فاطمة ابنة محمد خير من علي بن ابي طالب... فقلت فاطمة اني اريد ان اقول لابي  
 بن ابي طالب (ع) بيت بحسب النبي (ص) فقلت يا ابا عبد الله عرفت رسول الله (ص) ما كثر  
 اليك ما كثر وجدك واليك قال ابن هب قال فاطمة الاميرة (ع) فقلت بعد ايتها

### رفتار حضرت زهرا(س) با امیرالمؤمنین(ع)

یکی از تجربیات بشر این است که «پشت هر مرد موفق‌ی یک زن موفق وجود دارد»؛ یا حد اقل در موفقیت مردان، زنان هم نقش دارند. معصومین(ع) دو جنبه دارند: یکی جنبه‌ی الهی و دیگری جنبه‌ی بشری. از بعد بشری، معصومین(ع) برای مردم به عنوان الگو مطرح شده‌اند. قرآن کریم، پیامبر(ص) را به عنوان الگو مطرح کرده است.

از آن جاکه در میان معصومان فقط یک زن وجود دارد، شایسته است نگاه زن به شوهر از دید حضرت فاطمه(س) نگریسته شود و زنان بیابند بی‌بی دو سرا، حضرت زهرا(س)، را به عنوان الگویی رفتاری خود برگزینند.

### صداقت

بدون شک صداقت یکی از مهمترین عامل استحکام روابط خانوادگی است. حضرت فاطمه(س) در طول زندگی مشترک، حتی یک‌بار هم به حضرت علی(ع) دروغ نگفت؛ البته روشن است که دروغ از جمله‌ی گناهان بزرگ و خلاف عصمت است و حضرت زهرا(س) هرگز آن را مرتکب نشده است، اما حضرت زهرا(س) این مسئله را برای تعلیم ما و امثال ما یادآوری کرده است. از

1. الفضائل لابن شاذان، ص 82.



این‌رو، در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی(ع) فرمود: ای پسر عمو! من از روزی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم، هرگز به تو دروغ نگفتم.

قَالَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ مَا كُنْتُ لَكَ كَاذِبًا

<sup>1</sup> . روضه الواعظین، ج 1 ص 151.



## اجتناب از هر گونه خیانت<sup>1</sup>

1. خیانت، یعنی زیر پا گذاشتن تعهد در یک رابطه‌ی عاطفی، شکستن مرزهای رابطه و نابودکردن اعتماد. خیانت با احساس خشم، عذاب وجدان و اضطراب همراه است و انواع گوناگونی دارد. در این‌جا خیانت را به سه دسته طبقه‌بندی کرده‌ایم که عبارتند از: خیانت عاطفی، خیانت جنسی و خیانت عاطفی - جنسی.

خیانت عاطفی: احساسات و عواطف، سرمایه‌های روانی فرد هستند که معمولاً در رابطه، سرمایه‌گذاری می‌شوند. گاهی سرمایه‌گذاری عاطفی و احساسی فرد در رابطه‌ی دیگری به غیر از رابطه‌ی اصلی انجام می‌شود. ازدواج ناخواسته، سردی عاطفی، عدم توجه به نیازهای عاطفی، گلايه، انتقاد و... از دلایل خیانت عاطفی هستند.

انواع خیانت عاطفی عبارتند از: الف) خیانت کلامی، گاهی خیانت فقط در کلام اتفاق می‌افتد. درد دل و مطرح‌کردن مسائل، با فردی غیر از شریک عاطفی می‌تواند منجر به رابطه‌ی عاطفی و سپس رابطه‌ی جنسی شود. این‌طور تصور می‌شود که صحبت‌کردن خیانت نیست، اما وقتی که صحبت‌کردن باعث شود، فرد مسائل را به‌جای همسر، به کسان دیگر مطرح کند، سبب بی‌توجهی در رابطه‌ی اصلی می‌شود. ب) خیانت مجازی، در این نوع خیانت، افراد در دنیای مجازی اقدام به ارتباط با افراد دیگر می‌کنند. وجود نقص در رابطه‌ی اصلی باعث وابستگی به دوستان مجازی می‌شود. به مرور زمان روابط مجازی جایگزین رابطه‌ی واقعی می‌شود. خیلی اوقات، افراد، دنیای مجازی را به عنوان یک صحبت عادی یا رابطه‌ای در نظر می‌گیرند که به راحتی می‌تواند قطع شود، ولی همیشه این‌گونه نیست و ممکن است رابطه‌ی مجازی وابستگی ایجاد کند.

خیانت جنسی: برقراری رابطه‌ی جنسی با فردی غیر از شریک عاطفی خیانت جنسی محسوب می‌شود. اولین مسئله‌ای که خیانت به ذهن می‌آورد، رابطه‌ی جنسی است. نارضایتی از رابطه‌ی جنسی، تنوع‌طلبی جنسی، مشکلات عاطفی و... افراد را به برقراری روابط جنسی و خیانت می‌کشاند. خیانت جنسی نیز به نوبه‌ی خود به انواع زیر تقسیم می‌شود:

الف) خیانت رفتاری: خیانت جنسی رفتاری، یعنی افراد اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی می‌کنند. ب) خیانت ذهنی: خیانت جنسی ذهنی، یعنی افراد در ذهن خودشان رابطه‌ی با افراد دیگر را تصویرسازی می‌کنند و به آن فکر می‌کنند. ج) خیانت کلامی: در این نوع از خیانت جنسی، رفتار جنسی اتفاق نمی‌افتد؛ اما صحبت‌های با منظور جنسی رد و بدل می‌شود؛ معمولاً خیانت کلامی به همراه خیانت ذهنی رخ می‌دهد.

خیانت عاطفی - جنسی: اکثر خیانت‌ها از نوع خیانت عاطفی - جنسی هستند یا وارد این مرحله می‌شوند. به این معنا که خیانت در سطح خیانت عاطفی یا جنسی تنها باقی نمی‌ماند، بلکه فردی که خیانت جنسی انجام می‌دهد،



خیانت صفت ناشایست و خلاف عصمت است که از حضرت زهرا(س) دور است؛ اما حضرت برای تعلیم ما در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی(ع) فرمود: ای پسر عمو! من از روزی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم، هرگز به تو خیانت نکردم.

قَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ بِكَ كَمَا كُنْتُ بِكَ يَا زَيْنَبُ

زهرا(س) روایت‌گر صفات شایسته‌ی همسرش

عشق نیاز به مراقبت دارد و یکی از راه‌های تداوم زندگی عاشقانه ابراز محبت با جملات زیبا و دل‌نشین به همسر است. جمله‌های عاشقانه و رماتیکی را که تا کنون شنیده‌اید، کنار بگذارید و به سراغ جملاتی بروید که به قلب همسران نفوذ می‌کنند؛ جملاتی که با گفتن آن‌ها به همسران، قلب او را از آن خود می‌کنید.

طبق آنچه که در منابع تاریخی گزارش شده است، حضرت فاطمه(س) در رابطه‌ی خصوصی‌تر، همسرش حضرت علی(ع) را با نام‌های چون: پسر عمو (یابن عم)، ابالحسن، علی جان، سرورم (سیدی)، مولایم (مولای)، امیرالمؤمنین، پسر ابوطالب، و... یاد کرده است.<sup>۲</sup> علاوه بر آن، حضرت



پس از مدتی درگیری احساسی هم پیدا می‌کند یا فردی که در حال خیانت عاطفی است رابطه‌ی جنسی نیز برقرار می‌کند. قطع رابطه‌ی عاطفی می‌تواند از پیشروی خیانت جلوگیری کند.

<sup>۱</sup> . روضه الواعظین، ج 1 ص 151.

<sup>۲</sup> حضرت علی(ع) از تعبیری مثل: «حبیبی زهرا؛ محبوبه‌ی من زهرا» - و نیز بارها و بارها به فاطمه‌ی زهرا(س) می‌فرمودند - «بنفسی انت؛ جانم فدایت» و البته جالب است که حضرت صدیقه‌ی کبری(س) پاسخ می‌دادند: «روحي لروحك الفداء؛ روح من فدای روحت» یا حضرت در تعبیری دارد: «انا كذا زوج حمامه في ايكه؛ من و





زهر(س) فضائل و صفات نیک همسرش را برای مردم بیان داشته و فرموده است: همسرم علی(ع) یاور و فرمان بردار پدرم بود.

### علی (ع) یاور و فرمان بردار پدرم

حضرت زهر(س) صفات برجسته‌ی همسرش، امیرالمؤمنین(ع)، را به زبان آورده فرمود: همسرم علی(ع) یاور پدرم، پیامبر خدا (ص)، است. هر زمانی شیطان شاخ خود را بیرون می‌کرد، پیامبر (ص)، برادرش علی(ع) را برای مقابله و دفع آن‌ها اعزام می‌کرد.

لَرَجُلٌ مِّنَ الشَّهَدَاتِ لَرَفَعَتْ لِقَوْلِ النَّبِيِّ نَحْنُ لَأَوْلَىٰ مِنْهَا

### علی(ع) شیر بیشه‌ها و فاتح نبردها

حضرت زهر(س) همسرش را در خطبه‌ی فدک برای مردم مهاجر و انصار این‌گونه معرفی کرد: علی(ع) از هیچ‌یک از آن مأموریت‌های که پیامبر(ص) وی را می‌فرستاد، بی‌نتیجه باز نمی‌گشت، وی بال و پر دشمن را زیر پای خود می‌گذاشت و شعله‌های آتش مخالفان را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت.

فَلَا يَكْفِيكَ عَنِّي بِطَائِفَاتِ مَا يَأْتِيَنَّكَ خَيْرٌ حَيْثُ مَلَأْنَا بِسَيْفِ

→

زهر(س) مثل دو کبوتر عاشق در لانه‌ای بودیم». این‌ها نشان می‌دهد که ارتباطات عاطفی عمیقی بین آن بزرگواران وجود داشته است.

1. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1 ص 101.

2. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1، ص 101.



### علی(ع) پرتلاش و مقاوم

حضرت فاطمه(س) در خطبه‌ی فدکیه همسرش را برای مردمی که قدر وی را ندانست این‌گونه معرفی کرد: یکی از ویژگی‌های دیگر همسر، علی(ع)، این بود که برای پیشرفت دین حق سختی‌ها را تحمل می‌کرد و در این راستا سخت تلاش می‌کرد و با دشمن اهل سازش نبود.

مَكَرًا فِي خَلَاتِهَا تَجِدُ فِيهَا نَفْسًا

### علی(ع) نسخه‌ی دوم پدرم رسول‌الله

حضرت فاطمه(س) در باره‌ی همسرش علی(ع) فرمود: علی همان‌گونه که از نظر نسب و قرابت به پیامبر(ص) نزدیک بود، از نظر فکری و معنوی و فضائل اخلاقی نیز با پیامبر(ص) نزدیک بود.

فَرِيضًا مِّن رَّسُولِ اللَّهِ

### علی(ع) سرور اولیاءالله

مقبولیت علی(ع) در نزد حضرت زهرا(س) تا آن‌جا بود که وی را سرور اولیاءالله معرفی کرد و فرمود: علی(ع) سید و سالار اولیاء خدا بود.

مَهْجَلًا فِي رَأْيِ اللَّهِ

1. همان.

2. همان.

3. همان.



### علی(ع) دارای همت والا و خیرخواهی

حضرت فاطمه(س) فرمود: همسر من، برادر پدرم، دارای همت والا و خیرخواه مردم بود؛ **مُشَمَّرًا نَاصِحًا**<sup>۱</sup>

### علی(ع) انسان پرتلاش

حضرت فاطمه(س) در خطبه‌ی فدکیه فرمود: علی(ع) انسان پرتلاشی بود که در راه خدا سخن هیچ ملامت‌گری در او اثری نداشت. **مُجِدًّا كَادِحًا لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ**<sup>۲</sup>

### ماجرای هدیه‌ی علی(ع) به همسر و واکنش پیامبر(ص) در برابر آن

هر گاه رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - می‌خواست مسافرت کند، با اهل بیت خویش وداع می‌کرد و آخرین نفری را که وداع می‌نمود حضرت فاطمه(س) بود، آن‌گاه از خانه‌ی فاطمه(س) خارج شده و عازم مسافرت می‌شد و هنگامی که از سفر برمی‌گشت، اول از همه، وارد خانه‌ی دخترش، فاطمه(س)، می‌شد و او را دیدار می‌کرد.

در یکی از مسافرت‌های رسول خدا(ص)، علی(ع) مقداری از غنیمت‌هایی را که نصیب آن حضرت شده بود، به فاطمه(س) داد و آن حضرت از مال مذکور دو تا انگوی نقره برای خودش و پرده‌ای برای درِ اتاق خود خریداری کرد. وقتی رسول خدا(ص) از مسافرت بازگشت، وارد مسجد شد، سپس طبق معمول به خانه‌ی دخترش فاطمه(س) آمد. حضرت فاطمه(س) نیز طبق معمول از

1. همان.

2. همان.



جای برخاست و با شوق فراوان از پدر خود استقبال کرد. پیامبر(ص) همین‌طور که متوجه دخترش بود ناگاه چشمش به النگوها و آن پرده افتاد، بلافاصله بر زمین نشست و با حالتی که حکایت از تعجب داشت به حضرت فاطمه(س) نگریست. وقتی که پیامبر(ص) از خانه‌ی فاطمه(س) خارج شد، آن بانو گریان و اندوهگین گردید و با خود گفت: پدرم قبلاً چنین برخوردی با من نداشته است؛ دانست که علت آن برخورد چه بوده است، لذا پرده و النگو را درآورد. حسن و حسین(ع) را صدا کرد، پرده را به یکی و النگوها را به دیگری داد و فرمود: این‌ها را نزد پدرم رسول خدا(ص) ببرید و سلام مرا به ایشان برسانید و بگویید: ما بعد از مسافرت شما چیزی غیر از این‌ها اضافه ننموده‌ایم، اکنون آن‌ها در اختیار شماست و هر کار که مفید می‌دانید با آن‌ها انجام دهید.

هنگامی که حسن و حسین(ع) آمدند و پیام فاطمه(س) را به پیامبر(ص) رسانیدند، رسول خدا آن‌ها را بوسید و به خود چسپانید و بر سر زانوهای خود جای داد. سپس دستور داد تا اجزای النگوها را از هم جدا نمودند و اهل صفه را که دسته‌ای از مهاجرین فقیر و بدون خانه بودند احضار کرده و آن‌ها را بین ایشان تقسیم نمود؛ بعد از آن افرادی از اهل مدینه را که لباسی برای ستر عورت خود نداشتند، خبر کرد و پرده را به تگه‌های مساوی - هر تگه به اندازه‌ی یک لنگ کوچک - تقسیم کرد و به ایشان داد.

پس از این جریان رسول خدا(ص) فرمود: خداوند فاطمه(س) را رحمت کند و در مقابل این پرده‌ای که او در راه خدا انفاق نمود از لباس‌های بهشتی و در عوض این دو انگویی که در راه خدا بخشید، از زیورهای بهشت به او عطا می‌نماید.

هَذَا لِي وَبَعْدِي (عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ) إِذَا لَرَأَى الْمَقْرَبَةَ عَلَيْهِ مِنَ رَأَى النَّسِيَةَ  
فَلْيَنْزِلْ عَلَيْهَا بِرَأْسِهِ مِنْ بَسْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْدِي (عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ) إِذَا لَرَأَى الْمَقْرَبَةَ عَلَيْهِ مِنَ رَأَى النَّسِيَةَ



بِحَارِهَا غَسَّاقٌ مَرَّوْرٌ فَخَالَصَابٌ عَلَيْهِ (ص) وَشَبَّانِ مِنَ النَّبِيَّاتِ نَحْوَهُ إِلَى نَاهِيَةِ مَرْجِعِ فَانْحَدَّتْ  
 مَسْرُورِينَ مِنْ خِطَابِ رَهْفَتِ هَلْ بِأَيِّهَا مَسْرُورٌ لَهَا فَحَمْرٌ مَسْرُورٌ (ص) حَتَّى الْمَسِيحِ مَرْجِعِ  
 غَسَّرِيَّتْ نَاهِيَةَ مَا كَانَ يَضَعُ فَانْحَدَّتْ مَسْرُورٌ لَهَا صَبَابٌ مَسْرُورٌ فَالْبَابُ غَسَّرٌ فَادْخُلْ فِي بَدَنِهَا مَسْرُورِينَ  
 مِنْ خِطَابِ رَحْمَتِهَا بِأَيِّهَا مَسْرُورٌ فَحَمْرٌ مَسْرُورٌ (ص) حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا فَهِيَكَ فَانْظُرْ عَنْ يَمِينِهَا مَا  
 صَنَعَ وَخَالَصَابٌ عَلَيْهِ فَانْبَهَتْ فَانْحَدَّتْ رَأَيْتُهَا فَانْحَدَّتْ مَسْرُورِينَ بِأَيِّهَا رَحْمَتِ الْمَسْرُورِينَ مِنْ بَدَنِهَا فَحَمْرٌ  
 حَتَّى تَقْتُلَ الْمَسْرُورِينَ إِلَى أَحَدِهِمَا الْمَسْرُورُ لِأَنَّهَا فَانْحَدَّتْ مَا أَظْفَقَ لَهَا فِي نَافِثَةِ الْمَسْرُورِ  
 فَرَأَى مَا لَمْ يَحْتَفِ بِهَا فَادْخُلْ فِي مَسْرُورِهَا فَانْحَدَّتْ بِرَحْمَتِهَا وَابْنُهَا بِوَدَّكَ عَنْ أُمِّهَا فَانْحَدَّتْ  
 مَسْرُورٌ (ص) وَاللَّيْمَةُ مَا رَأَيْتُهَا فَانْحَدَّتْ كُلِّ رَحْمَتِهَا هَلْ نَحْوِهَا مَسْرُورٌ بِحَبْلِ الْمَسْرُورِينَ  
 فَانْحَدَّتْ نَجْمَتِهَا فَانْحَدَّتْ حَمْرٌ الْعِلَاقَةُ مَسْرُورٌ مِنَ الْمَسْرُورِينَ لَمْ يَكُنْ مَسْرُورٌ لَهَا مَسْرُورٌ  
 فَانْحَدَّتْ بِبَيْتِهَا فَانْحَدَّتْ بِجَلِّهَا فَانْحَدَّتْ بِالرَّجُلِ عَلَيْهِ الْقَرْحُ الْخَيْلُ لَا يَسْتُرُ بِشَيْءٍ وَكَانَ ذَلِكَ  
 الْمَسْرُورُ يَلْكَهِنَّ لَمْ يَرْضَ نَجْمَتِهَا فَانْحَدَّتْ بِالرَّجُلِ فَادْخُلْ النَّبِيَّاتِ هَلْ نَظَمَتْ عَنْهُ فَانْحَدَّتْ مَسْرُورٌ رَأَى  
 النَّبِيَّاتِ لَمْ يَكُنْ فَانْحَدَّتْ مِنَ الرَّكُومِ وَالْمَسْرُورُ حَتَّى يَرْفَعَهُ الرَّجُلُ عَنْ يَمِينِهَا فَانْحَدَّتْ رَأَى  
 لَهَا مِنْ حَمْرٍ لَمْ يَرْضَ فَادْخُلْ كَلِمَةً مَسْرُورٌ حَتَّى تَقْرَأَ مِنْهَا مِنْ خَلْفِهَا فَانْحَدَّتْ بِرَحْمَتِهَا الْمَسْرُورِينَ  
 لَمْ يَكُنْ يَرْفَعُ النَّبِيَّاتِ عَنْ يَمِينِهَا مِنَ الرَّكُومِ وَالْمَسْرُورُ حَتَّى يَرْفَعَهُ الرَّجُلُ فَانْحَدَّتْ فَانْحَدَّتْ  
 مَسْرُورٌ (ص) وَرَحْمَتِهَا فَانْحَدَّتْ بِرَحْمَتِهَا الْمَسْرُورِينَ فَانْحَدَّتْ الْمَسْرُورِينَ لَمْ يَكُنْ يَلْكَهِنَّ  
 يَخْتَبِئُ الْمَسْرُورِينَ مِنْ حَيْلِهَا فَانْحَدَّتْ<sup>1</sup>

1. بحار الأنوار، ج 43 ص 84.



## وصیت در مورد فرزندان

حضرت فاطمه(س) نگران فرزندان - بعد از خود- بود، لذا به حضرت علی(ع) وصیت کرد که ای ابالحسن! من تو را به خدا می‌سپارم و در باره‌ی فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ أَلِفًا

### سفارش به ازدواج با امامه<sup>۲</sup> به خاطر مهربانی‌اش با فرزندان

حضرت فاطمه(س) در یک تصمیم بسیار منطقی به‌دور از احساسات، در مورد زندگی پس از خود نیز به حضرت علی(ع) وصیت می‌کند که با چه کسی ازدواج کند که هم به حضرت علی(ع) و هم به فرزندانش دل‌سوز و مهربان باشد. حضرت فاطمه(س) در یکی از وصیت‌های خود درباره‌ی ازدواج علی(ع) با امامه<sup>۳</sup> دختر خواهرش سخن گفته و فرمود: ای پسر عموی پیامبر! خداوند تو

1. عوالم العلوم ج 11 ص 1100 و بحارالانوار، ج 79 ص 27.

2. حضرت امیر(ع) به این وصیت همسرش عمل کرد و بعد از نه روز از رحلت حضرت فاطمه(س) طبق وصیت، از امامه خواستگاری کرد. امامه، همان است که بعد از شهادت حضرت امیر(ع)، معاویه خواستگار او شد و وی از این خواسته‌ی معاویه امتناع کرد؛ به خاطر وصیت حضرت امیر(ع) که فرموده بود با معاویه ازدواج نکند و غیر از معاویه، هرکسی را می‌خواهد، می‌تواند اختیار کند. (علامه محمد باقر کجوری مازندرانی، خصایص فاطمیه، ص ۵۴۰).

3. امامه، دختر ابوالعاص بن ربیع و مادرش زینب، دختر رسول خدا(ص)، است. ابوالعاص قبل از بعثت با زینب ازدواج کرد و حاصل آن، دو فرزند بود، یکی به نام علی که در کودکی از دنیا رفت، دیگری به نام امامه. پیامبر(ص) به امامه علاقه‌ی خاصی داشت، خیلی از اوقات، او را بر دوش خود



را پاداش نیکو دهد. اولین وصیت من به تو این است: - که چون مردان نیاز به زن دارند- پس از من با دختر خواهرم، امامه، ازدواج کن؛ زیرا او همانند من به فرزندانم مهربان است.



می‌گذارد و به مسجد می‌برد و در هنگام نماز همچنان امامه بر دوش آن حضرت بود و موقع رکوع و سجود او را به زمین می‌گذارد و موقعی که بر می‌خاست دوباره او را به دوش می‌گرفت.

عایشه گوید: (هدیه‌ای به رسول خدا(ص) داده شد که در بین آن گردنبندی از عقیق یمانی بود. حضرت فرمود: آن را به عزیزترین فرد خانواده‌ام خواهم داد. پس امامه را فراخواند و گردنبند را به گردن او آویخت.) وقتی فاطمه‌ی زهرا(س) در آستانه‌ی شهادت قرار گرفت، به امام علی -علیه السلام- وصیت کرد که با امامه ازدواج کن؛ چون او خواهرزاده‌ی من است و با فرزندانم مثل من رفتار می‌کند. آن حضرت نیز در بی وصیت آن بانو با امامه ازدواج کرد. حضرت علی(ع) پس از ضربت خوردن، به امامه وصیت کرد که می‌ترسم معاویه بعد از من تو را خواستگاری کند و دوست ندارم به همسری او درآیی؛ چنانچه به همسر نیاز داشتی با مغیره بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب ازدواج کن.

پس از شهادت آن حضرت و تمام شدن عده، معاویه به مروان مأموریت داد که از امامه خواستگاری کند و مهریه‌ی او را صد هزار دینار قرار دهد؛ ولی امامه پیشنهاد او را رد کرد و با مغیره ازدواج کرد. در بحارالانوار از «قوت القلوب» روایت شده است که مغیره بن نوفل و ابوالهیاج بن ابی سفیان بن حارث پس از شهادت امام علی(ع) از امامه خواستگاری کردند، ولی امامه به آنان جواب رد داد و از امام علی(ع) نقل کرد که جایز نیست همسران پیامبر و وصی پیامبر بعد از پیامبر یا وصی، با دیگری ازدواج کنند. گفته اند: هنگام وفات امامه، درد سختی بر او عارض شد، به طوری که زبانش بند آمد، امام حسن و امام حسین -علیهما السلام- بر بالین او حاضر شدند و چون نمی‌توانست صحبت کند از او سؤال می‌کردند که آیا فلان بنده و خانواده‌اش را آزاد کردی؟ و او با اشاره‌ی سر جواب می‌داد. به همین صورت وصایای او را دریافتند و صحت آن را امضا کردند. گفته‌اند: از او فرزندی متولد نشد و بنا به قولی او مادر محمد بن علی اوسط است که در کربلا در رکاب برادرش امام حسین(ع) به شهادت رسید.



قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَمَّ الْبِرُّ بِالْوَالِدَيْنِ إِذَا كُنَّ قَائِمِينَ بِلَدَيْهِ  
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُونُ الْبِرُّ بِالْوَالِدَيْنِ إِذَا كُنَّ قَائِمِينَ بِلَدَيْهِ

### برنامه‌ی زندگی حضرت فاطمه(س)

حضرت زهرا(س) علاوه بر این که بخشی از وقت خود را برای عبادت، خواندن قرآن، تفکر و استراحت اختصاص داده بود، در درون خانواده کارهای زیادی دیگر داشت که بخش عمده‌ای از وقتش صرف آن‌ها می‌شد؛ از قبیل: آرد کردن، غذا پختن، تربیت و رسیدگی به فرزندان، لباس شستن، لباس دوختن، وصله کردن لباس و کفش، رسیدگی به نیازهای شوهر، آب آوردن، علف دادن به حیوانات،<sup>۱</sup> تمیز کردن منزل، پاسخ به سؤال‌های شرعی زنان، آموزش احکام و قرآن برای خادمان و همسایگان، تمرین سخنوری برای فرزندان و ... .

### آموزش به زنان و پاسخ به سؤالات آن‌ها

یکی از برنامه‌های حضرت زهرا(س) آموزش مردم و پاسخ به سؤالات آنان بود. روزی یکی از زنان مدینه خدمت حضرت زهرا(س) رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسایل نماز، پرسش‌های فراوانی دارد و مرا فرستاده است تا آن مسایل شرعی را از شما بپرسم.

حضرت فرمود: بپرس! آن زن، مسایل بسیاری طرح کرد و برای هر یک از آن‌ها، پاسخ شنید.

1. بحارالانوار، ج 43 ص 192 و نهج الحیاه، ص 315.

2. قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي فَوَالَّذِي بَعَنَكَ بِالْحَقِّ مَا لِي وَبِعَلِي مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسَكْتُ كَبْشَ نَعْلَيْهِ عَالِيَهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرًا (بحارالانوار، ج 43 ص 88)





در ادامه‌ی گفت‌و شنود، زن از فراوانی پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا(ص)، از این‌که فراوان خدمت شما می‌رسم و با پرسش‌های فراوان شما را به زحمت می‌اندازم، معذرت می‌خواهم.

فاطمه(س) فرمود: باز هم بیا و هر آن‌چه سؤال برایت پیش می‌آید، بپرس! آیا اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را پشت بام ببرد و به پاداش آن، صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار خواهد بود؟ خیر. حضرت ادامه داد، من در برابر هر مسئله‌ای که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله‌ی بین زمین و عرش، جواهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم؛ پس سزاوار است که این کار بر من سنگین نیاید.

فضه، خادم و شاگرد حضرت فاطمه(س) بود که در خدمت حضرت فاطمه(س) آموزش دیده بود و آن‌قدر به قرآن کریم مسلط شده بود که پاسخ سؤالات مردم را با آیات قرآنی می‌داد.<sup>1</sup>

1. نمونه‌ی از آن صحبت قرآنی در حدیث ذیل از ابوالقاسم قشیری نقل شده است. در کل، فضه مدت بیست سال پاسخ مردم را با آیات قرآن بیان می‌کرد: أَبُو الْقَاسِمِ الْقَشِيرِيُّ فِي كِتَابِهِ - قَالَ بَعْضُهُمْ انْقَطَعَتْ فِي الْبَادِيَةِ عَنِ الْقَافِلَةِ فَوَجَدَتْ امْرَأَةً قَالَتْ لَهَا مَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: قُلِّ سَلَامٌ فَسُوفَ يَعْلَمُونَ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا فَقَالَتْ مَا تَصْنَعِينَ هَاهُنَا؟ قَالَتْ مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ؛ قَالَتْ أَمْ مِنَ الْجِنِّ أَنْتِ أَمْ مِنَ الْإِنْسِ؟ قَالَتْ: يَا بَنِي آدَمَ خُدُوا زِينَتَكُمْ؛ قَالَتْ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتِ؟ قَالَتْ يَنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ قَالَتْ أَيْنَ تَقْصِدِينَ؟ قَالَتْ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ قَالَتْ مَتَى انْقَطَعْتَ؟ قَالَتْ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ قَالَتْ أَسْتَهْتِينَ طَعَامًا؟ قَالَتْ وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ فَأَطْعَمْتُهُنَّ ثُمَّ قُلْتَ هِرْوَالِي وَ تَعَجَّلِي قَالَتْ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِيَّاهُ وَ مَسْئَلًا قَالَتْ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَفَزَلْتُ فَأَرْكَبْنَهَا فَقَالَتْ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا فَلَمَّا أَدْرَكْنَا الْقَافِلَةَ قُلْتَ لَهَا أَلَيْكَ أَحَدٌ فِيهَا؟ قَالَتْ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ فَصِخْتُ بِهَيْدِهِ الْأَسْمَاءُ فَإِذَا بَارِعَهُ شَبَابٌ مُتَوَجِّهِينَ نَحْوَهَا قَالَتْ مَنْ هَؤُلَاءِ مِنْكَ قَالَتْ الْمَالُ وَ الْبُيُوتُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَلَمَّا أَتَوْهَا قَالَتْ يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنْ خَيْرٌ مِنْ اسْتَأْجَرْتِ الْقَوِي الْأَمِينُ فَكَافَوْنِي بِأَشْيَاءِ فَقَالَتْ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ فَرَاوَدُوا



شیعه، در نگاه فاطمه(س) کسی است که پیرو فرامین اهل بیت(ع) باشد و ادعای تشیع بدون پایبندی در مسیر نورانی آنان، ادعایی بیش نیست. در تفسیری منسوب به امام حسن عسکری(ع) آمده است که زنی از طرف شوهرش به نزد حضرت فاطمه(س) آمده و پرسید که او (شوهرش) از شیعیان فاطمه(س) است یا خیر؟ حضرت فاطمه(س) پاسخ داد؛ اگر به آنچه ما امر می‌کنیم عمل کنی و از آنچه تو را نهی می‌کنیم پرهیز کنی از شیعیان ما هستی و الا خیر.

زن بازگشت و سخن فاطمه(س) را به شوهرش بازگفت، شوهر گفت وای بر من؛ زیرا کسی خالی از گناهان و خطاها نیست. آن زن نزد زهرا(س) بازگشت و سخن شوهرش را منتقل کرد. صدیقه‌ی طاهره(س) نیز برای او تبیین کرد که شیعیان در صورت گناهکاربودن، توسط سختی‌ها یا شدید مرگ و قیامت تطهیر شده و داخل بهشت خواهند شد.

صدیقه‌ی طاهره(س) در پاسخ او فرمود: (از من) به همسرت بگو، چنین نیست که او (قضاوت کرده است). شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه‌ی دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده؛ اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمارد، از شیعیان واقعی ما نخواهد بود؛ گرچه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و

→

عَلَيْ فَسَأَلْتُهُمْ عَنْهَا فَقَالُوا هَذِهِ أُمَّنَا فَضَّةٌ جَارِيَةٌ الزُّهْرَاءُ(ع) مَا تَكَلَّمَتْ مُنْذُ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَّا بِالْقُرْآنِ (مناقب آل



کشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی‌شان آن‌ها را نجات داده و به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد.<sup>1</sup>

حضرت فاطمه (س) همچنین به فرزندان خود، خطا، احکام، قرآن، سخنرانی، ورزش و ... آموزش می‌داد که در روایات نمونه‌های آن آمده است.

### شادی و تفریح

در دین مقدس اسلام هم شادی و خوش‌حالی وجود دارد و هم حزن و اندوه، در دستورهای معصومان و پیشوایان مذهب، از ما خواسته شده است تا در خوش‌حالی آن‌ها خوش‌حال و در حزن و اندوه آن‌ها اندوهگین باشیم. پیامبر گرامی اسلام (ص) برنامه‌ی زندگی یک انسان خردمند را این‌گونه تقسیم‌بندی کرده است: شایسته است انسان خردمند بخشی از زمان خود را برای عبادت، بخشی دیگر را برای حساب‌رسی، زمانی را برای تفکر و زمانی را هم برای بهره‌بردن از خوشی‌های حلال اختصاص دهد. بخش اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا زمان بهره‌بردن از خوشی‌ها یاری‌کننده‌ی دیگر زمان‌ها است و دل‌ها را آرام و فارغ می‌کند.<sup>2</sup>

به‌صورت مشخص در ابواب روایی ما، از فرح، سرور، ضحک<sup>3</sup>، تبسّم، مزاح<sup>1</sup>، دعابه<sup>2</sup>، حسن الخلق، انبساط وجه، نشاط، لعب و ... سخن به میان آمده

1. تفسیر الامام العسکری (ع)، ص 308.

2. نگاه کنید به حکمت نامه پیامبر، ج 6 ص 164.

3. در قرآن کریم هم از ضحک مثبت و هم از ضحک منفی و مذموم سخن گفته شده است: ضحک مثبت: وَ اَمْرًا تُهْزِئُ بِهَا عِبَادَ اللَّهِ الَّذِينَ إِذَا نَجَّيْتَهُمُ مِنَ الضُّلُمَاتِ فَهُمْ سَدِيدٌ لَا يَخَافُونَ اللَّهَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (زن حضرت ابراهیم) قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ. قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا (هود: 71) یا مثل آیه 9 نمل فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا که اشاره به خنده حضرت سلیمان از گفته‌ی مورچگان دارد. خنده‌ی منفی: وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (مؤمنون: 110) که اشاره به خنده‌ی منافقان و کافران



است و همچنین از ورزش‌ها و بازی‌های نام برده شده است که شادی آفرین است؛ مانند: کشتی، شنا، تیراندازی، وزنه برداری، سوارکاری و... در برخی دیگر از روایات، به پدیده‌ها و عوامل شادی آفرین اشاره شده و از اموری؛ چون: استعمال بوی خوش، نگاه به همسر زیبا، آمیزش، گفت‌وگو با دوستان،<sup>۳</sup> نگاه به سبزه، نگاه به آب جاری، نگاه به صورت زیبا<sup>۴</sup> و... نام برده شده است.

در خانواده‌ی حضرت فاطمه(س) شادی، خندیدن و تفریح جایگاه خاص و معتدلانه داشته است. شاد بودن‌شان در محدوده‌ی شرع و معتدل بوده است؛ نه افراط در آن راه داشته و نه تفریط. از آن‌جا که شادی و شاد بودن در زندگی به معنای رضایت‌مندی از زندگی است، می‌توان گفت که حضرت فاطمه(س) در کنار حضرت علی(ع) و فرزندان‌ش همیشه راضی و شاد بودند؛ در خانواده‌ی حضرت فاطمه(س) شادی همیشگی و آرامش حکم‌فرما بود.

به مومنان دارد.

1. در روایات فراوان از مزاح تمجید شده است اما از مزاح زیاد، مسخره کردن، مزاح همراه با دروغ و تحقیر دیگران نهی شده است.

2. داستان معروف یونس شبیبانی که هم در آن دعابه و هم فرح و حسن خلق و سرور آمده است. عَنْ يُونُسَ السُّبْيَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَيْفَ مَدَاعِبُهُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ إِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورُ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يُسْرَهُ. (الكافي، ج 2 ص 663).

3. همدی این موارد در این دو کتاب ذکر شده است؛ المحاسن، ص 15؛ مکارم الاخلاق، ص 42.

4. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ (الخصال، ص 92)



نکته: زندگی شاد داشتن به معنای ثروت زیاد داشتن نیست، بلکه انسان باید هنر شاد زیستن و راضی بودن از زندگی را بیاموزد.

### خندیدن حضرت فاطمه(س) و علی(ع)

در روایتی از ابن عباس<sup>۱</sup> آمده است که روزی حضرت پیامبر(ص) وارد خانه‌ی حضرت علی(ع) و فاطمه(س) شد و دید آن دو دارند می‌خندند، وقتی پیامبر(ص) را دیدند، ساکت شدند. پیامبر(ص) به آن‌ها فرمود: شما داشتید می‌خندیدید؛ چه شد وقتی مرا دیدید ساکت شدید؟ فاطمه(س) فرمود: جانم به قربانت ای رسول خدا! این [اشاره به علی(ع) کرد] می‌گوید: من از تو در نزد رسول خدا محبوب‌ترم و من گفتم: مرا پیامبر(ص) از شما بیشتر دوست دارد. رسول خدا تبسم کرد و فرمود: دخترم! دل سوزی پدر از آن تو است و علی(ع) از تو عزیزتر است.

خبر رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - عن علي بن أبي طالب - عليه السلام - وهو  
 يضحك فقال يا النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - فقال ما لي بالضحك فقال  
 ما لي بالضحك فقال يا النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - فقال ما لي بالضحك فقال  
 عذرا يا أبا طالب رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - ملك فقلت، بل أنا الخب إلى

1. عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مشهور به «ابن عباس» (۳ سال پیش از هجرت - ۶۸ق)، فرزند عباس بن عبدالمطلب و پسر عموی پیامبر(ص) و امام علی(ع)، از صحابه پیامبر(ص) و یاران سه امام اول شیعیان است. ابن عباس حضرت علی(ع) را شایسته‌ی مقام خلافت می‌دانست و با خلفای سه‌گانه نیز همکاری داشت. وی در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان به طرفداری از علی(ع) حضور یافت و از طرف امام، استانداری بصره را به عهده گرفت. روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از ابن عباس نقل شده است. کتاب تفسیری منسوب به او، بارها به چاپ رسیده است. وی جد خلفای بنی عباس نیز به شمار می‌آید.

رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - ملك، ثم من رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - آل  
 سلمه - وقال: يا أيها الناس! إن الرحمة عليّ (فقر عليّ) ملك<sup>۱</sup>

همچنین آمده است که وقتی حضرت پیامبر (ص) به حضرت فاطمه (س) مژده داد که وی بانوی زنان اهل بهشت است، حضرت فاطمه (س) با شنیدن آن خندید.<sup>۲</sup>

### کنار چشمه رفتن

تفریح کردن نیز در زندگی مشترک حضرت فاطمه (س) و علی (ع) دیده شده است. هرچند از منظر امام علی (ع) بزرگ‌ترین تفریح، کار است و این نوع تفریح همیشه در زندگی حضرت فاطمه (س) وجود داشته است؛ چون لحظه‌ای آن بزرگوار، وقت خود را هدر نداده و همیشه مشغول کار بود، اما در عین حال گاهی خانواده‌ی حضرت فاطمه (س) برای تفریح به دامن طبیعت و در کنار چشمه می‌رفتند. در روایت آمده است که شبی حضرت زهرا (س) خواب دید که خارج از شهر رفته است. صبح همان شب که فاطمه (س) خواب دیده بود، حضرت پیامبر (ص) - در حالی که الاغی به همراه داشت - نزد فاطمه (س) آمد و دخترش را بر آن سوار کرد و به علی (ع)، حسن و حسین (ع) فرمود با آنها بیایند [و امروز را خارج از شهر در دامن طبیعت بگذرانند]. آنان از شهر خارج شدند و در یک جایی رسیدند که نخلستان و آب داشت. در آنجا پیامبر (ص) گوسفندی را خرید و دستور داد آن را ذبح و کباب کنند.

۱. عوالم العلوم، ج 11 ص 667.

۲. فرهنگ فاطمیه، ص 292.



فَمَا أَصْبَحْتَ بِأَرْسَلِ اللَّهِ (ص) - يَهْرُ - فَارْكَبُ عَلَيْهَا فَاهْتَارُ لَمَّا لَمَّ يَجْرِبُ أَيْ السَّرِيَّةَ  
 لَمَسَتْ وَالْحَمِيَّةَ (ع) مِنْ الدَّيْنِ سَعَى الْفَتْرَاءُ مَرَضِعٌ عَنِ الْغَدَلِ وَمَاءٌ - فَالْمَشْرِعِ  
 رَسَلِ اللَّهِ (ص) فَالْمَرْيُومُ يَحْبِبُهَا تَحْيِيَّتَ رَسْمِيَّةً

### تفریح در صحرا

گاهی حضرت علی (ع) به صورت خانواده‌گی همراه با حضرت فاطمه (س) به صحرا می‌رفتند. در حدیث آمده است که روزی حضرت علی (ع) همراه همسرش فاطمه (س) به صحرا رفتند و در آن جا خرما خوردند، آن گاه بین هردو مفاخره شروع شد که مفاخره‌ی هردو خیلی به درازا کشید.

لَنْ أَلْمَأَمَةَ عَلَى بَنِي آلِ أَبِي طَالِبٍ (ع) لَنْ حَاتَتْ بَنِي هَرَوَازِ بْنِ نَاهِيَةَ (ع) بِاللَّيْلِ تَنْزِلُ فِي الصَّحْرِ إِذَا  
 نَحَاهَا بَيْنَهُمَا وَاللَّهُ

### شریک شادی‌های دیگران

حضرت زهرا (س) در شادی‌های همسایگان و خویشاوندان نیز شریک بود. در مباحث قبلی، بخش همسایه، یادآور شدیم که حضرت در عروسی یهودی‌ها نیز شرکت می‌کرد.

همین‌طور، حضرت فاطمه (س) در شب عروسی‌اش شاد بود و شعرهای در توصیف همسرش علی (ع) می‌خواند. حضرت در روزهای شنبه، پای مزار می‌رفت، با فرزندان خود بازی و شادی می‌کردند و شعر می‌خواندند. حضرت فاطمه (س) بارها با حضرت علی (ع) هم مشاعره و هم مفاخره داشته است.

1. تفسیر القمی ج 2 ص 355.

2. الفضائل لابن شاذان، ص ۸۰.



## هر هفته به زیارت قبور شهدا رفتن

یکی از مواردی که انسان را شاد و راحت می‌کند بازدید و رفتن در اماکن زیارتی است. از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت فاطمه(س) هر هفته، صبح روز شنبه، به زیارت قبور شهدای اُحد می‌رفت و در میان آن‌ها در کنار قبر حضرت حمزه توقف بیشتر می‌نمود و برای او طلب رحمت و مغفرت می‌کرد (فاصله‌ی خانه‌ی حضرت فاطمه(س) تا قبرستان شهدای اُحد پنج و نیم کیلومتر است و حضرت هر هفته این فاصله‌ی زیاد را می‌پیموده است). این امر سالم بودن و نشاط داشتن حضرت زهرا را می‌رساند.

هَذَا يَوْمَ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَائِدَةٌ فِيهَا خُبْرٌ فَتَدَاوَسْتِ أَهْلَهُ وَقَالَتِ لَأَأْتِيَنَّهُمْ خُبْرٌ فَقَالَ لَهُمَا اللَّهُكَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ هَاتِيَنِ الْخُبْرَ فَنَازَلَتْ لَهُنَّ حُمُرٌ مَحْمُورَةٌ

## رفتن برای مشاهده‌ی قربانی

کمک به دیگران و کار خیر و خیرات و قربانی کردن نیز در نشاط انسان کمک می‌کند. حضرت فاطمه(س) در مناسبت‌ها حیوانی را قربانی می‌کرد و روزی که می‌خواست حیوانی را قربانی کند، حضرت پیامبر(ص) با خبر شد و به فاطمه(س) فرمود: فاطمه جان! برو نزد قربانی خود و آن را ببین؛ زیرا با ریختن اولین قطره‌ی خون آن، همه‌ی گناهان گذشته‌ی تو آمرزیده می‌شود. فاطمه(س) عرض کرد: ای رسول خدا! آیا این فقط برای ما است؟ پیامبر(ص) فرمود: برای ما و برای همه‌ی مسلمان‌ها است.

<sup>1</sup> . تهذیب الاحکام، ج 1 ص 465. در روایات آمده است که بهترین مواقع زیارت، بعد از ظهر روز پنجشنبه

تا غروب است. صبح شنبه و صبح جمعه از اذان صبح تا طلوع آفتاب هم زیارت اهل قبور فضیلت دارد.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا فَاطِمَةَ نُرْمِيكَ لِأَنَّكَ بِلَوْلِ نَظَرِي تَنْفَعُ مِنِّي  
 حَمْدًا [بِأَنَّ] نَظَرِيكَ مَا يَنْفَعُكَ مِنْ خَيْرِكَ فَالْتَبَرِي بِأَسْمَاءَ النَّاصِبَةِ؟ قَالَ: بَلْ لَنَا  
 لِلْمَسْلُومِينَ هَامًا

و در روایتی دیگر این جمله افزوده شده است که: دخترم وقتی قربانی ات را  
 مشاهده کردی این دعا را بخوان:

أَنْ صَلَّيْتَ وَرَمَيْتَ بِرِجْلَيْهِ رَمَلًا فِي حُزْبِ الْعَالَمِينَ (الشرک لہ) وَبِحَلِّكَ لِمَرْتِ وَأَنَا لِرَبِّ  
 الْمَسْلُومِينَ<sup>۲</sup>

### مشاهده‌ی کشتی‌گیری فرزندان

داشتن فرزندان با تربیت و سالم و گذراندن ساعتی در کنار آنها و مشغول  
 شدن به تربیت آنها بسیار لذت بخش و شادی آفرین است. یکی از تفریح‌های  
 سالم حضرت فاطمه (س) تماشای مسابقه‌ی کشتی‌کشی حسین بود. در کتاب ارشاد  
 شیخ مفید<sup>۳</sup> و امالی شیخ طوسی<sup>۴</sup> نقل شده است که حسن و حسین (ع) کشتی

1. العوالم العلوم، ج 11 ص 357.

2. العوالم العلوم ج 11 ص 357.

3. محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید متکلم و فقیه امامیه در قرن‌های چهارم و پنجم قمری می‌زیسته  
 است. گفته‌اند شیخ مفید با تدوین علم اصول فقه، روشی جدید در اجتهاد فقهی ارائه داد که راه میانه‌ای بود در برابر  
 دو روش «عقل‌گرایی افراطی» و «اکتفاکردن به روایات بدون توجه به عقل». شیخ صدوق، ابن جنید اسکافی و ابن  
 قولویه از جمله برجسته‌ترین استادان شیخ مفید هستند. شیخ طوسی، سید مرتضی، سید رضی و نجاشی هم از  
 مشهورترین شاگردان اویند. الْمُقْنِعَةُ در علم فقه، اوائل المقالات در دانش کلام و الارشاد در شرح حال امامان شیعه  
 معروف‌ترین آثار وی است، مقبره‌ی وی اکنون در حرم کاظمین قرار دارد.

4. محمد بن حسن بن علی بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفة (به معنای بزرگ  
 قوم/بزرگ شیعیان)، از بزرگ‌ترین محدثان و فقیهان شیعه است. وی نویسنده‌ی دو کتاب «التهذیب» و



گرفتند. پیامبر خدا فرمود: حسن! برو جلو. فاطمه(س) گفت: ای پیامبر خدا! حسن را تشویق می‌کنی، با این که بزرگ‌تر است؟ پیامبر(ص) فرمود: من حسن را تشویق می‌کنم و جبرئیل، حسین را.

وَبِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَبَانَ بْنِ الْفَخَّارِ بْنِ جَهْرَةَ بْنِ عَبْدِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ اضْطَرَّ إِلَى الْمَسْنَنِ وَالْحَسَنِ (ع) بَيْتَ بَحْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَهَا أَسْتَنْتَ خَدَّ عَمَّ يَا فَاطِمَةُ (ع) يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمْ يَنْصُرْ إِلَّا فِيهِ الْغَضَبُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَهَذَا جَبْرِيْلُ (ع) يَقُولُ لِلْحَسَنِ لَهَا يَا سَيِّدًا [حَسَنِ] خَدَّ الْمَسْنَنِ

### بازی با کودکان

یکی دیگر از سرگرمی‌ها و تفریح حضرت فاطمه(س) بازی با کودکان‌شان بود. حضرت فاطمه(س) با حسنین(ع) بازی می‌کرد، با آن‌ها شعر می‌خواند و آن‌ها را بالا و پایین می‌انداخت، بدین ترتیب لحظات بسیار شاد و مفرحی را



«الاستبصار» از کتاب‌های چهارگانه‌ی حدیثی شیعه است. در ۲۳ سالگی از خراسان به عراق آمد و از اساتیدی؛ چون شیخ مفید و سید مرتضی استفاده برد. خلیفه‌ی عباسی، کرسی تدریس کلام بغداد را به او سپرد. هنگامی که کتاب‌خانه‌ی شاپور در آتش سوخت، به ناچار به نجف رفت و در آن‌جا حوزه‌ی علمیه ساخت. شیخ طوسی، بعد از وفات سید مرتضی رهبری و مرجعیت شیعیان را بر عهده گرفت. نظریات و نوشته‌های فقهی او مثل نه‌ایه، الخلاف و مبسوط، مورد توجه فقہان شیعه است. التبیان، کتاب مهم تفسیری اوست. شیخ طوسی در سایر علوم اسلامی مثل رجال، کلام و اصول فقه نیز صاحب‌نظر بود و کتاب‌های او جزء کتاب‌های مرجع علوم دینی است. او تحول در اجتهاد شیعی را آغاز کرد و مباحث آن را گسترش داد و در برابر اجتهاد اهل سنت به آن استقلال بخشید. نام‌دارترین شاگرد او ابوالصلاح حلبی است. وی در خانه‌ی خود در نجف دفن گردید و اکنون این خانه تبدیل به مسجد و آرامگاه شیخ طوسی گردیده است.

1. الارشاد، ج 2 ص 128؛ الامالی، ص 513.



سپری می‌کرد که در صفحات بعد به صورت مفصل به این داستان اشاره خواهد شد.<sup>1</sup>

مهم‌ترین شادی، اطاعت از خداوند(ج) است که در زندگی معصومان(ع) این ویژگی وجود داشته و آن‌ها همیشه در پرتو عبادت خدا و فرمانبرداری از پروردگار شاد بوده‌اند. شادی و تفریح ظاهری نیز در سیره‌ی امامان و معصومان وجود داشته است و آن بزرگواران به آن اهمیت می‌داده‌اند.

همان‌گونه که در سخنان پیامبر گرامی اسلام(ص) و سایر معصومین(ع) مشاهده می‌شود، مزاح، شادی و تفریح در حد اعتدال و میانه، پسندیده است و بیش از آن موجب از بین رفتن هیبت و آبروی انسان می‌گردد. شادی، مزاح و تفریح در ایام عادی و در ایام جشن و اعیاد پسندیده است؛ اما در ایام حزن و اندوه مذمت شده است.

مزاح نباید انسان را از حق‌گویی خارج ساخته و باعث تمسخر و تحقیر کسی یا قوم و گروهی گردد.

امنیت، عدالت، داشتن شغل، رفاه اقتصادی و... از جمله عوامل مهم در خوش‌حالی است و نقش برجسته‌ای در شادی و نشاط جامعه دارد.

### اصول حاکم بر روابط بین فرزندان و والدین

زن و شوهر دو پایگاه متقابل در خانواده دارد و به عنوان عناصر اساسی، قوام خانواده وابسته به آن‌ها است که متناسب به پایگاه آنان نقش‌های به عهده‌ی شان گذاشته شده است که باید آن را به خوبی ایفا کند. در صفحات پیشین شما با نقش‌های زن و شوهر آشنا شدید، به همین ترتیب فرزندان و

1. مناقب آل ابی‌طالب، ج 3 ص 389.



والدین منزلت خاصی در درون خانواده دارد که متناسب با آن از والدین و فرزندان انتظارات خاصی مد نظر است و هرکدام در درون خانواده نقش‌های متناسب با پایگاه و انتظارات شان ایفا می‌کنند.

یکی از روابطی که در اسلام به آن زیاد سفارش شده است، نیکی به والدین است، تا آن‌جا که احسان به آن‌ها در ردیف اطاعت خدا (ج) قرار گرفته است و بی‌احترامی و قطع رابطه با آنان از جمله‌ی گناهان بزرگ محسوب شده است.

### شاخص‌های نیکی به والدین

برای نیکی کردن به والدین سفارش‌های زیادی شده است که در ذیل به شاخص‌های مهم آن اشاره می‌شود:

#### احسان

وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ﴿١٨﴾ (پس پروردگارا! با احسان خود با والدین خود را بدار).

بر فرزندان لازم است که با والدین خود با احسان و نیکی رفتار کنند. معنای احسان این است که آن‌چه والدین در حق فرزند انجام داده‌اند، فرزند چیزی بیشتر از آن را انجام بدهد؛ زیرا اگر فقط به همان اندازه‌ی که والدین به او خوبی کرده‌اند، فرزند به آن‌ها خوبی کند، در واقع همان حق آن‌ها را برگردانده و بس و احسانی صورت نگرفته است.

حضرت فاطمه (س) هم در قبال پدر و هم در قبال مادرش احسان داشته است و ایثارگرایانه در حق آن‌ها نیکی نموده است که در مباحث گذشته به نمونه‌های از آن آشنا شدید.

1. سوره اسراء، آیه 23



## سخن نیکو و نرم گفتن

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لَا تَقْفُلْ عَلَىٰ آلِكَ وَالْأَقْرَبِينَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ أَمْرٍ إِنَّهُمْ يَخْشَوْنَكَ

(زنهار کلمه‌ای که به خاطر آن والدین شما رنجیده شود، مگویید و کمترین آزاری به آنان مرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن گوید).

در این آیه به صراحت بیان شده است که در برابر پدر و مادرت حتی «أف» هم نگو و بر آن‌ها که دیگر پیر شده‌اند داد مزین و صداقت را بلند نکن؛ بلکه با آن‌ها نیکو، آرام، توأم با عطف و مهربانی سخن بگو.

وقتی پدر و مادر انسان پیر می‌شوند، دل‌هایشان شکسته می‌شوند و تقریباً دوباره عادت کودک را پیدا می‌کنند؛ اما از آن سوی، فرزندان، تازه به سن جوانی و ایام غرور رسیده‌اند که باید مواظب باشند، دل والدین را با سخنان تند و خشن خود نشکنند.

حضرت فاطمه(س) در قبال پدر و مادر خود همیشه با نرمی و مهربانی سخن گفته و آن‌ها را دل‌داری نموده است. در تاریخ، هیچ موردی دیده نشده است که حضرت فاطمه(س) در قبال والدین خود سخن تند گفته باشد.

## تواضع

در قرآن کریم آمده است: وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ<sup>۲</sup>؛ (و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران؛ یعنی در برابر آن‌ها تواضع کن).

1. سوره اسراء، آیه 23.

2. سوره اسراء، آیه 24.



حضرت فاطمه(س) روی قبر پدرش بیت‌الاحزان ساخته بود که در تاریخ معروف است. حضرت فاطمه(س) در قبال والدین خود متواضع بود و هر زمان پیامبر(ص) به خانه‌اش می‌آمد، از وی استقبال گرم می‌کرد و متواضعانه با پدر سخن می‌گفت و متواضعانه در برابرش می‌نشست.

### دعا در حق پدر و مادر

در قرآن کریم آمده است: در حق پدر و مادرت دعا کن و بگو: **رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا**

**رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا** (پروردگارا! همانگونه که پدر و مادر، مرا در کودکی با مهربانی تربیت کردند، تو در حق آنان رحمت و مهربانی فرما).

دوران کودکی‌ات را به یاد آور و در حق والدین خود دعا کن. حضرت فاطمه(س) هم در زمان حیات و هم در زمان رحلت والدین، آن‌ها را لحظه‌ای از یاد نبرد؛ همیشه سر قبر آن‌ها می‌رفت و در حق‌شان دعا می‌کرد.

### سپاس‌گزاری از والدین

در قرآن کریم از سفارش‌های لقمان حکیم نقل شده است که خداوند

می‌فرماید: **لَا تَقْسِرْ وَرَأْسَكَ لِلْأَرْضِ وَرَأْسَكَ لِلرِّجَالِ** (از من و پدر و مادر خود سپاس نگو).

انسان باید از ولی نعمت خود سپاس‌گزاری نموده و قدردان وی باشد؛ ولی نعمت اصلی، خداوند سبحان است؛ اما در مرحله‌ی بعد، والدین محسوب

1. همان.

2. سوره لقمان، آیه 14.



می‌شوند که برای بزرگ کردن و تربیت فرزندان‌شان تلاش بسیار می‌کنند و مشکلات فراوانی به جان می‌خرند.

حضرت فاطمه(س) همیشه قدردان زحمات والدین خود بود و از آنها سپاس‌گزاری می‌کرد، همچنین به فرزندان خود سفارش می‌کرد که قدردان والدین خود باشند. در مباحث گذشته نمونه‌های آن را خواندیم که چگونه حضرت فاطمه(س) عظمت پدر را به فرزندان خود آموزش می‌داد.

### فلسفه‌ی نیکی به والدین

حضرت زهرا(س) در خطبه‌ی فدکیه در باره‌ی فلسفه‌ی نیکی به والدین فرمود: خداوند نیکی به پدر و مادر را برای این قرار داده است تا شما را از غضب خود ننگه دارد. رَبُّ الرَّحْمَنِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

### شهادت به رسالت پدر

حضرت زهرا(س) جایگاه پدر را خوب شناخته بود و آن را برای دیگران نیز معرفی می‌کرد و می‌فرمود: شهادت می‌دهم که پدرم محمد(ص) بنده و فرستاده‌ی خداوند بود که پیش از بعثت به مقام رسالت و نبوت در عالم غیب برگزیده شد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

1. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1 ص 99.

2. همان.



## درد و سلام فرستادن بر پدر

حضرت زهرا(س) در جاهای مختلف، از جمله در خطبه‌ی فدکیه<sup>۱</sup> از پدرش به نیکی یاد کرد؛ مواضع او را ستود، خدماتش را برای مردم بازگو کرد و مقام ارجمند او را برای مردم بیان کرد و فرمود: صلوات خدا بر پدرم که نبی و امین خداوند بر وحی بود و برگزیده و منتخب او از میان تمام خلق؛ سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

صَلِّ عَلَى أَبِي طَالِبٍ وَ عَلَى خَدَائِمِهِ وَ عَلَى رِجَالِهِ وَ عَلَى الْمَسْكِينِ وَ عَلَى الْوَالِدِ الْمَرْغُومِ

### تمجید از پدر

حضرت زهرا(س) پدر را همیشه تمجید و تکریم می‌کرد. حضرت زهرا(س) با ترسیم جامعه‌ی جاهلی که پر بود از تاریکی، جهالت، بت‌پرستی، ستم و...، نقش پدر را در تغییر اوضاع جامعه برجسته دانسته و فرمود: خداوند به وسیله‌ی پدرم حضرت محمد(ص) تاریکی‌های امت را به نور تبدیل کرد.

بِأَنَّكَ لَسَلْبٌ مِنْ عَمِّهِ (ص) طَلَبْنَا

1. خطبه‌ی فدکیه، سخنرانی فاطمه‌ی زهرا(س) در مسجدالنبی پس از رحلت رسول خدا(ص)، جهت بازپس گرفتن فدک است. ابوبکر چند روز پس از به خلافت رسیدن، اعلام کرد: فدک، ملک شخصی نیست و جزو بیت‌المال است و نباید در تملک دختر پیامبر بماند؛ به همین جهت عاملان فاطمه‌ی زهرا(س) را از فدک بیرون کرد. پس از آن‌که دادخواهی فاطمه‌ی زهرا(س) نزد ابوبکر بی‌نتیجه ماند، دختر پیامبر به مسجد پیامبر(ص) رفت و این خطبه را جهت روشن کردن ماجرا و بازپس گرفتن فدک خواند. فاطمه(س) در این خطبه، بر مالکیتش بر فدک تصریح کرد و حق خود را در پیش روی عموم مردم، از ابوبکر طلب کرد. متن این خطبه در منابع شیعه و اهل سنت آمده است. به این خطبه در برخی از منابع عربی و فارسی خطبه‌ی اللّمة یا خطبه‌ی لُمّه نیز گفته می‌شود.

2. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1 ص 99.

3. همان، ص 99.





### افتخار به تبار رسالت (هویت شخصی)

حضرت زهرا(س) وقتی می‌خواهد خود را برای مردم معرفی کند، نام پدر را می‌برد و در خطبه‌ی فدکیه خطاب به مردم می‌فرماید: ای مردم! بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد - که صلوات و سلام خدا بر او باد- می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمَدِينَةُ يَا مَدِينَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

### بیان فضائل پدر(مردمی، دل‌سوز، مهربان)

حضرت زهرا(س) فضائل پدرش را برای مردم از قرآن بیان می‌کند و به چنین پدری افتخار می‌کند و خود را منسوب به او می‌داند. حضرت در خطبه‌ی فدکیه می‌فرماید: پیامبری از خود شما برای شما فرستاده شده است که هرآن‌چه شما را رنج می‌دهد بر او گران تمام می‌شود و او سخت به شما دل بسته و با مؤمنان مهربان است. این رسولی که از جانب خدا آمده، اگر تحقیق کنید پدر من بود نه پدر زنان شما؛ در عقد اخوت او برادر پسر عموی من بود نه مردان شما؛ چه نسبت نیکویی میان آن دو است.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْرُقُ الْإِنْسَانَ مِنْ إِخْوَانِهِ يَأْتِيكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْحَقِّ وَالرَّسُولِ الرَّحِيمِ

### احترام حضرت زهرا(س) به پدر

از امام صادق(ع) روایت شده است که حضرت فاطمه(س) فرمود: وقتی آیه‌ی 63 سوره‌ی نور نازل شد و از مسلمانان خواست که رسول خدا(ص) را

1. همان.

2. همان.



آن گونه که همدیگر را می‌خوانند صدا نکنید، ترسیدم که رسول خدا(ص) را با لفظ ای پدر جان بخوانم؛ من هم مانند دیگران پدر را با نام یا رسول الله صدا زدم. دو سه بار که حضرت را با این نام خواندم، رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه! این آیه در باره‌ی تو و خانواده‌ی تو و نسل تو نازل نشده است. فاطمه جان تو از من و من از تو هستیم، همانا این آیه برای ادب کردن ستم‌کاران و جاهلان و زشت‌خویان قریش و انسان‌های خودخواه و متکبر نازل شده است. دخترم، تو مرا با جمله‌ای پدر خطاب کن که مایه‌ی حیات قلب من است و خداوند را خشنود می‌کند.

فَمَنْ صَلَّحْتَ فَرِحَ ، فَأَلْتَ فَاظْمَةَ أُمَّ ابْنِ بَيْتٍ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ  
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ  
 فِي بَيْتِ فَاظْمَةَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ  
 لِيُخْبِرَ الْفَاطِمَةَ أَنَّهَا نَزِلَتْ فِيهَا الْبُرُوقُ وَرَأَى فِيهَا الْفُجْرَانُ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ

خوش آمدگویی فاطمه(س) به پدر: عایشه روایت می‌کند که من کسی را از نظر سخن گفتن به پیامبر(ص) شبیه‌تر از فاطمه(س) ندیدم. ... وقتی پیامبر(ص) در منزل فاطمه(س) وارد می‌شد، حضرت فاطمه(س) به پدرش رسول خدا خوش آمدید می‌گفت. .

فَمَنْ صَلَّحْتَ فَرِحَ ، فَأَلْتَ فَاظْمَةَ أُمَّ ابْنِ بَيْتٍ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ  
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ ، قَبْلَ مَا تَرَ لَيْتَ

1 . مناقب آل ابی طالب(ع)، ج 3 ص 320.

2 . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، ج 2 ص 253.



به استقبال پدر ایستاد شدن: وقتی پیامبر(ص) در منزل فاطمه(س) وارد می شد، حضرت فاطمه(س) به احترام پدر از جا بلند می شد و می ایستاد...

هِنَّ كَايِسَاتٌ لِّهَا قَالَتْ: وَاللَّهِ لَمَّا رَمَلَ الرَّسُولُ (ص) إِذَا كَانَ مِنْهَا رَجَبٌ بِرَأْسِ الْبَيْتِ الْبَرِّ الْبَرِّ

دست پدر را بوسیدن: وقتی پیامبر(ص) در منزل وارد می شد، حضرت فاطمه(س) به پدرش خوش آمدید می گفت، به احترامش از جا بلند می شد و دست پدر را می بوسید.

هِنَّ كَايِسَاتٌ لِّهَا قَالَتْ: وَاللَّهِ لَمَّا رَمَلَ الرَّسُولُ (ص) إِذَا كَانَ مِنْهَا رَجَبٌ بِرَأْسِ الْبَيْتِ الْبَرِّ الْبَرِّ  
بِحَبْلِ يَدَيْهِ

### احترام به قبر پدر

حضرت فاطمه(س) بعد از رحلت پدر، قبر حضرت را گرمی می داشت. به زیارت آن می رفت، اطراف قبر طواف می کرد، شعر می خواند و عزاداری و گریه می کرد. در روایات آمده است که: فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) بعد از این که حق شوهرش و حق خودش (فدک) غصب شد، وارد مسجد شد و قبر پدرش را طواف کرد و در حالی که گریه می کرد، اشعاری را خواند و از فراق پدر شکوه کرد.

رَوَيْتُ عَنْهَا فِي الرَّسْمِ حِينَ مَاتَ بِرَأْسِ الْبَيْتِ الْبَرِّ الْبَرِّ  
عَلَيْهَا لَمَّا رَمَلَ الرَّسُولُ (ص) إِذَا كَانَ مِنْهَا رَجَبٌ بِرَأْسِ الْبَيْتِ الْبَرِّ الْبَرِّ

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضُ وَإِبِلُهَا / وَاخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدُهُمْ وَ لَا تَغِبْ<sup>3</sup>

1. همان.

2. بشاره المصطفی لشبهه المرتضى، ج 2 ص 253.

3. تفسیر القمی، ج 2 ص 157. یعنی پس از تو خبرها و گرفتاری های زیادی بود که اگر تو بودی این همه



## حمایت از پدر

از امام صادق(ع) روایت شده است که روزی پیامبر خدا(ص) در سجده بود و اطرافش گروهی از قریشیان جمع بودند. یکی از ایشان گفت: کیست که این بچه‌دان شتر را بر پشت پیامبر اندازد؟ عقبه بن ابی معیط<sup>۱</sup> پیش آمد و آن را بر پشت پیامبر انداخت. در این هنگام فاطمه(س) آمد و آن را از پشت پیامبر(ص) برداشت و کسانی را که این کار را کرده بودند، نفرین کرد. عبدالله می‌گوید: من تا آن روز ندیده بودم که پیامبر(ص) قریش را نفرین کند؛ اما آن روز حضرت پیامبر آن‌ها را نفرین کرد و - فرمود: «خدایا! این سران قریش را، خدایا! ابو جهل بن هشام، عتبه بن ربیعہ، عقبه بن ابی معیط و امیه بن خلف را

→

گرفتاری رخ نمی‌داد. ما تو را از دست دادیم مانند زمینی که از باران بی‌نصیب می‌گردد، امت تو دگرگون شدند بر آنان شاهد باش.

1. عقبه بن ابی معیط از بزرگان قریش بود، از هیچ سفری نمی‌آمد مگر آنکه طعامی می‌ساخت و همه اهل مکه را دعوت می‌کرد، و بسیار با رسول خدا (ص) می‌نشست، و از گفتگوی او خوشش می‌آمد. پس روزی از سفری بیامد، و طعامی درست کرد، و رسول خدا (ص) را به طعام خود دعوت کرد، حضرت فرمود: هرگز طعام تو را نخواهم خورد مگر وقتی که شهادت دهی معبودی جز خدا نیست و من رسول خدایم، عقبه گفت: برادر زاده بخور، فرمود نمی‌خورم مگر وقتی به این معنا شهادت دهی، پس شهادت داد، و حضرت از طعامش خورد. وقتی این خبر به گوش ابی بن خلف رسید، نزد او رفت و گفت ای عقبه تو هم از دین درآمدی؟! و ابی از دوستان عقبه بود. گفت: نه، در نیامدم، ولی این مرد بر من وارد شد، و از غذا خوردن امتناع کرد، مگر وقتی که شهادت دهم، من شرم کردم که غذا نخورده از خانه‌ام بیرون شود، شهادت دادم، ابی گفت من از تو خوشنود نمی‌شوم مگر آنکه بروی آب دهان به روی او بیندازی، عقبه همین کار را کرد، رسول خدا (ص) فرمود تو را خارج مکه نبینم که به قتلت می‌رسانم. همچنین یک بار فضولات شکمبه و یک بار هم دستمال به گردن حضرت پیامبر انداخت.



برگیر.» - من همه را دیدم که در جنگ بدر کشته شدند و در چاهی انداخته شدند؛ مگر امیه که تنومند بود، پیش از آن که به چاه برسد، تکه تکه شد.<sup>۱</sup>

### تشویق دیگران به حمایت پدر

حضرت فاطمه(س) دیگران را تشویق کرد تا از پدرش حمایت کنند. وقتی بچه‌دان شتر را بر پیامبرانداختند، دخترش فاطمه(س) آمد و آن را از پیامبر(ص) دور کرد، سپس نزد ابوطالب آمد و گفت: عموجان! پدرم در میان شما چه ارزش و جایگاهی دارد؟ ابوطالب گفت: دخترم! پدرت در میان ما، آقای راهنما، مطاع، ارجمند و بزرگوار است؛ چرا این سخن را گفتی؟ فاطمه(س) رفتار قریش را بازگو کرد، ابوطالب با سران قریش آن کاری را کرد که باید می‌کرد. [ابوطالب به حمزه<sup>۲</sup> گفت: شمشیر خود را بردار، سران قریش در مسجدالحرام

1. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) سَاجِدٌ وَ حَوْلَهُ نَاسٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَ تَمَّ سَلَى بَعِيرٍ فَقَالُوا مَنْ يَأْخُذُ سَلَى هَذَا الْجَزُورِ أَوْ الْبَعِيرِ فَيَبْدُفُهُ عَلَى ظَهْرِهِ فَجَاءَ عَثْبَةُ بْنُ أَبِي مُعَيْطٍ فَقَذَفَهُ عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ (ص) وَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ (ع) فَأَخَذَتْهُ مِنْ ظَهْرِهِ وَ دَعَتْ عَلَى مَنْ صَنَعَ ذَلِكَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ دَعَا عَلَيْهِمْ إِلَّا يَوْمَئِذٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ الْمَلَأُ مِنْ قُرَيْشٍ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ أَبَا جَهْلٍ بِنِ هِشَامٍ وَ عَثْبَةَ بِنِ رَبِيعَةَ وَ شَيْبَةَ بِنِ رَبِيعَةَ وَ عَثْبَةَ بِنِ أَبِي مُعَيْطٍ وَ أُمَيَّةَ بِنِ خَلْفٍ أَوْ أَبِي بِنِ خَلْفٍ شَكَّ شُعْبَةَ عَدَّ سَبْعَةَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَرَأَيْتَهُمْ لَقَدْ قُتِلُوا يَوْمَ بَدْرٍ وَ أَلْقُوا فِي الْقَلْبِ أَوْ قَالَ فِي بَشْرِ غَيْرٍ أَنْ أُمَيَّةَ بِنِ خَلْفٍ أَوْ أَبِي بِنِ خَلْفٍ كَانَ رَجُلًا بَادِنًا فَتَقَطَّعَ قَبْلَ أَنْ يُبَلِّغَ بِهِ الْبَيْتَ. (اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۷)

2. حمزه بن عبدالمطلب، ملقب به اسدالله، اسد رسول الله و سید الشهداء، عموی پیامبر اکرم(ص) و از شهدای اُحُد است. حمزه از حامیان مهم دعوت پیامبر اکرم(ص) بود. گفته‌اند که او حتی در زمانی که هنوز مسلمان نشده بود، از پیامبر(ص) در مقابل آزار مشرکان حمایت می‌کرد. وی از بزرگان قریش بود. از این رو، با مسلمان شدنش، از میزان آزار قریش نسبت به پیامبر(ص) کاسته شد. او در شعب ابی‌طالب همراه مسلمانان بود و در غزوه بدر و احد شرکت داشت و در جنگ با مشرکان در غزوه احد در سال سوم هجری به شهادت رسید. گفته شده است که حضرت فاطمه(س) به زیارت قبر حمزه می‌رفت و آن را با سنگ‌چین مشخص کرده بود. همچنین به گزارش



بودند، آنان با شمشیرهای برهنه و آخته بر ایشان وارد شدند و ابوطالب به حمزه گفت: من این بچه‌دان را بر سبیل‌های اینان می‌مالم، هر کدام امتناع کرد گردش را بزن. هیچکس از جای خود بلند نشد تا ابوطالب آن‌را بر سبیل‌های همه مالیدند. [سپس نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: فرزند برادر! آیا راضی شدی؟ سپس نزد فاطمه(س) آمد و عرض کرد: دختر جانم! این است ارزش پدر تو در میان ما.

(درم) اَللّٰهُمَّ بِالْمَسْئَلَةِ جَاءَتْ لِيَنَّ نَايِبًا (ص) مَا طَلَبْتَ هَذَا بِرَحْمَتِكَ لِيُطَلَّبَ رَحْمَةً  
 لِيَسْتَفْتِيَ بِهَا مَا سَأَلَ فِي عَمَلٍ نَفَلٍ بِإِيْتَابِكَ عَلَيَّ الْمَسْجِدَ الطَّاهِرَ الْكَرِيمَ مَا سَأَلَ  
 نَأْسُ دِيَارِهِمْ الْفَرَى نَفَقًا مَا نَفَقَ بِالسَّاحِلِ مِنْ قَرِينٍ مِمَّنْ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) قَالَ هَلْ رَضِيتَ  
 بِالْإِنِّ أَخِيَّ هَذَا نَايِبًا (ص) قَالَ بِإِيْتَابِكَ خَلَّ سَبْلُكَ عَلَيَّ

### حس بی‌پدری؛ حس تنهایی

از حضرت زهرا(س) در فراق پدر تعبیر گوناگونی بیان شده است که جان‌سوز و ناراحت‌کننده است. در این جا برخی از مهم‌ترین و مشهورترین تعابیری که از حضرت زهرا(س) در فراق پدر بیان شده است، آورده می‌شود:

پدرجان! یکه و تنها باقی مانده‌ام و در کار خویش سرگردان و حیرانم، صدایم گرفته، پشتم شکسته، زندگیم درهم ریخته و روزگارم تیره شده است.



طبرسی، حضرت زهرا(س) با خاک قبر حمزه بن عبدالمطلب تسبیحی ساخته و با آن ذکر می‌گفت. آرامگاه حضرت در مدینه دارای بارگاه بوده است که توسط وهابی‌ها تخریب شده است.

1. ایمان ابی‌طالب، ص 352، موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهرا (س)، ص 24.



بِالْبَلَاءِ يَهْتَرُ وَالرَّاحِبَةَ رَحِمَ نَدَاؤِ يَحْتَوِي نَفْسًا لَمْ تَصْرِحْ بِرَأْفَتِهِمْ فَكَيْفَ رَأْفَتُكَ  
مَهْمُشِي رَأْفَتُكَ دَهْرِي

از دست دادن پدر یعنی از دست دادن پشتیبان زندگی: حضرت زهرا(س) فرمود: پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم، مانعی برای گریه ام و پشتیبان و یآوری برای ضعفم پیدا نمی کنم.

مَا لِي بِأَبِيكَ يَا بَدَدَلُ أَيْسَأَلُكَ شَيْءٌ وَلَا رَأْفَتُكَ يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا

دنیای بی تو دنیای بی وفایی: حضرت زهرا(س) در فراق پدر فرمود: پدر جان! بعد از تو روابط انسان ها دگرگون شد و درها به روی من بسته گردید. پدر عزیزم! من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم برآید بر تو گریه خواهم نمود. پدر جان! شوق من نسبت به تو پایانی ندارد و حزن من بعد از تو انجामी! سپس فریاد کشید: ای پدر! ای پروردگار جهانیان.

لَقَدْ لَبَّتُ بِدَدَلٍ يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا  
أَنْفَاسِي يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا يَا كَرِيمًا

### عظمت در کنار پدر

ای پدر جان! بعد از تو ما بیچاره و مستضعف شدیم و مردم از ما روی برتافتند، ما در محضر تو عظیم بودیم و بعد از تو ذلیل و خوار گشتیم.

بِالْبَلَاءِ أَسْتَبَدَدَلُ مِنَ الْمُسْتَظْفِقِينَ بِالْبَلَاءِ وَأَصْبَحَتِ النَّاسُ مَتَاهِرِينَ رَأْفَتُكَ يَا كَرِيمًا  
مَعْلُومِينَ فِي النَّاسِ يَوْمَ تَضْفِقُونَ

1. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 43، ص: 176

2. همان.

3. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 43، ص: 176؛ نهج الحيات، ص 69.

## گریه‌ی زهرا(س) در فراق پدر

از امام صادق(ع) روایت شده است که پنج تن از جمله‌ی بسیار گریه‌کنندگان تاریخ به شمار آمده است: آدم(ع) که به خاطر بهشت گریه کرد تا آن‌جا که هردو گونه‌اش مانند وادی‌ها گردید؛ یعقوب(ع) که به خاطر فرزندش، یوسف(ع)، گریه کرد تا جایی که بینایی‌اش را از دست داد؛ یوسف(ع) که به خاطر پدر خود، یعقوب(ع)، گریه کرد تا جایی که زندانیان در اذیت افتادند و به یوسف(ع) گفتند یا شب گریه کن و روز ساکت بمان و یا روز گریه کن و شب ساکت باش؛ فاطمه(س) که به خاطر رسول خدا به اندازه‌ای گریه کرد که اهل مدینه در اذیت شدند و گفتند به خاطر گریه‌ی زیادت ما را اذیت می‌کنی، آن‌گاه حضرت زهرا(س) به سمت قبرستان شهدا خارج شدند؛ علی بن الحسین(ع) که به خاطر پدرش امام حسین(ع) بیست سال و بنا بر قولی، چهل سال گریه کرد و هیچ وقت غذا جلویش نگذاشت مگر این که گریه کرد.

لَيْسَ فِي هَذَا الْقَرْيَةِ (ع) قَالَ الْبُكْرَةُ غَمًّا أَوْ رَيْبًا رِيْبًا مِنْهَا أَيْتَ فَمَعْدَرَةٌ هِيَ بِنْتُ  
الْحَسَنِ (ع) فَأَمَّا عَمَّا عَلَيْكَ عَلَى الْمَاءِ عَلَى صَارَ فِي حَيْضِ الْمَاءِ لَوْ حَيْضًا وَرَأَى بِهَفْرٍ عَلَيْكَ عَلَى  
بِرْمَفَةٍ عَلَى حَبَابٍ بَصْرٍ عَلَى فَمَلَّ اللَّهُ فَفَرَّكَ حَكْرًا بِرْمَفَةٍ عَلَى فَمَلَّكَ عَلَى رَضَا لَوْ كُنَّ مِنْ  
الْوَالِدِ رَأَى بِرْمَفَةٍ عَلَيْكَ عَلَى بِهَفْرٍ عَلَى فَأَخَذَ بِرَأْسِ الْمُسْتَحْنِ فَمَلَّ الرَّأْيَانَ فِيكَ اللَّيْلَ  
فَمَلَّكَ وَالنَّهْرَ وَالرَّأْيَانَ فِيكَ النَّهْرَ فَمَلَّكَ وَاللَّيْلَ فَصَلَّى عَلَيْكَ وَرَأَى حَيْضًا أَمَّا فَاطِمَةُ عَلَيْكَ عَلَى  
رَسُولِ الْمَرْصُ (ع) فَأَخَذَ بِرَأْسِ الْحَيْضِ فَمَلَّ مَا نَحْتِ أَحْبَبْنَا بِرْمَفَةٍ وَبِأَنَّكَ مَلَكَتْ عَشْرَ أَلْفِ  
الْفَقَائِدِ مَعَايِرِ الشَّهَادَةِ عَلَيْكَ عَلَى لَفْظِي عَلَى بَدَأَ فَمَلَّكَ بِرْمَفَةٍ رَأَى مَلِيًّا بِنْتُ الْحَسَنِ عَلَيْكَ عَلَى

1. بحار الأنوار، همان.





لَمْ يَنْبَغِ لِي أَنْ أَسْأَلَ رَجُلًا مِنْكُمْ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ إِلَّا جَاءَ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ  
 جَاءَتْ بِحَبْلٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ  
 خَرَجْتُ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ

فاطمه(س) خطاب به رسول خدا فرمود: ای رسول خدا، ای بزرگ پیامبران از اولین تا آخرین! با گریه ات همانا قلب مرا از جا کندی و جگرم را آتش زدی...  
 آنگاه خود حضرت فاطمه به گریه افتاد.

نَفَّاتُ نَهْطًا بِأَرْسُلِ الْمَسْخِ نَهْطًا فَلِي رَأْسُ نَيْتٍ كَيْدِي لِيَكُلَّ بِأَمْسِدِ النَّيْتِ مِنَ الْأَرْسُلِ  
 لِأَحْرَبِ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ  
 لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ لِيَأْتِيَ بِحَبْلٍ مِنْكُمْ

### سرودن و خواندن شعر در سوگ پدر

شعرهای زیادی منسوب به حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) است که آن حضرت در فراق پدر سروده و خوانده است. تعدادی از این اشعار در کتاب نهج الحیات جمع‌آوری شده است که: پانزده بیت تحت عنوان دردهای سوزناک؛ هفت بیت تحت عنوان در سوگ پدر و غروب خورشید نبوت؛ نه بیت تحت عنوان شکوه‌ها از غروب آفتاب و غربت اسلام؛ دو بیت تحت عنوان پیامبر(ص) جاودانه است؛ هفت بیت تحت عنوان شکوه از مصیبت و تنهایی - که در آن شعر معروف «صبت علی مصائب لو انهما / صبت علی الايام صرن ليالیا» نیز آمده است؛ سه بیت تحت عنوان اندوه پایدار؛ سه بیت تحت عنوان اشک‌های بی‌قرار و چهار بیت دیگر تحت عنوان غم بی‌پایان آمده است.

<sup>1</sup>. الخصال، ج 1 ص 273.

<sup>2</sup>. بحار الانوار، ج 22 ص 484.



## مخته و عزاداری برای پدر

بعد از خاک‌سپاری حضرت پیامبر (ص)، فاطمه (س) به سمت منزل برگشت. زنان اطراف فاطمه (س) جمع شدند و حضرت فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون»، خبر آسمان از ما قطع شد. آن‌گاه حضرت فاطمه (س) این الفاظ مشهور و مشخص را گفت: پدر جان، ای آن‌که بهشت برین جایگاه اوست؛ پدرجان، ای آن‌که نزد صاحب عرش مقام اوست؛ پدرجان، ای آن‌که جبرئیل جان پاک او را فرا می‌گرفت؛ پدرجان، ای آن‌که دیگر او را نمی‌بینم؛ این سخنان را همراه با نوعی دادخواهی و دردمندی از حوادث تلخی که برایش پیش آمده بود می‌آمیخت.

و پدر جان، ای آن‌که نزد صاحب عرش مقام اوست؛ پدرجان، ای آن‌که جبرئیل جان پاک او را فرا می‌گرفت؛ پدرجان، ای آن‌که دیگر او را نمی‌بینم؛ این سخنان را همراه با نوعی دادخواهی و دردمندی از حوادث تلخی که برایش پیش آمده بود می‌آمیخت.

## دل‌داری به مادر

حضرت خدیجه (س)، مادر حضرت فاطمه (س)، فقط تا پنج‌سالگی در کنار دخترش ماند و حضرت فاطمه (س) بیشتر از آن توفیق مصاحبت مادر را نداشت؛ اما در همین مدت - که دوران کودکی وی است و انتظار دل‌داری، احترام به مادر و... از یک کودک پنج‌ساله نمی‌رود - حضرت فاطمه (س) به خاطر علم لدنی و ادب بالایش، به مادر دل‌داری می‌داد و به وی احترام می‌گذاشت.

1. شرح نهج البلاغه لابن ابی حدید، ج 13 ص 43.



حضرت زهرا(س) وقتی دید مادرش ناراحت است و تأسف می خورد از این که مردم پیامبر امین را تکذیب می کنند، او را دل داری داد و به مادرش خدیجه(س) چنین گفت: مادر جان! اندوهگین و نگران نباش زیرا خداوند همراه پدرم است.

قالت خديجة: يا زهراء! انك تعلم ان الله عز وجل لا يترك عبداً من عباده يمشي في الارض الا وله رزق من ربه  
فاحذرت فاطمة عليها السلام من بطنها: يا امي! لا تخزي ولا تفرحي في رزقي فان الرزق لي<sup>1</sup>

### بیان مقام مادر

حضرت زهرا(س) مقام مادر را ارجمند می شمرد. حضرت در مورد مادر فرمود: همگام مادر شو، زیرا بهشت زیر گام های مادر است. عن فاطمة عليها السلام: ان

رجلها فان الجنة تحت اقدامها - یعنی الرزاق<sup>2</sup>.

روایتی دیگری قریب به همین مضمون از حضرت فاطمه(س) در مورد مقام مادر نقل شده است که حضرت فرمود: همگام مادر شو؛ زیرا بهشت آن جا

نزد گام های مادر است. عن فاطمة عليها السلام: ان رجلها فان الجنة<sup>3</sup>

<sup>1</sup> . عوالم العلوم، ج 11 ص 855.

<sup>2</sup> . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد،

ج 11-قسم 2-فاطمه(س)، ص: 910

<sup>3</sup> . موسوعه كلمات سيدتنا فاطمه الزهرا (ع)، ص 546.





شایسته‌ی همسر، مال حلال خوردن، رفتار درست کردن با همدیگر و... همه مواردی است که در تربیت درست فرزندان نقش دارد. در آموزه‌های دینی نکات بسیار ارزنده‌ی تربیتی بیان شده است که لازم است والدین آن را مد نظر بگیرند.

همان‌گونه که در ابتدای این فصل مشاهده کردید، روابط حضرت امیرالمؤمنین (ع) با حضرت فاطمه (س)، دو زوج معصوم، بسیار صمیمی، منطقی و در چارچوب شرع و آموزه‌های دین بود، لذا این رابطه‌ی نیکو باعث شد که در خانواده‌ی آن‌ها تهداب نسل پاک و معصوم گذاشته شود و خیر کثیر در این خانواده تحقق یابد و شخصیت‌های چون: حسنین و زینبین -علیهم السلام- در آن خانواده تربیت شوند و رشد کنند.

### مهمترین اصول تربیتی

#### اصول برقراری ارتباط سالم با فرزندان

- 1) فرزندان خود را همان طوری که هستند بپذیرید و از مقایسه آنان با دیگران خودداری کنید.
- 2) علاقه خود را به صورت جملات شیرین و شیوه‌های غیرکلامی محبت آمیز به او ابراز کنید.
- 3) با کودکان با زبان کودکی سخن بگویید و در قالب بازی‌ها با آنها ارتباط برقرار کنید.
- 4) با احترام و تشویق در فرزندانتان ایجاد امنیت روانی و انگیزه مثبت کنید.
- 5) فاصله روحی خود را با درد دل کردن و تعریف خاطرات کودکی با فرزندانتان کم کنید.



- 6) الگوی شخصیتی فرزندان خود باشید و بدون کلام، رشد معنوی را در آنان تقویت کنید.
- 7) اشتباهات فرزندان خود با بزرگواری، بدون پرده دری و ایجاد جسارت در آنها رفع نمایید.
- 8) به او دستورندهید و نام فرزند خود را با احترام به ویژه در حضور دیگران صدا کنید.
- 9) دادن هدیه های کوچک و مناسب، به بهانه های مختلف به آنان، به صورتی که آنها را پرتوقع نسازید و برای هر کار کوچکی از شما انتظار پاداش و جایزه نداشته باشند.
- 10) فاصله سنی خود را با فرزندانان در ذهن خود به حداقل برسانید تا بتوانید زمینه هایی برای صحبت دوستانه فراهم کنید و او به راحتی مانند یک دوست نزدیک مسائل درونی خود را با شما مطرح کند.

### اصول تربیتی فرزندان

- فرزندان ما آنچه را که می بینند یاد می گیرند، نه آنچه را که می شنوند. بنابراین به جای نصیحت و باید و نباید های تحکم آمیز تربیتی باید خود الگوی تربیتی فرزندان مان باشیم. بهترین شیوه و موثر ترین راه تربیت فرزندان و اولین مرحله تربیت شروع از خود است.
- 1- فرزندان خود را با سختی و محرومیت آشنا کنید، تا دارای روحی قوی و محکم شوند.
- 2- در مقاطع دشوار در کنارش باشید و با او هم دردی کنید، اما او را به خود وابسته نسازید.
- 3- در موقع انتقاد شخصیت وی را زیر سوال نبرید، بلکه عمل ناپسند او را مطرح کنید.



- 4- توقعات و انتظارات خود را به صورت دقیق و در حد توان او برایش توضیح دهید.
- 5- اهمیت وی را در خانواده به او تفهیم کنید تا در حفظ و رشد شخصیت خود بکوشد.
- 6- نسبت به دوستان فرزند خود حساسیت و شناخت بالایی داشته باشید. زیرا گرایش او به پذیرش در گروه همسالان و مشابهت با آنان، از عوامل اصلی تربیت نوجوانان است.
- 7- با توجه به شخصیت هر کودک تنبیه او شکل و مراحل خاص خودش را دارد. مانند (محبت، کنایه، نصیحت، گذشت، محرومیت و ... که تنبیه بدنی آن هم به صورت ضعیف، آخرین مرحله می باشد)
- 8- پرهیز از روش فرزند سالاری در تربیت (تربیت گل خانه‌ای) که نتیجه جز پرورش فرزندان پرتوقع، ضعیف، زودرنج و شکننده در برابر حوادث زندگی را نخواهد داشت.
- 9- ایجاد حس مسئولیت و اعتماد به نفس در فرزندان با تعیین وظایف آنان در خانواده.
- 10- شناخت محدودیت ها و کشف استعداد کودک و ایجاد زمینه رشد و بروز خلاقیت در او.

### خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در سیره‌ی تربیتی پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) آمده است که آن بزرگواران نخستین کاری که پس از تولد فرزند انجام می‌دادند، گفتن اذان در گوش راست



و گفتن اقامه در گوش چپ نوزاد بوده است. در سیره‌ی پیامبر اسلام(ص) آمده است: وقتی امام حسن(ع) متولد شد، پیامبر(ص) در گوشش اذان گفت.

هَنِّ عَلَى بَنِي الْمَسِيْنِ (م) (قَدْ نَالَ مِنَ النَّبِيِّ (ص) أُخْتٌ فِي أُخْتِ الْمَسِيْنِ (م) وَالصَّالِحِينَ رَجُلًا رَوْغَنَ مَالِي كَرْدَنَ سِرِّ نَوْزَادٍ بَا رَوْغَنَ بِنْفَشَه

در روایت آمده است که حضرت پیامبر(ص) بعد از این که در گوش امام حسن(ع) اذان گفت؛ آن گاه سرش را با روغن بنفشه چرب کرد.

هَنِّ عَلَى بَنِي الْمَسِيْنِ (م) (قَدْ نَالَ مِنَ النَّبِيِّ (ص) أُخْتٌ فِي أُخْتِ الْمَسِيْنِ (م) وَالصَّالِحِينَ رَجُلًا رَوْغَنَ مَالِي كَرْدَنَ سِرِّ نَوْزَادٍ بَا رَوْغَنَ بِنْفَشَه

### شیرین کردن دهان نوزاد (تحنیک یا کام برداشتن)

دومین کاری که معصومین(ع) در آغاز تولد نوزاد انجام می‌دادند، شیرین کردن دهان نوزاد بود. در روایات آمده است که معصومین(ع) با اشپای زیر دهان نوزادان خود را شیرین می‌کردند و به دیگران هم می‌گفتند با این چیزها دهان کودکان‌شان را شیرین کنند.

### شیرین کردن دهان نوزاد با خرما

در حدیثی از امام علی(ع) نقل شده است: کام فرزندان خود را با خرما بردارید؛ پیامبر(ص) کام حسن و حسین -علیهما السلام- را با خرما برداشت.

كَمَّ الرَّاحِلَةَ بِالْفَرْسِ كَمَا كَمَّ النَّبِيُّ (ص) بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (ع)

1. عبون اخبارالرضا، ج 2 ص 43.

2. همان.

3. وسائل الشیعه، ج 25، ص 31.





## نام نیکو گذاشتن

یکی از حقوق فرزند بر والدین، تعیین نام نیکو است. نام زیبا باعث سربلندی شخص و نام زشت سبب سرافکندگی وی می‌شود. پس، والدین باید دقت کنند نام زیبایی را برای فرزندان خود برگزینند.

معصومان(ع) بر همه‌ی فرزندان خود نام‌هایی با معانی عالی می‌نهادند. ایشان همواره سعی می‌کردند جامعه و محیط از نام‌های نیکو و با معنا بهره‌مند و از نام‌های بی‌معنا و زشت خالی باشد. رسول خدا(ص) و ائمه(ع) نام‌های بد افراد و حتی مکان‌ها را عوض می‌کردند و نام‌های نیکو بر آن‌ها می‌نهادند. در تاریخ موارد زیادی ذکر شده است که پیامبر(ص) اسامی زشت را تغییر داده‌است؛ مثلاً: ام عاصم، عاصیه نام داشت که به معنای گنهکار است، پیامبر(ص) اسم او را جمیله نهاد که به معنای زیبا است.<sup>۱</sup> یا در تاریخ آمده است شخصی نامش «اسود» به معنای سیاه بود، پیامبر(ص) آن را به «ابيض» به معنای سفید تغییر داد. همچنین نام شخصی «عبدالشمس» بود که حضرت(ص) نام «عبدالله» را برایش برگزید، شخصی را که «حرب» به معنای جنگ نام داشت به «سلم» که به معنای صلح است، عوض کرد؛ نام «مضطجع» را به «منبعث» و «بنی‌الزئیه» را «بنی‌الرشده» تغییر داد و ... .

علمای تربیت معتقدند که اسامی بد و نامناسب، آثار بدی بر انسان می‌گذارد. نام‌های بد دستاویزی برای دیگران در تمسخر و ضربه‌زدن به شخصیت انسان است.<sup>۲</sup>

1. تربیت فرزند، ص 70.

2. همان، ص 72.





فَلْيُرِيَنَّ اللَّهُ لَكُمْ نَسَبَكُمْ لِيَتَّعِبَ عَلَيْكُمْ فَتُحِبُّوا نَسَبَكُمْ لِيَكُونَ لِلَّذِينَ اتَّخَذْتُمُ الْمَلَائِكَةَ خِيَرًا مِمَّنْ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَأُخْرًا  
 تَقْرِيءُ عَلَى السَّمْعِ نَسَبًا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ

### نام‌گذاری حضرت زینب(س)

وقتی زینب(س) متولد شد، مادرش زهرا(س) وی را خدمت حضرت امیر(ع) آورد و فرمود: دخترت را نام‌گذاری کن. حضرت امیر(ع) فرمود: من از پیامبر(ص) در این امر سبقت نمی‌گیرم و پیامبر(ص) هم در سفر رفته است؛ وقتی حضرت از سفر برگشت نام نوه‌اش را به دستور خداوند زینب گذاشت.

لَمَّا رَحِلَتْ زَيْنَبُ عَلَيْهَا الْمَسْكُ جَاءَتْ بِهَا الْمَاءُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا الْمَسْكُ إِلَى لَيْلِيهَا بِالرُّومِيِّينَ عَلَيْهَا الْمَسْكُ  
 وَفَالَتْ بِهَا عَذْرَاءُ الْبُرْجِ حَتَّى تَمُوتَ مَا كُنْتَ تَمُوتُ رَسُلَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَكَانَ  
 فِيهِ سَفَرٌ - وَالْمَاءُ جَاءَ لَهَا عَذْرَاءُ الْبُرْجِ حَتَّى تَمُوتَ عَذْرَاءُ الْبُرْجِ حَتَّى تَمُوتَ زَيْنَبُ فَفَدَا لَهَا  
 مَا عَذْرَاءُ الْبُرْجِ

### تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن

از امام صادق(ع) روایت شده است که وقتی امام حسن و امام حسین(ع) متولد شدند، حضرت فاطمه(س) در روز هفتم ولادت عقیقه کرد و سر آن دو را تراشید و به مقدار وزن آن صدقه داد؛ البته مردم سر نوزاد را با خون عقیقه رنگین می‌کند که پدرم فرمود: این کار شرک است.

1. بحارالانوار، ج 43 ص 238.

2. عوالم العلوم، ج 11 ص 947.



قال أبو عبد الله (ع) كنت فاطمة بنت محمد حلفت بربها في اليوم السابع من ولادته بزين  
 الشيرين قال كان فاطمة بنت محمد حلفت بربها في حجة الوداع وكان له يوم قال ذلك شيرين<sup>1</sup>

در روایتی دیگری آمده است که حضرت پیامبر(ص) به فاطمه(س) فرمود:  
 سر نوزاد را بتراش و به اندازه‌ی وزن مویش نقره صدقه بده، حضرت  
 فاطمه(س) مطابق دستور پدر عمل کرد؛ آن روز وزن موی امام حسن(ع) به  
 اندازه‌ی یک درهم و خرده‌ی شد که حضرت فاطمه(س) آن را صدقه داد.

قال مالك بن اعين قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول قال رسول الله (ص) حلفت  
 بربها بزين الشيرين حلفت بربها في حجة الوداع وكان له يوم قال ذلك شيرين<sup>2</sup>

### ختنه کردن پسران

برخی مردم در جایی که باید عجله کنند، عجله نمی‌کنند؛ اما در جایی که  
 نباید عجله کنند، عجله می‌کنند. مسئله‌ی ختنه کردن یکی از آن موارد است.  
 سیره‌ی بزرگان این بوده که فرزندان خود را تا روز هفتم ختنه می‌کرده‌اند؛ اما  
 برخی در این کار عجله نمی‌کنند و می‌گذارند فرزندشان بزرگ شود؛ این یک  
 سنت بد است که در برخی از جوامع جا افتاده است.  
 در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است:

«پیامبر(ص) حسن و حسین(ع) را در روز هفتم ولادت ختنه کرد.»<sup>3</sup>

1. اصول کافی، ج 6 ص 33.

2. کشف الغمه، ج 1 ص 518.

3. «ختن رسول الله(ص) الحسن و الحسين(ع) لسبعة ايام.» بحار الانوار، ج 34، ص 159.

فواید ختنه: ختنه برای پسران در اسلام واجب است و فواید زیادی که در کتاب‌های پزشکی آمده است از قبیل:  
 جلوگیری از شب‌ادراری، پیش‌گیری از بیماری‌های عفونی، کاهش سرطان و... می‌باشد.



### عقیقه کردن برای حسنین (ع)

در صحیفه‌ی امام رضا (ع) نقل شده است که حضرت زهرا (س) برای حسن و حسین (ع) عقیقه کرد و از آن یک ران با یک دینار به قابله‌ی آن‌ها اعطا فرمود.

حَسْبُكَ لِي هَلِي بْنِ النَّسِيبِ (ع) أَنْ تَلِمَ (ع) هَفْتَمِ النَّسِيبِ (ع) وَ لَمْ يَلِمْتَ  
الْقَابِلَاتُ نَحَارُ حَبْلًا

در کتاب ارشاد و بحار الانوار نقل شده است که مراسم نام‌گذاری و عقیقه-کردن - که پیامبر (ص) گوسفندی را سر برید- در روز هفتم ولادت امام حسن مجتبی (ع) بوده است.

رَبَّاتِ بِرَاتِهَا إِلَى النَّبِيِّ (ع) بِنِ السَّمِيعِ مِنْ مَوْلَا فِي حَرْفِ مَنْ حَرِيرِ الْجَدَانِ  
بِرَبِّهِ (ع) تَلَى بِهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) نَسَاءً سَارِقَةً تَدَاكِبُ

### مراقبت از کودکان

یکی دیگر از وظایف مهم والدین، مراقبت از کودکان است. کودک همواره به مراقبت نیاز دارد و می‌طلبد که والدین به آن توجه جدی کنند. از جمله کارکردهای مهم خانواده، مراقبت از کودکان و سالمندان است که در اسلام بدان سفارش‌های مخصوص شده است.

1. صحیفه الامام الرضا (ع)، ص 89.

2. الارشاد فی معرفه ائمه العباد، ج 2 ص 5؛ بحار الانوار، ج 43 ص 250.



### مراقبت فاطمه (س) از حسنین (ع)

شخصی نقل می‌کند که خدمت رسول خدا (ص) بودم که ناگاه حضرت فاطمه (س) گریان، خدمت بابا رسید. پیامبر (ص) از دخترش سؤال کرد: «مَا بَيْنَكِ يَا فَاطِمَةُ؟» دخترم چرا گریه می‌کنی؟» حضرت فاطمه (س) پاسخ داد: بابا، حسن و حسین (ع) از خانه بیرون رفته‌اند و نمی‌دانم کجا خواب‌شان برده‌اند. حضرت رسول (ص) دخترش را دل‌داری داد و در حق حسنین (ع) دعا کرد. خداوند به وسیله‌ی جبرئیل، جای حسن و حسین (ع) را خبر داد، همه رفتند و آن‌ها را پیدا کرده، با خوش‌حالی به خانه برگرداندند.<sup>۱</sup>

### تعلیم و تربیت نیکو

مهم‌ترین وظیفه‌ی والدین در قبال فرزندان‌شان، تربیت درست است. تربیت از خانه شروع می‌شود؛ بلکه به یک معنا، تربیت با انتخاب همسر شروع می‌شود. تربیت، از تلاش فرد در راستای انتخاب همسر شایسته و از خانواده‌ی خوب شروع می‌شود؛ اما تربیت به صورت مستقیم، از حین انعقاد نطفه شروع می‌شود. از این رو، انسان باید مواظب باشد تا نطفه‌ی فرزندش از حرام منعقد نشود. به دلیل این که، نطفه‌ی حرام در شخصیت آینده‌ی فرد تأثیر بدی می‌گذارد.

وقتی فرزند در رحم مادر است، مادر باید از مال حرام، دروغ، غیبت و در کل از گناه اجتناب ورزد. وقتی هم فرزند به دنیا می‌آید قلب کودک مانند یک صفحه‌ی سفید کاغذ است که هر چه بر آن بنویسی ثبت می‌شود. بنابراین،

1. صدوق، الأمالی، النص، ص 437.



والدین باید خیلی مواظب باشند که چه چیزی در این قلب پاکیزه ثبت می‌کنند. رفتار، سخنان و روابط اجتماعی والدین برای فرزندان شان الگو است، لذا اگر روابط و سخنان والدین اسلامی، انسانی و خوب باشد، تأثیر خوبی روی فرزند می‌گذارد؛ ولی اگر خدای نخواستہ رفتار غیراسلامی و غیر انسانی داشته باشند و یا سخنان بد و زشت به کار ببرند، فرزندان نیز از آن‌ها الگو خواهند گرفت و متأثر خواهند شد.

یکی از اموری که در تربیت فرزندان بسیار بر آن تأکید شده، این است که والدین باید مواظب دوستان فرزندان خود باشند؛ زیرا اگر فرزندان ما، دوستان ناباب داشته باشند، به زودی تأثیر می‌پذیرند و فاسد می‌شوند؛ چون نفس کودک مانند صفحه‌ی سفید کاغذ است که از هم‌سالان خود اثر می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

### فراهم کردن زمینه‌ی بازی برای کودکان

دوران کودکی، دوران خاصی است که در این سنین کودک به بازی و هم‌بازی نیاز دارد. بازی با سرشت کودک عجین است و یکی از نیازهای طبیعی وی به شمار می‌رود. بازی بزرگ‌ترین سرگرمی کودک، مخصوصاً پیش از دوران تحصیل است. میل به بازی در سنین بالاتر کاهش می‌یابد و کارهای مهمی جای آن را می‌گیرد؛ اما به اعتقاد روان‌شناسان تا سال‌های پایان عمر نیز میل به بازی در انسان وجود دارد.<sup>۲</sup>

1. اقتباس از اخلاق ناصری، ص 65.

2. وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، ص 189.



بازی، ذهن و جسم کودک را رشد می‌دهد و وی را برای ایفای نقش‌های اجتماعی آماده می‌کند. کودکان، بسیاری از هنجارهای اجتماعی را از همدیگر فرا می‌گیرند و به همین علت است که گروه همسالان از جمله عوامل مهم جامعه‌پذیری دانسته شده است.

حسنین(ع) در دوران کودکی، برای شان هم‌بازی داشته‌اند و حضرت فاطمه(س) مانع آن‌ها نمی‌شده است. ابورافع<sup>۱</sup> از هم‌بازی‌های امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بوده است؛ ضمن این‌که امام حسین(ع) با برادر خود امام حسن(ع) بازی می‌کرد هر دو با ابورافع نیز بازی می‌کردند. ابورافع<sup>۲</sup> نقل می‌کند: من با امام حسن(ع) در زمان کودکی سنگ‌بازی می‌کردیم. یکی از قوانین این نوع بازی آن بود که هر کس برنده می‌شد، بازنده باید وی را بر پشت خود سوار می‌کرد. ابورافع علاوه می‌کند، هر وقت من برنده می‌شدم و می‌گفتم حالا مرا ببر، وی می‌گفت: آیا می‌خواهی بر پشتی سوار شوی که رسول اکرم(ص) او را بر دوش خود سوار می‌کند؟ او را رها می‌کردم و از وی می‌گذشتم؛ اما هر وقت او برنده می‌شد، من به وی می‌گفتم: همان‌گونه که تو مرا نبردی من نیز تو را نمی‌برم؛ اما امام حسن(ع) می‌فرمود: آیا خشنود نیستی از این‌که بدنی را بر پشت خود سوار کنی که پیامبر اکرم(ص) او را بر پشت خود سوار می‌کند؟ در این هنگام ناگزیر او را سوار می‌کردم.

1. ابورافع، (درگذشته‌ی پس از ۴۰ق) صحابی معروف، بزرگ خاندان آل‌ابی‌رافع، آزاد کرده شده‌ی پیامبر اسلام(ص) بود که در زمان حکومت امام علی(ع) در کوفه خزانه‌دار بیت المال بود. ابورافع کتاب السنن والاحکام والقضایا را گردآوری کرد. برخی احتمال داده اند که نخستین کسی است که در اسلام کتاب فقهی نوشته است. کتاب او شامل باب‌های: نماز، روزه، حج، زکات و قضاء است و در آن از امام علی(ع) روایت شده است.

2. عین این داستان در مورد بازی ابورافع با امام حسین نیز نقل شده است.





فَنَلِيهِ رِزْقًا مِّنَّا لَكَتُ الْكِبَرِ لِنَسْنِ دِينَ هَلِي (م) رَمَرَصِيهِ بِالْحَدَابِي نَادَا الصَّابِتَ  
 وَخَاتَمِي خَاتَمَاتِ لِمَنْعِي مَهْفُورَ رَيْحِكَ اَلْزَكَاةُ طَهَّرَ رَسْمَ رَسْمِ الْاِسْمَاعِيلِ وَكَانَ الصَّابِ  
 وَخَاتَمِي خَاتَمَاتِ فَاثِتِ لِرَاكِبِ الْاِمْلَاكِ كَالاَلْفِخْفِي مَهْفُورَ اُرْمَا رَضِي اَنْ تَعْمَلَ بِحَدَابِي هَلِي  
 رَسْمِ الْاِسْمَاعِيلِ (ص) نَاهِي

### بازی مادر با حسن و حسین (ع)

در روایات آمده است که حضرت فاطمه (س) با فرزندان خود بازی می کرد و با اشعار ساده ای که ساخته بود، بازی را با تعلیم و آموزش درهم آمیخته بود. حضرت زهرا (س) در حالی که فرزندش امام حسن (ع) را بازی می داد، با او این اشعار را زمزمه می کرد:

أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ      وَ أَخْلَعُ عَنِ الرَّسَنِ  
 وَ أَعْبُدُ إِلَهًا ذَا مِئْنٍ      وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ

«حسن جان همانند پدرت باش حق را از بند رها کن. خدای صاحب

احسان و منت را بندگی کن و از کینه ورزان پیروی مکن.»

همچنین حضرت فاطمه (س) فرزندش امام حسین (ع) را می گرفت و با وی

بازی کرده این اشعار را برایش می خواند:

أَنْتَ شَبِيهُ بَابِي / لَسْتُ شَبِيهَا بِعَلِيٍّ<sup>۲</sup>

1. بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى (ط - القديمة)، ج 2، ص: 140

2. مناقب آل ابی طالب، ج 3 ص 389.



## احترام به کودکان و فرزندان

اسلام برای کودکان و فرزندان ارزش قائل شده است و آن‌ها را محترم شمرده است. فرزند، نعمت الهی است که در متون مقدس از آن به نور چشم و میوه‌ی قلب تعبیر شده است.

## شاخص‌های احترام به فرزند و کودکان

برای این که احترام به فرزند به صورت روشن و مشخص فهمیده شود برای آن شاخص‌های زیر بیان می‌شود.

### تبعیض نگذاشتن بین کودکان

یکی از چالش‌های تربیتی در جامعه‌ی ما تبعیض قائل شدن بین فرزندان است. همه‌ی ما تبعیض بین پسر و دختر را مشاهده کرده‌ایم؛ به طور نمونه: دختر از ارث پدر محروم می‌شود و همیشه چنین گفته می‌شود: «دختر که فرزند به شمار نمی‌رود؛ چون بیچاره، مال مردم است». در فرهنگ ما دختر در خانه‌ی پدر، مهمان است. در این باره شعرهایی هم سروده شده است.<sup>1</sup> این تبعیض، در فرهنگ مردم ریشه دارد و اصلاح آن به دگرگونی در فرهنگ مردم و به جدیت مصلحان دینی و روحانیون دل‌سوز بستگی دارد.

### نکوهش تبعیض قائل شدن بین فرزندان

فرزندان ما از استعداد برابر برخوردار نیستند؛ برخی از کودکان شوخ و برخی آرامند، برخی خوش‌اخلاق و برخی بداخلاقند، برخی باحافظه و برخی کم

<sup>1</sup> گل لالگ گل سیرسو به دختر / دو روز خانه پدر میمو (مهمان) به دختر. و نمونه‌های دیگر.



حافظه‌اند. این تفاوت‌ها باعث نشود که بین فرزندان فرق گذاشته شود؛ زیرا تبعیض نهادن بین فرزندان تبعات منفی بسیار دارد که عقده‌ای بار آمدن فرزندان یکی از آنهاست.

در سیره‌ی رسول اسلام(ص) آمده است که روزی حضرت بین حسن و حسین(ع) مسابقه‌ی دو گذاشت. حسن(ع) بر حسین(ع) سبقت گرفت. پیامبر(ص) او را بر زانوی راست خویش و حسین(ع) را بر زانوی چپ نهاد؛ یعنی پیامبر(ص) حتی در جایی که یکی از کودکان برنده شده بود، تلاش کرد تبعیض قائل نشود و هردو را تشویق کند و کاری نکند که یکی از آنها از تشویق دیگری رنجیده خاطر شود.

### آفات و کارکردهای منفی تبعیض

تجربه‌ی بشری نشان داده است و آموزه‌های دینی نیز مؤید این تجربه است که تبعیض پی‌آمدهای بسیار بدی را در پی دارد که برخی از آنها در ذیل بیان می‌شود:

#### الف) ایجاد کینه

تبعیض بین فرزندان باعث می‌شود فرزندان کینه را یاد بگیرند، زیرا وقتی فرزندان مشاهده می‌کنند که والدین‌شان به راحتی بین آنها تبعیض قائل می‌شوند، به همدیگر بدبین می‌شوند.



## ب) حسادت

وقتی حسادت در میان فرزندان افزایش یابد، آهسته آهسته تبدیل به کینه می‌شود، چه بسا پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال داشته باشد. (در این زمینه خوب است به داستان حضرت یوسف(ع) توجه شود که برادرانش وقتی فهمیدند، حضرت یعقوب(ع)، یوسف(ع) را بیشتر از آن‌ها دوست دارد، تصمیم گرفتند به هرگونه که شده حضرت یوسف(ع) را از سر راه بردارند.)

## ج) ایجاد بدبینی به والدین

وقتی فرزندان به وضوح مشاهده می‌کنند که والدین آن‌ها بین ایشان تبعیض قائل می‌شوند، به والدین خود بدبین می‌شوند. این بدبینی به مرور زمان پیامدهای منفی دیگری در پی خواهد داشت.

## برتری ندادن یکی از فرزندان بر دیگری

حسن و حسین(ع) در کودکی مشغول نوشتن بودند. حسن(ع) به حسین(ع) گفت: خط من از خط تو زیباتر است. حسین(ع) گفت: نه، خط من زیباتر از خط تو است. هر دو خدمت مادر رفتند و عرض کردند: شما میان ما داوری کنید. فاطمه(س) دوست نداشت هیچ‌کدام را آزرده سازد و فرمود: از پدر خود بپرسید. آن‌ها خدمت پدر رفتند و از او درباره‌ی خطشان پرسیدند، پدر هم مانند مادر دوست نداشت هیچ‌یک را ناراحت کند، فرمود: از جدّ خود رسول خدا(ص) بپرسید: آن دو خدمت پدر بزرگ رفته و از او سؤال کردند، پیامبر(ص) فرمود: من میان شما داوری و قضاوت نمی‌کنم تا از جبرئیل(ع) بپرسم. وقتی جبرئیل آمد، گفت: من میان آنان داوری نمی‌کنم، اسرافیل(ع) داوری کند، اسرافیل گفت: من هم میان آنان داوری نمی‌کنم؛ ولی از خدا(ج) درخواست می‌کنم میان آنان داوری کند. اسرافیل(ع) از خدا(ج) درخواست داوری کرد، خداوند(ج) فرمود: من داوری نمی‌کنم، مادرشان داوری کند. فاطمه(س) عرض کرد:



پروردگارا! اکنون میان آنان داوری می‌کنم. حضرت گردن‌بندی از جواهر داشت، به فرزندان خود فرمود: من جواهر این گردن‌بند را میان شما پخش می‌کنم، هر که تعداد بیشتری از دانه‌های آن را برداشت، خُطش زیباتر است. دانه‌ها را پخش کرد، خدای متعال به جبرئیل (ع) - که در این هنگام بر بلندای عرش الهی بود - فرمان داد تا فرود آید و جواهر را میان آنان یکسان تقسیم کند تا هیچ‌یک ناراحت نشوند. جبرئیل (ع) چنین کرد و این به علت تکریم و بزرگداشت آنان بود.<sup>1</sup>

این داستان در بحارالانوار به گونه‌ی دیگری نیز آمده است که حسن و حسین (ع) کشتی گرفتند؛ اما وقتی هیچ‌کدام غالب نشدند خدمت خاتم انبیا (ص) به مسجد رفتند و حضرت (ص) فرمود: بروید خط بنویسید هر که خطش زیباتر باشد او در کشتی، قوی‌تر و زورمندتر است. بعد از مسابقه‌ی خطاطی، برای داوری کردن خدمت پیامبر (ص) آمد و حضرت آن‌ها را خدمت پدر و وی خدمت مادرش فرستاد تا بالاخره مادر با پاره کردن گردن‌بند و پخش کردن دانه‌های آن، این داوری را - که هر که از این دانه‌ها بیشتر جمع کند، وی در مسابقه

1. «و رُوِيَ فِي الْمَرَاسِيلِ أَنَّ الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ كَانَا يَكْتَبَانِ فَقَالَ الْحَسَنُ لِلْحُسَيْنِ خَطِّي أَحْسَنُ مِنْ خَطِّكَ وَقَالَ الْحُسَيْنُ لَا بَلْ خَطِّي أَحْسَنُ مِنْ خَطِّكَ فَقَالَا لِفَاطِمَةَ أَحْكِمِي بَيْنَنَا فَكَرِهَتْ فَاطِمَةُ أَنْ تُؤَدِيَ أَحَدُهُمَا فَقَالَتْ لَهُمَا سَلَا أَبَاكُمَا فَسَأَلَاهُ فَكَرِهَ أَنْ يُؤَدِيَ أَحَدَهُمَا فَقَالَ سَلَا جَدَّكُمَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ (ص) لَا أَحْكُمُ بَيْنَكُمَا حَتَّى أَسْأَلَ جِبْرِئِيلَ فَلَمَّا جَاءَ جِبْرِئِيلُ قَالَ لَا أَحْكُمُ بَيْنَهُمَا وَلَكِنْ إِسْرَافِيلُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ إِسْرَافِيلُ لَا أَحْكُمُ بَيْنَهُمَا وَلَكِنْ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَهُمَا فَسَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فَقَالَ تَعَالَى لَا أَحْكُمُ بَيْنَهُمَا وَلَكِنْ أُمَّهُمَا فَاطِمَةُ تَحْكُمُ بَيْنَهُمَا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ أَحْكُمُ بَيْنَهُمَا يَا رَبِّ وَكَانَتْ لَهَا قِلَادَةٌ فَقَالَتْ لَهُمَا أَنَا أَنْتَرُ بَيْنَكُمَا جَوَاهِرَ هَذِهِ الْقِلَادَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهَا [مِنْهَا] أَكْثَرَ فَخَطَّهُ أَحْسَنُ فَنَثَرَتْهَا وَكَانَ جِبْرِئِيلُ وَقَتَيْدٌ عِنْدَ قَائِمَةِ الْعَرْشِ فَأَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ وَ يَنْصَفَ الْجَوَاهِرَ بَيْنَهُمَا كَيْلًا يَأْذَى أَحَدُهُمَا فَفَعَلَ ذَلِكَ جِبْرِئِيلُ إِكْرَامًا لَهُمَا وَ تَعْظِيمًا.» بحار



پیروز شده است- پذیرفت. در آن گردن‌بند هفت دانه جواهر بود و هر کدام از حسن و حسین(ع) سه دانه را برداشته بودند که خداوند به جبرئیل فرمان داد تا به زمین آید و بال خود را به دانه‌ی هفتم زند و آن را دو نیم-برابر- کند تا هر یک، نیمی را بردارد و هیچ کدام نرنجد. سرانجام، هر کدام نیمه‌ای را برداشتند و هردو برنده اعلام شدند.<sup>1</sup>

### درس‌هایی از این داستان

**ورزش بدنی برای رشد جسمی:** حسین(ع) با همدیگر کشتی گرفتند؛ حضرت پیامبر(ص) از آن ممانعت نکرد، بلکه آن‌ها را در کشتی گرفتن تشویق کرد. روشن است که کشتی، یکی از ورزش‌های سالمی است که جسم را ورزیده و بدن را تقویت می‌کند.

**مسابقه‌ی فرهنگی بین فرزندان:** بهترین تفریح این است که والدین بین فرزندان، مسابقاتی را ترتیب دهند که زمینه‌ی رشد آن‌ها را فراهم سازند؛ آن‌گونه که در این داستان آمده است، پیامبر(ص) حسن و حسین(ع) را به خطاطی تشویق کرد.

**آزرده خاطر نکردن فرزندان:** هر یکی از فرزندان ما توانایی مخصوص خود را دارد. از این‌رو، هر چند یکی از فرزندان ما توانایی بیشتری داشته باشد، نباید فرزند دیگری را که توانایی کمتری دارد با او مقایسه کنیم؛ زیرا با این کار، دلش می‌شکند.

1. فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، ح 28.



**احتیاط در داوری:** داوری، بسیار کار سختی است. از این‌رو، در داوری، مخصوصاً داوری کردن بین فرزندان باید بسیار دقت کرد و نباید با مقایسه کردن، دل آن‌ها بشکند.

### نکته‌ی مهم

روان‌شناسان تربیتی و اجتماعی معتقدند که رفتار پدر و مادرها با یک‌دیگر در جریان پدر و مادری کردن، تأثیر چشم‌گیری بر بچه‌ها می‌گذارد. بچه‌ها با دیدن پدر و مادر خود، راه و رسم کنار آمدن با یک‌دیگر را می‌فهمند. طرز تعامل بچه‌ها با والدین، با خواهر و برادرها و با همسالان‌شان عمدتاً محصول رفتار و روابط پدر و مادرشان است نه حرف‌های آن‌ها. در دنیای دموکراتیک امروز، بچه‌ها خودشان را با بزرگ‌ترها یکی می‌دانند و عمل بزرگ‌ترها را انجام می‌دهند نه حرف آن‌ها را.<sup>1</sup>

زن و شوهر که هسته‌ی اصلی نهاد خانواده را تشکیل می‌دهند، در دنیای مدرن خود را در یک سطح می‌بینند و نگاه انسانی و برابر باهم دارند. در حالی که در گذشته این‌گونه نبوده است. در گذشته در نظام سنتی، شوهر از اقتدار مردسالارانه در نهاد خانواده برخوردار بود و زن منزلت فرودست نسبت به مرد داشت، این منزلت نابرابر را هم زن و هم مرد پذیرفته بود و مطابق آن نقش‌های اجتماعی خود را در درون خانواده و در جامعه ایفاء می‌کردند. بنابراین، چون هردو این امر را پذیرفته بودند، لذا مطابق آن زندگی آرامی داشتند و تنش خانوادگی بین آن‌ها به ندرت مشاهده می‌شد؛ اما دنیای جدید، روابط آدم‌ها را دگرگون ساخته است.

1. گرن مکی، مدیریت عصبانیت برای خانواده‌ها، ص ۷۷.



در برخی از کشورهای پیشرفته، تنش‌های ناشی از ادعای منزلتِ مساوی بین زن و شوهر کاهش یافته و آن به یک امر پذیرفته‌شده تبدیل شده است؛ اما در کشورهای اسلامی که در حال گذار قرار دارند، مشکلات خانوادگی رو به افزایش است؛ به طور نمونه: آمار طلاق در چنین جوامعی در حال افزایش است و این امر معلول تعارض دو نظام سنتی و مدرن است. نظام سنتی، مردسالارانه است و زن‌های تحصیل کرده‌ی امروز، آن را بر نمی‌تابند. از سوی دیگر، مردها نظام سنتی را به نفع خود می‌دانند و در نظام سنتی مطابق با فرهنگ آن، جامعه‌پذیر گردیده‌اند، در نتیجه خواستار فرادستی و اقتدار مردسالارانه‌ی خود در درون خانواده است؛ چون موقعیت فرادستی مرد در درون خانواده حفظ نمی‌گردد و هر روز در روابط خانوادگی با چالش جدی مواجه می‌شود، برای شوهر قابل تحمل نیست و وی را عصبانی می‌کند. عصبانیت مشکل را بیشتر می‌سازد و تنش‌ها و دل‌سردی‌ها روز به روز بیش‌تر می‌گردد. سرانجام زندگی گرم خانوادگی رو به سردی می‌رود و جدایی نتیجه‌ی حتمی چنین زندگی است.

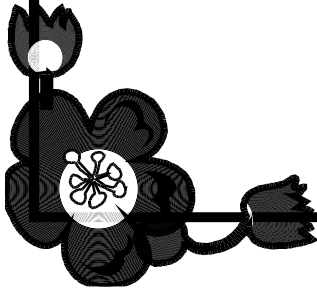
سیل انقلاب دموکراتیک همه‌جا را فراگرفته است. انقلاب دموکراتیک چنان قدرت یافته که هم در خانواده‌ی پاپ خود را رسانده و هم در خانواده‌ی مفتی و هم در خانواده‌ی مرجع تقلید. بنابراین، ما چاره‌ای جز پذیرفتن دگرگونی رابطه‌ها و منزلت‌ها نداریم. در چنین حالت، لازم است ارزش‌های دینی و اسلامی از منظر دو انسان برابر در خانواده و جامعه مورد بررسی قرار گیرد.





فصل چهارم:

رفقا حضرت فاطمه (س) بانو شادان و همایگان





## مقدمه

انسان‌ها به صورت طبیعی بخش مهمی از عمر خود را با همسایگان و خویشاوندان خود سپری می‌کنند. همسایگان و خویشاوندان هردو در تکوین شخصیت انسان تأثیرگذار است. در اسلام نسبت به همسایگان و خویشاوندان و نیکی با آن‌ها سفارش زیادی شده است. این فصل در مورد این دو گروه مهم اجتماعی بحث کرده و سیره و رفتار حضرت فاطمه (س) را در ارتباط با آن مورد بررسی قرار داده است.

## اصول حاکم بر روابط بین همسایگان

روابط اعضای خانواده، وابسته به نقش‌های آن‌هاست. پدر، مادر و فرزند، هر یک نقش ویژه‌ای دارند و هر نقش، تکالیف شرعی و اخلاقی خاصی را اقتضا می‌کند. اعضای خانواده، باهم نزدیکی عاطفی زیادی دارند.

روابط عاطفی، خارج از محیط خانواده رقیق‌تر می‌شود و معمولاً تنظیم روابط به عهده‌ی حقوق و قانون است. حرکت در چارچوب قوانین، نظم اجتماعی را پدید می‌آورد؛ ولی نظم حاصل از آن، کمال مطلوب نیست. نظم مطلوب، نظم‌ی است که اهدافی بالاتر را نیز تأمین کند. در مقررات اخلاقی اسلام دستورهایی وجود دارد که روابط عاطفی را از محدوده‌ی خانه به ساحه‌ی اجتماع توسعه می‌دهد. با گسترش روابط عاطفی، نظم اجتماعی در سطحی مطلوب‌تر برقرار می‌شود و امکان رشد معنوی اعضای جامعه بیشتر فراهم می‌شود.

یکی از عناوینی که به توسعه‌ی مناسبات عاطفی کمک می‌کند، همسایگی است. اعضای یک محله بر اثر برخوردهای روزانه و داشتن منافع مشترک،



ناگزیر باهم روابطی برقرار می‌کنند و تنظیم این روابط نیازمند ضابطه است. ضوابط قانونی برای حفظ حقوق همسایگان مقرر شده است. حفظ حقوق، نظم را در محله برقرار می‌کند و امنیت لازم را برای زندگی پدید می‌آورد؛ ولی نظم و امنیت مطلوب‌تری نیز قابل تحصیل است، مشروط بر آن که حقوق را به حقوق قانونی محدود نسازیم و حقوق اخلاقی نیز برای همسایگان قائل شویم. امروزه متأسفانه بر اثر ویژگی‌های زندگی جدید، انسان‌ها کمتر با همسایه‌های خود ارتباط دارند. چه بسا همسایه‌ای گرفتار است؛ اما دیگران از حال او بی‌خبرند و یا اگر خبر دارند برایشان مهم نیستند. ممکن است همسایه‌ای از شدت گرسنگی و مشکلات زندگی به خواب نرود؛ اما همسایه‌ی دیگری از پرخوری نتواند بخواهد.

زندگی مکانیکی و صنعتی، دارد ما را از خودمان بیگانه می‌کند و عاطفه و محبت را نه تنها از کوچه و محله بلکه از خانه‌های ما برده است؛ اما ما دیوانه‌وار دنبال آن می‌دویم. زندگی ما چنان بی‌روح شده که دیگر همه باید مثل ساعت کار کنیم و برای جویا شدن احوال همسایه فرصتی نداشته باشیم و اگر فرصتی هم داشته باشیم، حوصله‌ی برقراری ارتباط با همسایه را نداشته باشیم. در اسلام بر رعایت حقوق همسایه، بسیار تأکید شده است. رعایت این مسئله، می‌تواند جامعه‌ای مبتنی بر عطفوت، محبت و تعاون را تشکیل بدهد که در ذیل به اصول حاکم بر روابط بین همسایگان و حقوق آن‌ها در اسلام اشاره می‌شود.

در اینجا ذکر این نکته نیز لازم و نوید بخش به نظر می‌رسد که فرهنگ خدمت در ایام اربعین امام حسین (ع) در کربلا و در کل عراق باعث شده است که یک بار دیگر شیعیان و مسلمانان متوجه فرهنگ دینی گردد و فرهنگ خدمت همراه با اخلاق را در جهان گسترش دهد. سالانه میلیون‌ها انسان، این



مراسم انسانی، دینی، عبادی و اخلاقی را با تمام وجود لمس می‌کنند و از آن متأثر می‌گردند.

### اذیت نکردن همسایه؛ مکتوب در صحیفه‌ی زهرا (س)<sup>1</sup>

روزی شخصی خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) مشرف شد و از حضرت خواست اگر چیزی از پیامبر(ص) نزدت وجود دارد ما را از آن بهره‌مند ساز. حضرت فاطمه(س) به خدمت‌گزارش دستور داد آن نوشته‌ی را که یادگار پدر او است و برایش مانند فرزندانش حسن و حسین(ع) با ارزش است، بیاورد. کنیز نوشته را آورد، در آن نوشته شده بود: کسی که همسایه‌اش از اذیت او در امان نباشد از جمله‌ی مؤمنان نیست؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد همسایه-اش را اذیت نمی‌کند؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، یا سخن خوب می‌گوید و یا سکوت می‌کند.

... فَالْتَمَسْتُ مِنْهَا أَنْ تَدْعِيَنِي فَجِئْتَنِي فَأَخْبَرْتَنِي بِهَا. قَالَ عَمَّا لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّهَا  
 لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّهَا لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّهَا لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّهَا لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّهَا  
 بِرَحْمَةِ اللَّهِ

1. چون نامی از صحیفه‌ی حضرت زهرا(س) برده شد، خوب است مُصَحَّف فاطمه(س) را در این‌جا معرفی کنیم: مصحف فاطمه(س) نام کتابی است که فرشته‌ی الهی مطالب آن را برای حضرت فاطمه(س) بیان کرده و امام علی(ع) آن‌ها را نوشته است. مطالب این کتاب، شامل جایگاه پیامبر(ص) در بهشت و اخبار و رویدادهای آینده است. این کتاب نزد امامان شیعه بوده و بین آنان دست به دست می‌شده است و دیگران بدین کتاب دسترسی نداشته و ندارند. این کتاب اکنون در دست امام زمان (عج) است. برخی از اهل سنت مدعی شده‌اند که شیعیان، قرآن دیگری به نام مصحف فاطمه دارند؛ اما امامان شیعه همواره بر این امر تأکید کرده‌اند که این مصحف، کتابی غیر از قرآن است و شیعیان همان قرآن رایج در بین مسلمانان را قبول دارند.

2. دلائل الامامة، ص 66.

## دعا برای همسایه

امام حسن(ع) از مادرش این خاطره را بیان فرمود: «شب‌های جمعه مادرم، فاطمه(س)، را می‌دیدم که تا طلوع صبح، در محرابش مشغول رکوع و سجود و عبادت پروردگار است و می‌شنیدم که برای مؤمنان دعا و در دعایش نام آن‌ها را ذکر می‌کند؛ ولی برای خود دعا نمی‌کند. به او گفتم: مادر! چرا برای خود دعا نمی‌کنی؟ آن حضرت(س) در جواب می‌فرمود: پسرم! اول باید همسایه را دعا کرد و بعد خود را.»

اللَّهُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ابْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّغِيرِ حَبَشِيٍّ الْكَلْبِيِّ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَمْ يَلْقَ مِنْ صَوْلَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَيْتَ أُمَّيْ نَاظِرًا نَفْسِي فِي غَيْرِ لَيْلٍ أَلَا لَيْلًا  
 نَأْتِي فِيهَا رَأْيُكَ حَقًّا لَنْفَسِي هَرَجَ الصَّبَرِ وَمَهْلِكًا لِدَخْرِ الْقُرْبَانِيَّةِ رَبِّتِ بَيْتِي وَرَفَعْتِ  
 الْخَلَاءَ مِنْ لَدُنِّي وَبَدَّلْتِ بِي الْأَوْلَادَ الْأَخْيَارَ الْبَارِعِينَ الْبَارِعِينَ لَقَدْ تَقَاتَتْ بِهَا  
 عَلَى الْمَرْءِ الْخَالِيَّ

نزدیک به داستان فوق، داستانی دیگری است که در آن از شب جمعه یاد نشده، بلکه گفته شده است: حضرت زهرا(س) مشغول دعا می‌شد و برای دیگران دعا می‌کرد.

در روایتی از موسی بن جعفر(ع) آمده است که وی از پدران خود روایت کرده است که فرمود: هرگاه فاطمه(س) دعا می‌کرد برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد؛ حضرت زهرا(س) تنها برای خود دعا نمی‌کرد. روزی شخصی پرسید ای دختر رسول خدا! تو برای مردم دعا می‌کنی؛ اما برای خودت دعا نمی‌کنی؟ حضرت فرمود: اول همسایه بعد اهالی خانه.



فَتَنَ مَرِيضَةَ بِنْتِ عَهْرَ بْنِ أَبِي هِنْدٍ (ع) قَالَ: لَأَكْتُبَنَّ لَهَا (ع) إِذَا حَضَتْ نَحْوَ الْبَيْتِ رِثْرَةَ  
الرِّبْرِثِ رَأَى نَحْوَ رَأْسِهَا نَفْسَ مَا أَثَرَتْ رِثْرَةَ رِثْرَةَ نَحْوِ النَّاسِ وَلَا تَحْبِثَ لَهَا  
نَفَاتٍ لِلْبَيْتِ الْخَارِ

### هم کاری با همسایه (تهیه ی آب برای همسایه ی ناتوان)

یکی از رفتارهای نیک با همسایگان همکاری است. در سیره ی حضرت فاطمه ی زهرا(س) آمده است که حضرت برای همسایگان ناتوان خود مانند: پیرزنان و اطفال، آب تهیه می کردند. سیره ی حضرت این گونه بود که مشکی را از چاه آب پُر می کرد و آن را به خانواده ی همسایگان ناتوان اعم از پیرزنان و کودکان می بردند؛ تا جایی که اثر بندِ مشک بر بدن حضرت زهرا(س) نمایان بود.

وَمِنَ الْإِمَامِ الَّذِي لَأَكْتُبَنَّ لَهَا مِنْ الْعِزِّ وَالرِّثْرَةَ وَالْإِطْفَالَ إِذَا لَأَكْتُبَنَّ لَهَا الْفَرِيحَ  
مِنَ مَاءِ الْبَابِ وَتَمَلُّهَا مَاءَ عَيْشِ خَلْقٍ فِي مَنَّا

### تهیه ی آرد برای همسایگان فقیر

در سیره ی حضرت زهرا(س) آمده است که حضرت علاوه بر این که آرد خانه ی خود را با آسیاب دستی منزل تهیه می کرد، برای همسایگان ناتوان و کهنسال نیز به خاطر خدا، این کار را انجام می داد. از سلمان فارسی نقل شده است: روزی از کنار خانه ی حضرت فاطمه (س) می گذشتم که صدای گریه ی حسنین (ع) را - که آن زمان کوچک بودند- شنیدم. برای آن ها دلم سوخت؛ دم

1. بحار الانوار، ج 43 ص 83.

2. القریشی، موسوعه سیره ی اهل البیت ج 9 ص 145 و بحار الانوار، ج 43 ص 82.



در ایستادم و به حضرت فاطمه(س) عرض کردم اگر اجازه دهید می‌خواهم حسنین(ع) را بردارم و گریه‌ی‌شان را آرام کنم. حضرت زهرا(س) فرمود: «يَا سَلْمَانَ! لَيْسَ عَلَيَّ رَأْسِي حِجَابٌ». سلمان می‌گوید: من عبايم را به سمت حضرت زهرا(س) انداختم، خود را با عبايم پوشاندم و به سمت حسنین(ع) رفتم. من کنار آسیابی رفتم که حضرت فاطمه(س) مشغول آردکردن با آن بود، دسته‌ی آسیاب را گرفتم تا آن را بچرخانم، اثر خون بر دسته‌ی آسیاب دیدم و وحشت کردم. علت آن را از حضرت زهرا(س) پرسیدم، آن وقت متوجه شدم که حضرت گندم، جو و دانه‌ها را برای همسایگان فقیر خود که آسیاب دستی در اختیار ندارند، آرد می‌کرده است.

لَهَا لَكْتُ نُظْمَ الْفَرْحِ وَالشُّعْرِ وَالْحَبِيبِ لِفَرْحِ الْحَبِيبِ لَكْتُ رَحْمَةَ الْفَرْحِ الْبَاطِنِ الْبَهَاءِ بِالطَّلَاقِ بِسَلْمَانَ لَكْتُ عَلَيَّ (ع) طَحْنُ نَظْمِ نَظْمِهَا بِرَقَّتْ رَسْمَاتُ

یعنی حضرت زهرا(س) گندم، جو و سایر حبوبات نیازمندان مدینه را که آسیاب نداشتند و درخواست کمک می‌کردند، برای آن‌ها از روی محبت و شفقت آسیاب می‌کردند.

### اطعام همسایه

پیش از این نیز مواردی بیان شد که حضرت فاطمه(س) برای همسایه‌هایش غذا می‌فرستاد. در روایاتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که روزی فاطمه‌ی زهرا(س) ... حسن و حسین - علیهما السلام - را خدمت پیامبر(ص) فرستاد، تا جدشان را برای غذا دعوت کنند. پیامبر(ص) تشریف آوردند و غذای بسیار معطری زیر سید یافت. پیامبر(ص) و همه‌ی

<sup>1</sup> . کنز العمال، ج 6 ص 295.



اعضای خانواده‌ی علی (ع) و همسران پیامبر (ص) از آن غذا خوردند و برای همسایه‌ها هم فرستادند.

أَنَّ بَابَ بْنِ عَبَّادٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَرَعَ بَابَ الْيَتَامَى  
 لِكُلِّ رَسُولٍ (ص) فَأَهْرَأَ الْمَسْكِينِ وَالْمَسِيئِ بِجِيعِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ (ص) شَقِيرًا  
 فَاتَتْ فَأَهْرَأَتْ الْيَتَامَى فَأَرْسَلَتْ بِهَا لِهَيْبِ جِيعِ بَنِي قُرَيْشٍ وَبَلَّ الْأَسْمَاءُ بَرْدَ كَرِيمٍ  
 - هـ -

### فرستادن آبگوشت برای همسایه‌ها

حمزه‌ی ثمالی<sup>۲</sup> روایت کرده است که روزی حضرت فاطمه (س) آبگوشت پخته بود و حضرت پیامبر (ص) را نیز دعوت کرده بود. حضرت برای فاطمه (س) دعا کرد و بعد دستور داد برای همسایگان خود نیز غذا بفرست. حضرت فاطمه (س) برای همسایگانش غذا فرستاد؛ به اندازه‌ای که همسایگان تا چندین روز از آن غذا استفاده می‌کردند.

سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) يَرْفَعُ يَدَيْهِ رَجُلًا لِيُفَكِّتَ رَيْفِي فَتَحِيَّةً لِيَهْمُ الْبَلَدِينَ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> الخرايج والجراح ج 2 ص 528.

<sup>۲</sup> حمزه‌ی ثمالی فرزند ثابت بن دینار ثمالی است، پدر حمزه مشهور به ابوحمزه‌ی ثمالی، راوی، محدث و مفسر امامی قرن دوم و از اصحاب امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بود. ابوحمزه دعایی از امام زین العابدین (ع) نقل کرده است که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود و به دعای ابوحمزه‌ی ثمالی مشهور است. حمزه اهل کوفه بوده است.

<sup>۳</sup> قرب الاسناد، ص 326.



### رابطه‌ی حسنه و نیکی با همسایه‌ی غیر مسلمان

نمونه‌های در سیره‌ی حضرت زهرا(س)، حضرت امیر(ع) و حضرت پیامبر(ص) آمده است که آنان با همسایگان غیر مسلمان خود نیز رابطه‌ی بسیار خوب و دوستانه داشته است.

در فصل اول بیان شد که: روزی سلمان فارسی در خانه‌ی حضرت فاطمه(س) را زد و داستان عرب مستمند را برایش شرح داد، فاطمه(س)، پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه‌ی شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد. سلمان می‌گوید: شمعون وقتی جریان ایشار زهرا(س) را خبر شد، اسلام را پذیرفت.

در داستان دیگر نیز آمده است که حضرت امیر(ع) مقداری جو از همسایه‌ی یهودی‌اش قرض گرفت و چادر حضرت فاطمه(س) را به عنوان گرو (رهن) نزد آن یهودی گذاشت. شب همسر آن یهودی متوجه شد در اتاقی که چادر حضرت زهرا(س) را گذاشته است، از چادر نور خارج می‌شود. یهودی اقوام و فامیل خود را با خبر کرد و به برکت آن چادر در حدود هشتاد و چند نفر از خویشان آن یهودی مسلمان شدند.

مَارِجَاتٌ لِّهَا (م) لَمَنْ قَرَضَ شَهْرًا مِنْ بَيْتِ حَيْهٍ نَمَسَتْ مِنْهَا نَحْمَ الْإِيمَانِ وَالْمَارِجَاتُ  
 لَكُنَّ مِنَ الصَّرْفِ فَاحْتَلَا الْبَيْتَ حَيْهٍ إِلَى خَلِّهِمْ رَضَعُوا فِي بَيْتِهَا لَكُنَّ مِنَ الْبَيْتِ أَحَدَاتٍ  
 زَوْجَاتٍ الْبَيْتِ الْحَيْهِيِّ وَالْحَيْهِيُّ قَرَأَتْ نَزْرًا مَطَا الْأَصَابِعِ الْبَيْتِ فَأَخَصَّ نَيْتَ الْزَوْجَاتِ  
 لَشَرِّهَا بِنِهَا رَأَتْ فِي خَلِّ الْبَيْتِ ضَرْبَ عَطْمًا... فَكُنَّ يَسْتَنْقِلُ مِنْ بَحْرِ مَيْمَنٍ يَلْمَعُ مِنْ فَرْجِ  
 نَهْجِ بَيْنِ خَلِّهَا نَهْجَ الْبَيْتِ فِي مَرْضِعِ الْكَلْبِ فَكُنَّ لَيْتَ خَلِّ النَّوْرِ مِنْ كَلْبِهَا فَطَمَحَتْ حَرَجَ



الْبِهِرَةِ بِبَحْرٍ لَاحِقٍ فِي يَوْمِ نَزْوَى الْبَحْرِ لِيُفَرِّقَ بَيْنَ كَوْمٍ مِنْهَا فَاسْتَجَابَ  
قَائِلًا: ثَمَّ نَزَلَ فِي الْبِهِرَةِ فَزَالَ خَالِكٌ وَأَسْفَرَ اللَّهُ

### شرکت حضرت فاطمه (س) در مراسم عروسی همسایه‌ی یهودی

یهودی‌ها عروسی داشتند و خدمت رسول خدا(ص) رسیدند و عرض کردند، ما حق همسایگی داریم و خواهش می‌کنیم دخترت فاطمه(س) را به خانه‌ی ما بفرستی تا عروسی ما پربرکت گردد. آن‌ها بر این امر اصرار کردند و حضرت فرمود: فاطمه(س) همسر علی(ع) است بروید از ایشان اجازه بگیرید. یهودی‌ها همه همراه با زیورآلاتی که آورده بودند خدمت حضرت علی(ع) آمدند و سرانجام موافقت شد که حضرت فاطمه(س) در مراسم عروسی شرکت کند. لذا حضرت جبرئیل(ع) برای حضرت فاطمه(س) از بهشت لباس و زیورآلات آورد؛ وقتی حضرت فاطمه(س) آن‌ها را پوشید همه‌ی مردم از زیبایی، رنگ و بوی خوش آن در شگفت آمدند. از این رو، زمانی که حضرت فاطمه(س) وارد خانه‌ی یهودیان شد، زنان آن‌ها برای حضرت فاطمه(س) سجده کردند و در مقابل حضرت فاطمه(س) زمین را بوسیدند و بسیاری از یهودیان به این خاطر مسلمان شدند.

أَنَّ الْبِهِرَةَ كَانَتْ مَعَهُ عَرِينٌ فَبَحَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَقَالَ لَنَا حَقُّ الْبِحْرِ فَنَسَّكَ أَنْ  
تُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا يَسْكُ الْخَالِيقَ فَأَجَبَتْ بَرَّحَةَ أَنَّ هَذَا يَدِينُ الْبِحْرَ هَلْبِ فَنَالَ (ص) أَنَّ هَذَا زَوْجٌ هَلْبِيِّ بِنِ  
لِطَالِبِ بْنِ عِيْذَانَ مَسْأَلُ الْبِهِرَةَ فِي خَالِكٍ فَخَدِمَتْ مَعَ الْبِهِرَةَ الطَّاهِرَةَ مِنْ  
النَّسَبِ وَالسُّلَيْبِ رَأَتْ الْبِهِرَةَ أَنَّ نَهْلًا نَزَلَ عَلَيْهَا فِي يَوْمِ الْخَالِيقِ وَرَأَتْ حُرَّ الْمَسْأَلِ يَا نَجْمَهُ  
جَبْرِيْلُ قَائِلًا بِنِ الْبِحْرِ لِيُفَرِّقَ بَيْنَ الْبِحْرِ وَيُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا فَاسْتَجَابَتْ قَائِلًا: ثَمَّ نَزَلَ فِي الْبِهِرَةِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّحْمَةَ وَالرَّحِيمَ وَالرَّحْمَةَ وَالرَّحِيمَ وَالرَّحْمَةَ وَالرَّحِيمَ  
 بِبَنَاتِ الْأَرْضِ يَتَّخِذْنَ أَسْمَاءَ مَارِزَةَ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مِنَ الْبَهْرَةِ

### شبکه‌ی خویشاوندی؛ صله‌ی رحم یا پیوند با خویشاوندان

یکی از گروه‌های مهم اجتماعی که همواره انسان با آن ارتباط دارد، خویشاوندان است. علاوه بر این که ما با خویشاوندان خود پیوند خونی و عاطفی داریم، خویشاوندان دارای حقوق الهی و انسانی نیز است. شبکه‌ی خویشاوندان در طول حیات بشر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است و به همین خاطر در سختی‌ها و خوشی‌ها اولین گروهی که در کنار انسان همیشه بوده‌اند خویشاوندان است.

### تعریف و مصادیق خویشاوندان

ارحام یا خویشاوندان چه کسانی‌اند که این قدر بر پیوند (صله‌ی) آن‌ها تأکید شده است؟ ارحام به همه‌ی اقاربی گفته می‌شود که از ناحیه‌ی پدر و مادر (و بالاتر از آن‌ها؛ اجداد و جدات و نیز پایین‌تر از ایشان؛ اولاد و نوه‌ها) به فرد منتسب باشند. از این‌رو، برادران، خواهران و فرزندان ایشان، عموها و عمه‌ها و فرزندان ایشان و به طور کلی همه‌ی کسانی که در این سلسله به نوعی به فرد انتساب یافته‌اند، اعم از این‌که دور و یا نزدیک باشند، از ارحام محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. الخرائج والجرائح، ج 2 ص 539.

<sup>۲</sup>. صله رحم، ص 55.



### سلسله مراتبی بودن خویشاوندان (ارحام)

یکی از سؤال‌های دیگری که درباره‌ی صله‌ی رحم به ذهن انسان می‌رسد، این است که آیا ارحام، همه در یک رتبه‌اند؟ در پاسخ باید گفت که همه‌ی ارحام در یک رتبه نیستند. در روایتی از امام سجاد (ع) آمده است که حضرت فرمود: «و حقوق رحمک کثیره متصله بقدر اتصال الرحم فی اقرباه و واجبها علیک حق امک، ثم حق ابیک، ثم حق ولدک، ثم حق اخیک ثم الاقرب فالاقرب و الاولی فالاولی»؛ حقوق ارحام زیاد است و اندازه‌ی آن به اندازه‌ی نزدیکی و قرابت رحم به انسان است. صله‌ی رحمی که واجب است، به ترتیب عبارت است از: حق مادر، حق پدر، حق فرزند، حق برادر و آن‌گاه «الاقرب فالاقرب و الاولی فالاولی؛ هرکسی از لحاظ خویشاوندی به انسان نزدیک‌تر باشد، حقوق بیشتری به گردن انسان دارد».

### صله‌ی رحم حضرت زهرا (س)

حضرت فاطمه (س) روزهای شنبه به زیارت قبر عمویش حمزه‌ی سیدالشهداء می‌رفت. محمود بن لبید گزارش می‌دهد که برخی از روزها که به نزد قبر حمزه می‌آمدم، حضرت فاطمه (س) را آن‌جا می‌دیدم که در آن‌جا نشسته و گریه می‌کند.<sup>1</sup>

فاطمه‌ی زهرا (س) همیشه به یاد مادر خود بود. همچنین نسبت به خاله و سایر خویشاوندان خود مهربان بود و از آن‌ها یاد می‌کرد و در حق آن‌ها دعا می‌کرد. همین‌طور، در همه‌حال به یاد پدر گرامی‌خویش بود و از هیچ نعمت و کمکی برای یاری به پدر دریغ نمی‌کرد. در روایت آمده است که: سه روز

<sup>1</sup> . فاطمه زهرا سرور دل پیامبر، ص 362.

پیامبر(ص) غذایی نخورده بود، طوری که حضرت به سختی افتاده بود. در نزد همسرانش خوراکی‌ای یافت نمی‌شد. نزد فاطمه(س) آمد و گفت: دخترم نزد تو چیزی برای خوردن هست، بسیار گرسنه‌ام؟ عرض کرد: نه به خدا سوگند! وقتی پیامبر(ص) بیرون رفت، دخترش از این‌که نتوانسته پدر را سیر کند محزون شد. ناگهان دختر همسایه در زد و دو قرص نان و یک تکه گوشت خدمت فاطمه(س) آورد. او خوش حال شد و گفت: خود را بر رسول خدا مقدم نمی‌داریم. درحالی‌که همه گرسنه بودند، آن را زیر سبد نهاده و سرپوش بر آن گذاشت. حسن و حسین -علیها السلام- را خدمت پیامبر(ص) فرستاد، تا جدشان را برای غذا دعوت کنند. پیامبر(ص) تشریف آوردند و غذای بسیار معطری زیر سبد یافت. ... پیامبر(ص) و همه‌ی اعضای خانواده‌ی علی(ع) و همسران پیامبر(ص) از آن غذا خوردند و برای همسایه‌ها هم فرستادند.

أَنَّ بَابَ نَتَّهِجَ الْفَتَىٰ لَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِذَا بَاتَ لَهُ بَطْنٌ فَطَمَّاهُ حَتَّىٰ شَتَّ خَالَ  
 هَلْبًا فَمَا فِي حَيْلِ أَرْوَاهُ فَلَمْ يَصِبْ يَدَّهَا حَتَّىٰ شَبَّهَا نَافِعٌ فَأَهْلُ أَهْلِ بَابِ بَيْتِهِمْ لَمْ يَدْخُلْ  
 شَيْءٌ إِلَّا فِي جَيْمِهِ فَذَلَّتْ لِرَسُولِهِ نَفْسُهُ رَأَىٰ نَفْسَهُ حَتَّىٰ بَدَّهَا بَدَّتْ بِأَرْوَاهُ فَيَقِفُ  
 بِضَمِّ لَوْنِهِ فَتُخَذَرُ رُضًا فَذَلَّتْ فِي بَقَاءِ رَفَاتِهَا فَذَلَّتْ رَأَىٰ لَوْنَهُ حَتَّىٰ يَدْخُلُ  
 رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَلَىٰ نَفْسِهِ وَنَفْسُهُ رَأَىٰ لَوْنَهُ فَذَلَّتْ حَتَّىٰ بَدَّهَا بَدَّتْ حَتَّىٰ  
 حَسِبَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) قَرَجَمَ الْبَيْتِ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَهِيَ رَأَتْهَا لِحَسَنَ  
 وَالْحُسَيْنِ وَجَيْمِ أَرْوَاهُ النَّبِيِّ حَتَّىٰ شَبَّهَا فَذَلَّتْ فَطَمَّاهُ بِقَيْتِ الْجَنَّةِ عَنِ فَرْوَةٍ مِنْهَا عَلَى  
 جَيْمِهِ حَتَّىٰ لَوْ رَجَلَتْ لَمْ يَجِدْ بَابَ بَيْتِهِمْ

حضرت فاطمه (س) بعد از رحلت پدر نیز ایشان را فراموش نکرد؛ همان گونه که محمود لبید نقل کرده است: حضرت فاطمه (س) در کنار قبور شهدا خیلی گریه می کرد به گونه ای که قلبم به درد آمد. وی را آرام کردم و بعد از سلام عرض کردم: ای سرور زنان! به خدا قسم که رشته های قلبم از گریستن شما پاره شده است. حضرت فرمود: ای ابو عمر! مرا گریستن حق است؛ چون مصیبت زده ام. آن گاه این شعرش را خواند: چون کسی بمیرد یادش در خاطره ها کم رنگ می شود؛ اما به خدا سوگند پدرم چون وفات یافت یادش در خاطره ها بیشتر شد.

فَنَ عَمْرٍو جَدْنِ لَبِيدٍ قَالَ مَا فِضَّرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَكَ فَطَلَّتْ فَاطِمَةُ فَتَبَّرَ الشَّهَادَةَ وَتَلَّتْ نَسْرَ  
 مَرْوَرِيٍّ سَأَلَ نَمَالَةَ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ لَقَبْتَ نَسْرَ مَرْوَرِيٍّ لِمَ تَقْرَبِينَ خَدْمَةَ (ص) فَقَالَتْ  
 سَأَلَ نَمَالَةَ فَتَلَّتْ نَمَالَةَ مَسْأَلَتِهَا لَقَبْتَ بِأَسْمَاءِ الْأَنْسَارِ فَقَالَتْ لِمَ تَقْرَبِينَ خَدْمَةَ (ص) فَقَالَتْ أَقْبَابُ  
 نَمِيحٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالَتْ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ خَلِيءِ بِاللَّيْلِ لِحَاكِمِيَّتِ يَوْمَ لَا يَدْرِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَرَأْسُهَا  
 لَيْلِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْفَسَتْ (ع) فَقَالَ

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتَ قَلَّ ذِكْرُهُ وَ ذِكْرُ أَبِي (مُذُن) مَاتَ وَاللَّهِ أَكْثَرُ<sup>1</sup>

### کارکردهای صلهی رحم

پیوند با خویشاوندان کارکردهای مثبت زیادی دارد. فرزندان ما از طریق صلهی رحم هنجارهای پذیرفتهی جامعه را فرا می گیرند، با تبار و خویشاوندان خود آشنا می شوند، اوقات فراغت اعضا به صورت مثبت پر می شود، شهرها آباد

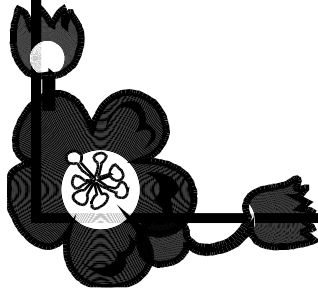
1. کفایه الاثر، ص 199.



می‌گردد، نظارت اجتماعی و تشویق به خوبی‌ها صورت می‌گیرد، روحیه‌ی تعاون و همکاری بین شبکه‌ی خویشاوندان افزایش می‌یابد و...

حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) در یکی از سخنرانی‌های خود به فلسفه‌ی جعل و تشریح احکام اشاره کرده فرمود: خداوند صله‌ی رحم و ارتباط با خویشاوندان را به خاطر طولانی‌شدن عمر قرار داده است.

«بَجَعَلَ اللَّهُ ... صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ»<sup>۱</sup>: «مَنْسَأَةً» به معنای مؤخر و به تأخیر افتاده آمده است.



۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱ ص ۱۰۰.





## فصل پنجم:

### آسیب‌شناسی روابط اجتماعی



## مقدمه

در فصل اول کتاب با کلیات مباحث مربوط به سیره و در فصل دوم با روابط اجتماعی و عواملی که در ایجاد و استحکام روابط اجتماعی نقش داشت، آشنا شدید. در آن فصل‌ها بحث عوامل استحکام روابط اجتماعی را با توجه به سیره‌ی حضرت فاطمه(س) مورد بررسی قرار دادیم. همین طور، در فصل سوم سیره‌ی خانوادگی و در فصل چهارم شبکه‌ی خویشاوندی و همسایگان مورد بررسی قرار گرفت.

در این فصل در مورد آسیب‌شناسی روابط اجتماعی بحث می‌شود تا روابط و همبستگی اجتماعی انسان که در فصل اول، دوم و سوم از آن سخن رفت، دچار مشکل نگردد. این فصل دو بحث مهم را با توجه به سیره و سخنان و پندهای حضرت فاطمه(س) مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش اول در مورد گروه‌های کجرو اجتماعی و افرادی است که نباید با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. عنوانی که می‌تواند همه‌ی این گروه‌ها را در زیر چتر خود جمع کند، کجروی است. گروه‌های کجرو و منحرف در جامعه کارکرد منفی دارند و جامعه را به سمت انحراف و کجروی راهنمایی و تشویق می‌کند، لذا ارتباط با این گروه‌های اجتماعی از منظر دینی توصیه نمی‌شود، بلکه لازم است از آن‌ها فاصله گرفته و با آن‌ها تعامل و ارتباط نداشته باشند؛ زیرا برقرار کردن ارتباط با آن‌ها باعث می‌شود انسان از اهداف مهم خود باز ماند و راه راست را گم کرده به سمت بیراهه هدایت گردد.

بخش دوم در مورد عواملی بحث می‌کند که باعث قطع رابطه‌ی اجتماعی می‌گردد و به عنوان آسیب در روابط اجتماعی مطرح است؛ نظیر: دروغ، غیبت، حسادت، برچسب زدن، دشنام دادن، تهمت زدن و... همه‌ی این امور می‌تواند



زندگی اجتماعی (اعم از خانوادگی، در سطح همسایگان، شبکه‌ی خویشاوندی، دوستان و گروه همسالان) را دچار مشکل و تنش سازد. در گذشته به این بخش رذایل اخلاقی گفته می‌شد.

### بخش اول: گروه‌های که نباید با آنها رابطه برقرار کرد (گروه‌های منحرف و کجرو)

شایسته است انسان از گروه‌های کجرو و منحرف اجتناب کند و با آنها رابطه برقرار نکند؛ زیرا اگر شخصی با آنها ارتباط داشته باشد آهسته آهسته این خطر وجود دارد که الگوهای رفتاری آنها بر وی تأثیر بگذارد و شخص بهنجار مثل آنها شود و به مرور زمان مشکلات رفتاری پیدا کرده، راه انحرافی را در پیش گیرد.

#### الف) گروه منحرفان دینی (اهل باطل، مشرکین و کفار)

یکی از گروه‌هایی که در اسلام، دوستی و ارتباط با آنها نهی شده است، اهل باطل و کفارند. در قرآن کریم به صراحت این مطلب بیان شده است که مؤمنان نباید کافران را دوست خویش برگزینند.

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ حَتَّىٰ تَبْرُؤُوا

(نباید اهل ایمان مؤمنان را گذاشته از کافران دوست بگیرند).



### ب) ستم کاران

حضرت فاطمه (س) بعد از تعقیب نماز عشايش دعای طولانی ای می خواند و از جمله چیزهای را که از خداوند تقاضا می کرد این بود که: خداوند تجاوز تجاوزگران، ستم ستم گران و جور جائران را از وی دور دارد. حضرت می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَرَبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَرَبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت فاطمه (س) در عمل هم با کسانی که حق حضرت را غصب کردند و بر حضرت ستم روا داشتند، قطع رابطه کرد و به آن ها اجازه ای ملاقات نداد و وصیت کرد که آن ها را در تشییع جنازه اش هم خبر نکنند.

از حضرت فاطمه (س) روایت شده است که پیامبر (ص) فرمود: دو گروه ستم گر وقتی باهم درگیر می شوند، خداوند هر دو گروه را به سزای اعمال شان می رساند و مهم نیست کدام یک شان پیروز شده است. همچنین زمانی که سربازان و لشکریان دو ظالم با یکدیگر برخورد می کنند، آن کسی که ستم کارتر است از بین می رود.

هَذَا مَا كُنْتُ أَسْأَلُكَ بِهِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

### ج) مکاران، حيله گران و فریب کاران

حضرت فاطمه (س) بعد از تعقیب نماز عشايش دعای طولانی ای می خواند و از جمله چیزهای را که از خداوند تقاضا می کرد این بود که خداوند فریب

1. فلاح السائل و نجاج المسائل، ص 252.

2. كشف الغمه، ج 1 ص 553.



فریب‌کاران و مکر مکاران و نیرنگ‌حیل‌گران را از وی دور دارد. حضرت می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي دَعَاكَ الْكَافِرِينَ وَالْمَلَائِكَةَ وَالرَّبَّاءَ الْخَالِيَةَ

همچنین حضرت فاطمه (س) در تعقیب نماز عصرش همیشه از خداوند می‌خواست تا رذائل اخلاقی؛ از جمله مکر و فریب را از وی دور سازد. حضرت می‌فرمود: خداوند، ... شکست، مکر، فریب‌کاری، گول‌زدن، گرفتاری و تباهی را از گوش و چشم و همه‌ی اعضا و جوارح دور کن.

اللَّهُمَّ لَنْزِعِ ... لِنَفْسِي مِنَ الْكُفْرِ وَالنَّجَسِ وَاللَّيْلِ وَالنَّسَاوِينِ مَا فِي رِصِّي وَرَجَبِي

#### (د) فاسقان

از جمله گروه‌های که ارتباط با آن‌ها پسندیده نیست و در روایات از ارتباط با آن‌ها نهی شده است، گروه فاسقان است. فاسق در اصطلاح فقهی به کسی گفته می‌شود که به صورت علنی اهل معصیت باشد؛ شخصی که گناهان کبیره انجام دهد و بر انجام گناهان صغیره اصرار بورزد فاسق گفته می‌شود. در روایات اسلامی از معاشرت با فاسقان نهی شده است.

در دعای که به نام دعای حریق مشهور شده است و آن دعایی است که امام باقر (ع) فرمود: دعای حریق هدیه‌ای است که جبرئیل (ع) به پیامبر (ص) عطا نموده است و پیامبر (ص) به علی (ع) و فاطمه (س) و از آن بزرگواران این دعا به ما به ارث رسیده است. در جاهای مختلف این دعا، از خداوند (ج) خواسته

1. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص 252

2. همان، ص 204.



شده است که ما را از شر فاسقان و بدی آنها ننگه دارد. خداوند! از آسیب هر شری که از آن ترسیده‌ام و برحذرَم و از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن و انس، شیاطین و سلاطین، ابلیس و سربازان و پیروان آنها و از شر فساق و فجار به تو پناه می‌برم.

لَهُجْرَ الْمُنَافِقِينَ شَرًّا لِّكُلِّ خِيَّةٍ شَرُّ رِيْنٍ شَرُّ الْفَافِ وَالْحَرَّيْنِ شَرُّ رِيْنٍ شَرُّ الْكُرَّيْنِ  
 شَرُّ نَمِطَةِ الْقَرْبِ وَالْقَبْرِينِ شَرُّ نَمِطَةِ الْبَيْنِ وَالْإِنْفِ وَالشَّيْطَانِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْإِنْسِ  
 جَنْجَرٍ لِّمَنْ يَلْمِزُ الْإِنْسَانَ مِنْ شَرِّ الْمَسْكِرِ وَالْفَجْرِ

البته در روایاتی زیادی گروه‌های چون شراب‌خواران، دروغ‌گویان، قاطعان صله‌ی رحم، اهل گناه، جاهلان، سفیهان، احمقان ... نیز نام برده شده است که باید از آنها اجتناب گردد.

### بخش دوم: عوامل قطع روابط اجتماعی

هر ارتباطی، سه رکن مهم دارد که عبارت‌اند از: فرستنده‌ی پیام، گیرنده‌ی پیام و خود پیام. همچنین می‌توان وسیله‌ی پیام‌رسانی را رکن چهارم دانست. یک ارتباط کامل وقتی صورت می‌گیرد که همه‌ی عناصر یک ارتباط به صورت درست و دقیق ایفای نقش کند؛ اما اگر آسیبی متوجه یکی از ارکان ارتباط شود، دیگر این ارتباط به صورت درست و کامل محقق نخواهد شد.

اگر فرستنده‌ی پیام یا متکلم یا گیرنده‌ی پیام و یا مخاطب باهم ارتباط درست نداشته باشند، سبب قطع رابطه می‌شود. اموری که مانع ارتباط سالم

1. مصباح‌المتجهد، ج 1 ص 224.



محسوب می‌شوند و در منابع اسلامی به آن‌ها اشاره شده است، عبارتند از: استهزاء، ترش‌رویی، بی‌اعتنایی، دشنام، غیبت، دروغ، تهمت و ... . در این بخش، تلاش می‌شود این فرضیه از منظر اسلام بررسی شود. در روابط اجتماعی، اموری وجود دارد که انجام آن‌ها سبب قطع رابطه‌ها می‌شوند. پس انسان باید بکوشد در گام نخست، آن‌ها را شناسایی کند و آن‌گاه از انجام آن‌ها بپرهیزد. در ذیل به برخی از عواملی که ارتباط را از بین می‌برند، اشاره می‌شود:

### الف) تهمت زدن (برچسب زدن)

یکی از عواملی که می‌تواند روابط اجتماعی را به‌هم بزند، برچسب زدن است. متأسفانه در جامعه‌ی ما این بیماری وجود دارد و برخی بدون توجه به آبروی همدیگر، به راحتی به یک‌دیگر برچسب می‌زنند. این امر باعث می‌شود ارتباطات سالم از بین برود؛ از بین رفتن ارتباطات از دو سو ممکن است: یکی از سوی شخص برچسب‌زننده که اگر کسی در جامعه، این عادت را داشته باشد، محبوبیتش را از دست می‌دهد و مردم به راحتی با وی ارتباط برقرار نمی‌کنند، بلکه تلاش می‌کنند از او فاصله بگیرند تا از شرش در امان بمانند. دیگری از سوی برچسب‌زده‌شده؛ زیرا انسانی که برچسب می‌خورد تا حدودی آبرویش به خطر می‌افتد و عده‌ای باور می‌کنند که واقعاً او چنین است که برچسب خورده است؛ از این‌رو، از وی اجتناب می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ها را به صراحت از این عادت ناپسند منع کرده و فرموده است:





رَأَى الْكَاذِبَ وَالْمُنَافِقَ بَعَثَ الْأَمْرَ الْقَمِيسَتَ بِحَدِّ الْأَيَّامِ

مسلمانان نباید به همدیگر لقب زشت؛ از قبیل: فاسق، سفیه و امثال آن بدهند. شایسته آن است که از مؤمنان به نیکی یاد شود و به ایشان طعنه و برچسب نزنند.<sup>۲</sup>

ذکر این نکته نیز لازم است که انسان نباید کاری کند که زمینه‌ی برچسب زدن به خویش را فراهم سازد. در آموزه‌های دین به این مطلب بسیار سفارش شده است که فرد باید خود را از مواضع اتهام دور سازد تا دیگران گمان بد نبرند و به انسان بدبین نشوند. طبیعی است اگر شخصی با انسان‌های بد، معتاد، بیکار، بدکار و... سر و کار داشته باشد، دیگران فکر می‌کنند این شخص نیز همانند آنان است، هرچند در واقع ممکن است، انسان خوبی باشد. امام علی (ع) به فرزندش امام حسین (ع) سفارش کرده است:

لَوْ مَن حَتَلَ مَحَابِلَ الْمَرْءِ لَقَتَهُ

«فرزندم کسی که در جاهای بد رفت و آمد می‌کند متهم می‌شود و برچسب می‌خورد.»

حضرت فاطمه (س) یک بخشی از سخنرانی معروفش در مسجد پیامبر (ص) را در باره‌ی فلسفه‌ی احکام اختصاص داد و فرمود: خداوند منع کرد از تهمت زدن به زنان پارسا تا مردم سزاوار لعن نگردند.

رَأَى الْكَاذِبَ وَالْمُنَافِقَ بَعَثَ الْأَمْرَ الْقَمِيسَتَ بِحَدِّ الْأَيَّامِ

1. سوره حجرات، آیه 11.

2. ترجمه المیزان، ج 18، ص 482.

3. تحف العقول، ص 89.

## ب) بداخلاقی

یکی از عواملی که به عنوان آسیب در روابط اجتماعی شناخته می‌شود بداخلاقی است. بداخلاقی هم در روابط خانوادگی و هم در روابط بین دوستان و... نقش ویران‌گر دارد. طبیعتاً انسان‌ها اشخاص بداخلاق را نمی‌پسندند. حضرت فاطمه (س) در تعقیب نماز عصرش همیشه از خداوند می‌خواست تا ردائیل اخلاقی را از وی دور سازد. حضرت می‌فرمود: خداوند! به خود بالیدن، ریا، کبر، ستم، حسد، ناتوانی، شک، سستی، ضرر، بیماری‌ها [یا انتقام]، شکست، مکر و فریب، گول‌زدن و گرفتاری و تباهی را، از گوش و چشم و همه‌ی اعضا و جوارح دور کن، و موی پیشانی [و تمام وجود] مرا به سوی آن‌چه که دوست می‌داری و موجب خشنودی توست بگیر و بکش؛ ای مهربان‌ترین مهربان‌ها.

اللَّهُمَّ لِنْفِمْ الْقَبْجِ وَالرَّيْبِ وَالزُّكْرِ وَالنَّفْيِ وَالْمَسْحَرِ وَالضَّنْفِ وَالشُّكِّ وَالرَّهْمِ وَالظَّنْوِ  
 الْأَسْفَرِ وَالْخُلَانِ وَالرُّكْرِ وَالْحَبْدِ وَالْبَيْلِ وَالنَّسْأَةِ مِنْ مَهْمِي وَصَرْعِي وَجَبِي وَجَبِي  
 وَخَذِي بِصَبِيحِي إِلَى مَا حَبَّبَ وَرَضِي بِأَرْكَمِ الرَّاهِمِينَ<sup>1</sup>

## ج) تکبر و خودخواهی

همان‌گونه که تواضع نقش برجسته‌ی در استحکام روابط اجتماعی داشت و یکی از صفات برجسته‌ی اخلاقی بود، تکبر (صفت متضاد تواضع) یکی از عوامل مهم قطع روابط اجتماعی است. تکبر را می‌توان به عنوان ریشه‌ی

→

1. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج 1 ص 99.

2. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص 204.

بسیاری از ردائل اخلاقی دانست که هم در عرصه‌ی اعتقادی و هم در عرصه‌ی اخلاقی و اجتماعی باعث گمراهی و انحراف انسان می‌گردد. در روایت بالا دیدیم که چگونه حضرت فاطمه (س) اجتناب از تکبر را از خدا در تعقیب نمازش می‌خواست.

### عبادت و نماز راه بیرون‌رفت از تکبر

حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در خطبه‌ی فدکیه خطاب به مردم فرمود: خداوند ایمان را به خاطر تطهیر شما از شرک و نماز را به خاطر نجات شما از خودپرستی و تکبر قرار داد.

نَجَّاهُ مِنَ الْإِيمَانِ تَطْهِيرَ الْكُفْرِ وَالشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَطْهِيرَ الْكُفْرِ وَالشِّرْكِ

### (د) حسادت

یکی از عواملی که موجب قطع روابط اجتماعی می‌گردد، حسادت است. حسادت یکی از ردایل اخلاقی است که باعث می‌شود انسان از موفقیت دیگران رنج ببرد و زوال موفقیت و نعمت را از دیگران آرزو کند. حضرت فاطمه (س) بعد از تعقیب نماز عشایش دعای طولانی‌ای می‌خواند و از جمله چیزهای را که تقاضا می‌کرد خداوند از وی دور کند، حسدِ حسودان بود. حضرت می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَسَدِّدُ الْمَسْجِدَ

1. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱ ص ۱۰۰.

2. فلاح السائل و نجاج المسائل، ص ۲۵۲.



همچنین حضرت فاطمه (س) در تعقیب نماز عصرش همیشه از خداوند می‌خواست ردائل اخلاقی؛ از جمله: حسادت را از وی دور سازد. حضرت می‌فرمود: خداوندا، به خود بالیدن، ریا، کبر، ستم، حسد و... را، از گوش و چشم و همه‌ی اعضا و جوارحم دور کن.

اللَّهُمَّ اغْنِمْ الْقَنْبَرِ الرَّيَاءَ وَالْكَرْبُ وَالنَّفْيَ وَالنَّسَخِينَ يَا هَيْهَاتُ يَا هَيْهَاتُ  
جَبَلِي

در دعای حریق که میراثی از حضرت علی (ع) و فاطمه (س) است، از ما خواسته شده است که از شر حاسدان به خدا پناه ببریم.

لَهُ خَيْرُ الْمَنَافِعِ مِنْ خَيْرِ الْمَنَافِعِ مِنْ خَيْرِ الْمَنَافِعِ مِنْ خَيْرِ الْمَنَافِعِ  
وَاللَّهُ وَالْمَسْخَرُ وَالْمَسْخَرُ بِالْحَقِّ وَالْكَرْبُ وَالنَّفْيَ وَالنَّسَخِينَ يَا هَيْهَاتُ  
يَا هَيْهَاتُ وَالْقَنْبَرِ الرَّيَاءَ وَالْكَرْبُ وَالنَّفْيَ وَالنَّسَخِينَ يَا هَيْهَاتُ

### حسودان به صورت سگ محشور می‌شود

امیرالمؤمنین (ع) روایت می‌کند که روزی همراه همسر، حضرت فاطمه (س)، خدمت پیامبر (ص) رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر (ص) به شدت گریه می‌کند. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول‌الله! چه باعث شده است که این قدر گریه می‌کنی؟ حضرت پیامبر (ص) فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان امتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند، به این جهت گریه می‌کنم؛ آن‌گاه حضرت پیامبر توصیف کرد زنانی را که با موهایش آویزان بود و... حضرت فاطمه (س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان، گناه این

1. همان، ص 204.

2. مصباح‌المتهدج، ج 1 ص 225.

زنان چه بوده است که این گونه مورد عذاب بوده است. پیامبر(ص) در جواب دخترش فرمود: دخترم! کسی که شکل سگ داشت و آتش از زیرش زبانه می کشید و از دهانش بیرون می آمد، زن آواز خوان نغمه سرای حسود بود.

لَمَّا رَأَى الرَّبِيعُ لَيْلَةَ بَنِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: خَلَّتْ أُنْفُسُهُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) مَرَّ جَدِيدِي  
بِهِمْ فَجَدَّهَا فَخَلَّتْ فَخَالَ لِي فِي رَأْيِي بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَلَّتْ بِهَا لَيْلَةَ بَنِي طَالِبٍ فِي حَرْبِ  
الْمَسَاكِينِ لَيْلَةَ نِسَاءِ مَنْ أَمَّه فِي حَرْبِ دَجْدَجٍ فَأَنْزَلَتْ مَائِدَتِينَ فِيهَا لَيْلَةُ بَنِي طَالِبٍ وَبَنِي  
حَدْرَةَ لَيْلَةَ فَخَلَّتْ نَائِمَةً (ع) عَلَيْهِمْ قَوْلٌ لَا يَنْفَعُ أَنْ يَنْزِلَ فِي مَالِكٍ هَلَسَتْ رَمِيَتْ لَيْلَةَ عَلَى رَضَمٍ لَيْلَةَ  
هَلَسَتْ هَذَا الْحَرْبِ فَخَالَ بِأَنَّ لَيْلَةَ سَرَّهَا لَيْلَةَ لَيْلَةَ عَلَى صَرِيحِ الْكَلْبِ وَاللَّيْلَةُ خَلَّتْ فِي حَرْبِ بَنِي  
عَدْرِجٍ مِنْ عِنْدِهَا فَانْزَلَتْ لَيْلَةَ فَخَلَّتْ لَيْلَةَ

(هـ) سخن چینی

حضرت فاطمه(س) بعد از تعقیب نماز عشايش دعای طولانی ای می خواند و از جمله چیزهای را که از خداوند تقاضا می کرد از وی دور دارد، سعایت سعایت کنندگان و سخن چینی سخن چینان بود. حضرت می فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ سَمِعْتَ مَا نَقَلَ النَّبِيُّ (ص) وَرَأَى مَا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَنَهَى النَّبِيُّ (ص)

سخن چین و دروغ گو با بدن مسخ شده در قیامت

امیرالمؤمنین(ع) روایت می کند که روزی من همراه همسر، حضرت فاطمه(س)، خدمت پیامبر(ص) رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر(ص) به شدت گریه می کند، عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! چه باعث شده است که

1. عیون اخبار الرضا، ج 2 ص 11.

2. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص 252.



این قدر گریه می‌کنی؟ حضرت پیامبر(ص) فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان امتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند به این جهت گریه می‌کنم؛ آن‌گاه حضرت پیامبر توصیف کرد زنانی را که با موهایش آویزان بود ... حضرت فاطمه(س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان گناه این زنان چه بوده است که این‌گونه مورد عذاب بوده است. پیامبر(ص) در جواب دخترش فرمود: دخترم! کسی که سرش مانند سر خوک و بدنش مانند بدن خر بود، سخن چین دروغ‌گو بود.

عن الریث بن ابي طالب (ع) قال: حذت ابا فاطمه رسول الله (ص) ثم حذت ابی  
 به در حیدر فقلت: حذال لیرمی بار رسول الله (ص) الخی اذ قال: قال ابی انی حذت  
 المساء ایت نساء من امة فی حذاب حیدر فانکرت ما کنتم تبهت ایا ایت من حیدر  
 حذابین... فقلت: فاطمه (ع) عیبه وقرینه ان فی مالک فقلت: ومیر فقلت: حذت  
 هاتین هذا الحذاب فقال: یا بنیة رسول الله (ص) ان رسول الله (ص) حذت ابا فاطمه  
 نعم! انکارا

### (و) بی‌حیایی و بخل

یکی از صفات نکوهیده، بی‌حیایی و بخل است که افراد جامعه از آن متنفرند و می‌تواند رابطه‌ی اجتماعی را به هم بزند. در حدیث آمده است که روزی شخصی خدمت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) مشرف شد و از حضرت خواست: اگر چیزی از پیامبر(ص) نزدت وجود دارد ما را از آن بهره‌مند ساز. حضرت فاطمه(س) به خدمت‌گزارش دستور داد آن نوشته‌ی را که یادگار پدر او

1. عیون اخبار الرضا، ج 2 ص 11.

است و برایش مانند فرزندانش حسن و حسین(ع) با ارزش است، بیاورد. کنیز نوشته را آورد و در آن نوشته شده بود: ... خداوند انسان بی حیا و بخیل را دوست ندارد...

... قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَى الْأَعْنَافِ وَالْجَبِّينَ إِنَّ اللَّهَ يَصِفُ الْفَاحِشَ الْخَبِيثَ  
قَالَ عُمَرُ النَّبِيُّ (صَلَّى)

### ز) بددهنی و بی حیایی

از رذایل اخلاقی، دُشنام دادن و بی حیایی است، همان گونه که «حیا» صفت پسندیده است، همه آن را دوست دارد و دارنده اش به بهشت می رود، بی حیایی و بددهنی - که متضاد حیا است - صفت ناپسند است و مردم از آن متنفرند و انسان بی حیا و فحاش اهل جهنم است. در صحیفه ی حضرت پیامبر(ص) که نزد حضرت فاطمه(س) نگهداری می شد، آمده است که حیا از ایمان است و دارنده ی ایمان در بهشت است و اهل فحش و بی حیایی در جهنم است.

قَالَ عُمَرُ النَّبِيُّ (صَلَّى) إِنَّ الْإِيمَانَ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانَ فِي الْإِيمَانِ مِنَ الْإِيمَانِ  
الْبَخِيلُ وَالْبَخِيلُ فِي النَّاسِ

### ح) گدایی

یکی از صفات نکوهیده، گدایی است. اگر کسی با اصرار از دیگران چیزی درخواست کند، چنین شخصی منفور جامعه بوده و مردم وی را دوست ندارند.

1. فاحش به معنای بی شرم و بی حیا.

2. ضنین به معنای بخیل و خسیس، دلایل الامامه، ص 66.

3. دلائل الامامه، ص 66.



در همان صحیفه‌ی حضرت فاطمه (س) از پدرش نقل شده است که فرمود:  
خداوند گدای لجوج و مصر را دوست ندارد.

قَالَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِنَّ الْمَصْرَ وَاللَّجُوجَ وَالْمَسْأَلَةَ لَمَنْحَةٌ

عواملی دیگری نیز وجود دارد که روابط اجتماعی را دچار مشکل می‌کند که در این جا صرفاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

ژولیدگی، رعایت نکردن بهداشت، بوی بد دهان، عرق بدن، لباس نامرتب، پوشیدن لباس غیر معمول و غیر متعارف، آرایش و استایل غیر متعارف، جادو، کهانت، ترس و ...

یادآوری: درمان بد اخلاقی در زندگی مشترک از نظر پیامبر گرامی اسلام دو چیز است که در دو مرحله بیان شده است:

مرحله‌ی اول: پیامبر مهربانی‌ها در مرحله‌ی اول این نسخه، صبر را برای درمان درد بد اخلاقی توصیه می‌کند؛ البته صبری که مدبرانه و آگاهانه باشد. ایشان در این باره فرموده است: «هر مردی که بد اخلاقی همسرش را برای خدا تحمل کند، خداوند (ج) برای صبر او در هر بار، پاداشی همانند پاداش صبر ایوب نبی - علیه السلام - در برابر بلای او، به وی دهد».

و از آن طرف، درباره‌ی زنانی که شوهران‌شان دارای صفات بدی؛ چون: بدبینی و شکاکیت، بد اخلاقی یا بسیار تنگ‌روزی هستند فرمود:

«خداوند عذاب قبر را از سه دسته زنان بر می‌دارد و در روز قیامت با دخترم، فاطمه - سلام الله علیها - محسورشان خواهد کرد؛ زنی که بر غیرت شوهرش شکیبایی کند؛ زنی که در برابر بد اخلاقی شوهرش صبوری کند و





زنی که مهریه‌اش را به همسرش ببخشد، خدا به هریک از آن‌ها ثواب هزار شهید می‌دهد».

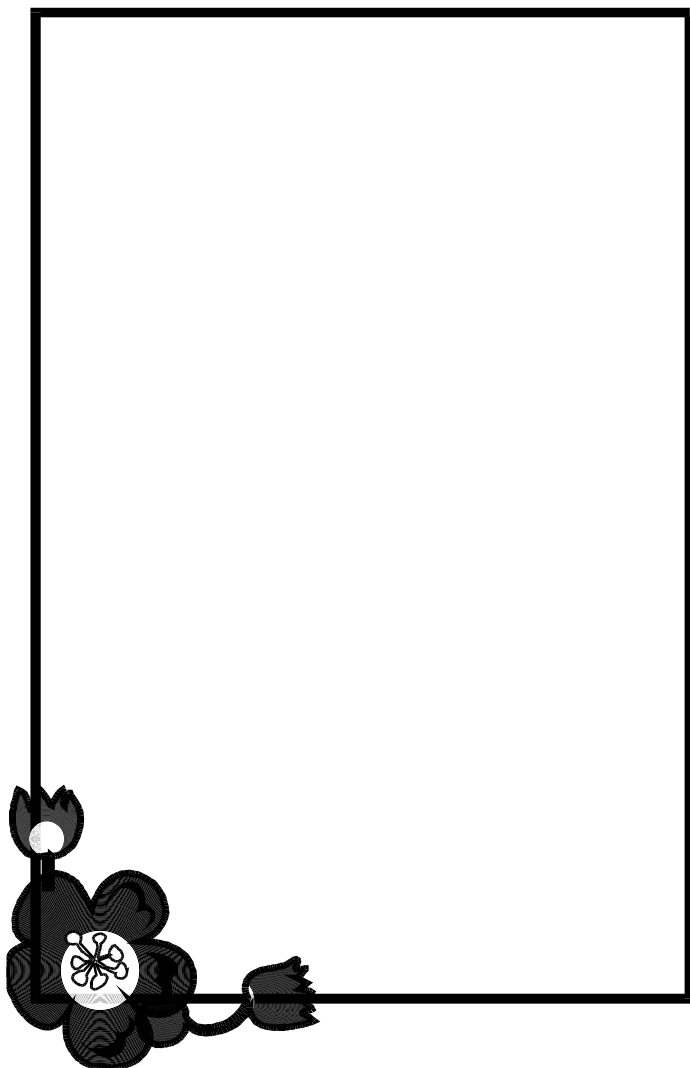
معنای این دو حدیث این است که همسر فرد بد اخلاق؛ چه مرد و چه زن، فکر نکند که به راحتی و سریع به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد، بلکه باید با صبوری و با نگاه به پاداش اخروی و نه فقط نتایج زود هنگام، به تلاش برای نگهداشتن کانون خانواده با همه‌ی مشکلات همت کند، زود خسته نشود و در مقابل اخلاق بد همسرش صبوری کند تا بنیان خانواده متزلزل نشود.

نکته‌ی جالب این است که این صبوری هم به مردان توصیه شده است و هم به زنان و البته که بار مشکلات زنان در بد اخلاقی همسر سنگین‌تر است و اجر و پاداش شان هم بیشتر.

مرحله‌ی دوم: پیامبر(ص) در مرحله‌ی بعد، برای تبدیل بد اخلاقی به اخلاق خوش، این راه را معرفی کرده است: نیکی و مهربانی کردن به همسر بد اخلاق تا حدّ شرم‌نازیدن او.

البته که این مرحله به عنوان مرحله‌ی پیش‌رفته‌تر، سخت‌تر هم هست؛ یعنی همسر باید اول خودش به خصال اخلاقی و رفتاری نیکو آراسته شده باشد و در خود این خصال را تمرین و درونی کرده باشد تا بتواند در تعامل با فرد مقابل آن‌ها را به او منتقل کند.

بر اساس نسخه‌ی کیمیای پیامبر(ص) - در صورت عمل کردن به هر دو مرحله؛ یکی صبر و دوم نیکی کردن در مقابل بدی - درد بد اخلاقی همسر را می‌توان درمان کرد؛ این چیز است که امروزه مشاوران خانواده هم بر آن تأکید می‌کنند و می‌گویند: صبوری در مورد اخلاق و رفتار بد همسر و مقابله به مثل نکردن و بلکه سعی در ترویج عملی اخلاق و رفتار درست و زیبا چاره‌ی درد بد اخلاقی همسر و نجات کانون خانواده است.





## فصل ششم:

### حجاب و عفاف

در سیره‌ی حضرت زهرا (س)



## مقدمه

حجاب یکی از واجبات در اسلام است. لازم است دختر وقتی به سن تکلیف می‌رسد، بدن خود را به جز صورت، دست (از مچ دست تا سرانگشتان) و پشت پا، سایر اعضای بدن خود را به صورت کامل از مردان نامحرم بیوشاند. رعایت حجاب باعث مصئونیت جامعه از آلودگی‌ها و باعث آرامش و رشد می‌گردد.

حضرت فاطمه(س) همواره مواظب حجاب خود بود و به دیگران نیز سفارش می‌کرد که حجاب خود را به صورت کامل رعایت کنند.

یادآوری این نکته نیز لازم است که حضرت فاطمه(س) بهترین الگوی زنان مسلمان است؛ به این معنا که حضرت فاطمه(س) علاوه بر این که در خانه نقش یک همسر شایسته را بازی می‌کرد و به تربیت فرزندان و کارهای خانه می‌پرداخت، یک بانوی اجتماعی بود و با خارج از خانه نیز قطع ارتباط نکرده بود که تاریخ و روایات گواه این مطلب است؛ همان گونه‌ای که در این اثر نیز شما گوشه‌های از زندگی اجتماعی حضرت فاطمه(س) را خواندید.

حضرت فاطمه(س) دعوت زنان را می‌پذیرفت و برای تهیه‌ی وسائل و نیازهای خود به خصوص زمانی که حضرت علی(ع) در خانه نبود، به بیرون می‌رفت؛ مرتب به خانه‌ی پدر رفت و آمد داشت؛ در جنگ احد همراه سایر زنان برای مداوای مجروحان در جبهه‌ی جنگ حضور یافت؛ در فتح مکه و حجه‌الوداع همراه پیامبر(ص) بود؛ پس از شهادت حمزه پیوسته به احد می‌رفت، گاه



برخی از یاران پیامبر(ص) را به حضور می پذیرفت؛ اما در عین حال نسبت به مسئله‌ی حجاب و عفاف خیلی حساس بود و سخت بر آن تکیه می کرد.<sup>1</sup>

بحث عفاف و حیا با بحث حجاب خیلی نزدیک است؛ عفت، به معنای پارسایی و آن حالت نفسانی‌ای است که انسان را از غلبه‌ی شهوت باز دارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله: رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش و عفت در کردار - به ویژه در زنان - اشاره می کند و تأکید می فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیرضروری و بیهوده پرهیز شود.

در نگاه به نامحرم، زنان همانند مردان از چشم‌چرانی منع شده‌اند و باید از نگاه بد و هوس‌آلود چشم‌پوشی کنند؛ چرا که دیده به منزله‌ی دروازه‌ی دل است و اگر کنترل نشود، در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد.

قرآن زنان را مکلف می کند جاذبه‌ها و زینت‌های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آن‌چه نمایان است. آن‌ها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام‌ها و زینت‌های پنهان آن‌ها را مستور کند، داشته باشند که موجب تهییج شهوت مردان و در نتیجه آزار و اذیت‌شان توسط افراد بیماردل نشوند.

کردار و راه رفتن آن‌ها نیز باید به دور از جلوه، خودنمایی و جلب توجه باشند. در نظام مقدس اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است. با دقت در سیره‌ی حضرت زهرا (س)، آن اسوه‌ی به تمام معنا، در می‌یابیم که ایشان آیین‌های تمام‌نمای حجاب و عفاف اسلامی

1. محمد جواد طبسی، فاطمه الگوی حیات زیبا، ص 76.

است. زنان با الگوگیری از آن حضرت در رعایت حجاب، عفاف، پوشش کامل و داشتن رفتاری به دور از خودآرایی و خودنمایی، می‌توانند آرامش، آسایش و امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورند، از گسیختگی بنیان خانواده جلوگیری کنند و مانع بسیاری از فتنه‌ها که ریشه در عدم رعایت و حفظ حریم عفاف دارد، گردند.

### پاک‌دامنی یکی از ویژگی‌های مؤمن

قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک‌دامنی می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»<sup>1</sup> آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامن خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند».

### عفت در گفتار

در آیه‌ی 32 سوره‌ی احزاب، درباره‌ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم آمده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند».

خضوع در این جا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند و با ناز و کرشمه سخن نگویند تا مردان بیماردل دچار ریه و خیال‌های شیطانی شوند و شهوت آن‌ها برانگیخته گردند. منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می‌دارد.

1. مومنون آیه 5.



و «قولاً معروفاً» یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد.

این آیه به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشو، اشاره دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری و شهوت انگیز تأکید دارد و متذکر می‌گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس‌آلود، افرادی که از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی-که در اثر ضعف یا فقدان ایمان است- برخوردار نباشند، به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند. نقل است که هرگاه کسی به در خانه‌ی حضرت زهرا(س) می‌آمدند، حضرت برای پاسخ به آن شخص، دستان مبارک خود را در دهان قرار می‌دادند تا با تغییر لحن صدای خویش فرد را از لغزش گناه دور کنند. همچنین روایت شده که حضرت در هنگام سخنرانی کوبنده‌ی خویش در مسجد، لحن صدای خویش را به حالت بم تغییر داده بودند و این‌گونه در گفتارش عفت پیشه می‌کردند.

### عفت در نگاه

در آیه‌ی 31 سوره‌ی نور که به سوره‌ی عفت و پاک‌دامنی و حجاب معروف است، به چندین رفتار عقیفانه اشاره می‌شود که یکی از آن‌ها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند.» همچنین در



آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛<sup>۱</sup> به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیرمجاز) چشم‌پوشی کنند». در شأن نزول این آیات آمده است: جوانی در بین راه، زنی را می‌بیند، به او چشم می‌دوزد و به دنبال او به راه می‌افتد؛ طوری غرق نگاه به آن زن می‌شود که صورتش به دیوار برخورد می‌کند و مجروح می‌شود، نزد رسول خدا (ص) می‌رود و ماجرای خود را نقل می‌کند. پس از آن، این آیه نازل می‌گردد.

هَذَا الَّذِي فِيهِ عَفْوٌ (ع) قَالَ لَمَنْفَعَلْ ذُنُوبًا مِنْ لَأَنْصَلُ لِمَنْ رَأَى الْوَجْهَ الْبَارِكَانَ النَّسَاءَ بِقَدِّهِنَّ خَلْفَ  
 (خ) الَّذِي فِيهِ نَظَرُ الْبَهَائِ عِيًّا فَمَا أَتَاهَا بَارَتْ نَظَرَ الْبَهَائِ حَتَّى خَلَّتْ فِيهَا فَاتَتْ خَدِيمًا وَأَمْرًا لَهَا فَكَانَ نَجَبًا  
 بِنَظَرِ خَلْفِهَا لِقَرَضٍ رَجَدَ فِيهَا فِي الْبَطْنِ لِرَجَاءِ ابْنَتِهَا فَتَوَضَّعَتْ لَهَا حَتَّى رَأَى نَظَرَ  
 فَاحْتَمَى النَّسَاءَ فَسَبَّهَا صَحْرًا وَرَدَّهَا فِي الْبَطْنِ فَسَبَّهَا فِي الْبَطْنِ فَسَبَّهَا فِي الْبَطْنِ فَسَبَّهَا فِي الْبَطْنِ  
 رَأَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لَمَّا خَلَّتْ فِيهَا فَاتَتْ خَدِيمًا وَأَمْرًا لَهَا فَكَانَ نَجَبًا  
 مِنْ لَأَنْصَلُ لِمَنْ رَأَى الْوَجْهَ الْبَارِكَانَ النَّسَاءَ بِقَدِّهِنَّ خَلْفَ

«یغضض» از ماده‌ی «غض» به معنای کاهش و کم کردن نگاه است و منظور، چشم‌پوشی از نگاه حرام و غیرضروری و شهوت‌آلود است. در لزوم عفت و پاک‌دامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد، فرقی نیست. بدین ترتیب، همان‌گونه که چشم‌چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است.

### نیکی‌ی برای زنان از نظر حضرت زهرا (س)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: خدمت پیامبر (ص) بودیم، آن حضرت پرسید: چه چیز برای زنان نیکو و رواست؟ حضرت فاطمه (س) پاسخ دادند: آن چه

۱. نور، آیه ۳۰.

۲. الکافی ج ۵ ص ۵۲۱.



برای زنان نیکوست، این است که [بدون ضرورت و نیاز] مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند.

قَالَ: عَنِ النَّسَاءِ أَنَّ لِرَبِّهِنَّ الرَّجُلَ وَالرَّجُلَ لِرَبِّهِنَّ الرَّجُلُ<sup>۱</sup>

خشنودی حضرت فاطمه (س) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول (ص) به اوج عفت و حیای ایشان در خودداری از اختلاط با مردان و محفوظ ماندن از نامحرمان اشاره دارد.

### عفت در پوشش

مسئله‌ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم در چند جای قرآن، به این موضوع با تعبیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی، بی حجابی، خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»<sup>۲</sup> زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های خود را آشکار سازند و به نامحرمان نشان دهند، مگر آن مقداری که طبیعتاً نمایان است.

آن چه از زینت‌های ظاهری استثناء شده، صورت و دو دست است. بنابراین، مقتضای آیه، نهی از خودنمایی و آشکار نمودن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در جمله‌ی «وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»<sup>۳</sup> توصیه می‌فرماید: زنان باید چادرها و روسری‌های خود را بر گردن

۱. نهج‌الهیاء، ص ۱۶۰.

۲. نور آیه ۳۱.

انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنها نیز پوشیده شود).

«خُمُر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.

بنابر نقل تواریخ، در گذشته رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می پوشیدند که یقه‌ی پیراهن و گریبان‌های شان باز بود و دور گردن و سینه را نمی پوشانید؛ روسری را هم از پشت سر می انداختند، به طوری که گوش، جلوی سینه و گردن آنها نمایان می گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش‌ها و روسری‌ها، از دو طرف، روی سینه و گریبان افکنده شود تا قسمت‌های یاد شده، پوشیده گردد. این آیه، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان، روشن می‌سازد که آنان باید تمام اندام: سر و سینه، گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بیوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند.

منظور از «جلباب»، که در قرآن کریم آمده است، پوششی وسیع‌تر از خمار است که همان چادر و حداقل شبیه چادر (مقنعه‌ی بلند و چادر کوتاه) است.

### اهمیت دادن حضرت فاطمه (س) به حجاب

جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به سوی خانه‌ی فاطمه (س) می‌رفت، من هم با او همراه بودم، هنگامی که به در خانه رسیدیم، رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در زد و فرمود: السلام علیکم.

فاطمه (س) پاسخ داد: علیک السلام، ای رسول خدا! حضرت پیامبر (ص) سؤال فرمود: داخل شوم؟ پاسخ داد: داخل شوید ای رسول خدا.



پیامبر فرمود: آیا با این شخصی که همراه من است داخل شوم؟  
 فاطمه(س) گفت: ای رسول خدا! من مقنعه‌ای بر سر ندارم.  
 پیامبر فرمود: گوشه‌ی ملافه (روپوش) خود را مقنعه قرار بده و سرت را  
 بیوشان. هنگامی که فاطمه(س) چنان کرد، پیامبر مجدداً سلام کرده و اجازه‌ی  
 ورود خواست و فاطمه(س) فرمود: ای رسول خدا! داخل شوید.  
 پیامبر دوباره تأکید کرد و فرمود: آیا داخل شوم با کسی که همراه من  
 است؟

فاطمه(س) پاسخ داد: بله. جابر می‌گوید: آن وقت، من همراه رسول خدا  
 وارد خانه‌ی حضرت فاطمه(س) گردیدیم.

لَمَّا كَانَ مِنَ اللَّيْلِ رَضِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَدِيثِهَا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا  
 لِيَلْبَسَ الْيَلْبَ رَضِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَدِيثِهَا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَا  
 رَسُولُ اللَّهِ لَسْبَنَ عَلَى قَوْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ خَدَنِي نَضَلَّ يَوْمَئِذٍ وَنَضَلَّ يَوْمَئِذٍ فَقَالَتْ يَا  
 رَسُولُ اللَّهِ لَسْبَنَ عَلَى قَوْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ خَدَنِي نَضَلَّ يَوْمَئِذٍ وَنَضَلَّ يَوْمَئِذٍ فَقَالَتْ يَا  
 رَسُولُ اللَّهِ لَسْبَنَ عَلَى قَوْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ خَدَنِي نَضَلَّ يَوْمَئِذٍ وَنَضَلَّ يَوْمَئِذٍ فَقَالَتْ يَا  
 رَسُولُ اللَّهِ لَسْبَنَ عَلَى قَوْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ خَدَنِي نَضَلَّ يَوْمَئِذٍ وَنَضَلَّ يَوْمَئِذٍ فَقَالَتْ يَا

### حجاب حضرت زهرا(س) حتی برای نابینایان

امام زین العابدین از پدران خود روایت کرده است که شخصی نابینایی از  
 حضرت فاطمه(س) اجازه‌ی ورود خواست، حضرت فاطمه(س) حجابش را  
 رعایت کرد. حضرت رسول(ص) فرمود: دخترم! آن شخص که نابینا است و  
 نمی‌تواند شما را ببیند چرا حجاب کردی؟ حضرت فاطمه(س) در پاسخ پدر

<sup>1</sup>. اصول کافی، ج 5 ص 528.

فرمود: ای رسول خدا! او مرا نمی‌بیند؛ اما من او را می‌بینم و او بوی مرا حس می‌کند. رسول خدا فرمود: گواهی می‌دهم که تو پاره‌ی تن منی.

عَلَيْ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) لَمَّا أَخَذَ عَلَيْهِ الْقَبْرَ نَحْبَ جَدِّهِ فَقَالَ مَا  
الَّتِي (ص) لَيْسَ جَدِّهِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ لَمْ يَكُنْ فِي [بَرِّيهِ] فَأَقَالَ لَوْ مَرَّ  
بِئْسَ الرَّيْحَ فَقَالَ اللَّهُ (ص) لَمَّا أَخَذَ ذَلِكَ بِضَلْفَتَيْهِ

### نگران حجاب و عفاف بعد از مرگ

اسماء بنت عمیس نقل می‌کند: روزهای آخر زندگانی حضرت زهرا (س) با او بودم. روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت و ابراز نگرانی فرمود که چرا جنازه‌ی زن را روی تخته‌ای می‌گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می‌شود؟

حضرت زهرا (س) فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه‌ی زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می‌دهد، مرا بر روی تابوت آن چنانی نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد. اسماء می‌گوید: من خدمت حضرت توضیح دادم که چگونه در سرزمین حبشه تابوت درست می‌کنند که بدن میت را می‌پوشاند و سپس به وسیله‌ی چوب‌های تر و شاخه‌های نازک درخت شکل آن را ترسیم کردم. حضرت زهرا (س) خوش‌حال شده فرمود: ای اسماء! برای من تابوتی مثل آن درست کن تا مرا بپوشاند خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید.<sup>۲</sup>

1. الجعفریات، ص 95 و النوادر، ص 14.

2. نهج الحیات، ص ۸۸.

فَأَمَّا زَيْنَبُ فَوَدَّعَتْهَا وَاللَّهُ فَضَّلَهَا فَذَاتُ الْاِحْقَابِ لِي زَيْنَبُ امْتَرَ فِي نَفْسِهَا  
 لِي فِي لَيْلٍ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ اِرْتَمَتْ زَيْنَبُ فَاَصْنَعُ لَكَ فَاَنْ اَمِيلُ صَنَعْتُ لَكَ  
 نَفْسِي فَجَعَلْتُ بِسَرِّكَ الْكَلْبَ بِرَأْسِهِ جَعَلْتُ جِزْرِيكَ نَشْحَتَهُ قُرُونَهُ بِاللَّذْرِ اَنْفَلْتُ  
 عَجَلْتُ اَرْبَعًا بِصَفَرٍ نَفَلْتُ اَصْنَعُ لِي عِلْمًا امْتَرَ بِهِ سَوَّلَ الْاَسْتِ الْاَسْرَ

### حجاب در بیرون از خانه

وقتی از جانب حاکمان وقت، فدک - که مال شخصی حضرت زهرا(س) بود- غصب شد، حضرت فاطمه(س) خود را با چادری پیچید و با گروهی از زنان به جانب مسجد به راه افتادند. حضرت خود را سخت مستور داشته بود و همچون پیامبر خدا(ص) قدم بر می داشت، برای دور ماندن حضرت از نگاه نامحرمان پرده‌ای در مسجد آویخته شد و فاطمه(س) در پس آن قرار گرفت. آن گاه حضرت سخنرانی معروفش را در آن مسجد در حضور حاکمان و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، سران قبائل و... ایراد نمود.

فَأَمَّا زَيْنَبُ فَوَدَّعَتْهَا وَاللَّهُ فَضَّلَهَا فَذَاتُ الْاِحْقَابِ لِي زَيْنَبُ امْتَرَ فِي نَفْسِهَا  
 لِي فِي لَيْلٍ لَيْسَ فِي الْبَيْتِ اِرْتَمَتْ زَيْنَبُ فَاَصْنَعُ لَكَ فَاَنْ اَمِيلُ صَنَعْتُ لَكَ  
 نَفْسِي فَجَعَلْتُ بِسَرِّكَ الْكَلْبَ بِرَأْسِهِ جَعَلْتُ جِزْرِيكَ نَشْحَتَهُ قُرُونَهُ بِاللَّذْرِ اَنْفَلْتُ  
 عَجَلْتُ اَرْبَعًا بِصَفَرٍ نَفَلْتُ اَصْنَعُ لِي عِلْمًا امْتَرَ بِهِ سَوَّلَ الْاَسْتِ الْاَسْرَ

1. تهذيب الاحكام، ج 1 ص 469.

2. دلائل الامامة، ص 111، بلاغات النساء، ص 23.



### نزدیک‌ترین لحظه‌ی زن به خدا وقتی است که زن در خانه باشد

حضرت علی(ع) ناراحت در منزل وارد شد، حضرت فاطمه(س) علت ناراحتی حضرت را پرسید و حضرت علی(ع) جواب داد: امروز پیامبر(ص) از ما مسئله‌ای را پرسید که ما جواب آن را نمی‌دانستیم. حضرت فاطمه(س) پرسید آن مسئله چه بود؟ حضرت فرمود پیامبر(ص) از ما پرسید که نزدیک‌ترین زمان یک زن به خدا چه موقع است. حضرت فاطمه(س) فرمود: آن لحظه‌ای که زن در خانه‌ی خود می‌ماند (و به کارهای خانه و تربیت فرزندانش می‌پردازد) نزدیک‌ترین حالت زن به خدا است. علی(ع) آن را به پیامبر(ص) گفت و حضرت پیامبر(ص) فرمود: فاطمه(س) درست گفته است و وی پاره‌ی تن من است و بر او سلام باد.

آن تا آنکه حضرت رسول (ص) در خانه فاطمه علی(ع) فرمود: «مَا كَانَ مِنْ نِسَاءٍ مِنْ نِسَائِكُمْ أَحَبَّ إِلَيَّْ مِنْ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ»<sup>1</sup> و آن تا آنکه حضرت رسول (ص) فرمود: «مَا كَانَ مِنْ نِسَاءٍ مِنْ نِسَائِكُمْ أَحَبَّ إِلَيَّْ مِنْ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ»<sup>2</sup> و آن تا آنکه حضرت رسول (ص) فرمود: «مَا كَانَ مِنْ نِسَاءٍ مِنْ نِسَائِكُمْ أَحَبَّ إِلَيَّْ مِنْ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ»<sup>3</sup> و آن تا آنکه حضرت رسول (ص) فرمود: «مَا كَانَ مِنْ نِسَاءٍ مِنْ نِسَائِكُمْ أَحَبَّ إِلَيَّْ مِنْ فَاطِمَةَ فَاطِمَةَ»<sup>4</sup>

### حجاب حضرت فاطمه(س) در نماز

چادر حجاب برتر است؛ اما در نماز آن چه که واجب است پوشیدن بدن و موها است. حضرت فاطمه(س) مطابق روایات با روسری که بر سر می‌گذاشت، نماز می‌خواند، بدون این که از چادر در نماز استفاده کند. فضیل<sup>2</sup> از امام باقر(ع)

<sup>1</sup> . الجعفریات، ص 95، النوادر للراوندی، ص 14.

<sup>2</sup> . فضیل بن عیاض (درگذشته‌ی ۱۸۷ق)، عارف و زاهد مشهور است. وی از شاگردان امام صادق(ع) بود و از ایشان روایاتی نقل کرده است. اغلب عالمان رجالی شیعه او را از اهل سنت می‌دانند و در عین حال وی را از



نقل می‌کند که فرمود: فاطمه(س) در پیراهن خود نماز می‌خواند و روسری او مو و گوش‌هایش را پوشش می‌داد.

وَبِجَدِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (ع) - صَلَّاتُهَا (ع) فِي خُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى بَيْتِهَا لَمَّا أَلَمَّ بِمَنْزِلِهَا وَرَأَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُلَّتْ بِهَا



راویان موثق و قابل اعتماد به شمار می‌آورند. گفته‌اند که وی در ابتدا راهزن بوده؛ ولی در پی حادثه‌ای توبه کرده است. شبی وی به نیت یک زن از دیوار خانه‌ای بالا رفته بود، صدای کسی را شنیده بود که مشغول خواندن این آیه‌ی از قرآن بود: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...» (ترجمه: آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا نرم [و فروتن] گردد.) [سوره حدید-۱۶] فضیل با شنیدن این کلام دگرگون شد و بی‌اختیار گفت: خداوندا! وقت آن رسیده است؛ و فوراً از دیوار پایین آمد و از گناهی که در نظر داشت، چشم پوشید. همین تذکر سبب شد که فضیل از تمام آلودگی‌ها، خود را نجات دهد و دست از دزدی و گناه بشوید. در همان شب که این دگرگونی در درون فضیل پدید آمده و او را سرگردان و منقلب ساخته بود، گذرش به کاروان‌سرای افتاد که کاروانی در آن فرود آمده و بار انداخته بود. فضیل در گوشه‌ای خزید و سر به گریبان، بر گذشته‌ی پرگناه خود افسوس می‌خورد. در آن حال شنید که کاروانیان درباره‌ی ساعت حرکت سخن می‌گویند. یکی از کاروانیان می‌گفت: رفقا! امشب حرکت نکنید و بگذارید هوا روشن شود، زیرا به قرار اطلاع، فضیل بر سر راه است و خطر او قافله را تهدید می‌کند.

سخن اضطراب‌آمیز کاروانیان، آتشی در دل فضیل برافروخت و از این‌که جنایات او، این چنین مردم را مضطرب و پریشان ساخته به شدت متأثر شد و بی‌اختیار از جا برخاست و گفت: مردم بدانید من فضیل بن عیاضم و آسوده‌خاطر باشم که دیگر فضیل دزدی نمی‌کند و راه را بر کاروانیان نمی‌بندد. او به درگاه خدا بازگشته و از گناه خود توبه کرده است. داستان توبه‌ی او در منبرهای واعظان زیاد یاد می‌شود.

1. من لایحضره الفقیه، ج 1 ص 257.





### حجاب و حیا‌ی حضرت فاطمه (س)

یکی از گوهرهای گران بها برای انسان، اعم از زن و مرد، حیا است. حضرت فاطمه سؤالاتی را از پدر پرسید؛ از جمله این که: انسان ها در قیامت چگونه برانگیخته می شود؛

در روایتی از حضرت فاطمه (س) نقل شده است که فرمود: روزی از پیامبر خدا پرسیدم: آیا اهل دنیا روز قیامت برهنه اند؟ پیامبر (ص) فرمود: آری دخترم، گفتم: آیا من هم برهنه ام؟ فرمود: آری شما هم؛ ولی آن جا کسی به کسی توجه ندارد. گفتم: «واسواتاه، یومئذ من الله عزوجل»؛ چقدر جای شرمندگی است آن روز در مقابل خدای متعال. هنوز از محضر پدر بیرون نرفته بودم، که فرمود: اکنون جبرئیل (ع) آمده به من می گوید: ای محمد به فاطمه (س) سلام برسان و بگو به جهت حیا و شرمت از خدا پرودگار وعده فرمود: که او را در روز قیامت به دو لباس از نور ببوشاند.

قَالَ لِي بِنِ الْحَسَنِ (ع) قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ نَفَلَتْ بِالرَّحْلِ الْحَبَابِيَةِ وَالْقِيَامَةِ وَالنَّارِ  
 نَفَلَتْ لِرَأْفَتِهِ بِأَنَّهَا نَفَلَتْ لِرَأْفَتِهِ بِالرَّحْلِ الْحَبَابِيَةِ وَالْقِيَامَةِ وَالنَّارِ  
 مَسْرُوقًا لِي بِأَنَّهَا نَفَلَتْ لِرَأْفَتِهِ بِالرَّحْلِ الْحَبَابِيَةِ وَالْقِيَامَةِ وَالنَّارِ  
 لَأَيِّتِهِ (ع) نَفَلَتْ لِي بِأَنَّهَا نَفَلَتْ لِرَأْفَتِهِ بِالرَّحْلِ الْحَبَابِيَةِ وَالْقِيَامَةِ وَالنَّارِ  
 نَفَلَتْ لِي بِأَنَّهَا نَفَلَتْ لِرَأْفَتِهِ بِالرَّحْلِ الْحَبَابِيَةِ وَالْقِيَامَةِ وَالنَّارِ

1. کشف الغمه، ج 1 ص 497.



## حجاب ساده اما کامل

حضرت زهرا(س) لباس ساده بر تن می‌کرد. همان‌گونه که یادآور شدیم، حضرت زهرا(س) در موقع عبادت و در مراسم‌ها لباس نو و مرتب می‌پوشید؛ اما در هنگام کار لباس ساده بر تن می‌کرد. سلمان فارسی نقل می‌کند که روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادر وصله‌دار و ساده بر سردارد. تعجب کردم و با خودم گفتم: عجب! دختران پادشاه قیصر و روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربافت به تن می‌کنند و این دختر رسول خدا(ص) است که نه چادر گران‌قیمت بر سردارد و نه لباس زیبا. فاطمه(س) در پاسخ فرمود: ای سلمان، خداوند بزرگ لباس‌های زینتی و تخت‌هایی طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## اجتناب از جلب توجه

وظیفه‌ی دیگری زنان، پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه‌کننده و غیرعقیفانه است؛ در قرآن کریم آمده است: «و لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»<sup>۲</sup> هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت‌های پنهان‌شان دانسته شود و صدای زیورآلات‌شان از قبیل خلخال، دست‌بند و گوشواره به صدا در نیاید».

زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه‌کننده دقت لازم را بنمایند. نباید اعمال و رفتار بانوان در استفاده از وسایل زینتی و استعمال عطر و

<sup>۱</sup>. نهج‌الحيات، ص 162.

<sup>۲</sup>. نور 31.

بوی خوش به گونه‌ای باشند که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها گردند.

خداوند در آیه‌ی دیگری که مربوط به حرمت خودآرایی و خودنمایی است و این عمل زشت را جاهلان و همچون جاهلیت قدیم قبل از اسلام می‌شمارد، می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ؛ و... [ای همسران پیامبر (ص)] در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید و...»

«تبرّج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان‌طوری که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت قبل از پیامبر اکرم(ص) است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عقیقانه نبوده است.

این آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم(ص) است، اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه‌ی زنان می‌شود.

براساس این آیه، خودآرایی و خودنمایی زنان که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم، عمل جاهلان‌ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین ننگی بروند، بلکه باید این غریزه‌ی طبیعی را در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل و در جهت مثبت آن (برای شوهر) به کار گیرند.



به طور یقین، با رعایت عفاف و حجاب، آثار و برکاتی؛ از جمله: بالا رفتن ارزش و احترام زن، آرامش روانی، پای‌بندی به خانواده و استحکام اجتماع به بار می‌نشیند.

### آرایش برای نامحرمان

یکی از مسایل مهمی که در مورد حجاب زنان مطرح است، مسئله‌ی آرایش است. از لحاظ دینی آرایش کردن زن برای شوهر مستحب و پسندیده است. اگر زنان در محافل زنانه آرایش کنند و در میان آن‌ها باشند نیز اشکال ندارند. صورت دیگر این است که زنان برای مردان نامحرم آرایش کنند، خود را عطر بزنند و... این مورد حرام است. در روایتی که پیامبر(ص) در شب معراج رفت و زنانی را دید که گوشت بدن خود را می‌خورد، آمده است: کسی که گوشت بدن خود را می‌خورد، زنی بود که بدن خود را برای مردم می‌آراست.

رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَلْتَمِسُ لَهَا لَحْمًا فَذَمَّهَا لَأَنَّهَا كَفَرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ لِلنَّاسِ

### بدحجاب‌ها

امیرالمؤمنین(ع) روایت می‌کند که روزی من همراه همسر، حضرت فاطمه(س)، خدمت پیامبر(ص) رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر(ص) به شدت گریه می‌کند، عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول‌الله! چه باعث شده است که این قدر گریه می‌کنی؟ حضرت پیامبر(ص) فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان اتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند، به این جهت گریه می‌کنم. آن‌گاه حضرت پیامبر توصیف کرد زنانی را که با موهایش

<sup>1</sup> . عیون اخبار الرضا، ج 2 ص 11.

آویزان بود ... حضرت فاطمه (س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان گناه این زنان چه بوده است که این گونه مورد عذاب بوده است؟ پیامبر (ص) در جواب دخترش فرمود: دخترم! آن که با مویش آویزان بود موی سر خود را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند.

لَمَّا رَوَيْتُ لَهَا بِنَاصِيَةِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ حَتَّى تَأْتِيَ بِرَأْسِهَا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ  
 إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 (المسعودي رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي خَدَّيْكِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 فَحَدَّ بِهَا رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 بِصَبِّ فِي خَدَّيْكِ رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 فَحَدَّ بِهَا رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 صَدَأَ هَيْبَةً عَرِيضَةً فِي قَلْبِي مِنْ نَارِ عَذْرَاءِ حَمَلٍ رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 الْجَذْوُ وَالرَّيْحُ رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 جَدَّهَا مِنْ مَخْطُومٍ مَرَّحًا بِهَا بِقُرْبِهَا مِنْ نَارِ عَذْرَاءِ حَمَلٍ رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 فَكُلَّ لَمَعًا هَارٍ رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 الْقَدَّابِ رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 بِحُزْنٍ يَرَى رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 مَسِيرَتَهُنَّ عَنِّي رَضِعَ لَهَا كَلْبًا فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي  
 فَحَدَّ بِهَا رَأْيْتُ لَهَا رَأْسًا مِنْ رِجْلِهَا قَرَّبَ خَدَّيْكِ إِلَيْهِ فَحَدَّ بِهَا فَتَمَّتْ فَجَالَ لِي فِي رَأْسِي بِأَسْرٍ لَمْ أَسْأَلِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا مَا أَسْرَجَ فِي رَأْسِي

1. عيون اخبار الرضا، ج 2 ص 11.



## یادآوری پایانی

حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) الگوی نیک و شایسته برای زنان و مردان جامعه است. حضرت، همان‌گونه که در مسایل عبادی، تربیت فرزند، شوهرداری و... موفق بوده است در مسایل اجتماعی و سیاسی نیز موفق بوده است. حضرت زهرا(س) بی‌جهت از خانه بیرون نمی‌رفت و خود را در معرض نامحرمان قرار نمی‌داد، اما هر زمان لازم بود با حفظ حجاب و عفاف وارد جامعه می‌گردید، چرا که او یک مبارز و سیاست‌مدار هم بود.

برای فهم موقعیت و عمل‌کردهای حضرت زهرا(س) شایسته است انسان سنت جامعه‌ی آن روز، جایگاه زنان در آن دوران و... را در نظر گرفته، آن‌گاه به قضاوت بنشیند. حضرت فاطمه(س) برای احقاق حق همسرش از هیچ کوششی دریغ نورزید. وی در جمع مهاجر و انصار حاضر شد و سخنرانی کرد، شب‌ها همراه با همسر در خانه‌ی مردم و افراد متنفذ جامعه‌ی آن روز رفت و اقدام به روشن‌گری نمود و از آن‌ها کمک خواست.

حضرت فاطمه(س) تشییع جنازه‌اش هم سیاسی‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تشییع جنازه‌ای تاریخ بود. حضرت با وصیتش به امیرالمؤمنین(ع) -که فرمود وی را شبانه غسل دهد، کفن کند و به خاک بسپارد- تا امروز نیز به مبارزه‌اش ادامه داده است. این پرسش مهم برای همیشه مطرح است که حضرت فاطمه(س) چرا وصیت کرد که شب به خاک سپرده شود؟

## خطبه فدکیه<sup>۱</sup> نمونه‌ی از سخنرانی حضرت زهرا<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> فدک در زمان حیات رسول خدا(ص)، دهکده‌ای آباد بود که در نزدیکی خیبر به فاصله ۱۶۰ کیلومتری مدینه قرار داشت. پس از تصرف قلعه‌های خیبر توسط مسلمانان، مردم این دهکده همین که پایان کار خیبر را دیدند، با



## شان نزول خطبه

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه (س) بگیرند و این خبر به حضرت زهرا رسید، حضرت، چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود به سوی مسجد پیامبر<sup>۲</sup> روانه شد. راه رفتن حضرت زهرا، همانند راه رفتن پیامبر خدا بود. حضرت، بر ابوبکر که در میان

→

پیامبر(ص) صلح کردند که نیمی از این دهکده از آن او باشد، و آنان در مزرعه‌های خود باقی بمانند. چون سرپازان اسلام در فتح این دهکده شرکت نداشتند، فدک به حکم قرآن، خالصه [= مختص] پیامبر گردید. رسول خدا(ص) درآمد این زمین را به مستمندان بنی هاشم می‌داد، سپس آن را به دستور قرآن، به دختر خود فاطمه(س) بخشید. (برخی مفسران، از جمله شیخ طوسی، طبرسی، حسکانی، سیوطی ذیل آیه «وَأْتِ دَا الْقُرْبَىٰ ۖ حَقَّهُ» (و حق خویشاوند را به او بده) تصریح کرده‌اند که: چون این آیه نازل شد پیامبر(ص) فدک را به فاطمه بخشید. و فدک تحت تصرف حضرت فاطمه بود تا اینکه از سوی خلیفه غضب شد و بر خلاف موازین قانونی از ذوالید شاهد خواسته شد.

<sup>1</sup> این سخنرانی تاریخی، شیوا، بلیغ، گله آمیز، ترساننده و آتشین است. ظاهراً قدیمی ترین سند موجود که این خطبه در آن ضبط شده، کتاب بلاغات النساء گرد آورده ی ابوالفضل احمد بن ابی طاهر مروزی متولد ۲۰۴ و متوفای ۲۸۰ هجری قمری است. احمد بن ابی طاهر این خطبه را به دو صورت و با دو روایت ضبط کرده است، اما در سندهای متأخر، هر دو ققره در هم آمیخته است و خطبه به یک صورت که شامل هر دو قسمت است دیده می‌شود.

<sup>2</sup> در عصر پیامبر(ص) و صدر اسلام، مسجد تنها مرکز دادخواهی بود. هر کس از صاحب قدرتی شکایتی داشت، هر کس حقی را از دست داده بود، هر کس از حاکم یا زمامدار، رفتاری دور از سنت پیامبر می‌دید، شکوه خود را بر مسلمانان عرضه می‌کرد، و آنان مکلف بودند تا آنجا که می‌توانند او را یاری کنند و حق او را بستانند. در اینجا نیز از دختر پیامبر(ص) حقی را گرفته و با گرفتن این حق سنتی را شکسته بودند. لذا حضرت زهرا با گروهی از زنان وارد مسجد شدند که در آنجا مسلمانان و خلیفه وقت حاضر بودند و حضرت فاطمه در مسجد دادخواهی کرد.



عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، بین او و مردان پرده‌ای آویزان کردند، آنگاه حضرت زهرا، ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس شور و هیجان خاص داشت. سپس حضرت زهرا، لحظه‌ای سکوت کرد تا صدای مردم خاموش، گریه آنان ساکت و جوش و خروش آنها آرام یافت.<sup>۱</sup>

### آغاز خطبه با حمد الهی

آنگاه حضرت زهرا کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز نمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، حضرت، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

خداوند را بابت نعمت‌هایی که به ما عطا کرد، سپاس گذارم، و تشکر از او بابت آنچه که به ما الهام کرد، و ثنا و شکر بر او باد به خاطر نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منت‌های بیشماری که ارزانی داشت، نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دور است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

### شهادت به وحدانیت خداوند

شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوندی که شریک ندارد نیست، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشمها از

<sup>۱</sup> مسند کلمات فاطمه الزهراء، ص 202.



دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نعمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

### شهادت به رسالت پیامبر

شهادت میدهم که پدرم محمد بنده و فرستاده خدا است، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، خداوند بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات پیامبر را برانگیخت.

علت اینکه خداوند پیامبر را مبعوث به رسالت کرد این بود تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشیهای افروخته معتکف و بتهای تراشیده شده را می‌پرستند، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکیهای آن را روشن، و مشکلات قلبیها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و



با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.

هنگامی که خداوند او را بسوی خود، از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل فراخواند، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد. آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود:

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امین‌های خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امت‌هایید، زامدار حق در میان شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده است:

### اهمیت قرآن و فلسفه تشریح احکام

آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجتهای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر میباشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن میتوان به حجتهای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهی‌های جلوه‌گرش و برهان‌های کافی‌اش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصت‌های بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت. پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را

برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در به دست آوردن پاداش قرار داد. و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلح ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود.

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.

پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک میترسند. آنگاه فرمود:

### معرفی نسب و جایگاه خود

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز میگویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است.

پس اگر او را بشناسید میدانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.



رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطان‌ها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهان‌های شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید، همچون آتشنزنی‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشتید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده میکردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را برابیند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگ‌های عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتی‌ها کشیدید.

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرانان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته،

نصیحتگر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت کننده نمی‌هراسید.

و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مه‌د امن متنعم بودید، و در انتظار بسر میبردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

### غصب خلافت

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را انتخاب کرد، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌های تان آمد، و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر چیزی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را



پشت سر انداختید، آیا بیرغبتی به آن را خواهید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

آنگاه آنقدر صبر نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتشگیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خوردید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برآن و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم.

### غصب حق مسلم من

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و اما من از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر میاندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش میکند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما

فرا رسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران».

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

### درخواست کمک از انصار برای گرفتن فدک

آنگاه حضرت زهرا رو به سوی انصار کرده و فرمود: ای گروه نقباء، وای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه به سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن میکوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد.

آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و



زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوه‌ها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌های تان، و در مجالس شبانه و روزانه تان، آرام و بلند، و با تلاوت آن را میخوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید:

محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد به- خدا زبانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.»

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمیدهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهلیت برگزیده شدید!

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز



خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرار تان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید.

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

### اتمام حجت با مسلمانان

آگاه باشید میبینم که به تن آسایی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراختای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروربرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بیوفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمّل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاوولدار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است.

آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی میدانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هر چه



خواهید بکنید و ما هم کار خود را میکنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم.

### احتجاج روایی خلیفه

آنگاه ابوبکر پاسخ داد: ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند.

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نخواهد گردید.

و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و خدا را گواه میگیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهییم، و آنچه از ما باقی میماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزد، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم،



و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.

### پاسخ قرآنی حضرت زهرا

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا رویگردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دام‌هایی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی میاندازد، و می‌فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».

و خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

### اعتراف خلیفه به حقانیت سخن حضرت زهرا

ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل میباشد و راست می‌گوید، سخن حقّت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان



بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.

### سخن پایانی حضرت زهرا با مردم

آنگاه حضرت فاطمه رو به مردم کرده و فرمود: ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده می‌گیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فرا گرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بد چیزی معاوضه نمودید، به خدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زینهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زینکار گردند.

### فرجام سخن دلدردی با حضرت خاتم

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود: بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد. ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند. هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما. مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد. ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.

## فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه المرعشی النجفی، 1404 ق.
4. ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی، بی تا.
5. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجغریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
6. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، تهران: کتابچی، 1376 ش، چ 6.
7. ابن بابویه، محمد بن علی - آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، عیون أخبار الرضا علیه السلام / ترجمه آقا نجفی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.
8. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للمصدق)، قم: جامعه مدرسین، 1398 ق.
9. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، 1362.
10. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، 1385.
11. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1403 ق.
12. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، 1413.

13. ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، محقق و مصحح: محمد حسين، حسيني جلالى، قم: جامعه مدرسین، 1409 ق.
14. ابن حيون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم: جامعه مدرسین، 1409 ق.
15. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت ع، 1385.
16. ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، الفضائل (لابن شاذان القمى)، قم: رضى، 1362.
17. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، قم: مدرسه الامام المهدي عج، 1407.
18. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب (ع)، قم: علامه، 1379 ق.
19. ابن طاووس، على بن موسى، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم: دارالرضى، 1330 ق
20. ابن طاووس، على بن موسى، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان كتاب، 1406.
21. ابن طاووس، على بن موسى، المجتنبى من الدعاء المجتبى، قم: دارالذخائر، 1411.
22. ابن طاووس، على بن موسى، كشف المحجة لثمره المهجئة، قم: بوستان كتاب، 1375.
23. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق: عبدالحسين امينى، نجف: دار المرتضويه، 1356 ق.
24. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه في معرفه الأئمة، تصحيح: ر



25. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة (ط - القديمة)، تبریز: بنی‌هاشمی، 1381.
26. اریک برن، بازی‌ها روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر آسیم، ۱۳۸۴.
27. امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، قم: شفق، 1381.
28. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم: مؤسسه الامام المهدي عج، 1413.
29. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت، 1374.
30. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1411.
31. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1371.
32. جزائری، نعمت الله بن عبد الله - مشایخ، فاطمه، قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)، تهران: انتشارات فرحان، 1381 ش.
33. حرالعالمی، محمد بن الحسن، «وسائل الشیعة»، قم: آل البيت (ع)، 1412 ق.
34. حرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه و تصحیح: آیت الله کمره‌ای و علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامی، 1373 ش، چ 5.
35. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، 1411.



36. حسن بن على عليه السلام، امام يازدهم، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، قم: مدرسه الامام المهدي عج، 1409.
37. الحسيني الفيروز آبادي، سيد مرتضى، فضائل الخمسه من صحاح السنه، قم: المجمع العالمي لاهل البيت، 1422.
38. الحسيني المرعشي التستري، نور الله، ملحقات احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مكتبه آيت الله المرعشي النجفي، بي تا.
39. حسيني موسوي، محمد بن أبي طالب، تسليه المجالس و زينه المجالس (مقتل الحسين عليه السلام)، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، 1418 ق.
40. حلواني، حسين بن محمد، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسه الامام المهدي، 1408 ق.
41. حلي، رضی الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلي)، العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة، قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، 1408 ق.
42. حميري، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديثه)، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، 1413 ق.
43. خصيبی، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، بيروت: البلاغ، 1419.
44. دشتی، محمد، نهج الحياه يا فرهنگ سخنان فاطمه (س)، قم: مؤسسه تحقيقاتی اميرالمؤمنين، 1372.
45. ديلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمی)، قم: الشريف الرضي، 1412.
46. ديلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، 1408 ق.
47. ديلمی، حسن بن محمد - طباطبایي، سيد عباس، إرشاد القلوب / ترجمه طباطبایي، قم: جامعه مدرسين، 1376.
48. ديلمی، حسن بن محمد، أعلام الدين في صفات المؤمنين، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1408.



49. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النواد (لراوندی)، محقق و مصحح: صادقی اردستانی، احمد، قم: دار الكتاب، بی تا.
50. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه‌ی زهرا سرور دل پیامبر(ص)، ترجمه مهدی جعفری، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.
51. رسالة الحقوق امام سجاد(ع)، ترجمه: دکتر جمال الدین موسوی، بی جا، گلپان، 1376 ش، چ 2.
52. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، بیروت: شركة ابناء شريف الانصاری، 2005.
53. الشاکری، حسین، موسوعه المصطفی و العتره، قم: الیهادی، 1415.
54. شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة الیهامیم، قم: جامعه مدرسین، 1420 ق.
55. شرف الدین، محمد حسین، تحلیلی اجتماعی از صلہ رحم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1373 ش.
56. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف: مطبعه حیدریه، بی تا.
57. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد للشیخ المفید، قم: مکتبه بصیرتی، بی تا.
58. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1409 ق.
59. الصالحی، عبدالله، الشریفی، محمود و دیگران، موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهراء، قم: منظمه الاعلام الاسلامی، 1429.
60. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الیهدی، قم: مؤسسه آل البيت، 1417.
61. الطبرسی، علی الفضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الیهدی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۲۴.

62. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، مشهد: نشر مرتضی، 1403.
63. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، 1370.
64. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبه الحیدریه، 1385 ق.
65. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحدیثه)، قم: بعثت، 1413.
66. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداء علیهم السلام، قم: دلیل ما، 1427 ق.
67. طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی (ط - القدیمة)، نجف: المكتبه الحیدریه، 1383 ق.
68. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407.
69. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، قم: دار المعارف الإسلامیة، 1411.
70. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه، 1380.
71. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة)، قم: انتشارات رضی، 1375.
72. القرشی، باقر شریف، موسوعه سیره ی اهل البیت (ع) فاطمه (س) الزهرا (س)، ج 9، قم: دارالمعروف، 1430.
73. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1409.
74. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الانوار، ایران: دارالاسوه، 1422.



75. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بیروت: دارالمجتبی، ۱۹۹۹.
76. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم: نوید اسلام، 1386.
77. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، 1404.
78. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368.
79. کارنگی، دیل، آئین دوست‌یابی، ترجمه: محمدرضا اکبری بیرقی، تهران: اردیبهشت، 1384، چ 6.
80. کجوری مازندرانی، محمد باقر، فاطمه‌ی زهرا(س) این گونه بود؛ خصائص فاطمیه، قم: انتشارات مؤمنین، 1391.
81. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407.
82. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، ج 2، تهران: نشر توتیا، 1375 ش.
83. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه‌ی الطبع و النشر فی وزارة‌ الإرشاد الإسلامی، 1410.
84. گری مکی و استیون میل، مدیریت عصبانیت برای خانواده‌ها، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۹۰.
85. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: الاعلمی، ۱۴۱۲.
86. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا(س) علیها السلام (ترجمه جلد 43 بحار الأنوار) ترجمه محمد روحانی، تهران: انتشارات مهام، 1379.
87. المصری، محمود، صحابیات حول الرسول، بیروت: دارالتقوی، 1424.
88. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ مفید، 1413.
89. مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ره، 1413.

90. الموسوی، فخار بن معد، إيمان أبي طالب (الحجة على الذاهب إلى كفر أبي طالب)، قم: دار سيدالشهدا للنشر، 1410.
91. میبدی، حسین بن معین الدین / زمانی، مصطفی، دیوان أمير المؤمنين عليه السلام، قم: دار نداء الاسلام للنشر، 411.
92. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت ع، 1408.
93. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان: انتشارات مرکز فرهنگي شهيد مدرس، 1389.
94. الهاللی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم: الهادی، 1405.